@memargold

معمار گلد

مرکز تحقیقات رایانه‌ای

قائمیه اصفهان

السلام علیک یا صاحب الزمان

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

معماری کربلا

در گذر تاریخ

بسم الله الرحمن الرحیم

معمار گلد

@memargold

معماری کربلا در گذر تاریخ

نویسنده:

رئوف محمدعلی انصاری

ناشر چاپی:

انتشارات مسجد مقدّس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

@memargold

فهرست

فهرست ----- ۵
معماری کربلا در گذر تاریخ ----- ۱۸
مشخصات کتاب ----- ۱۸
سخن ناشر ----- ۱۸
مقدمه ----- ۱۸
تعریف اصطلاحات ----- ۲۰
عوامل پیدایش شهرهای اسلامی ----- ۲۰
عوامل پیدایش شهرهای اسلامی ----- ۲۰
۱. شهرهای قدیمی ----- ۲۱
۲. شهرهای بزرگ ----- ۲۱
۳. شهرهای دارای ضریح ----- ۲۲
تنوع تمدّن‌ها و تأثیر آن در گسترش هنر عمارت های اسلامی ----- ۲۲
فصل اوّل: مراحل تاریخی معماری کربلا ----- ۲۶
مقدمه ----- ۲۶
کربلا قبل از اسلام ----- ۲۶
حادثه کربلا ----- ۲۹
تاریخ کربلا از حادثه کربلا تا حکومت صفویه در عراق ----- ۳۲
تاریخ کربلا طی دوران حاکمیت صفویه و عثمانی بر عراق ----- ۳۶
تاریخ کربلا از زمان تأسیس دولت عراق در سال ۱۹۲۱ م ----- ۴۰
فصل دوم: مراحل توسعه عمرانی معماری کربلا ----- ۴۴
مقدمه ----- ۴۴
مصالح اصلی در معماری فرهنگی ----- ۴۴
معماری کربلا از حادثه عاشورا تا دوره حاکمیت صفویه در عراق ----- ۴۷

معماری کربلا طی دوران حاکمیت صفویه و عثمانی بر عراق ----- ۴۹
معماری کربلا از زمان تأسیس دولت عراق در سال ۱۹۲۱ ----- ۵۱
فصل سوم: بناهای مذهبی در معماری کربلا ----- ۵۴
مقدمه ----- ۵۴
حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام ----- ۵۴
حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام ----- ۵۴
نخستین عمارت ----- ۵۵
دومین عمارت ----- ۵۵
سومین عمارت ----- ۵۵
چهارمین عمارت ----- ۵۵
پنجمین عمارت ----- ۵۶
ششمین عمارت ----- ۵۶
هفتمین عمارت ----- ۵۶
وضع کنونی عمارت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام ----- ۵۷
وضع کنونی عمارت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام ----- ۵۷
باب القبله ----- ۵۹
باب الزینبیه ----- ۵۹
باب السلطانی ----- ۵۹
باب السدره ----- ۶۰
باب الصحن الصغیر (باب الشهدا) ----- ۶۰
باب قاضی الحاجات ----- ۶۰
باب رأس الحسین ----- ۶۰
باب الکرامهٔ ----- ۶۰
باب الرجاء ----- ۶۰

باب الصالحین ----- ۶۱
حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام ----- ۶۱
وضع کنونی عمارت حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام ----- ۶۳
وضع کنونی عمارت حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام ----- ۶۳
باب القبلهٔ ----- ۶۴
باب الامام الحسن‌علیه السلام ----- ۶۴
باب الامام الحسین‌علیه السلام ----- ۶۴
باب صاحب الزمان‌علیه السلام ----- ۶۴
باب الامام موسی الکاظم علیه السلام ----- ۶۴
باب الامام محمّد الجوادعلیه السلام ----- ۶۴
باب الامام علی الهادی‌علیه السلام ----- ۶۵
باب العلقمی ----- ۶۵
باب الامام امیرالمؤمنین‌علیه السلام ----- ۶۵
آرامگاه های سایر بزرگان در شهر کربلا ----- ۶۵
آرامگاه های سایر بزرگان در شهر کربلا ----- ۶۵
- آرامگاه حرّ بن یزید ریاحی ----- ۶۶
حالت کنونی این آرامگاه ----- ۶۶
- آرامگاه عون بن عبدالله ----- ۶۶
حالت کنونی آرامگاه ----- ۶۶
- آرامگاه احمد بن فهد حلّی ----- ۶۷
حالت کنونی این آرامگاه ----- ۶۷
آرامگاه سیّد احمد ابوهاشم ----- ۶۷
- حالت کنونی این آرامگاه ----- ۶۸
آرامگاه اخرس بن الکاظم ----- ۶۸

- حالت کنونی این آرامگاه ----- ۶۸
آرامگاه امام نوح ----- ۶۸
حالت کنونی آرامگاه ----- ۶۹
- آرامگاه ابن الحمزة ----- ۶۹
حالت کنونی آرامگاه ----- ۶۹
مقامات ----- ۶۹
مقامات ----- ۶۹
- مقام امام مهدی‌علیه السلام ----- ۷۰
وضع کنونی بنای این مقام ----- ۷۰
- مقام تلّ زینبیّه ----- ۷۱
وضع کنونی بنای این مقام ----- ۷۱
خیمه‌گاه ----- ۷۱
وضع کنونی عمارت خیمه‌گاه ----- ۷۱
مساجد ----- ۷۲
مساجد ----- ۷۲
مسجد رأس الحسین‌علیه السلام ----- ۷۳
مسجد عمران بن شاهین: ----- ۷۳
مسجد سردار حسن خان ----- ۷۳
مسجد ناصری ----- ۷۳
مسجد میرزا شفیع خان ----- ۷۴
مسجد آقا باقر بهبهانی ----- ۷۴
مسجد صاحب الحدائق ----- ۷۴
مسجد شیخ خلف ----- ۷۴
مسجد شهرستانی ----- ۷۴

مسجد عطارین ----- ۷۴
مسجد اردبیلی ----- ۷۵
مسجد حمیدیه ----- ۷۵
مسجد عباسیه ----- ۷۵
مسجد تهرانی ----- ۷۵
مسجد ترک ----- ۷۵
مسجد حاج نصرالله ----- ۷۵
مسجد ماهی کلیب ----- ۷۶
مسجد سیّد هاشم فتح الله ----- ۷۶
مسجد صافی ----- ۷۶
مسجد شهید ثانی ----- ۷۶
مسجد المخیم ----- ۷۶
مسجد الکرامهٔ ----- ۷۶
حسینیه‌ها ----- ۷۶
حسینیه‌ها ----- ۷۶
۱. حسینیه دالان (الصالهٔ الحسینیهٔ) ----- ۷۸
۲. حسینیه آصفی ----- ۷۸
۳. حسینیه شیخ حسین عصفور ----- ۷۸
۴. حسینیه حیدری در کاظمیهٔ ----- ۷۸
حسینیه حیدری (تهرانی سابق) ----- ۷۸
فیضی حسینی (قصر سیفی) ----- ۷۹
حسینیه اصفهانی ----- ۷۹
حسینیه سیّد محمّد صالح ----- ۷۹
حسینیه حاج منن ----- ۷۹

حسینیه مازندرانی ----- ۷۹
حسینیه اسکویی حائری ----- ۸۰
حسینیه اولاد عامر ----- ۸۰
مدرسه‌ها و انجمنهای علمی دینی ----- ۸۰
مدرسه‌ها و انجمنهای علمی دینی ----- ۸۰
۱. مدرسه سردار حسن خان ----- ۸۲
۲. مدرسه سیّد مجاهد ----- ۸۲
۳. مدرسه صدراعظم نوری ----- ۸۳
۴. مدرسه زینبیه ----- ۸۳
۵. مدرسه بزرگ هندی ----- ۸۳
۶. مدرسه باد کوبه (ترک) ----- ۸۳
۷. مدرسه بقعه ----- ۸۴
۸. مدرسه سلیمیه ----- ۸۴
۹. مدرسه مهدیه ----- ۸۴
۱۰. مدرسه میرزا کریم شیرازی ----- ۸۴
۱۱. مدرسه کوچک هندی ----- ۸۴
۱۲. مدرسه ابن فهد حلّی ----- ۸۵
۱۳. مدرسه بروجردی ----- ۸۵
۱۴. مدرسه شریف العلما ----- ۸۵
۱۵. مدرسه امام باقر ----- ۸۵
۱۶. مدرسه حسنیه ----- ۸۶
۱۷. مدرسه مازندرانی ----- ۸۶
۱۸. مدرسه خوئی ----- ۸۶
۱۹. مدرسه خطیب ----- ۸۶

۲۰. دبستان امام صادق‌علیه السلام ۸۶
۲۱. دبیرستان امام صادق‌علیه السلام ۸۷
۲۲. مدرسه اوّل حافظان قرآن ۸۷
فصل چهارم: معماری کربلا بناهای تاریخی و قدیمی ۸۷
مقدمه ۸۷
بازارها و بازارچه ها ۸۸
بازارچه ها ۹۰
کاروانسرا ها ۹۱
کاروانسرا ها ۹۱
۱. کاروانسرا های داخل شهر ۹۲
۲. کاروانسرا های اطراف شهر ۹۲
۳. کاروانسرا های ویژه کاروان‌ها ۹۳
- کاروانسرای عطیشی ۹۳
- کاروانسرای نخیله ۹۴
- کاروانسرای عطشان ۹۴
حمّام های عمومی ۹۴
ویژگی‌های حمّام های عمومی ۹۵
مهم‌ترین و مشهورترین حمّام های محلّی و قدیمی شهر کربلا ۹۶
- حمّام مالح ۹۶
- حمّام کبیس ۹۶
- حمّام رکن الدوله ۹۶
- حمّام قبله ۹۶
- حمّام مشروطه ۹۷
- حمّام شاخه ۹۷

- حمّام مخیم ----- ۹۷
- حمّام یهودی ----- ۹۷
- حمّام نواب ----- ۹۷
- حمّام سعادت ----- ۹۷
- حمّام سعید شروفی ----- ۹۷
- حمّام بغدادی ----- ۹۸
خانه‌های قدیمی ----- ۹۸
۱. ویژگی‌های اصلیِ معماری خانه‌های قدیمی ----- ۹۸
۱. ویژگی‌های اصلیِ معماری خانه‌های قدیمی ----- ۹۸
- حیاط خانه ----- ۹۸
- درب اصلی ----- ۹۹
- راهرو کوچک ----- ۹۹
- ایوان ----- ۱۰۰
- زیرزمین ----- ۱۰۰
۲. ویژگی‌های ساختاری خانه‌های قدیمی کربلا ----- ۱۰۰
۲. ویژگی‌های ساختاری خانه‌های قدیمی کربلا ----- ۱۰۰
- اتاق‌های آویزان (معلّق) ----- ۱۰۱
- پنجره‌های چوبی کوچک و تزئینی ----- ۱۰۲
- ستون‌های چوبی ----- ۱۰۲
- مصالح ساختمانی محلی ----- ۱۰۳
- نما و تزئینات دیوارها ----- ۱۰۳
- آشپز خانه ----- ۱۰۳
- حمّام ----- ۱۰۳
- پشت بام خانه ----- ۱۰۴

قلعه اخیضر ----- ۱۰۴
قلعه اخیضر ----- ۱۰۴
۱. موقعیّت مکانی قلعه اخیضر ----- ۱۰۴
۲. تاریخ ساخت و نامگذاری قلعه اخیضر ----- ۱۰۴
۳. نامگذاری قلعه اخیضر ----- ۱۰۵
۴. اجزای معماری قلعه اخیضر ----- ۱۰۵
- دیوارها ----- ۱۰۶
- قسمت‌های داخلی قلعه اخیضر ----- ۱۰۶
- قسمت‌های داخلی قلعه اخیضر ----- ۱۰۶
۱. سالن بزرگ ----- ۱۰۶
۲. قسمت مرکزی ----- ۱۰۶
۳. ایوان بزرگ ----- ۱۰۷
۴. مسجد ----- ۱۰۷
۵. قسمت مخصوص نگهبانان ----- ۱۰۷
- خانه‌های مسکونی ----- ۱۰۷
- قسمت ویژه خدمتکاران ----- ۱۰۸
- حمّام ----- ۱۰۸
- ساختمان‌های بیرونی قلعه ----- ۱۰۸
فصل پنجم: بررسی اوضاع کنونی ساخت و ساز در کربلا و اصولی علمی برای از سرگیری طرّاحی و گسترش این شهر ----- ۱۰۸
مقدمه ----- ۱۰۸
تحلیلی بر اوضاع کنونی ساخت و ساز در مرکز شهر و مناطق اطراف آن ----- ۱۰۹
۱. وضعیّت کنونی ساختار عمرانی شهر قدیم کربلا ----- ۱۱۰
۲. کاربری های زمین ----- ۱۱۰
۲. کاربری های زمین ----- ۱۱۰

الف) حرم های و بناهای مذهبی و قدیمی ----- ۱۱۰
ب) کاربری تجاری ----- ۱۱۱
بازارهای قدیمی و سنّتی ----- ۱۱۱
مناطق تجاری ----- ۱۱۱
ج) کاربری مسکونی ----- ۱۱۲
۳. وضعیّت بناها در بافت قدیمی شهر ----- ۱۱۲
۴. محیط و بافت عمرانی ----- ۱۱۲
۵. رفت و آمد وسایل نقلیه و عابران پیاده و پارکینگ وسایل نقلیه ----- ۱۱۲
الف) مسیرهای عبور و مرور وسایل نقلیه ----- ۱۱۳
ب) عبور و مرور عابران ----- ۱۱۳
ج) پارکینگ وسایل نقلیه ----- ۱۱۳
د) ایستگاههای حمل و نقل عمومی ----- ۱۱۳
۶. قابلیت‌های شهر برای تبدیل شدن به مرکز سیاحتی زیارتی ----- ۱۱۳
۷. پیشینه تاریخی معماری سنّتی شهر ----- ۱۱۴
۸. عوامل تأثیرگذار در بافت جمعیّتی شهر ----- ۱۱۵
توجّه به طرح‌ها، نقشه‌ها و برنامه‌های پیشنهادی برای توسعه مرکز شهر و مناطق اطراف آن ----- ۱۱۶
۱. ملاکهای برنامه‌ریزی عمرانی ----- ۱۱۶
۲. سیاست گذاری در مورد نوسازی مرکز شهر و مناطق اطراف آن ----- ۱۱۶
۳. طرح‌های مربوط به توزیع کاربری های زمین ----- ۱۱۷
۴. پیشنهادهایی برای برنامه‌ریزی و توسعه عمرانی ----- ۱۱۸
۴. پیشنهادهایی برای برنامه‌ریزی و توسعه عمرانی ----- ۱۱۸
الف) منطقه بین الحرمین (میدان وسیع) ----- ۱۱۸
ب) ساخت بازارهای طراحی شده در مرکز شهر ----- ۱۱۹
ج) مراکز رفاهی عمومی ----- ۱۱۹

د) سقا خانه‌ها ۱۱۹
ه) حمّام های عمومی ۱۲۰
و) درمانگاهها و مراکز درمانی ۱۲۰
ز) حسینیه حیدریه (سالن اجتماعات) ۱۲۰
ح) هتل‌ها و مهمان پذیر های کوچک ۱۲۰
ط) پایگاه‌های پلیس ۱۲۱
ی) مراکز ارتباطات ۱۲۱
۵. طرح‌هایی در زمینه سیستم عبور و مرور عابران پیاده، اتومبیل‌ها و پارکینگ وسایل نقلیه ۱۲۱
۵. طرح‌هایی در زمینه سیستم عبور و مرور عابران پیاده، اتومبیل‌ها و پارکینگ وسایل نقلیه ۱۲۱
پارکینگ وسایل نقلیه ۱۲۱
مسیرهای حرکت عابران پیاده ۱۲۲
۶. طرح‌هایی در زمینه تشویق و جذب زائران و گردشگران ۱۲۲
۶. طرح‌هایی در زمینه تشویق و جذب زائران و گردشگران ۱۲۲
در این زمینه پیشنهادات و ملاحظات زیر بیان می‌شود ۱۲۳
۷. توجّه به ویژگی‌های عمرانی که در عناصر و جزئیات معماری بناهای جدید نمایان هستند ۱۲۳
اصول علمی برای توسعه شهر مقدّس کربلا ۱۲۴
اصول علمی طرّاحی و برنامه‌ریزی جدید و اساسی شهر مقدّس کربلا ۱۲۵
ساکنان شهر و وضعیّت اجتماعی و اقتصادی ۱۲۶
عتبات عالیات و بناهای مذهبی و قدیمی ۱۲۷
سفرهای مذهبی سیاحتی ۱۲۷
اسکان ۱۲۷
اشتغال و فعّالیّت‌های تجاری ۱۲۷
بررسی‌های شهری ۱۲۷
محیط ۱۲۷

حمل و نقل و مسیرهای عبور و مرور ----- ۱۲۸
امور درمانی، آموزش و پرورش و مجموعه‌های مسکونی ----- ۱۲۸
زیرساخت‌های صنعت برق ----- ۱۲۸
زیرساخت‌های آب آشامیدنی ----- ۱۲۸
زیرساخت‌های توزیع و انتقال آب ----- ۱۲۸
زیرساخت‌های کانالها و فاضلاب‌ها ----- ۱۲۹
مناطق و محدوده ها ----- ۱۲۹
جمع‌آوری اطّلاعات ----- ۱۲۹
تهیه نقشه‌ها ----- ۱۲۹
آموزش کادر فنی و اداری دولتی ----- ۱۳۰
محدوده مورد بررسی مرکز شهر ----- ۱۳۰
سایر امور با اهمیت ----- ۱۳۰
راه‌حل ها و پیشنهادهایی به منظور بهسازی و پیشرفت شهر مقدّس کربلا ----- ۱۳۰
مهم‌ترین توصیه‌ها، ضوابط و قوانین ----- ۱۳۲
فصل ششم: سفرهای زیارتی ----- ۱۳۲
مقدمه ----- ۱۳۲
۱. تأثیرات مستقیم سفرهای زیارتی ----- ۱۳۴
الف) تأثیر سفرهای زیارتی بر درآمد ملی ----- ۱۳۴
ب) تأثیر سفرهای زیارتی در مقدار پرداخت ها ----- ۱۳۵
ج) تأثیر سفرهای زیارتی بر بودجه دولت ----- ۱۳۵
د) ایجاد فرصت‌های شغلی ----- ۱۳۵
ه.) توزیع درآمد و توسعه جغرافیایی ----- ۱۳۶
۲. تأثیرات غیرمستقیم سفرهای زیارتی ----- ۱۳۶
الف) تأثیر مضاعف سفرهای زیارتی ----- ۱۳۶

ب) فعّال سازی حرکت تولید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های دیگر ----- ۱۳۶
ج) توسعه و گسترش طرح‌های زیر ساختی ----- ۱۳۶
د) توسعه و گسترش طرح‌های رو ساختی ----- ۱۳۷
ه.) تأثیر سفرهای زیارتی در بهبود وضعیّت محیط و گسترش اماکن تاریخی و باستانی ----- ۱۳۷
و) تأثیر سفرهای زیارتی در اطلاع رسانی ----- ۱۳۷
و) تأثیر سفرهای زیارتی در اطلاع رسانی ----- ۱۳۷
الف: تأثیر سفرهای زیارتی در سطح قیمت‌ها ----- ۱۳۷
ب) تأثیر سفرهای زیارتی در مسائل اقتصادی ----- ۱۳۸
ج) تأثیرات اجتماعی و فرهنگی سفرهای زیارتی ----- ۱۳۸
پیشنهادها و توصیه‌هایی در زمینه توسعه و گسترش سفرهای زیارتی ----- ۱۳۸
مهم‌ترین وظایف و خدمات سازمان پیشنهادی سفرهای زیارتی ----- ۱۴۰
منابع و مآخذ ----- ۱۴۰
پی نوشت ها ----- ۱۴۴
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۵۲

@memargold

معماری کربلا در گذر تاریخ

مشخصات کتاب

سرشناسه : انصاری، رئوف‌محمدعلی عنوان و نام پدیدآور : معماری کربلا در گذر تاریخ/ مولف رئوف‌محمدعلی الانصاری. مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۹. مشخصات ظاهری : ۳۷۶ ص. شابک : ۳۰۰۰۰ ریال چاپ اول۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۶۲-۹ : ؛ ۳۰۰۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی : فاپا یادداشت : چاپ اول: تابستان ۱۳۸۷. یادداشت : چاپ دوم. یادداشت : کتابنامه: ص. [۳۶۳] - ۳۷۶؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع : زیارتگاه‌های اسلامی -- عراق -- کربلا- موضوع : کربلا موضوع : کربلا -- تاریخ شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره : DS۷۹/۹ /ک۴ الف۸ ۱۳۸۹ رده بندی دیویی : ۹۵۶/۷۵ شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۴۰۲۱۱

سخن ناشر

کتاب پیش روی شما مجموعه‌ای است از سیر تاریخی توسعه، ساخت و مرمت شهر مقدّس کربلا- و حرم مطهر سالار شهیدان اباعبداللّه الحسین‌علیه السلام می‌باشد که توسط جمعی از عزیزان علاقه‌مند در ستاد بازسازی عتبات عالیات مرکز، ترجمه و آماده چاپ گردید که در به ثمر رسیدن این اثر جمعی از ارادتمندان و مشتاقان که شبانه‌روز همّت گماشته و در صدد توسعه و مرمت حرم آن امام همام می‌باشند که هدایت آن گروه مشتاق، با ستاد بازسازی عتبات عالیات می‌باشد که به بهترین وجه با برنامه‌ریزی و همّت مجربترین مهندسان از کشور ایران اسلامی در دست اقدام است. از همه عزیزان همکار کمال تشکر و امتنان را داریم. مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

مقدمه

زیبایی، طبیعت جذّاب و متنوع و انواع عمارت های اسلامی، از ویژگی‌های مهم شهر کربلا- به شمار می‌رود. این شهر یکی از مهم‌ترین و مشهورترین شهرهای تمدّن اسلامی در عراق و جهان اسلام است و به علّت جایگاه والا و میراثهای تمدّنی و مذهبی که در خود جای داده، همواره مورد توجّه همگان بوده است. از مهم‌ترین میراثهای تمدّنی و مذهبی این شهر می‌توان به حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام اشاره کرد؛ که اجساد مطهّر فرزندان رسول خداصلی الله علیه وآله یعنی امام حسین‌علیه السلام و برادرش، عباس بن علی بن ابیطالب‌علیه السلام را در بر گرفته‌اند. از طرف دیگر، عمارت این دو حرم مطهّر نیز در مقایسه با سایر عمارت های موجود در شهرهای اسلامی دیگر، همواره مورد توجّه بسیار بوده است، زیرا سازندگان این دو عمارت در ساخت آنها از روح اسلامی و ارزش‌ها و الگوهای والای اسلامی الهام گرفته‌اند. در بخش سیزدهم دایرهٔ المعارف ادیان که انتشارات «کولیر ماکمیلان لندن» آن را به چاپ رسانده، آمده است: «حرم مطهّر امامان در شهرهای مذهبی به خصوص در نجف و کربلا در واقع جزئی از اماکن مقدّسه موجود در مکّه مکرّمه و مدینه منوّره هستند و به همین دلیل، آیین‌ها و مراسم مذهبی در زیارت این حرم ها نقش مهمی دارند». پیوند روحی و معنوی مسلمانان با کربلا و مراقد مذهبی آن، طی قرون اسلامی باعث شده است که عمارت های این شهر در زمینه‌های مختلف معماری، طرّاحی، ساخت، زیبایی و تزئینات، پیشرفت چشمگیری داشته باشند. این شهر همواره مورد توجّه جهانگردان و مورّخان مختلف اعم از مسلمان و غیرمسلمان با نژادها و ملیتهای مختلف بوده است که به تاریخ و جغرافیای این شهر و همچنین عمارت های اسلامی موجود در آن، توجّه ویژه‌ای داشته‌اند. این شهر نه تنها در ساخت

و تحکیم تمدّن اسلامی، بلکه فراتر از آن در ابداع و نشر معارف، علوم و فرهنگ‌های مختلف نقش بسزایی داشته است. فرهنگ اسلامی نیز نقش عمده‌ای در ساختار شهر کربلا داشته و به آن شهرت جهانی بخشیده و هنوز هم فضای تاریخی و مذهبی این شهر آکنده از جلوه‌های بی‌بدیل فرهنگ اسلامی است؛ زیرا شهر کربلا دارای آثار مذهبی و تاریخی مختلفی هم‌چون مراقد، مساجد، مدارس دینی، حسینیه‌ها، محلّه‌ها، بازارها، کاروانسرا ها و خانه‌های قدیمی است که شکل و نحوه‌ی معماری شان بر شکل معماری زیبای شهر کربلا تأثیر فراوانی گذاشته است؛ هرچند بخش‌های بسیاری از این بناهای تاریخی و مذهبی در طول سه دهه گذشته در معرض ویرانی و نابودی قرار گرفتند. عمارت های مربوط به مراقد مقدّس، بخشی از میراث فرهنگی، انسانی و جهانی و از زیباترین بناهای ماندگار در تاریخ تمدّن اسلامی هستند. امیدواریم این کتاب که به بررسی جنبه‌های تاریخی، عمرانی و معماری شهر کربلا می‌پردازد، با جایگاه تمدّنی و مذهبی این شهر متناسب باشد و زمینه‌ساز پژوهش‌های دیگری در آینده شود. هدف از بررسی عمارت کربلاـ در این کتاب چند دلیل دارد: اوّل: ارائه جوانب تاریخی این شهر طی مراحل مختلف. دوم: ارائه مراحل پیشرفت عمرانی این شهر از زمان شهادت امام حسین‌علیه السلام در حادثه کربلا در سال ۶۱ هجری (۶۸۰ م) تا به امروز و به خصوص بررسی عمارتها و مراقد مقدّس این شهر که در دوره‌های زمانی مختلف، پیشرفت عمرانی چشمگیری داشته‌اند. سوم: بررسی جنبه‌های هنری و زیبایی عمارت های مذهبی و تاریخی این شهر و به خصوص بررسی عمارت های حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حضرت عباس‌علیه السلام و هم‌چنین بررسی پیشرفت‌ها و نوآوری هایی که در طرّاحی، ساخت و تزئینات این دو عمارت صورت گرفته است. چهارم: بررسی ساختار کنونی این شهر و بررسی راه‌های علمی برای بازسازی و گسترش آن. شهر مقدّس کربلا در ۱۰۵ کیلومتری جنوب غرب بغداد واقع شده و از لحاظ عرض و طول جغرافیایی، در تقاطع °۳/۴۴ شرقی و °۳۶/۳۲ شمالی قرار گرفته است. این شهر از قسمت غرب ۳۰ کیلومتر با رود فرات فاصله دارد و در کناره بیابان و وسط منطقه رسوبی عراق، هم‌چنین بر روی خطوط ارتباطی عراق و جزیرهٔ العرب قرار گرفته است. باغ‌های نخل و درختان میوه از سه جهت این شهر را دربر گرفته‌اند و به وسیله رود حسینیه که از رود فرات منشعب شده است، آبیاری می‌شوند. در شمال غربی این شهر، شهر رُمادی و در شرق آن شهر حلّه و نشانه‌هایی از بابل به چشم می‌خورد. در شرق آن، صحرای عربی قرار گرفته است که خود شامل، دریاچه رزازه، شهر عین التمر، قلعه مشهور اخیضر و غارهای طار می‌شود. در جنوب این شهر نیز دو شهر نجف و کوفه قرار گرفته‌اند. در حال حاضر، شهر کربلا شامل مناطق و نواحی زیر است: - مرکز منطقه کربلا و نواحی اطراف آن که شامل ناحیه حسینیه و ناحیه حُرّ می‌شود. - مرکز منطقه هندیه و نواحی اطراف آن که شامل ناحیه خیرات و ناحیه جدول غربی است. - منطقه عین التمر. تعداد ساکنان استان کربلا براساس تعداد کوپن های جیره‌بندی شده غذا که در سال ۲۰۰۵ در میان آنها توزیع شد، ۸۵۰ هزار نفر برآورد شده است. امّا تعداد واقعی ساکنین آن، بیش از یک میلیون نفر تخمین زده می‌شود، زیرا بسیاری از ساکنان استانهای دیگر و هم‌چنین تعدادی از خانواده‌های عراقی که بعد از سقوط رژیم صدام به این کشور بازگشتند، در کربلا اقامت گزیده معماری کربلا در گذر تاریخ‌اند و تعداد آنها هنوز به ثبت نرسیده است. در شهر کربلاـ باغ‌های فراوانی وجود دارد. باغ خرما و میوه‌های دیگر، سبزیجات و حبوبات نیز در این شهر به وفور یافت می‌شود. گفتنی است خاک خوب و حاصل‌خیز و آب فراوان موجود در کربلا، این شهر را به یکی از مهم‌ترین مناطق زراعی در عراق تبدیل کرده است. علاوه بر هنرها و صنایع دستی مختلف رایج در کربلا هم‌چون مس کاری، تزئینات چوبی و کاشیکاری، از صنایع مهمّ دیگر این شهر می‌توان به صنعت شیره سازی (شیره خرما)، صنایع پوستی، آجرسازی و گچبری اشاره کرد. کارخانه‌های مختلف لبنیات و کنسروسازی نیز در این شهر وجود دارند. اوّلین و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در اقتصاد این شهر، سفرهای زیارتی است؛ زیرا سالیانه گروه‌های مختلفی از زائرین در مناسبت‌های مهم دینی به منظور زیارت مراقد مقدّس موجود در کربلاـ به این شهر قدم می‌گذارند. تعداد این زائران که ساکن کشورهای اسلامی یا جزء اقلیّت‌های اسلامی در کشورهای غیراسلامی هستند، سالیانه به میلیون‌ها نفر می‌رسد و بی‌شک این تعداد نقش مهمی در گردش بازار محلّی کربلا دارد. دکتر رئوف

محمّد علی انصاری شعبان ۱۴۲۷ ه. ق (سپتامبر ۲۰۰۶)

تعریف اصطلاحات

شهر کربلاـ از مهم‌ترین شهرهای مذهبی در عراق و جهان اسلام است و یکی از مراکز مهم مسلمانان شیعه در جهان به شمار می‌آید. منطقه بین الحرمین: این منطقه شامل بازارهای تاریخی، بناهای مذهبی قدیمی و خانه‌های تاریخی بود که در سال ۱۹۹۱ م از بین رفتند. در حال حاضر، به منطقه وسیعی اطلاق می‌شود که بین حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام واقع شده است و هتل‌ها و فروشگاههای تجاری مختلف در اطراف آن قرار دارد. طول این منطقه حدود ۳۰۰ متر و عرض آن ۱۶۰ متر است. مرکز شهر کربلاـ این قسمت شامل منطقه‌ای است که حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام در آن واقع شده‌است. هم‌چنین اطراف این دو حرم مطهّر و منطقه بین الحرمین را نیز شامل می‌شود. شهر قدیمی: شامل مرکز شهر و نیز مناطق قدیمی اطراف آن است. تقریباً شکل دایره دارد و قطر آن بیش از یک کیلومتر است. ضریح: به قسمت قبر مبارک و صندوق نقره‌ای مشبکی که در اطراف آن قرار دارد و دارای سقف طلایی است، اطلاق می‌شود. ضریح، قلب حرم مطهّر به شمار می‌آید. اتاق ضریح: اتاق وسیعی است که ضریح در وسط آن قرار گرفته است. در بالای این اتاق، گنبد حرم مطهّر قرار دارد که سطح خارجی آن با یک لایه‌ای نازک طلا پوشانده شده است. پیشخوان: شامل قسمت وسط حرم مطهّر، اتاق ضریح، رواق های نماز و صحن‌های اطراف اتاق ضریح است. صحن وسیعی نیز از چهار جهت پیشخوان را دربرمی گیرد. حرم: به کل زمینی که قبر شریف در آن قرار دارد، حرم مطهّر گفته می‌شود و شامل پیشخوان، صحن‌های بزرگ و کوچک، اتاق‌های مُشْرِف بر صحن و دیوار خارجی حرم مطهّر است. به مجموعه حرم ها، عتبات عالیات یا مراقد مقدّس نیز، حرم گفته می‌شود. شهر کربلاـ حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و هم‌چنین حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام را در خود جای داده است. مهم‌ترین ویژگی عمارت این دو حرم مطهّر، گنبد و گلدسته‌های طلایی آنهاست. شکل معماری بناهای قدیمی شهر: نگاهی به شکل معماری بناهای قدیمی شهر کربلاـ نشان می‌دهد که طرّاحی این بناهای قدیمی، از عمارت های تمدّن عراقی و هم‌چنین عمارت های اسلامی، تأثیر گرفته است. ویژگی‌ها و فنون معماری بناهای قدیمی شهر: مهم‌ترین نشانه‌ها و ویژگی‌های عمارت های قدیمی شهر کربلا را می‌توان در اجزای معماری زیر یافت: گنبد، گنبدهای کوچک، مناره‌ها، طاق ها، رواق‌ها، اندرونی ها و صحن ها. از انواع تزئینات مختلف به خصوص مُقَرْنَس کاری‌ها، آجر نماها و گچبری ها و هم‌چنین از تزئینات چوبی به ویژه پنجره‌های کوچک چوبی تزئینی نیز می‌توان به فنون معماری قدیمی این شهر پی برد.

عوامل پیدایش شهرهای اسلامی

عوامل پیدایش شهرهای اسلامی

شهرهای موجود در جهان اسلام هم‌چون شهرهای مناطق دیگر جهان، در نتیجه اجتماع تعدادی از افراد که زندگی مشترکی را در منطقه‌ای از زمین در کنار هم آغاز می‌کردند، پدید آمد است. این افراد به دلایل مختلفی هم‌چون شرایط طبیعی و آب و هوایی یا به دلایل اقتصادی، سیاسی و نظامی گرد هم می‌آمدند و شهرها را به وجود می‌آوردند. این شهرها به تدریج با توجّه به شرایط و دوره‌های تاریخی مختلف، گسترش پیدا کردند تا به وضعیّت کنونی رسیدند. شهرهایی که قبل از اسلام به وجود آمدند، هم‌چنین شهرهایی که به سبب فتوحات اسلامی یا دلایلی مشابه آن بعد از اسلام ساخته شدند، نیز همین گونه پدید آمده‌اند. عوامل دیگری هم‌چون عوامل تمدّنی و معنوی که مخصوص جهان اسلام بودند و از بیت الله الحرام و مسجد نبوی‌صلی الله علیه وآله در مکّه

مکرّمه و مدینه منوّره درخشیدند، در کنار عوامل مشترکی که ذکر شد، ویژگی‌های خاصّی به شهرهای اسلامی بخشیدند. علاوه بر همه این عوامل، عواملی هم‌چون بت‌پرستی، فرهنگ موروثی، شیوه زندگی و استفاده از مصالح محلّی در ساخت و ساز، سبب شدند شهرهای اسلامی، ویژگی‌های معماری و عمرانی مشابه و خاصّی به خود بگیرند. البته وجود عوامل و ارزش‌هایی هم‌چون طبع هنرمند و خوش ذوق سازندگان عمارتها را که در شکل شهرهای اسلامی تأثیر عمده داشتند را نمی‌توان انکار کرد. همه شهرهای اسلامی در نگاه اوّل، ویژگی‌های عمرانی مشابهی دارند. این شهرها هم‌چنین از ویژگی‌های روحی و معنوی خاصّی برخوردارند که به اسلام مربوط می‌شود. برای نمونه می‌توان به دین و اعتقادات مذهبی از یک سو و نظام اجتماعی موجود در شهرهای اسلامی از سوی دیگر اشاره کرد. در کنار این نظام اجتماعی، قوانین دیگری نیز که متناسب با احکام و قوانین اسلامی بودند، در ساختار جامعه تأثیر گذاشتند. بنابراین بر خلاف تفاوت‌های جزئی که بین ساکنان شهرهای اسلامی وجود دارد، می‌بینیم شرایط و ویژگی‌های اصلی زندگی آنها به طور کلی به هم شبیه است. این تفاوت‌ها یا به اعتقادات دینی گروه‌های مختلف موجود در این شهرها، هم‌چون: عرب، آفریقایی، فارس، ترک، کرد، بربر، برمی‌گردد یا به شرایط جغرافیایی و آب و هوایی، مربوط می‌شود. امّا در ارتباط با منشأ اصلی پیدایش شهرهای اسلامی، بسیاری از پژوهشگران هم‌چون: لویس ماسنیون، ولیم مارسیه، ادموند بوتی، هنری بیرین، کاردیه سوفاجیه و ستیرن، - خاورشناس انگلیسی - و بسیاری دیگر در پژوهشها و بررسی هایشان به جنبه‌های ساختاری و عمرانی شهرهای اسلامی پرداختند و این شهرها را به دو گروه جدا از هم تقسیم کردند:

۱. شهرهای قدیمی

این گروه شامل شهرهایی می‌شود که قبل از ظهور اسلام وجود داشته‌اند، سپس مسلمانان، این شهرها را فتح و بعد از استقرار، اسلام را در این شهرها منتشر ساختند و شکل اسلامی خالص بدان‌ها دادند. گویی هم‌چون شهرهای اسلامی جدید، از نو پدید آمدند و هیچ ارتباط تمدّنی و معنوی با شهری که قبل از اسلام وجود داشت، نداشته‌اند. بعضی از این شهرها یا بهتر است بگوییم اکثر این شهرها، جزء شهرهای معروف و مشهور یا پایتخت امپراتوری های ماقبل اسلام بودند و جایگاه تمدّنی والایی در دوره‌های یونانی و رومی داشتند. شهرهایی هم‌چون دمشق و حلب در سوریه، اسکندریه در مصر و استانبول در ترکیه، نمونه‌هایی از این شهرها هستند. امّا اصول معماری و عمرانی قدیمی این شهرها که در خیابان‌ها، سالن‌های تئاتر، حمّامها و سالن‌های ورزشی به چشم می‌خورد، برای سال‌ها و قرن‌های متمادی به شکل قدیمی خود باقی ماندند.

۲. شهرهای بزرگ

این گروه، مطلقاً به شهرهایی گفته می‌شود که بعد از فتوحات اسلامی یا در نتیجه آنها یا به دلیل گسترش و استقرار کشورهای اسلامی تأسیس شدند. در واقع، این شهرها از زمان پیدایش، اسلامی بودند و متناسب با زندگی معنوی و سیاسی اسلامی گسترش پیدا کردند و به مدّت چندین قرن، مرکز تمدّن جهان به شمار می‌آمدند. شهرهایی چون بصره، کوفه، بغداد، قاهره، قیروان و بعضی دیگر از شهرهای معروف اسلامی در این گروه قرار می‌گیرند. همه محقّقانی که جنبه‌های ساختاری و عمرانی شهرهای جدید اسلامی را که اسلام نیز نقش تعیین کننده‌ای در پیدایش و گسترش آنها داشته است، مورد بررسی قرار داده‌اند، بر این عقیده‌اند که ساخت شهرهای اسلامی براساس انتخاب مکانی به عنوان مسجد جامع صورت گرفته است. یعنی ابتدا مکان مشخصی را به عنوان مسجد جامع که مرکز عبادت بود برمی‌گزیدند و سپس در اطراف مسجد جامع اماکن دولتی، بازارها و خانه‌های مسکونی را می‌ساختند. در واقع، مسجد جامع به عنوان مرکز شهر انتخاب و همه راه‌های ورودی و خروجی شهر به آن منتهی می‌شد. این محقّقان، مکّه مکرّمه و مدینه منوّره را جزء اوّلین نمونه‌های شهرهای اسلامی برمی‌شمرند که با این شیوه معماری اسلامی خاص

ساخته شدند.

۳. شهرهای دارای ضریح

غیر از دو گروه یادشده، گروه سومی نیز از شهرهای بزرگ و مهم اسلامی وجود دارند که جزء هیچ‌کدام از دو گروه مذکور نیستند. ویژگی‌های این شهرها به گونه‌ای بوده که توجّه محقّقان را به خود جلب نکرده است. این گروه شامل شهرهایی است که دارای ضریح هستند. این شهرها قبل از اسلام وجود نداشتند و در نتیجه مطالبات نظامی، رشد اقتصادی یا افزایش تعداد ساکنان شهرها نیز پدید نیامدند. به همین دلیل، ویژگی اصلی آنها پنهان مانده است. این شهرها به دلیلی کاملاً متفاوت با شهرهای دیگر به وجود آمدند. ضریح‌های موجود در مساجد جامع و مراقد اهل بیت‌علیهم السلام سبب پیدایش این شهرها شدند. تنها به دلیل وجود این ضریح ها و بدون دخالت هیچ قدرت یا اراده نظامی، سیاسی یا اقتصادی این شهرها به تدریج گسترش یافتند و به شهرهای مذهبی بزرگ تبدیل شدند و در دوره‌های مختلف اسلامی، نقش عمده‌ای در تمدّن اسلامی ایفا کردند. تأثیر این شهرها فقط به حوزه جغرافیایی شان محدود نمی‌شد، بلکه تأثیر عمیقی بر منطقه و جهان و به خصوص جهان اسلام گذاشتند. این شهرها به دلیل اهمیّت معنوی، مذهبی، فرهنگی و معماری شهرت بسیار یافتند و مسلمانان از مناطق مختلف جهان در مناسبت‌های مختلف به ویژه بعد از انجام مراسم حج در مکّه مکرّمه و مدینه منوّره برای ادای مراسم و آیین‌های مذهبی و زیارت ضریح‌های موجود در این شهرها و هم‌چنین آشنایی با آثار مذهبی آنها پا بدین شهرها می‌گذاشتند. تعدادی از این شهرها که در عراق قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: نجف اشرف، کربلای معلی، کاظمین و سامرا. این شهرها تنها مورد توجّه و احترام ساکنین عراق نیستند، بلکه به دلیل جایگاه والا و باارزش آنها، مسلمانان مختلفی را از اقصی نقاط جهان به سوی خود جذب می‌کنند. دو شهر مقدّس قم و مشهد که از شهرهای مهم مذهبی در جهان اسلام به شمار می‌آیند نیز از جمله این شهرها در ایران هستند. بدون شک، علاوه بر عوامل مذهبی، عوامل دیگری نیز در توسعه و افزایش شهرت و جایگاه این شهرها تأثیرگذار بوده‌اند. امّا همه عوامل موجود در مقایسه با عوامل مذهبی در جایگاه دوم قرار می‌گیرند و جزء عوامل ثانویه به شمار می‌آیند. در حقیقت، عوامل دینی و مذهبی، دلیل اصلی پیدایش و گسترش این شهرها بودند و هم‌چنان به عنوان مهم‌ترین عامل در شکوفایی و گسترش این شهرها شناخته می‌شوند.

تنوع تمدّن‌ها و تأثیر آن در گسترش هنر عمارت های اسلامی

ظهور اوّلین عناصر اساسی معماری را می‌توان در اوّلین مسجدی که در اسلام ساخته شد، یافت. بعد از آن، مسجد شریف نبوی‌صلی الله علیه وسلم نیز بر همان اساس ساخته شد. از آن زمان به بعد عمارت های اسلامی پیشرفت چشمگیری را شاهد بوده‌اند؛ به خصوص بعد از آنکه شهرهای اسلامی گسترش پیدا کردند و ملت‌ها و قبایل مختلفی که دارای تمدّن‌های اصیل و برجسته بودند به اسلام پیوستند و همگی زیر سایه پرچم اسلام قرار گرفتند. همه این عوامل سبب شد که عمارت های اسلامی ویژگی‌ها و انواع جدیدی پیدا کنند و باگذشت مراحل مختلف و با استفاده از فنون و روش‌های معماری که در کشورهای جهان اسلام رایج بود، به سطح هنری و تاریخی والایی برسند. اسلام طی نیم قرن پس از انتشار خود، به قدیمی‌ترین مراکز تمدّن‌های بشری پا گذاشت. از عراق، امپراتوری ساسانی، مصر و بیزانس که مرکز تمدّن یونانی‌ها و رومی‌ها بود گرفته تا سوریه و حتّی شمال آفریقا و اسپانیا را در برگرفت. در حقیقت، این انتشار عظیم و گسترده، آغازگر تحوّلی تاریخی و تمدّنی در زندگی بشریت شد. بنابراین، هنر عمارت اسلامی که در کمتر از یک قرن بعد از هجرت ظهور و گسترش پیدا کرد، تحت تأثیر این تمدّن‌ها قرار گرفت و مسلمانان و فاتحان عرب نیز از هنرها و ارزش‌های زیبای این تمدّن‌ها الهام گرفتند و به عمارتها و تزئینات مختلف آنها توجّه ویژه‌ای نشان دادند. این عمارتها دارای طول و اجزای هندسی و معماری و هم‌چنین تزئینات خاصّی بودند که نه تنها ظاهری بسیار زیبا به آنها می‌بخشید،

بلکه با نقش تاریخی و فرهنگی این عمارتها نیز تناسب و سازگاری داشت. طی چندین قرن، هنر عمارت اسلامی بسیار گسترش یافت و مناطق جغرافیایی بسیاری را در برگرفت. از اندلس و مراکش در غرب گرفته تا آسیای میانه و شبه قاره هند در شرق. این مناطق شامل بخش‌های محلّی متعددی بودند که هر کدام شکل منحصر به فرد و ویژه‌ای داشتند. این مناطق هم‌چنین اقوام اسلامی اصیلی هم‌چون عرب، فارس، ترک، بربر و هندو را در خود جای داده بودند. امروزه آثار تاریخی و تمدّنی بسیاری در قسمت‌های مختلف دنیا وجود دارد؛ هم‌چون مساجد جامع دمشق و قرطبه، مساجد زیبای اصفهان، مسجد سلیمانیه در استانبول، ضریح‌های مراقد اهل بیت‌علیهم السلام در نجف، کربلا، کاظمین، سامرا، مشهد، قم، ضریح‌های دیگری هم‌چون ضریح موجود در تاج محل، قصر حمرا در غرناطه و بسیاری دیگر از آثار و بناهای تاریخی که فنون و روش‌های جدید معماری در گنبدها، گلدسته‌ها، طاق ها و تزئینات آنها به چشم می‌خورد. همه این اَشکال و روش‌های معماری جدید در واقع نمونه‌های تازه‌ای از عناصر معماری قدیم هستند که برگرفته از فرهنگ و هنر قدیم بودند. اصول معماری جدید و به کار گرفتن تعابیر و اصطلاحات هنری جدید از جمله پدیده‌هایی بودند که در هنر عمارت اسلامی ظهور پیدا کردند؛ زیرا مسلمانان عرب از شیوه‌های معماری ملت‌هایی که به اسلام گرویدند، الهام گرفتند و هم‌چنین هر هنری را که با تمدّن اسلامی و آداب و سنّت‌های خویش متناسب می‌دیدند به کار می‌گرفتند. برای نمونه، هنرمندان مسلمان به تأثیر از تمدّن قدیم عراق، ساختمان هایی با دیوارهای بیرونی ضخیم و بلند و تزئینات آجری متنوع بنا کردند. آنها هم‌چنین در ساخت گلدسته‌های دوره عباسی از شیوه‌های معماری آثار باستانی بابل الهام گرفتند. گلدسته مسجد جامع متوکّل در عراق، گلدسته مسجد جامع ابن طولون در قاهره و گلدسته مسجد جامع ابی دُلف در سامرا از این نمونه اند. آنها از شیوه‌های معماری دوره ساسانی تأثیر گرفتند. اندرونی های وسیعی که گنبد در بالا و صحن ها در اطراف آن قرار می‌گیرند و هم‌چنین طاق های بلند و نیم‌دایره‌ای که در بالای سالن‌های وسیع قرار می‌گیرند، همه از شیوه‌های معماری دوره ساسانی است. این نوع طاق ها در مسجد جامع اصفهان دیده می‌شوند. ساخت این بناها با بناهایی که دارای رواق و راهرو هستند و در عراق، شام و کشورهای غرب جهان اسلام ساخته می‌شوند، کاملاً متفاوت اند. بیشتر بناهای تاریخی اوایل دوره عباسی، به تأثیر از عمارت های ساسانی که در دوره حکومت ساسانیان در ایران و عراق ساخته می‌شدند، بنا شدند. ایوان کبیر، سالن‌های بزرگ که با طاق های نیم دایره پوشیده شده‌اند، قصر معتصم عباسی در سامرا که در سال ۲۲۱ ه. ق (۸۴۶ م) ساخته شد و هم‌چنین قصر مشهور اخیضر در نزدیکی کربلا که در اوایل اسلام ساخته شد، همگی جزء این گروه به شمار می‌آیند. شایان ذکر است از شیوه‌های معماری رایج در عراق نیز در ساخت این بناهای تاریخی استفاده شده است. یکی دیگر از شیوه‌های معماری اسلامی که از عمارت های ساسانی گرفته شد و در بسیاری از کشورهای اسلامی رواج یافت، استفاده از کمان های زاویه دار بود. با این شیوه معماری می‌شد از یک زیربنای مربع شکل به گنبد نیم دایره شکلی رسید که در بالای آن قرار می‌گیرد. این کمان ها مثلث های معقری بودند که از سنگ یا آجر و گچ ساخته می‌شدند و با مثلث های گنبد که به وسیله طاق ها و هشت ضلعی ها از یک زیربنای مربع شکل به دایره ختم می‌شدند، کاملاً متفاوت بودند. این شیوه معماری در بناهای دوره بیزانسی و رومی دیده می‌شود. هنرمندان و سازندگان عمارت های اسلامی از شیوه‌های معماری ترکی که خود متأثر از شیوه‌های بیزانسی بود نیز تأثیر گرفتند و بناهایی دایره‌ای شکل ساختند که دارای یک قسمت مرکزی بود و گنبد بزرگی در بالای آن قرار می‌گرفت. در اطراف این گنبد بزرگ، گنبد هایی کوچک‌تر با اندازه ها و حجم های مختلف دیده می‌شد. بعدها بسیاری از معماران ترک این شیوه را گسترش دادند. برای مثال "، سنان پاشا،" مهندس بزرگ ترکی، ابتکارات خاصّی به یک بنای مربوط به دوران بیزانسی افزود و از آن یک نمونه معماری زیبا پدید آورد که در ساخت بسیاری از بناها و مساجد در ترکیه و خارج از ترکیه مورد استفاده قرار گرفت. با گسترش شیوه‌های مختلف تزئینات معماری، تزئینات جدیدی که برگرفته از شکل گیاهان یا اشکال هندسی مختلف بود نیز وارد عرصه هنر عمارت اسلامی شد و در مدّت کوتاهی توسعه بسیار یافت. در این شیوه از شکل‌های معروف به صورت ساده یا مرکب و یا به صورت در هم پیچیده استفاده

می‌کردند و از آنها تصاویر زیبای معماری پدید می‌آوردند. در ساخت بسیاری از بناهای اسلامی از این شیوه‌ها استفاده شده است. البته این شیوه قبل از اسلام نیز در عراق، فارس و بعضی مناطق دیگر رایج بوده است. آجر نیز نقش عمده‌ای در تزئین بناهای تاریخی داشته است. سازندگان عمارتها آجرها را به گونه‌ای کنار هم میچیدند که شکل گیاهی زیبا یا شکل هندسی خاصّی از آن پدید آید. از نوشته‌ها و خطوط نیز در تزئینات مختلف استفاده می‌کردند. مثلاً خط زیبای کوفی برای نوشتن آیات قرآنی به عنوان تزئین استفاده می‌شد. از بناهای مشهور اسلامی که دارای تزئینات آجری زیبا هستند می‌توان به مدرسه «مستنصریه» اشاره کرد. این مدرسه در سال ۶۳۱ ه. ق (۱۲۳۴ م) ساخته شد و از مشهورترین بناهای موجود در بغداد است که از دوره عباسی به یادگار مانده است. گچ نیز برای تزئین دیوارها مورد استفاده قرار می‌گرفت. گچ‌کاری های تزئینی به خصوص گچ‌کاری هایی که اشکال هندسی و شکل گیاهان در آنها به کار رفته است، در بناهای تاریخی موجود در سامرا که از دوره عباسی به جا مانده‌اند، دیده می‌شود. این نوع تزئینات از هنر دوره ساسانی و پارت‌ها گرفته شده است و نمونه‌هایی از آن در مسجد ابن طولون قاهره که در سال ۲۶۵ ه. ق (۸۷۹ م) ساخته شد، به چشم می‌خورد. در عهد سلاجقه (۵۵۳ – ۴۴۷ ه. ق) (۱۱۵۷ – ۱۰۵۵ م) نیز از گچ برای تزئین قسمت‌های زیادی از دیوار مساجد استفاده می‌کردند. هم‌چنین از حروف و شکل برگ گیاهان نیز در این تزئینات استفاده می‌شد. نمونه بسیار زیبای این نوع مساجد مسجد حیدریه شهر قزوین در ایران است که با خط کوفی تزئین و در انتهای حروف نیز از شکل برگ گیاهان برای تزئین استفاده شده است. در ارتباط با تزئینات سنگی، نمونه‌های بسیار زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد، هنر اسلامی در این زمینه از هنر دوران بیزانس، هلنی و ساسانی تأثیر گرفته است. نمای قصر «مشتی» که مملو از نقش و نگارهای زیباست از این نمونه هاست. بیشتر این تزئینات در هنر مسیحیت قبل از اسلام در سوریه مورد استفاده قرار می‌گرفت. فاطمیون نیز در زمان حکومتشان بر مصر به تأثیر از عمارت های قبطی و فارسی، در تزئینات عمارت هایشان از اشکال حیوانات و گیاهان استفاده می‌کردند. این شیوه قبل از اسلام نیز در بلاد فارس رایج بوده است. از مهم‌ترین شیوه‌های معماری بیزانسی که معماران دوره اموی را تحت تأثیر قرار داد، هنر میناکاری با سنگ بود که از آن در تزئین زمین مساجد و بناها استفاده می‌شد. هم‌چنین میناکاری با شیشه‌های رنگی و طلایی نیز برای تزئین دیوارها به کار می‌رفت. این هنر در دوره اموی بسیار گسترش پیدا کرد و آثار آن تا امروز نیز باقی مانده است. در مسجد جامع اموی دمشق که در زمان ولید بن عبدالملک و در بین سال‌های ۸۸ – ۹۶ ه. ق (۷۱۴ – ۷۰۷ م) بازسازی شد، نمونه‌هایی از این میناکاری ها دیده می‌شود. بعضی از پنجره‌های این مسجد نیز دارای تزئینات بسیار زیبایی است که از هنر یونانی و رومی گرفته شده است. امّا در تزئینات گنبد «قبةُ الصخره» در قدس شریف که در زمان عبدالملک بن مروان در سال ۷۲ هجری (۶۹۲ م) ساخته شد نیز میناکاری هایی وجود دارد که بسیار شبیه میناکاری های موجود در مسجد جامع اموی دمشق است. این میناکاری ها به خصوص میناکاری هایی که در تزئین گنبد به کار رفته، برگرفته از هنر دوره یونانی و بیزانسی است. شیوه‌های هنری دوره هلنی و ساسانی نیز اندکی در آنها تأثیر گذاشته است. یکی از ویژگی‌های بارز عمارت های اسلامی استفاده از تزئینات نوشتاری است که هنرمندان مسلمان آن را ابداع کردند و از آن به عنوان هنری برای افزایش زیبایی بناها بهره می‌گرفتند. در این نوع تزئینات از انواع خطوط برای زیبا جلوه دادن سطوح دیوارها، گنبدها، طاق‌ها، گلدسته‌ها و کنگره‌ها استفاده می‌شد. این شیوه در مدّت زمان کوتاهی گسترش پیدا کرد و شکل گل‌ها و گیاهان نیز در این نوع تزئینات به کار گرفته شد. تزئینات نوشتاری، بسیار مورد توجّه هنرمندان اسپانیا و فرانسه قرار گرفت و آنها نیز از حروف عربی برای تزئین کلیساها و ساختمان‌هایشان بهره گرفتند که نمونه‌ای از آن در تزئین نمای «کلیسای نوتردام» دیده می‌شود. استفاده از خطوط به عنوان وسیله‌ای برای تزئین از دیرباز مرسوم بوده است. این هنر برای اوّلین بار در زمان سومری ها در بغداد به کار گرفته شد. آنها دریافتند که حروف از زیبایی باارزشی برخوردارند و امکان ساخت تابلوهای هنری و زیبا با آنها وجود دارد. به همین دلیل، از انواع خطوط در تزئین عمارت هایشان استفاده می‌کردند. این نوع تزئینات در بناهای تاریخی دوره عباسی که در سامرا، بغداد و سایر شهرهای اسلامی واقع شده‌اند، به

وفور یافت می‌شود. استفاده از خط یکی از مهم‌ترین شیوه‌های معماری اسلامی در طول قرن‌های مختلف بوده است. هنرمندان خطوط را به صورت‌ها و شکل‌های هندسی مختلفی در می‌آوردند که به بناهای تاریخی، شکل معماری خاص و ویژه‌ای می‌بخشید. شکی نیست که انواع خطوط، به خصوص خط کوفی در عمق بخشیدن به هویّت مشترک اسلامی و به کار گرفتن فرهنگ و میراث اسلامی به صورتی هنری و زیبا، سهم بسزایی داشته‌اند. مُقَرْنَسْ کاری‌ها از مهم‌ترین و زیباترین انواع تزئینات در معماری اسلامی به شمار می‌آیند. در این شیوه معماری کمان های مختلف را در کنار هم قرار می‌دهند و مناطق اتصال رأس با سطوح افقی را با آنها می‌پوشانند. گاهی اوقات مقرنس کاری‌ها به تنهایی در تزئینات به کار می‌روند و گاهی نیز تزئیناتی از گچ و مواد دیگر به آنها افزوده می‌شود. بعضی اوقات از آویز های تزئینی در کنار این مقرنس کاری‌ها استفاده می‌شود که شبیه قندیل هایی می‌شوند که از سقف بعضی غارها آویزان هستند. مقرنس کاری در مناطق اتصال گنبدها، دروازه‌ها و قسمت پایینی کنگره گلدسته‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. از زیباترین مقرنس کاری‌های موجود می‌توان به مقرنس کاری‌های قصر عباسی (مدرسه شرابیه) و مقرنس کاری‌های موجود در ضریح‌های مختلف اشاره کرد که بیشتر در عراق و ایران قرار دارند. در دوره فاطمی و مملوکی در مصر از مقرنس کاری‌های سنگی در تزئین سطح دیوارها و قسمت‌های داخلی گنبد و هم‌چنین قسمت‌های بالایی ورودی‌ها استفاده می‌کردند. ورودی مدرسه سلطان حسن که در قاهره قرار دارد، این نوع مقرنس کاری‌ها را در خود جای داده است. نوع دیگری از مقرنس کاری نیز وجود دارد که صرفاً برای تزئین قسمت خارجی گنبدها از آن استفاده می‌شود. نمونه‌هایی از این مقرنس کاری را می‌توان در گنبد مدرسه «نوریه» دمشق، گنبد «حرم مطهّر خانم زبیده» که در کرخ واقع شده و هم‌چنین گنبد «حرم شیخ عمر سهروردی» در رصافه بغداد مشاهده کرد. استفاده از کاشی‌های اسلامی در تزئین بناهای اسلامی از جمله هنر هایی است که مسلمانان آن را ابداع کردند و در طول قرن‌های مختلف نیز به توسعه و گسترش آن پرداختند. قدیمی‌ترین کاشی‌های اسلامی در شهر سامرا در عراق وجود دارند. این کاشی‌ها مربوط به قرن نهم میلادی بوده و دارای ارزش‌های هنری بسیار زیبا و کمیابی هستند که تنها در بعضی از مساجد جامع و قصر ها و نیز قصر «جوسق خاقانی» دیده می‌شوند. شهر مقدّس کربلا را می‌توان از جمله پیشگامان صنعت کاشی سازی در شهرهای اسلامی به شمار آورد. استفاده از کاشی در این شهر بسیار رایج بوده است. به همین دلیل، در زبان محلّی عراق به آن «کاشی کربلایی» می‌گفتند و در تزئین ضریح ها، مساجد و بناهای مذهبی و تاریخی از آن استفاده می‌کردند. استفاده از برّاق کننده های معدنی در تزئینات نخستین بار از عراق به سایر مناطق جهان اسلام، از جمله ایران انتقال پیدا کرد و در یک دوره طولانی که از اواخر قرن دوازدهم آغاز و تا نیمه اوّل قرن چهاردهم ادامه داشت، کاشی‌های سفالی بسیاری تولید شدند که با براق کننده های معدنی به صورت زیبایی مزیّن شده بودند و جنبه هنری بالایی داشتند. این کاشی‌ها امروزه در بسیاری از بناهای مذهبی و تاریخی دیده می‌شوند و هم‌چنین جزء آثار باارزش بسیاری از موزه های جهانی به شمار می‌آیند. شهر کاشان مرکز اصلی تولید این کاشی‌ها بوده است. به همین دلیل، این کاشی‌ها به «کاشی کاشان» معروف شدند. این کاشی‌ها برای پوشاندن سطح دیوارها و به خصوص دیواره گنبدها، گلدسته‌ها، ورودی ها و محراب‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در دوره صفوی، برای پوشاندن سطح دیوارهای بیرونی بناها از این نوع کاشی‌ها استفاده می‌کردند. مسجد شیخ لطف اللّه و مسجد امام در اصفهان نمونه‌هایی از این بناها هستند. در این نوع تزئینات از اشکال مختلف گیاهان و تصاویر گل‌های رنگارنگ و زیبا نیز بهره می‌گرفتند. این کاشی‌های برّاق برای اوّلین بار در دوره طولونی و فاطمی در مصر مورد استفاده قرار گرفتند. تزئینات چوبی و به خصوص پنجره‌های چوبی تزئینی از ویژگی‌های بارز عمارت های اسلامی به شمار می‌آیند. هنر ساخت پنجره‌های چوبی و کوچک تزئینی در بسیاری از شهرهای اسلامی منتشر شد. این پنجره‌ها دارای نقش‌های زیبا و منحصر به فردی بوده و بیانگر زیبایی عمارت های اسلامی و پیشرفت آنها در طول دوره‌های مختلف تاریخ متمدّن و اصیل اسلام هستند. نما کاری‌ها و پنجره‌های چوبی از دیگر تزئینات چوبی بودند که نجّاران در ساخت آنها دقّت و مهارت زیادی به خرج می‌دادند. این دقّت و مهارت به خصوص در ساخت بعضی از تابلوها و پنجره‌های

ویژه و مخصوص که در نمای داخلی بناها مورد استفاده قرار می گرفتند، کاملاً مشهود است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تمدّن اسلامی که هنر عمارت اسلامی سبب پیدایش آن شد، استفاده از مصالح محلّی در ساخت و ساز بوده است. در کشورهای اسلامی از مصالح محلّی هم‌چون آجر و مواد تزئینی چون کاشی‌ها، میناکاری ها، چوب‌ها و غیره استفاده می کردند و با شیوه‌ای زیبا و هنری به گونه‌ای در ساخت و تزئین بناها از آنها بهره می گرفتند که هم با شرایط آب و هوایی آن کشور متناسب و هم با زندگی اجتماعی و تمدّنی آنها سازگاری داشته باشد. بنابر مطالبی که ارائه شد، می‌توان دریافت شیوه‌های معماری تمدّن‌های مختلف تا چه اندازه در پیشرفت و شکوفایی عمارت های اسلامی مؤثر بوده‌اند. در پایان، یادآور می‌شویم که انتشار یک فصلنامه که به تاریخ هنر و حرفه های اسلامی بپردازد، امری ضروری است. بهتر است این فصلنامه به زبان‌های رایج و زنده دنیا (اعم از فارسی، عربی، انگلیسی و...) منتشر شود. بسیاری از پژوهشها و تحقیقات در زمینه تاریخ، هنر و حرفه های اسلامی می‌توانند در این فصلنامه به چاپ برسند و البته نقش مهمی در گفت‌وگوی تمدّن‌ها ایفا کنند. در واقع، آسان‌ترین روش برای شناساندن هنر و تاریخ متمدّن و اصیل جهان اسلام به ملّت‌های جهان، ارائه مطالب و تصاویر است و این امر نیز از طریق انتشار مجله هنرها و حرفه های اسلامی امکان‌پذیر است.

فصل اوّل: مراحل تاریخی معماری کربلا

مقدمه

در این فصل سعی شده است مراحل تاریخی کربلاـ و تأثیرات آن در زمینه‌های مختلف از جمله زمینه عمرانی مورد بررسی قرار گیرد. شهر کربلای فعلی به عنوان یکی از سرزمین‌های مقدّس اسلامی، هم‌زمان با شهادت امام حسین‌علیه السلام در حادثه عاشورای سال ۶۱ هجری (۶۸۰ م) به وجود آمده و در مراحل تاریخی مختلف شاهد تحولاتی بوده که بر شکوفایی و توسعه عمرانی آن تأثیر گذاشته است. این شهر و حرم های مقدّس آن طی دوره‌های اسلامی مورد توجّه بسیاری از حاکمان و رهبرانی که در عراق به قدرت می‌رسیدند و نیز دولت‌های صاحب تمدّن آن روز، به خصوص خلفای عباسی، بویهیه [آل بویه]، الجلائریه [ملایری]، صفویه و عثمانی قرار گرفته است. شهر کربلا در دوره‌های مختلف زمانی، نقش عمده‌ای در تاریخ اسلام داشته است و مرکز تمدّن، شکوفایی فرهنگی، دینی و عمرانی محسوب می‌شده است. در حال حاضر نیز این شهر به عنوان یکی از شهرهای مهم جهان اسلام مورد توجّه بسیاری از جهانگردان، مورّخان و شرق شناسان قرار دارد که هریک به بخشی از تاریخ و نشانه‌های شاخص اسلامی آن می‌پردازند. چنان که گفته شد، در این فصل به گذشته تاریخی کربلاـ خواهیم پرداخت و به علّت اهمیّت موضوع آن را در پنج قسمت شرح خواهیم داد: - کربلاـ قبل از اسلام؛ - واقعه عاشورا؛ - تاریخ کربلا از واقعه عاشورا تا حکومت صفویه در عراق؛ - تاریخ کربلا در زمان حکومت صفویه و عثمانی در عراق؛ - تاریخ کربلا از زمان تأسیس دولت عراق در سال ۱۹۲۱.

کربلا قبل از اسلام

موقعیّت جغرافیایی منحصر به فرد کربلا از زمان‌های قدیم موجب اهمیّت خاص این منطقه شده است. این شهر به علّت نزدیکی به بابل به تمدّن اقوام سامی به خصوص بابلی ها وابسته است و در واقع، پلی ارتباطی برای مهاجرت اقوام سامی و عربی بین سرزمین‌های شام، جزیرهٔ العرب و سواد عراق محسوب می‌شده است. کربلا اوّلین مرکز سکونت سامی عربی در منطقه فرات میانی و حلقه ارتباط راه‌های اصلی زمینی از طریق منطقه عین التمر به سمت تمام شهرها به حساب می‌آید. واقع شدن این شهر در جنوب غربی بغداد، نزدیکی رود فرات به آن، قرار گرفتن در منطقه آب و هوایی معتدل، واقع نشدن در شمال و جنوب عراق و علاوه بر آن، داشتن اراضی حاصل‌خیز باعث جذب برخی قبایل، گروه‌ها و قافله‌هایی شد که در قسمت غربی شبه جزیره عربی رفت و آمد

داشتند. عوامل مذکور قبل از ظهور اسلام نیز به مدّت طولانی کربلا را به مرکز تجمع مردم تبدیل کرده بود. پژوهشگران آثار باستانی واژه «کربلا» را در منبت کاری‌های قدیمی بابلی دیده‌اند. گفته می‌شود کربلا برگرفته از واژه «کور بابل» است که به مجموعه‌ای از روستاهای بابل قدیمی گفته می‌شده است که مشهورترین و بزرگ‌ترین آنها نینوا است که در شمال شرقی شهر کربلای فعلی واقع است. البته نینوای مذکور غیر از نینوا، پایتخت آشوری هاست که در شمال عراق در نزدیکی موصل واقع است. نینوا در دوران‌های گذشته روستایی آباد بود که سامی ها در آن سکونت داشتند، امّا اکنون به خرابه هایی تاریخی تبدیل شده که از جنوب سدّ هندی رود فرات که از کربلای فعلی ۳۰ کیلومتر دورتر است تا سرچشمه رودخانه علقمی در الأهوار در نزدیکی شهر کربلا امتداد یافته و به «تلال نینوا» (خرابه‌های نینوا) مشهور شده است. در کتاب «مراصد الاطلاع علی اسماء الأمکنه و البقاع» این گونه آمده است: «در منطقه آباد کوفه ناحیه‌ای واقع است که نینوا نامیده می‌شود و کربلا نیز جزئی از آن است که امام حسین‌علیه السلام در آن کشته[شهید] شد». در کتاب «بغیه النبلاء فی تاریخ کربلا» آمده است: «در قسمت شمال غربی شهر کربلا خرابه‌های متراکمی واقع است که گفته می‌شود آثار کربلای قدیمی است». شایان ذکر است قبل از وقوع جنگ جهانی اوّل برخی افراد مجاور این منطقه از این خرابه‌ها آجرهای مسطح بزرگی استخراج می‌کردند که در زبان محلّی به آنها «آجر فرشی» می‌گفتند و آنها را به کربلا حمل می‌کردند. شکوفایی کربلا در دوران کلدانی ها نیز ادامه یافت. «لویز ماسنیون»، شرق‌شناس فرانسوی، در کتاب «خطط الکوفه» آورده است که کربلا از قدیم معبد کلدانی‌ها بود و آن معبد در شهری که نینوا نامیده می‌شد، قرار داشته است. جست و جو های باستان شناسی باعث کشف آثار و پایگاه‌های زیادی در اراضی کربلا شد که قدیمی ترین آنها مجموعه‌ای از غار های دست‌ساز است که در سمت راست «وادی‌الطار» واقع شده است. این منطقه قبل از ایجاد دریاچه «الرزازه» جزء فرات قدیم محسوب می‌شد. تقریباً تعداد این غارها به ۴۰۰ عدد می‌رسد. این آثار حدود ۳۰ کیلومتری کربلای فعلی به سمت جنوب غربی در میانه راه کربلا و قصر الأخیضر و در امتداد «الهضبه الغربیه الصحراویه» واقع شده‌اند. این غارها که حدود سال ۱۲۰۰ قبل از میلاد حفاری شده‌اند، احتمالاً در آغاز برای اهداف نظامی مورد استفاده قرار می‌گرفتند امّا بعدها به گورستان تبدیل شدند. علاوه بر موارد مذکور، کربلا در دوران‌های گذشته از رونق و شکوفایی برخوردار بود، به خصوص در دوره‌های التنوخیین، اللخمیین و المناذره که «الحیره» را پایتخت خود قرار داده بودند. طبق این توضیحات، مشخص می‌شود تاریخ کربلا بسیار قدمت دارد. در واقع، این شهر یکی از قدیمی‌ترین شهرهای «طسوج النهرین» است که در ساحل رودخانه بالاکوباس (فرات قدیم) قرار دارد. در این سرزمین معبدی برای انجام عبادت و نماز خودنمایی می‌کند. وجود اسامی قدیمی هم‌چون «عمورا»، «ماریا» و «صفورا» بر قدمت این شهر دلالت دارد. در اطراف شهر نیز مقبره‌های زیادی وجود دارد. هم‌چنین اجساد انسانی، در داخل ظروف سفالین این منطقه یافت شده است که تاریخ آن به قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد. اقوامی که در کربلا سکونت داشتند با توجّه به حاصلخیزی خاک، فراوانی آب و کثرت چشمه‌هایی که در مناطق مختلف آن پراکنده شده بود، به زراعت می‌پرداختند. از نشانه‌های دیگر قدمت کربلا وجود خرابه‌ها و پشته‌هایی است که در چند مایلی کربلای فعلی دیده می‌شوند. ساسانیان در دوره‌ی «شاپور ذوالأکتاف» (نهمین پادشاه ساسانیان) بر عراق چیره شدند. (وی در سال ۳۱۰ به قدرت رسید) و آن را ده قسمت کردند که هریک از آنها یک استان یا ولایت نامیده می‌شد. این واحدهای اداری به واحدهای کوچک‌تری به نام «رستاق» یا ناحیه تقسیم می‌شدند. سرزمین‌های واقع در میان شهر عین التمر در ۶۷ کیلومتری جنوب غرب کربلا و رود فرات دهمین استان آنها محسوب می‌شد. این استان به شش واحد اداری با نام «طسج النهرین» تقسیم می‌شد. علّت این نام‌گذاری واقع شدن آنها در میان خندق شاهپور و رود علقمی بود. گفته می‌شود اندکی قبل از ورود اسلام به کربلا، تعدادی خانه و معبد مربوط به مجوسی ها نیز در این شهر وجود داشت که به آن «مه بار سور علم» یعنی مکان مقدّس می‌گفتند. بر این اساس، کربلا طی دوران‌ها و نزد ادیان و اقوام مختلف سرزمینی مقدّس بوده و به همین دلیل، معبدهای زیادی به منظور اقامه نماز در آن ایجاد شده است. دکتر مصطفی جواد، مورّخ و زبان شناس معروف عراقی

می‌گوید: «نام کربلا عربی نیست و تلاش برای دستیابی به ریشه عربی آن صحیح نیست و با موانع تاریخی و لغوی مواجه می‌شود. ریشه اسم این شهر به خارج از جزیره عربی بازمی‌گردد. شهرهای زیادی در عراق وجود دارد که اسامی آنها عربی نیست، هم‌چون بغداد، بابل و بعقوبه». گروهی از مورّخان و زبان شناسان معتقدند که می‌توان کربلا را با لفظ آرامی کاربیلا(۱) یا لفظ کربلاتو(۲) آشوری و کاربیل(۳) مرتبط دانست. گروهی دیگر از جمله «الأب أنستاس ماری الکرملی» معتقدند که لفظ کربلا در کتاب‌های پژوهشگران متشکل از دو کلمه آشوری، یعنی «کرب» به معنای عبادتگاه یا حرم و «إل» به معنای «خدا» در زبان آرامی آورده شده و مجموع دو کلمه به معنای پرستشگاه یا حرم الهی است. برخی از پژوهشگران معتقدند که لفظ کرب در زبان عبری تحوّل معنایی پیدا کرده است، به همین دلیل، کلمه کراب(۴) گاه به معنای «نزدیک دست» و گاه به معنای «جنگیدن» آورده شده است. گروهی دیگر معتقدند که لفظ کربلا از کلمه عربی الکربله یعنی «سستی در پاها» مشتق شده است و به سرزمینهایی گفته می‌شود که زمین آن سست و نرم باشد. آقا بزرگ تهرانی درباره لفظ کربلا می‌گوید: این لفظ از دو کلمه «کار» و «بالا» تشکیل شده است، بنابراین، لفظ کربلا به معنای «عمل والا» یا «عمل آسمانی» است. این معنی با معنایی که «الأب انستاس ماری الکرملی» گفته و قبل از این ذکر شده است، نزدیکی دارد. قبل از فتح اسلامی عراق و سکونت عرب‌های مسلمان در آن، این نام برای عرب‌ها شناخته شده بود و برخی از مسلمانانی که هنگام فتح قسمت غربیِ عراق «خالد بن ولید» را همراهی می‌کردند، به آن اشاره کرده‌اند. هم‌چنین در کتاب «معجم البلدان» یاقوت حموی آمده است: «کربلا ـ به این علّت که بر عراق مشرف بوده «طف» نامیده شده است». در ادامه آمده است: «طف به سرزمینی از نواحی کوفه گفته می‌شود که در مسیر خشکی آن قتلگاه امام حسین‌علیه السلام واقع است و آن سرزمینی است نزدیک روستا که چشمه‌هایی در آن وجود دارد، از جمله الصید، القطقطانیه، الرهیمه و عین الجمل». براساس برخی منابع تاریخی، کربلای کنونی، قبل از اسلام منطقه‌ای بود که روستاهای قدیمی، آن را احاطه کرده بودند. در زمان ورود امام حسین‌علیه السلام به آن در سال ۶۱ می‌توان به نام مناطق و روستاهایی همچون نینوا، عمورا، ماریا، صفورا و شفیه اشاره کرد. در نزدیکی این روستاها منطقه‌ای قرار داشت که «النواویس» نامیده می‌شد و شامل مجموعه‌ای از مقابر مسیحیانی بود که قبل از فتح اسلامی عراق، ساکن این اراضی بودند. اکنون این مقبره‌ها در اراضی «الکمالیه» در شمال غربی کربلا و نزدیک مقبره حربن یزید ریاحی واقع شده‌اند. در روایت شهادت امام حسین‌علیه السلام آمده است که مسئولیت به خاک سپردن اصحاب و یاران امام حسین‌علیه السلام را قومی از بنی‌اسد برعهده گرفتند و این مسئله نشان می‌دهد که قبل از ورود امام حسین‌علیه السلام به کربلا قبیله‌ای از بنی‌اسد در این منطقه ساکن بودند. بعد از شهادت امام حسین‌علیه السلام در سال ۶۱ هجری، برای شهر کربلای فعلی اسامی دیگری انتخاب شد، از جمله: مشهد الحسین، مدینه الحسین، البقعهٔ المبارکه، محل الوفاء، الخائر، الحیره و ... یکی از مشهورترین این اسامی «حائر» است، زیرا این اسم همواره با حرمت و تقدیس همراه بوده است و هنوز هم غالباً از این کلمه برای حرم استفاده می‌شود. هنگام عزیمت امام علی‌علیه السلام به جنگ صفین، یاران امیرالمؤمنین‌علیه السلام دیدند که حضرت متفکرانه به آثار و خرابه‌های این سرزمین می‌نگرد. علّت را پرسیدند. ایشان در جواب فرمود: «این سرزمین دارای شأن و منزلت والایی است و اینجا محل فرود آمدن ایشان و ریخته شدن خون آنهاست». پرسیدند منظورتان چه کسانی است؟ گفت: «گروهی از آل محمّد در اینجا فرود می‌آیند». در کنار آن روستاهای قدیمی، روستاهای آباد و مسکونی دیگری دیده می‌شود که یکی از بزرگ‌ترین روستاهای پیرامون کربلا روستای «عین التمر» است. خرما از محصولات این روستا به حساب می‌آید. هم‌چنین روستای «الغاضریهٔ» که بعد از منتقل شدن قبیله بنی‌اسد به عراق در صدر اسلام ایجاد شده است. به همین دلیل، این روستا خیلی قدیمی محسوب نمی‌شود. این روستا که اکنون به الغاضریات مشهور است، به عنوان یکی از نواحی شهر کربلا محسوب می‌شود و به منطقه حسینیه واقع در راه کربلا به بغداد مشهور و دارای بستانها و میوه‌های زیادی است. یک روستای آباد دیگر نیز در نزدیکی کربلا وجود دارد که «العقر» نامیده می‌شود. روایت شده است هنگامی که امام حسین‌علیه السلام به این روستا رسید به یارانش گفت: «نام این روستا

چیست؟» گفتند: عقر. امام حسین‌علیه السلام فرمود: «از عقر به خدا پناه می‌برم». سپس فرمود: «نام این سرزمینی که ما در آنیم چیست؟» گفتند: کربلا. حضرت فرمود: «سرزمین مصیبت و بلا». هنگامی که یاران امام خواستند از آن خارج شوند، آن حضرت مانع خروجشان شد. به هر حال، اگر امام حسین‌علیه السلام و یارانش در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری (۶۸۰ م) در این مکانی که در میان کربلای قدیمی و النواویس واقع است به شهادت نمی‌رسیدند، اکنون این مکان جایگاه والا و منزلت فعلی را نداشت. امام حسین‌علیه السلام قبل از آنکه به کربلا برسد درباره حادثه عاشورا گفت: «اعضای بدنم در منطقه‌ای میان النواویس و کربلا قطعه قطعه می‌شود.» آنچه می‌توان درباره تاریخ قدیم کربلا در زمان فتح اسلامی گفت این است که این منطقه، منطقه‌ای زراعی واقع در ساحل فرات بوده که به علّت حاصل خیزی خاک و فراوانی آب اقوام ساکن در آن به کشاورزی مشغول بودند.

حادثه کربلا

تاریخ اسلام در کربلاـ شاهد حادثه‌ای وحشتناک بود که یکی از بزرگ‌ترین وقایع و حوادث تأسف بار جهان اسلام محسوب می‌شود. این حادثه همان حادثه عاشوراست که میان نیروهای خیر و شر رخ داد: در یک طرف، امام حسین‌علیه السلام، اهل بیت وی و یاران معدودش حضور داشتند و در طرف دیگر، یزید بن معاویه و لشکر انبوهش. این حادثه در محرم سال ۶۱ هجری رخ داد. امام حسین‌علیه السلام که کنیه‌اش «اباعبداللّه» است، در سوم شعبان سال چهارم هجری (۶۲۶ میلادی) به دنیا آمد. پدرش امیرمؤمنان حضرت علی‌علیه السلام، پسرعموی پیامبرصلی الله علیه وسلم و مادرش حضرت فاطمه زهراعلیها السلام، دختر حضرت محمّدصلی الله علیه وآله بود که در کنار امام حسن‌علیه السلام و امام حسین‌علیه السلام فرزندی به نام محسن علیه السلام که در رحم مادر به شهادت رسید. زینب کبری‌علیها السلام و ام‌کلثوم علیها السلام نیز از دختران او هستند. بعد از وفات حضرت فاطمه زهراعلیها السلام، حضرت علی‌علیه السلام با ام‌البنین ازدواج کرد که نسبش به بنی کلاب برمی‌گردد. از ام‌البنین نیز فرزندانی هم‌چون حضرت عباس‌علیه السلام، جعفر، عبداللّه و عثمان متولد شدند که همگی در حادثه عاشورا کشته [شهید] شدند. امام حسین‌علیه السلام ۶ سال و ۶ ماه در دامان حضرت رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله یعنی تا تاریخ وفات پیامبرصلی الله علیه وآله در ۲۸ صفر سال ۱۱ هجری (۶۳۳ میلادی) زندگی کرد. از انس بن مالک نقل شده است که از رسول خداصلی الله علیه وآله پرسیدند: کدام یک از اهل بیت نزد شما دوست داشتنی‌تر است؟ گفت: حسن و حسین‌علیهما السلام و به حضرت فاطمه‌علیها السلام می‌فرمود: پسرانم را به نزدم بیاور تا آنها را ببویم و در آغوش بگیرم. الترمذی روایت کرده که رسول خداصلی الله علیه وآله گفت: «حسین از من است و من از حسین و خداوند هر کس که حسین‌علیه السلام را دوست داشته باشد، دوست می‌دارد.» امام احمد و الترمذی با استناد به أبی سعید الخدری روایت کردند که رسول خداصلی الله علیه وآله گفت: «حسن و حسین‌علیهما السلام سرور جوانان اهل بهشت‌اند». بعد از شهادت امیرمؤمنان حضرت علی‌علیه السلام در ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری (۶۶۱ میلادی)، امام حسن‌علیه السلام زمام امور امامت جهان اسلام را برعهده گرفت. در آن زمان، معاویه بن ابی سفیان حاکم شام بود. از همان زمان، نشانه‌های جنگ میان ارتش امام حسن‌علیه السلام در کوفه و ارتش معاویه در شام آشکار شد. امام حسن‌علیه السلام در قبال این فتنه و درگیری، آگاهانه و دوراندیشانه موضعی اتخاذ کرد که نشان از حکمت او داشت و به صلح میان او و معاویه منتهی شد. یکی از شروط این صلح آن بود که امام حسن‌علیه السلام جانشین معاویه در خلافت شود؛ ولی معاویه حضرت امام حسن‌علیه السلام را مسموم کرد و آن حضرت در تاریخ هفتم صفر سال ۵۰ هجری (۶۷۰ میلادی) به شهادت رسید. در سال ۴۹ هجری (۶۷۰ میلادی) معاویه برخلاف اصول و مبادی اسلام و شریعت، مردم را برای بیعت با یزید دعوت کرد. امّا مردم به دلیل اطّلاع از اعمال زشت یزید، این اقدام معاویه را تقبیح کردند. امام حسین‌علیه السلام، عبداللّه بن عمر، عبداللّه بن زبیر، ابن‌عباس و دیگران نیز از بیعت با یزید خودداری کردند. سرانجام هنگامی که معاویه به منظور ادای حج عمره راهی مکّه شد، با تهدید و وعده و وعید از مسلمانان

خواست تا با یزید بیعت کنند. امّا هنگامی که معاویه بن ابی سفیان در رجب سال ۶۰ هجری (۶۷۹ میلادی) درگذشت، یزید به ولید بن عتبه حاکم مدینه، نامه‌ای نوشت و به او دستور داد تا از تمام مردم شهر به ویژه حسین بن‌علی بیعت بگیرد. هنگامی که امام حسین‌علیه السلام احساس کرد امویان برای بیعت با یزید به او فشار می‌آورند، از مدینه منوّره به سمت مکّه مکرّمه خارج شد. امام علیه السلام با رسیدن به مکّه مورد استقبال اهالی این شهر قرار گرفت و تعدادی از افراد اندیشمند و دوراندیش نیز نزد وی جمع شدند. اهالی کوفه از امتناع امام حسین‌علیه السلام در بیعت با یزید آگاه شدند و نامه‌های زیادی به امام‌علیه السلام نوشتند و افرادی را از عراق، به ویژه کوفه نزد امام فرستادند و از او برای بیعت به جای بیعت با یزید دعوت کردند. امام حسین‌علیه السلام نیز تصمیم گرفت مسلم‌بن عقیل، پسر عموی خویش، را به همراه نامه‌ای به منظور کشف حقیقت، به عراق اعزام کند. مسلم بن عقیل به سمت کوفه حرکت کرد. هنگامی که مردم خبر ورود او را به کوفه شنیدند به نزد وی که در خانه هانی بن عروه، یکی از اشراف کوفه، حضور داشت شتافتند و با او درباره امام حسین‌علیه السلام بیعت کردند و پیمان بستند که امام‌علیه السلام را با جان و مال خویش یاری دهند. در این هنگام، برای بیعت دوازده هزار نفر از اهل کوفه جمع شدند که این تعداد به پانزده هزار نفر هم رسید. بدین ترتیب، مسلم بن عقیل نامه‌ای به امام حسین‌علیه السلام نوشت و به او اطّلاع داد که اهل کوفه با وی بیعت کرده و خواستار ورود سریع امام‌علیه السلام به کوفه شده‌اند. به همین علّت، امام علیه السلام از مکّه به مقصد کوفه خارج شد. در پی آن، یزید بن معاویه نسبت به موضع‌گیری نعمان بن بشیر انصاری، حاکم کوفه، درباره امام حسین‌علیه السلام مشکوک شد و وی را از سِمَتش عزل کرد و عبیداللّه بن زیاد، والی بصره، را به جای او برای حاکمیت در کوفه و بصره منصوب کرد. ابن‌زیاد بر اهل کوفه سخت‌گیری کرد و یاران مسلم بن عقیل را تحت تعقیب قرار داد تا اینکه فقط یک تن باقی ماند که وی نیز دستگیر شد. عبیداللّه بن زیاد دستور داد که سر مسلم را از تن جدا کنند و هانی بن عروه را نیز به قتل برسانند. این اقدام از نخستین اقدامات وحشتناکی بود که تاریخ اسلام مشابه آن را به خود ندیده بود. تنها گذاشتن مسلم بن عقیل توسط اهالی کوفه، واقعیتی بسیار غم‌انگیز است که در آن، نشانه‌هایی از استفاده از زور، قتل و سرکوب دیده می‌شود. هنگامی که مردم خبر خروج امام‌علیه السلام به سمت کوفه را شنیدند، ایشان را از این سفر برحذر داشتند. اندیشمندان و محبّان آن حضرت، از جمله عبداللّه بن عباس، ابن عمر، ابوسعید الخدری، جابر بن عبداللّه انصاری و سعید بن المسیب از ایشان درخواست کردند که به سمت عراق نرود. امام فرزدق شاعر را در راه دید و از وی درباره وضعیّت مردم کوفه سؤال کرد. فرزدق گفت: «ای فرزند رسول خدا، مردم قلب‌هایشان با شما و شمشیرهایشان علیه شماست و پیروزی توسط خدا حاصل می‌شود». هنگامی که امام حسین‌علیه السلام در مسیر کوفه از کشته شدن مسلم بن عقیل، پسرعموی خویش، آگاه شد، یاران خویش و کسانی را که در راه به وی پیوسته بودند جمع کرد و آنها را در جریان اتفاقی که برای مسلم‌بن عقیل افتاده بود قرار داد و به آنها فرمودند: «یاران مان ما را خوار کردند. هر کس از شما که مایل به ادامه سفر نیست آزاد است و هیچ اجباری وجود ندارد». آنان پس از شنیدن این سخن متفرق شدند و در کنار آن حضرت، جز خانواده و یاران مخلصش که با او از مدینه آمده بودند، کس دیگری باقی نماند. هنگامی که عبیداللّه بن زیاد از قصد امام حسین‌علیه السلام آگاه شد، تدابیر نظامی لازم را اتخاذ و تلاش کرد تحرکات امام را زیر نظر بگیرد. بنابراین، حرّ بن یزید ریاحی را به همراه هزار سواره به منظور دستیابی به هدف مذکور اعزام کرد. حرّ در منطقه «شراف» با کاروان امام حسین‌علیه السلام روبه‌رو شد. وظیفه حرّ بستن راه بر امام حسین‌علیه السلام و عدم جدایی از وی تا رسیدن به کوفه بود. هنگامی که امام حسین‌علیه السلام از قصد آنها آگاه شد به یارانش دستور داد به سمت حجاز حرکت کنند. امّا حرّ بن یزید مانع شد. امام حسین‌علیه السلام فرمود: «چه کسی را می‌خواهی؟» گفت: «می‌خواهم تو را نزد امیر عبیداللّه بن زیاد ببرم.» امام حسین‌علیه السلام فرمود: «بنابراین، به خدا قسم، من از تو پیروی نخواهم کرد» و حرّ نیز گفت: «به خدا قسم من نیز تو را رها نخواهم کرد.» درگیری لفظی میان امام و حر بالا گرفت؛ حر گفت: «من دستور جنگ با تو نمی‌دهم امّا تا زمانی که قدم در کوفه نگذاری از تو جدا نخواهم شد. پس راهی را انتخاب کن که نه تو را به کوفه برساند نه حجاز، تا اینکه

نامه‌ای به عبیداللّه بن زیاد بنویسم. شاید خداوند با دستور او به ما سلامتی عطا کند.» بدین ترتیب، امام حسین‌علیه السلام با یارانش حرکت کردند و حرّ بن یزید ریاحی نیز آنها را همراهی می‌کرد تا به منطقه «عذیب الهجانات» و سپس به «قصر بنی مقاتل» رسیدند. هرگاه امام حسین‌علیه السلام می‌خواست به سمت بادیه حرکت کند حر بن یزید مانع می‌شد تا اینکه آن حضرت به نینوا رسید. در روز دوم محرم سال ۶۱ هجری (۶۸۰ میلادی) امام حسین‌علیه السلام در سرزمینی نزدیک رود فرات که کربلا نامیده می‌شد فرود آمد. امام حسین‌علیه السلام فرمود: «نام این سرزمین چیست؟» گفتند: «کربلا». حضرت فرمود: «سرزمین مصیبت و بلا». عبیداللّه بن زیاد به عمربن سعد، فرمانده ارتش اموی، نامه‌ای نوشت و از او خواست میان امام حسین‌علیه السلام و یارانش و رود فرات مانع ایجاد کنند تا امام و یارانش نتوانند قطره‌ای از آب فرات را بنوشند. در پی این دستور، عمر بن سعد عمر بن الحجاج را به همراه پانصد سواره به آنجا اعزام کرد. آنها نیز با کنترل تمامی شاخه‌ها و نهرهایی که از رود فرات منشعب شده بود، راه‌های رسیدن به آب را بر امام حسین‌علیه السلام و یارانش بستند. هدف از این اقدام، در تنگنا قرار دادن امام‌علیه السلام و واداشتن او به تسلیم و نیز ممانعت از ورود کسانی بود که تلاش می‌کردند از راه آب خود را به امام حسین‌علیه السلام برسانند. این اقدام سه روز قبل از شهادت امام حسین‌علیه السلام انجام شد. آنچه بیش از سایر موارد باعث رنج و آزار امام می‌شد، مشاهده کودکانی بود که به علّت تشنگی کُشنده ناله و زاری می‌کردند و فریاد آب، آب سر می‌دادند. در هفتم ماه محرم با قطع آب تشنگی امام حسین‌علیه السلام و یارانش آزاردهنده شد. امام‌علیه السلام برادرش عباس‌علیه السلام را فراخواند و او را به همراه سی سواره و بیست نفر پیاده به سمت فرات اعزام کرد تا شبانه مشکی آب بیاورند. هنگامی که خواستند مشک آب را پر کنند عمر بن حجاج و یارانش متعرض شدند. در این هنگام، حضرت عباس‌علیه السلام به آنها حمله کرد و توانست مشک را از آب پر کند و آن را نزد امام حسین‌علیه السلام بیاورد. یکی از فجیع‌ترین و سخت‌ترین مصیبت‌های امام حسین مربوط به عبداللّه [علی اصغرعلیه السلام]کودک شیرخواره‌اش بود که تشنگی بر او غلبه کرده بود. امام حسین‌علیه السلام در روز دهم ماه محرّم او را بر دست گرفت و به آن قوم و جماعت فرمودند: «گناه این کودک چیست که او را برخلاف تمامی شریعت ها و قوانین از نوشیدن آب منع می‌کنید؟» در این هنگام، مردی از بنی‌اسد کودک را با تیر مورد هدف قرار داد و او را به شهادت رساند. امام حسین‌علیه السلام خون وی را گرفت و به سوی آسمان پاشید و فرمودند: «این مصیبت‌ها بر من سهل است؛ زیرا در راه خداست و خدا مرا می‌بیند». در صبح روز جمعه، دهم ماه محرم، امام حسین‌علیه السلام نماز صبح را به همراه یاران خویش که ۳۲ تن از آنان سواره و ۴۰ تن پیاده بودند اقامه و اسبش را آماده کرد، خطبه‌ای خواند و به یادآوری فضایل و عظمت نسب و والایی و ارزش خود برای مردم پرداخت. حضرت امام حسین‌علیه السلام فرمودند: «به خودتان بازگردید و از خودتان بپرسید که آیا کشتن انسانی مثل من به نفع شماست، در حالی که من فرزند دختر پیامبر شما هستم و ». ... پس از این خطبه، گروهی به امام پیوستند که یکی از آنها حبیب بن مظاهر اسدی و دیگری زهیر بن القین بود. هم‌چنین افرادی از اردوگاه ابن‌زیاد به آن حضرت ملحق شدند که معروف‌ترین آنها حرّ بن یزید ریاحی بود. عمر بن سعد ارتش عظیم و چند هزار نفری خود را، به سمت امام و یارانش حرکت داد، سپس تیری به سمت امام حسین‌علیه السلام پرتاب کرد که به منزله دادن اجازه برای آغاز جنگ بود. او در این باره با افتخار می‌گوید: «من اوّلین کسی بودم که در مقابل امیر به سمت امام حسین‌علیه السلام و یارانش تیراندازی کردم». شمر بن ذی الجوشن به عنوان یکی از سران لشکر عبید اللّه بن زیاد برخاست تا یاران امام حسین‌علیه السلام را (نسبت به عدم یاری امام) تحریک کند، ولی همه یاران امام حسین‌علیه السلام مواضع محکمی اتخاذ کردند و با دشمنان امام‌علیه السلام جنگیدند. آن حضرت به آنها وعده می‌داد و می‌فرمود: «پاداش شما نزد خدا بهترین پاداش یعنی پاداش متقیان خواهد بود». یاران امام در مقابل دیدگان امام حسین‌علیه السلام می‌جنگیدند تا به شهادت برسند. تمامی اهل بیت امام و یارانش به جز تعدادی از آنها که معروف‌ترین آنها علی بن حسین (زین‌العابدین)علیه السلام بود، به شهادت رسیدند. از محمّد بن حنفیه روایت شده که هفده مرد از اهل بیت‌علیهم السلام به همراه امام حسین‌علیه السلام در این حادثه شهید شدند که شاخص‌ترین

آنها برادر امام حسین‌علیه السلام، عباس بن علی‌بن ابیطالب‌علیه السلام، بود. امام حسین‌علیه السلام در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری (۶۸۰ میلادی) بعد از نماز ظهر به شهادت رسید. عمر آن حضرت در آن زمان ۵۶ سال و چند ماه بود. عمر سعد به یارانش دستور داد تا سر مبارک امام حسین‌علیه السلام و یارانش را نزد عبیداللّه بن زیاد ببرند. هنگامی که سر مبارک امام حسین‌علیه السلام به ابن‌زیاد رسید، وی با چوب‌دستی ای که در دستانش بود لبان آن حضرت را هدف قرار داد. در این هنگام، زید بن أرقم گفت: «قسم به خدایی که غیر از آن خدایی وجود ندارد من دیدم که لبان پیامبر بر روی این لب‌ها قرار می‌گرفت (و آنها را می‌بوسید)». دو روز پس از شهادت امام حسین‌علیه السلام قومی از بنی اسد که در غاضریه ساکن بودند به قتلگاه امام حسین‌علیه السلام و یارانش رفتند و اجساد شهیدان را به خاک سپردند. حضرت زین العابدین‌علیه السلام بر وجود مقدّس حضرت امام حسین‌علیه السلام نماز گزاردند و ایشان را همان جایی به خاک سپردند که اکنون حرم مطهّر ایشان واقع است. علی اکبرعلیه السلام فرزندش را نیز در نزدیکی پاهای آن حضرت به خاک سپرده شد و برای شهدای اهل بیت‌علیهم السلام و یاران باوفای امام نیز قبر هایی حفر و همه آنها را با هم به خاک سپردند. حضرت عباس‌علیه السلام را در همان مکانی به خاک سپردند که در آنجا به شهادت رسید؛ حرم مطهّر حضرت ابوالفضل ۳۵۰ متر از حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام فاصله دارد. سرهای شهدا به همراه اهل بیت امام حسین‌علیه السلام به شام انتقال داده شدند. یزید بن معاویه با خوشحالی به اُسرا و سرهای قرار گرفته شده بر روی نیزه‌ها نگاه می‌کرد. منابع تاریخی به محل دفن سر مبارک امام حسین‌علیه السلام پرداخته‌اند و اکثر آنها این گفته را ترجیح می‌دهند که سر مبارک امام حسین‌علیه السلام به همراه سایر سرهای بریده شده، توسط امام زین‌العابدین به کربلا برگردانده و به همراه جسد شریف امام حسین‌علیه السلام به خاک سپرده شد. این چنین، حادثه تأسف بار امام حسین‌علیه السلام – که به سیّد و سرور شهیدان ملقّب شده و اهل بیت و یاران باوفایش که بهترین الگوهای عزت نفس و فداکاری محسوب می‌شوند، [به ظاهر]پایان یافت. امّا حادثه عاشورا آثار بلندمدّتی در تاریخ اسلام و تمدّن بشری برجای گذاشته که تأثیرات آن با گذشت قرن‌ها، هنوز اثری عمیق در اذهان دارد.

تاریخ کربلا از حادثه کربلا تا حکومت صفویه در عراق

امام حسین‌علیه السلام تحت فشار لشکر اموی ناچار شد، اهل بیت‌علیهم السلام و یارانش را در منطقه‌ای غیر مسکونی فرود آورد که روستاهای زیاد و پراکنده‌ای آن را احاطه کرده بود و به مجموع آنها «کربلا» می‌گفتند. برخی از این روستاها هم‌چون عمورا، ماریا و صفورا بسیار قدیمی بودند و از آنها چیزی جز خرابه باقی نمانده بود، امّا برخی مانند نینوا، الغاضریه و شفیه روستاهایی قدیمی و بعضاً جدید بودند.(۵) این روستاها به حاصلخیزی و کثرت چشمه و رودخانه مشهور بودند. یکی از مهم‌ترین این رودخانه‌ها «علقمی» بود که از فرات در نزدیکی شهر المسیب منشعب می‌شد و دیگری، نینوا که این رودخانه نیز از فرات سرچشمه می‌گرفت. نینوا در منطقه «سدهٔ الهندیهٔ» کنونی و «المسیب» واقع است.(۶) دو روز بعد از شهادت امام حسین‌علیه السلام گروهی از قوم بنی‌اسد نشانه‌هایی بر قبر آن حضرت قرار دادند. زوّار گروه گروه به زیارت قبر امام حسین‌علیه السلام می‌آمدند و تعدادشان پیوسته افزایش می‌یافت.(۷) این امر باعث شد قبر آن حضرت به مرکز اصلی شهر کربلا تبدیل شود. بنابه نوشته منابع تاریخی، عبید اللّه بن الحرّ الجعفی، مختار بن أبی عبیده ثقفی، مصعب بن زبیر و سلیمان بن صرد خزاعی از نخستین زائران قبر امام حسین‌علیه السلام بودند. پس از آن، اندکی بعد از حادثه کربلا در سال ۶۱ هجری، تعداد زیادی به زیارت قبر آن حضرت آمدند.(۸) سال بعد یعنی سال ۶۲ هجری (۶۸۰ میلادی) جابر بن عبداللّه انصاری، صحابی بزرگوار پیامبرصلی الله علیه وآله، همراه گروهی از مسلمانان مدینه منوّره به زیارت قبر امام حسین‌علیه السلام آمدند. روایت شده هنگامی که وی به قبر امام حسین‌علیه السلام رسید به یارانش گفت: به قبر دست بکشید.(۹) در دوران اموی در کنار قبر امام حسین‌علیه السلام مسجدی بود که مختار بن أبی عبیده ثقفی در ایام حکومتش بر کوفه در سال ۶۶ هجری (۶۸۴ میلادی) آن را بنا کرد. در نزدیکی آن مسجد درخت سدری بود که مسلمانان هنگام زیارت قبر

شریف امام حسین‌علیه السلام از سایه آن استفاده می‌کردند.(۱۰) براساس منابع تاریخی، در طول دوره اموی کربلا چندان آباد نشد؛ هر چند مردمانی از هاشمی ها و پیروان آنها به علّت عشق و علاقه به امام حسین‌علیه السلام در کنار قبر آن حضرت زندگی می‌کردند، ترس از شکنجه و آزار بنی‌امیه اجازه نمی‌داد در آنجا به ساخت بنا و عمران بپردازند. در دوره اموی، افراد مسلح به منظور ممانعت از زیارت آن حضرت پیرامون کربلا مستقر شدند. الغاضریه و نینوا به علّت نزدیکی به کربلا به پناهگاه و مکان فرود آمدن زائران تبدیل شده بودند. آنها در آنجا توقف می‌کردند و با برطرف شدن شک افراد مسلح، مخفیانه به حرم شریف امام حسین‌علیه السلام پناه می‌بردند.(۱۱) در اوایل حکومت خلفای عباسی مردم دسته دسته راهی کربلا شدند و در آنجا سکونت یافتند. در پی آن، کربلا ـ رو به پیشرفت و آبادانی نهاد و به منطقه‌ای مسکونی تبدیل شد. منابع تاریخی آورده‌اند که عثمان‌بن عیسی الکوفی العامری (راوی بزرگ) جزو اوّلین کسانی بود که در دوران امام علی بن موسی‌الرضاعلیه السلام بعد از سال ۱۸۳ هجری (۷۹۹ م) به همراه فرزندش در کربلای فعلی ساکن شد. این راوی تألیفاتی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: کتاب‌های المیاه، القضایا و الاحکام، و الوصایا.(۱۲) طبری در بیان حوادث سال ۱۹۳ هجری (۸۰۹ م) آورده است که مادر مهدی، خلیفه عباسی، و دختر یزید بن منصور به کسانی که به حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام خدمت می‌کردند، حقوق می‌پرداختند. در آغاز حاکمیت هارون الرشید، خلیفه عباسی، نیز پرداخت حقوق از سوی وی ادامه یافت.(۱۳) امّا وی در اواخر زندگی، با تغییر سیاست‌های خویش دستور داد زمینی را که قبر امام حسین‌علیه السلام در آن قرار دارد شخم بزنند و درخت سدر موجود در آنجا را قطع و مسجد کوچک آنجا را تخریب کنند.(۱۴) در سال ۱۹۸ هجری (۸۱۳ م) که مأمون، خلیفه عباسی، حاکمیت را به دست گرفت، توجّه به کربلا از سر گرفته شد. مأمون با بازسازی حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام محبت خود را به اهل بیت‌علیهم السلام اظهار کرد. بدین ترتیب، مسلمانان دسته دسته به سمت کربلا می‌آمدند و در جوار حرم مطهّر سکنی میگزیدند.(۱۵) در اواخر قرن دوم هجری، مردی از بنی علقمه (که جدّشان علقمه بن زرارهٔ بن عدس بود) رودخانه‌ای در امتداد کربلا حفر کرد آثار این رودخانه در گذشته موجود بود، ولی بعدها از بین رفت که از شرق حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام عبور می‌کرد و به رودخانه علقمی مشهور است.(۱۶) در دوران حکومت متوکل عباسی طی سال‌های ۲۴۷ – ۲۳۶ هجری (۸۶۱ – ۸۵۰ م)، قبر امام حسین‌علیه السلام بار دیگر، با سیاست خصمانه آشکاری مواجه شد. به دستور متوکل حرم مطهّر امام‌علیه السلام را سه بار تخریب و آب را به آنجا سرازیر کردند تا جایی که آب قبر را فراگرفت. نیروهای مسلح به کار گرفته شدند تا زائران حرم مطهّر را زیر نظر قرار دهند. آنها با زائران به حدّی با قساوت برخورد می‌کردند که باعث مهاجرت مسلمانان از کربلا شد.(۱۷) در سال ۲۴۷ هجری (۸۶۱ م) متوکل به دست فرزندش منتصر کشته شد. وی پس از رسیدن به خلافت به بازسازی حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام پرداخت. در پی این اقدام، مسلمانان گروه گروه راهی کربلا ـ شدند و ساختمان‌ها و بازار هایی در اطراف حرم مطهّر بنا کردند. بدین ترتیب، در مدّت کوتاه حاکمیت منتصر که بیش از شش ماه به طول نینجامید، کربلا جایگاه عمرانی و علمی گذشته خویش را بازیافت.(۱۸) در هر صورت، این دوره تأثیر زیادی در توسعه شهر کربلا و جذب زائران داشت. از اوّلین علویون که در این زمان (۲۴۷ ه. ق) در کنار حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام دفن شدند، ابراهیم المجاب معروف به ابراهیم الضریر الکوفی بن محمّد العابد بن الامام موسی الکاظم‌علیه السلام و فرزندش بودند که قبرشان در گوشه شمال غربی رواق است. این نقطه به روضهٔ الحسینیه (باغ حسینیه) معروف است.(۱۹) در عهد معتضد خلیفه عباسی در سال ۲۷۹ هجری (۸۹۲ میلادی)، حسن‌بن زید العلوی ملقب به «الداعی کبیر»، پادشاه طبرستان و دیلم، به زیارت کربلا رفت و کار ساخت حسینیه‌ای را آغاز کرد که مساجدی نیز آن را دربرگرفته بود، ولی قبل از آنکه موفق به اتمام آن شود فوت کرد و برادرش، محمّد بن زید علوی ملقب به «داعی صغیر» که جایگزین برادرش شده بود آن را تکمیل کرد. وی به کربلا و حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام توجّه خاصّی داشت.(۲۰) در زمان مستکفی از خلفای عباسی در سال ۳۳۴ هجری (۹۴۶ م) یهودیان وارد بغداد شدند که در آن زمان نیز کربلا مورد توجّه قرار گرفت. سلطان معزالدوله نخستین پادشاه بویهی بود که در

سال ۳۶۶ ه. ق (۹۷۷ م) به زیارت قبر امام حسین‌علیه السلام رفت.(۲۱) در سال ۳۶۷ هجری (۹۷۸ م) در زمان خلافت طائع عباسی، سلطان عضد الدوله فنا خسرو بن رکن الدوله حسن بویهی بر بغداد چیره شد و برای نخستین بار به زیارت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام رفت. پس از آن، کربلاـ همواره مورد توجّه وی بود و هر ساله به زیارت حرم مطهّر امام می‌رفت.(۲۲) در سال ۳۶۹ هجری (۹۸۰ م) عمران بن شاهین، (حاکم امارت البطائح که در نزدیکی واسط در جنوب عراق قرار دارد)، به حرم مطهّر امام علی‌علیه السلام در نجف اشرف و حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام در کربلاـ توجّه نشان داد تا جایی که در سمت غربی حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام رواقی بنا کرد که به رواق ابن شاهین معروف شد و امروزه آن را رواق سیّد ابراهیم مجاب می‌نامند و مسجدی نیز در جوار آن ساخته شده است.(۲۳) در دوره طائع عباسی، ضبهٔ بن محمّد الاسدی، امیر عین التمر که رهبری دزدان و راهزنان را برعهده داشت، به کربلا و محل شهادت امام حسین‌علیه السلام حمله کرد. وی عین التمر را مرکز فعّالیّت و انجام کارهای دزدی و غارت خویش قرار داده بود و از آنجا به شهرها و قافله‌ها حمله می‌کرد. آنچه به وی در انجام این امور یاری می‌کرد، عدم برقراری امنیّت و آرامش در شهرها بود. عضد الدوله بویهی یک گروهان سرباز را برای غلبه بر ضبهٔ بن محمّد الاسدی اعزام کرد، ولی وی پس از رسیدن گروهان به آنجا فرار کرد.(۲۴) عضد الدوله که به کربلا توجّه خاصّی داشت، به این کار قناعت نکرد. مهم‌ترین سفر او به این شهر در سال ۳۶۹ هجری انجام گرفت. وی در این سفر دستور داد حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و بناهای پیرامون آن را بازسازی کنند. کار بازسازی حرم در سال ۳۷۱ هجری (۹۸۲ م) به پایان رسید. عضد الدوله هم‌چنین قبل از فوت خود در سال ۳۷۲ هجری، دستور داد تا برای نخستین بار حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام را بسازند. در دوران وی، کربلاـ به طور گسترده‌ای شکوفا شد و بناهای جدیدی میان دو حرم و اطراف آن ساخته شدند که توسعه این شهر را در پی داشت.(۲۵) در دوره قادر باللّه «از خلفای عباسی» در سال ۴۰۷ هجری (۱۰۱۷ م)، به علّت سقوط شمع‌ها حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام در آتش سوخت که این امر تشویش و نگرانی را در این شهر دامن زد؛ تا اینکه حسن بن فصل بن سهلان معروف به أبی محمّد رامهرمزی، وزیر پادشاه بویهی، در سال ۴۱۴ هجری (۱۰۲۳م) آرامش را به کربلاـ بازگرداند و این شهر را مورد توجّه قرار داد. در سال ۴۳۱ هجری (۱۰۴۰ م) سلطان ابوطاهر جلال الدولهٔ بن بهاء الدوله بن عضد الدوله بویهی به همراه تعداد زیادی از یاران و پیروان ترک خود به زیارت شهر کربلا و حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام رفت و مدّتی در این شهر توقف کرد. طی این مدّت، نَعماتی را به اهالی این شهر بخشید که این اقدام در تحوّل شهر تأثیر داشت.(۲۶) بعد از ضعیف شدن بویهی‌ها، سلاجقه بر عراق چیره شدند. آنها نه تنها موضعی خصمانه در قبال کربلا اتخاذ نکردند، بلکه به آن شهر احترام هم می‌گذاشتند. اوّلین فرد از سلاجقه که به زیارت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام رفت، سلطان سلجوقی ابوالفتح جلال الدوله ملک شاه به همراه وزیر خود نظام الملک و تعداد زیادی از یارانش در سال ۴۷۹ هجری (۱۰۸۷ م) بود.(۲۷) در سال ۴۸۹ هجری (۱۰۹۶ م) قبیله خفاجه پس از حمله به حلّه - که فرمانروای آن «صدقه بن مزید» ملقّب به «سیف الدوله» بود نتوانست در برابر آنها مقاومت کند - به کربلا حمله کردند و به کشتار مردم، تجاوز به زنان، غارت اموال و تجاوز به اماکن مقدّس پرداختند. ولی «صدقه» لشکری را به سوی آنها روانه کرد. این لشکر، قبیله خفاجه را محاصره کردند و تعداد زیادی از آنها را در محل شهادت امام حسین‌علیه السلام، حتّی در نزدیکی ضریح به قتل رساندند.(۲۸) در سال ۵۱۳ هجری (۱۱۲۰ م) امیر «دبیس بن صدقه بن مزید ابو الاغز الاسدی» که فردی شاعر بود و پس از پدرش، «صدقه بن مزید»، به فرمانروایی حلّه منصوب شده بود، به زیارت کربلا رفت. او در سیاست‌های خود با «مُستَرشِد»، خلیفه عباسی، وفاق نداشت.(۲۹) در سال ۵۲۶ هجری (۱۱۳۲ م) مسترشد به گنج‌ها و اموال موجود در حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام دست اندازی کرد، تا [حقوق]لشکریان را با آن بپردازد امّا دیگر به حرم تعرّضی نکرد.(۳۰) در سال ۵۵۳ هجری (۱۱۵۸م) مقتضی باللّه، از خلفای عباسی، در مسیر سفر به شهر الانبار به زیارت کربلا و حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام رفت.(۳۱) شهر کربلا به ویژه ساختمان‌های حرمهای مقدّس آن در روزگار خلافت احمد ناصر لدین اللّه (از خلفای عباسی) از سال ۵۷۵ تا ۶۲۲ هجری (۱۱۸۰ تا ۱۲۲۵ م) به شکوفایی

رسید، زیرا وی برخلاف پدران و گذشتگان خویش، از محبّان اهل بیت‌علیهم السلام و طرفدار آنها بود.(۳۲) بعد از آن دوباره کربلا ـ با کم‌توجّهی مواجه شد. هنگامی که مغول ها در سال ۶۵۶ هجری (۱۲۵۸ م) به رهبری «هلاکو» بر عراق چیره شدند، کربلا هم‌چنان در تاریکی، فقر و ضعف به سر می‌برد. با سقوط بغداد، شهرهایی هم‌چون بصره، نجف، کوفه، حلّه، واسط، موصل، کربلا و ... تسلیم مغول ها شدند. در سال ۶۹۶ هجری (۱۲۹۷ م) محمود غازان خان، از سلاطین مغول، پس از عبور از شهرهای حلّه و نجف برای زیارت امام حسین‌علیه السلام راهی کربلا شد و دستور داد تا به علوی ها و ساکنان این شهر اموال فراوانی اعطا کنند. دو سال بعد، در سال ۶۹۸ هجری غازان خان بار دیگر به زیارت کربلا ـ و نجف رفت و دستور داد قناتی را از رودخانه فرات تا دشت‌های کربلا ـ حفر کنند. برای آنکه این رودخانه از دو رودخانه دیگری که غازان خان در حلّه دستور به حفر آنها داده بود، تشخیص داده شود، «غازانی الاعلی» نامیده شد.(۳۳) در سال ۷۰۳ هجری (۱۳۰۴ م) «محمّد خدابنده» جانشین «غازان خان» شد و در توجّه به مراقد مقدّس و حمایت از علویان، راه وی را ادامه داد.(۳۴) ابن بطوطه در سفر خویش به کربلا در سال ۷۲۷ هجری (۱۳۲۷ م) درباره این شهر می‌گوید: «کربلا شهر کوچکی است که درختان نخل آن را احاطه کرده است، رود فرات آن را آبیاری می‌کند و در درون آن یک باغ مقدّس قرار دارد که در آن باغ یک مدرسه بزرگ واقع است. در مقابلِ در باغ موانع و نگهبانانی حضور دارند و هیچ‌کس بدون اجازه آنها وارد باغ نمی‌شود. آنها از آستان مقدّس که نقره‌ای است نگهبانی می‌کنند. بالای ضریح مقدّس قندیل‌های طلایی و نقره‌ای قرار دارند و بر درها نیز پرده هایی از حریر نصب شده است. ساکنان این شهر از دو طایفه اند: فرزندان زحیک و فرزندان فائز که همیشه میان آنها جنگ و درگیری است و به همین علّت، این شهر تخریب شده است».(۳۵) تقریباً در همین سال «حمدالله مستوفی»، مورّخ و تاریخدان مشهور، نیز با دیدار از کربلا، این شهر را این‌گونه توصیف کرد: «در هشت فرسخی غرب کوفه در صحرای کربلا، محل شهادت امام‌علیه السلام واقع است که به مشهد الحائری معروف است».(۳۶) در زمان ایلخانیان اوضاع سیاسی عراق آشفته بود و درگیری‌های زیادی به وقوع پیوست. این وضعیّت راه را برای «شیخ حسن جلائری»، مؤسس دولت «جلایریه» که پایتختش در «تبریز» بود، هموار کرد تا در سال ۷۳۸ هجری (۱۳۳۷ م) بر بغداد چیره شود و به سلطه ایلخانیان پایان دهد. با وجود کوتاه بودن دوره حاکمیت جلایریه، برقراری آرامش نسبی کمک کرد تا انقلابی عمرانی، علمی و صنعتی در عراق به ویژه در شهرهای دینی از جمله در کربلا ـ به وقوع بپیوندد. در سال ۷۶۷ هجری (۱۳۶۶ م) «سلطان اویس جلایری» که بعد از پدرش «شیخ حسن جلایری» حاکم خراسان و عراق شده بود، به منظور خاموش کردن فتنه «امیر مرجان» که خودش وی را والی عراق کرده بود وارد بغداد شد. «مرجان» خواهان استقلال در عراق بود، به همین دلیل، «سلطان اویس» لشکری را برای مطیع کردن وی آماده کرد. هنگامی که «اویس» به بغداد نزدیک شد، «مرجان» به سمت کربلا فرار کرد و به حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام پناه برد. «اویس» پس از آگاهی از این مسئله، به صداقت مرجان در دوستی با اهل بیت‌علیه السلام یقین پیدا کرد، از این رو، او را فراخواند و به او اکرام کرد و پس از بخشش، وی را مجدداً به عنوان والی عراق منصوب کرد. هنگامی که مرجان به حرم پاک حسینی پناه برده بود، نذر کرد که اگر از این رنج و مصیبت رهایی یابد، گلدسته‌های خاصّی در باغ حسینی بنا کند. وی همین کار را انجام داد و در اطراف آن مسجدی نیز بنا کرد. سپس مقداری از املاک خود را در کربلا، بغداد، عین التمر و الرحالیه وقف کرد تا درآمدهای آنها خرج مسجد و گلدسته هایی شود که به گلدسته‌های العبد معروف شدند. هنگامی که سلطان اویس از اقدامات مرجان، والی خود در بغداد، و تکریم حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و وقف اموال و املاک وی باخبر شد، تحت تأثیر قرار گرفت و به بازسازی عمارت حرم شریف اقدام کرد. بعد از او پسرانش، سلطان حسین و سلطان احمد بهادر خان، در سال ۷۸۶ هجری (۱۳۸۴ م) آن را تکمیل کردند. ساختار این بنا هنوز هم موجود است. هم‌چنین در این زمان در باغ حسینیه ایوان طلایی ساخته شد.(۳۷) قبل از آنکه تیمور لنگ در سال ۷۹۵ هجری (۱۳۹۳ م) بر بغداد چیره شود، سلطان احمد بهادر خان به همراه حدود دوهزار رزمنده بغداد را به سمت کربلا ـ ترک کرد. تیمور لنگ نیز لشکریان خویش را در پی سلطان احمد گسیل داشت و در

بیابان‌های کربلا جنگ سختی میان طرفین درگرفت. سرانجام سلطان احمد به شام و از آنجا به مصر گریخت.(۳۸) در سال ۸۵۷ هجری (۱۴۵۴ م) علی بن محمّد بن فلاح ملقب به «الشعشعی» که حاکم بصره، اهواز و مناطق اطراف آن بود اقدام به غارت اماکن مقدّس کربلاـ و نجف کرد و برخی از ساکنان این دو شهر را کشت و برخی را اسیر کرد.(۳۹) اوزون حسن در سال ۸۷۳ هجری (۱۴۶۸ م) دولت آق قویونلوها را تأسیس کرد. آنها به مدّت چهل سال بر ایران و عراق حکومت کردند. در این مدّت، هشت سلطان به قدرت رسیدند، امّا این دولت نتوانست خدمات مهمی به عتبات مقدّس در کربلا و غیر از آن ارائه دهد. علّت این امر مشغول شدن آنها به جنگ‌ها و درگیری‌های شدیدی بود که میان آنها، عثمانی‌ها و صفوی ها درگرفت. به هر ترتیب، آنها امنیّت و سلامت عتبات مقدّس را حفظ کردند و در دوران حاکمیت خود که به وسیله شاه اسماعیل صفوی پدر سال ۹۱۴ هجری (۱۵۰۸ م) پایان داده شد مانع هرگونه تجاوز به این اماکن مقدّس شدند.(۴۰)

تاریخ کربلا طی دوران حاکمیت صفویه و عثمانی بر عراق

در سال ۹۰۶ هجری (۱۵۰۱ م)، «شاه اسماعیل صفوی» پس از تأسیس دولت صفویه در ایران، لشکر عظیمی به سرپرستی لاله حسین برای غلبه بر بغداد اعزام کرد. وی در سال ۹۱۴ هجری (۱۵۰۸ م) بر دولت آق قویونلوها غلبه کرد. بدین ترتیب، عراق زیر نظر دولت صفویه قرار گرفت و مرحله تاریخی جدیدی آغاز شد. شاه اسماعیل صفوی در همان سال وارد بغداد شد و در روز دوم ورود به بغداد به زیارت کربلاـ و مراقد مقدّس آن رفت و این اماکن مورد توجّه و حمایت وی قرار گرفت. وی به مجاوران باغ حسینیه مال و هدایایی بخشید. سال‌هایی که شاه اسماعیل صفوی در عراق حکومت می‌کرد، دوران شکوفایی و آرامش به ویژه برای شهرهای مقدّس بود.(۴۱) در سال ۹۳۰ هجری (۱۵۲۴ م) شاه اسماعیل صفوی فوت کرد و پسرش طهماسب اوّل جانشین وی شد. عراق در آن زمان تسلیم عثمانی‌ها شد. در سال ۹۳۶ هجری (۱۵۳۰ م)، طهماسب با اعزام لشکری برای محاصره بغداد، قلعه‌ای را که «ذوالفقار» حاکم بغداد در آن قرار داشت، محاصره کرد. طهماسب توانست قلعه را فتح کند و حاکم بغداد را بکشد. وی پس از غلبه بر عراق و بغداد، به زیارت حرمهای مقدّس در کربلا رفت.(۴۲) به زودی کشمکش میان صفویان و عثمانی‌ها بر سر سیطره بر عراق شروع شد. سلطان سلیم عثمانی در سال ۹۱۸ هجری (۱۵۱۲ م) به قدرت رسید و در سال ۹۴۱ هجری (۱۵۳۵ م) عراق به تصرف پسرش، سلطان سلیم قانونی، درآمد. وی تا آنجا که توانست به عتبات مقدّسه توجّه کرد و دل ساکنان آنها را به دست آورد. همچنین تصمیم گرفت اقدامات بیشتری نسبت به شاه اسماعیل در شهرهای مقدّس، به خصوص کربلا انجام داد. او با احداث سدی که همچنان به «روف السلیمانیه» مشهور است، کربلا را از غرق شدن نجات دهد. وی در سال ۹۴۱ هجری (۱۵۳۵ م) دستور داد تا نهری برای آبیاری اراضی شهر کربلا احداث کنند که «نهر سلیمانی» نامیده شد و اکنون به «نهر حسینیه» معروف است و همچنان شهر کربلا را آبیاری می‌کند.(۴۳) این رودخانه در ورودی شهر به دو شاخه تقسیم می‌شود که شاخه اوّل در مسیر شمال غربی شهر جاری است و «الرشیدیه» نامیده می‌شود و شاخه دوم در مسیر جنوب شهر کربلا جریان دارد و به «هندیه» معروف است. در سال ۹۸۰ هجری (۱۵۷۳ م) شاه طهماسب اوّل توانست بار دیگر بر بغداد چیره شود. پس از آن، معاهده صلحی را با دولت عثمانی امضا کرد و برای بار دوم به زیارت کربلا و حرمهای مقدّس آن رفت. وی در این سفر دستور داد تا به شهر کربلا به ویژه حرم شریف امام حسین‌علیه السلام توجّه شود.(۴۴) در سال ۹۸۴ هجری (۱۵۷۶ م) «شاه طهماسب» فوت کرد و در همان سال پسرش، اسماعیل صفوی، با کشتن برادرش حیدر میرزا به قدرت رسید. وی دستور داد که شهر کربلا و حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام مورد اهتمام قرار گیرد.(۴۵) بعد از آن عثمانی‌ها بر عراق چیره شدند. طبق گفته برخی منابع تاریخی، علی پاشا الوند زاده، والی عثمانی شهر بغداد، در سال ۹۸۴ هجری (۱۵۷۶ م) به تعمیر حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام پرداخت.(۴۶) در ۲۵ سپتامبر سال ۱۶۰۴ م یک جهانگرد پرتغالی به نام بیدرو تکسیرا وارد کربلاـ شد. پس از این سفر بی‌سابقه، کربلا در قرن ۱۷ میلادی شاهد

تغییرات عمده‌ای به خصوص در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و عمرانی شد. تکسیرا ساکنان این شهر را عرب، ایرانی و اندکی نیز ترک توصیف می‌کند. او می‌گوید: «بعضی از آنها از بازماندگان کسانی هستند که برای زیارت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام آمده و در این شهر سکونت پیدا کرده‌اند. برخی دیگر نیز در پی جنگهایی که میان صفویان و عثمانی‌ها درگرفت، به علّت وجود امنیّت و آرامش در این شهر مقدّس به آن پناه بردند. بازارهای این شهر مستحکم ساخته شده‌اند و مملو از خوار و بار و کالاهای تجاری هستند». وی درباره باغ حسینیه می‌گوید: «مسلمانان از تمامی نقاط برای زیارت آن می‌آیند». «تکسیرا» از هرج و مرجی که در زمان حاکمیت «ناصر المهنا» در کربلا به وجود آمد، نیز سخن می‌گوید.(۴۷) شایان ذکر است که این امیر شیخِ قبیله آل‌مهنا و از عشایر جشعم العربیه است. وی در سال ۱۰۱۳ هجری (۱۶۰۴ م) به جنگ در کربلا پرداخت و رهبری آن را برعهده گرفت. در سال ۱۰۳۲ هجری (۱۶۲۳ م) در پی سیطره شاه عباس صفوی بر عراق، حکومت وی به پایان رسید.(۴۸) شاه عباس پس از سلطه بر بغداد در سال ۱۰۳۲ هجری به زیارت کربلا، حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حرم مطهّر امام علی‌علیه السلام رفت.(۴۹) بعد از وفات شاه عباس در سال ۱۰۳۸ هجری (۱۶۲۹ م)، شاه صفی الدین اوّل، نوه شاه طهماسب جانشین وی شد. در همان سال مراد چهارم، پادشاه عثمانی توانست پس از محاصره بغداد بر این شهر و عراق چیره شود. وی پادشاهی خونریز بود و طی یک قتل عام، سی‌هزار شیعه را کشت.(۵۰) به همین علّت، در سال ۱۰۴۲ هجری (۱۶۳۳ م) شاه صفی الدین اوّل» تصمیم گرفت عراق را از عثمانی‌ها پس بگیرد. وی در این سال به زیارت کربلا رفت و اموال زیادی را وقف آن کرد. ولی عثمانی‌ها مجدداً به عراق بازگشتند و بر آن چیره شدند و طی جنگی در سال ۱۰۴۸ هجری (۱۶۳۸ م) دوهزار سرباز ایرانی را که قزل باش نامیده می‌شدند، کشتند.(۵۱) هنگامی که این خبر به شاه صفی الدین رسید، به شدّت خشمگین شد و با اعزام لشکر، بغداد را محاصره کرد و دوباره بر عراق مسلط شد. وی به زیارت کربلاـ و حرمهای مقدّس آن رفت و بخشش‌های زیادی به فقرای شهر عطا کرد.(۵۲) عثمانی‌ها یک بار دیگر به عراق بازگشتند و قبلان مصطفی پاشا به عنوان والی بغداد منصوب شد. وی در آغاز سال ۱۰۸۸ هجری (۱۶۷۷ م) به زیارت کربلا رفت و به خادمان حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام اموالی را هدیه کرد.(۵۳) وزیر حسن پاشا، والی عثمانی‌ها، در بغداد دست به اصلاحاتی زد که می‌توان گفت آن اصلاحات، عراق را وارد مرحله جدیدی کرد. وی در سال ۱۱۱۶ هجری (۱۷۰۴ م) به زیارت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام رفت و به خادمان حرم و فقرا کمک‌هایی کرد، سپس در سال ۱۱۲۷ هجری (۱۷۱۵ م) بار دیگر کربلا را زیارت کرد و دستور داد ضریح حسینی را تعمیر کنند. وی در کربلا خان الپاشا را بنا کرد که در مقابل «باب الرجا» یکی از درهای باغ حسینی قرار دارد.(۵۴) در سال ۱۱۳۸ هجری (۱۷۲۶ م) نادر شاه افشار توانست بر دولت صفویه غلبه کند و در ایران به قدرت برسد. وی بعد از محاصره بغداد نفوذش را در عراق گسترش داد و بر این کشور نیز مسلط شد. سپس به زیارت مراقد امام حسین‌علیه السلام در کربلا و حضرت علی‌علیه السلام در نجف رفت. همسر وی نیز در سال ۱۱۵۳ هجری (۱۷۴۰ م) اموال زیادی را به منظور تعمیر حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام انفاق کرد.(۵۵) در سال ۱۱۵۶ هجری (۱۷۴۳ م) نادرشاه افشار بار دیگر به همراه وزرا و لشکریانش به زیارت کربلا رفت. حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حرمهای دیگر مورد توجّه وی قرار گرفت که این امر در بهبود وضعیّت شهر نقش عمده‌ای داشت.(۵۶) کارستن نیپور، جهانگرد آلمانی، در ۲۷ دسامبر ۱۷۶۵ میلادی به کربلا رسید. وی توصیف های سودمندی از کربلا به ما ارائه می‌کند. به گفته وی، [درخت] نخل در کربلا زیاد بوده و ساکنان آن از ساکنان نجف بیشتر بوده‌اند. وی از دیواری که کربلا را احاطه کرده سخن می‌گوید و اینکه این دیوار پنج در داشته است که در زمان سفر وی، تخریب شده بودند. نیپور با شگفتی از باغ حسینی صحبت می‌کند که از یک درگاه و صحن تشکیل شده و صحن را درگاه احاطه کرده است که نور هایی از آن تشعشع می‌کند و به علّت کثرت پنجره‌های آن، همیشه نورانی و روشن است. وی هم‌چنین خاطرنشان می‌کند که برای تقدیر از مردانگی هایی که حضرت عباس‌علیه السلام در روز عاشورای سال ۶۱ هجری (۶۸۰ م) از خود نشان داد، مسجد بزرگی برای وی ساخته شده است.(۵۷) در سال ۱۲۱۶ هجری (۱۸۰۱ م) خبر نزدیک شدن وهابیها به سرپرستی سعود بن عبد

العزیز بن محمّد بن سعود به همراه حدود ششصد شتر سوار و چهارصد اسب سوار منتشر شد؛ این در حالی بود که اکثر ساکنان کربلا به منظور زیارت در نجف به سر می‌بردند. کسانی که در شهر کربلا باقی مانده بودند، به سرعت برای بستن درهای شهر اقدام کردند. ولی وهابیها فرود آمدند و خیمه‌های خود را برافراشتند و نیروهای خود را به سه گروه تقسیم کردند. هر کدام از این نیروها از درهای نزدیک خود حمله کردند و توانستند وارد شهر شوند. ساکنان شهر وحشت‌زده پا به فرار گذاشتند. وهابیها به سمت ضریح‌های مقدّس حرکت و شروع به تخریب آنها کردند و میله‌های آهنی، بافته ها و آینه‌ها را از جا کندند و اشیای نفیس و گران‌بهایی را که جزو هدایای امیران، پادشاهان و سلاطین بود، غارت کردند. آنها همچنین تزیین های دیوارها را دزدیدند، طلا های سقف را کندند و حدود پنجاه نفر را در نزدیکی ضریح و پانصد نفر را در صحن حرم مطهّر کشتند. جنگجویان وهابی، شهر کربلا را نیز غارت کردند، در آن به فساد و تخریب روی آوردند، همه را دم تیغ گذراندند، بازارها و خانه‌ها را سرقت کردند و به هیچ‌کس اعم از پیر، جوان و زن رحم نکردند، به طوری که هیچ‌کس از وحشیگری آنها در امان نماند. برخی تعداد این کشته‌ها را هزار نفر و برخی دیگر پنج هزار نفر تخمین زده‌اند.(۵۸) در اوایل قرن هفدهم میلادی، یمین الدوله علی خان، ششمین پادشاه سرزمین أوده در هند که طی سال‌های ۱۲۱۳ تا ۱۲۲۹ هجری (۱۸۱۴ - ۱۷۹۸ م) حکومت کردند، از کربلا دیدار کرد. وی با مشاهده وضعیّت شهر، احساس ترحم کرد و در آن بازارهای مناسب و خانه‌های باشکوهی بنا کرد و برخی از کسانی را که دچار مصیبت شده بودند در آنها سکونت داد. همچنین حصاری مستحکم دور شهر بنا کرد و در اطراف آن برج ها و دژهای استواری ساخت و بدین ترتیب، تا حدودی پیشرفت و توسعه به این شهر بازگشت.(۵۹) در سال ۱۲۱۷ هجری (۱۸۰۲ م) ابوطالب خان، جهانگرد هندی، از کربلا دیدن کرد و به دیدار عمه خود که در جوار حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام ساکن بود، رفت. وی نیز تمام جزئیات حوادث جنگ صلیبی را توصیف کرده است. ابوطالب خان در سفرنامه خویش اتفاقاتی را که در دو باغ رخ داده، آورده است. وی در وصف صحن شریف حسینی گفته است: «در وسط صحن حرم ابراهیم قرار دارد». این سخن نشان می‌دهد که در آن زمان حرم ابراهیم همچنان جزء رواق حسینی بوده است.(۶۰) دولت عثمانی در حال فروپاشی بود و تمامی والیان آن از حکومت استعفا کرده بودند. در این زمان، داود پاشا، والی عراق، از مردم برای بیعت دعوت کرد که مردم تمام شهرهای عراق به جز حلّه و کربلا از وی اطاعت کردند. وی لشکری عظیم به این دو شهر اعزام کرد. لشکر ابتدا وارد حلّه شد، سپس در سال ۱۲۴۱ هجری (۱۸۲۶ م) به سمت کربلا حرکت کرد، ولی به علّت داشتن حصار محکم نتوانستند وارد شهر شوند. تلاش آنها بی‌نتیجه ماند. حتّی از سال ۱۲۴۱ هجری تا ۱۲۴۵ هجری (۱۸۲۶ ۱۸۳۰ م) شهر را محاصره کردند، امّا شهر همچنان استقامت می‌کرد. آنها آب و غذای شهر کربلا را قطع کردند. بدین ترتیب، ساکنان شهر ناچار شدند توافق نامه صلحی با داود پاشا امضا کنند. با این کار شهر و حرمهای مقدّس آن از تخریب و نابودی در امان ماندند. این حادثه در تاریخ به «المناخور» مشهور است.(۶۱) هنگامی که در سال ۱۲۵۸ هجری (۱۸۴۲ م) نجیب پاشا، والی عثمانی، در بغداد به حاکمیت رسید، کربلا تحت سلطه عثمانی‌ها قرار نداشت. بنابراین، وی در آغاز سال ۱۸۴۲ برای گسترش سیطره عثمانی‌ها بر کربلا لشکری را آماده کرد. نیروهای نجیب پاشا پس از محاصره ۲۵ روزه شهر توانستند با استفاده از توپ به دیوار شهر حمله و شکاف‌های عظیمی در آن ایجاد کنند. در این زمان، درگیری‌هایی میان لشکریان، اهالی کربلا و برخی از عشایر پیرامون این شهر درگرفت. در نهایت، لشکریان عثمانی با پیروزی وارد شهر شدند. آنها هزاران تن از افرادی را که در مجاورت حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام بودند کشتند. برخی از روایت‌ها تعداد کشته‌ها را چهارهزار تن بیان کرده‌اند.(۶۲) در سال ۱۲۷۰ هجری (۱۸۵۳ م) لوفتوس، باستان شناس انگلیسی، از کربلا دیدار کرد. وی با اظهار شگفتی از ورودی کربلا می‌گوید: «ورودی این شهر به علّت وجود انبوهی از درختان خرما و بستان های پیرامون آن، از ورودی شهر نجف زیباتر است». وی می‌افزاید: «وجود بناهای ساخته شده در خارج از دیوار، حاکی از امنیّت این منطقه از خطرات قبایل بدوی است». لوفتوس به وجود کوره هایی برای ساخت آجر در اطراف کربلا اشاره می‌کند و می‌افزاید: «آنها در شکل و حجم شبیه

آجر بابل هستند». لوفتوس درباره باغ حسینیه می گوید: «به بارگاه حضرت علی‌علیه السلام شباهت زیادی دارد، فقط گنبد امام حسین‌علیه السلام در کربلا طلایی است». وی می‌افزاید: «گنبد حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام سنگ فرش و شیشه کاری شده و رنگ آن آبی تند است. بازارهای کربلاـ مملو از کالاست. بعد از حادثه نجیب پاشا بسیاری از خانه‌ها تخریب شدند که هنوز ترمیم یا از نو ساخته نشده‌اند».(۶۳) در سال ۱۲۸۱ هجری (۱۸۶۴ م) جان اَشر، عضو انجمن جغرافیای پادشاهی در لندن، از کربلا دیدار کرد و با دیدن ورودی کربلا که در دو طرف آن بستان های زیبایی در امتداد رودخانه حسینیه قرار دارد، اظهار شگفتی کرد. جان اشر در توصیف کربلا می گوید: «این شهر دارای تحرکات و فعّالیّت منحصر به فردی است و بازارهای آن مملو از زوّار است و برخلاف شهرهای دیگر، دچار رکود و انحطاط نیست. جان اشر به وجود تعدادی از مسلمانان هندی در کربلا اشاره می کند و نیز زائرانی که از ایران و افغانستان به این شهر سفر کرده بودند. وی هم‌چنین به توصیف گنبد حرم مطهّر امام حسین، گلدسته‌های طلایی و دیوارهای تزیین شده آن می‌پردازد. او درباره حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام می گوید: «این حرم شباهت زیادی به حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام دارد.» (۶۴) در سال ۱۲۸۵ هجری (۱۸۶۸ م) مدحت پاشا، والی عثمانی بغداد، به زیارت کربلا رفت و پنج روز در آنجا اقامت گزید. وی بعد از آنکه دریافت شهر گنجایش ساکنان و هیأت‌های سفر کننده به آن را ندارد، تصمیم گرفت تا شهر را از ناحیه جنوب غربی توسعه دهد که این منطقه محله عباسیه نامیده شد.(۶۵) در سال ۱۲۸۸ هجری (۱۸۷۱ م) ناصرالدّین شاه قاجار، نوه فتحعلی شاه به دعوت رسمی دولت عثمانی به زیارت کربلاـ رفت. وی به افراد مجاور باغ حسینیه هدایای زیادی بخشید و به حرم شریف نیز اهتمام ورزید. انیس الدوله، همسر وی، نیز ضریحی را به قبر شهدا در باغ حسینیه اعطا کرد که هم‌چنان باقی مانده است.(۶۶) در سال ۱۲۹۵ هجری (۱۸۷۸ م) محمّد علی شاه به زیارت کربلا و حرمهای امام حسین‌علیه السلام و برادرش عباس‌علیه السلام رفت.(۶۷) مادام دیولافوی، جهانگرد فرانسوی، در سال ۱۲۹۹ هجری (۱۸۸۱ م) به اتفاق همسرش از کربلا دیدن کرد و شهر و مکتب‌های علمی و دینی آن را مورد تمجید قرار داد. وی گفت: «شهر کربلا از مراکز مهم شیعی و یک مجتمع علمی بزرگ محسوب می‌شود. وجود مدارس بزرگ دینی سبب شده است که مردم از تمام نقاط جهان اسلام برای یادگیری علم به آن روی آورند و اکثر دوران زندگیشان را در این شهر سپری کنند».(۶۸) در سال ۱۳۰۷ هجری (۱۸۹۰ م) جان پرتز، رئیس هیأت کاوش آثار باستانی پنسیلوانیا در نفر (منطقه عفج) به زیارت کربلا رفت. وی شهر را این‌گونه توصیف کرد: «کربلاـ در کنار یک زمین رسوبی حاصل‌خیز قرار دارد که تعداد ساکنان آن به شصت‌هزار نفر می‌رسد و شهری است که مظاهر شکوفایی در آن ملاحظه می‌شود. امّا قسمت جدید این شهر که به تازگی در خارج از دیوار قدیم احداث شده است، خیابانهایی وسیع و منظّم و ظاهری اروپایی دارد. با وجود این، اکثر دیوارهای قدیمی آن تخریب شده‌اند، ولی درهای ورودی آن هم‌چنان پابرجاست».(۶۹) در سال ۱۳۲۷ هجری (۱۹۰۹ م) المس جرترودبیل، شرق‌شناس و جهانگرد سرشناس انگلیسی، از کربلا دیدن کرد و به سمت مسئول کنسولگری انگلیس در عراق منصوب شد و دوازده سال در کربلا باقی ماند. وی خاطرنشان می کند که کربلا در روایت‌های شرقی مربوط به اماکن دینی، یک شهر ریشه‌دار محسوب می‌شود و مسلمانان به طور مدام به زیارت این شهر می‌آیند.(۷۰) در سال ۱۳۲۹ هجری (۱۹۱۱ م) عمانوئل فتح الله عمانوئل از کربلا دیدار و شگفتی خود را از آن به ویژه از کربلای جدید اظهار کرد و گفت: تمام راه‌های آن قندیل و چراغ نورانی شده است. وی درباره کربلا آورده است: ثروت‌های این شهر زیاد، تجارت در آن باشکوه، کشاورزی اش پیشرفته و صنعت آن مشهور است. در کربلاـ یک بیمارستان نظامی، یک سرای حکومتی، پادگانی برای سربازان، داروخانه و حمّام های زیاد، اداره برق، پست، شهرداری و کنسولگری انگلیس وجود دارد و تعداد ساکنان این شهر به ۱۰۵ هزار تن می‌رسد. استان کربلاـ از نظر اداری به سه شهرستان کربلاـ هندیه و نجف و هفت ناحیه تقسیم می‌شود که سه ناحیه به نام‌های المسیب، الرحالیه و شثاثا در شهرستان کربلا، ناحیه الکفل در شهرستان الهندیه و سه ناحیه کوفه، الرحبه و الناجیه هم در شهرستان نجف واقع هستند.(۷۱) در سال ۱۳۳۳ هجری (۱۹۱۵ م) اهالی کربلا و زائران آن بر ضد

دولت عثمانی بر آشفتند و مراکز عثمانی را تخریب کردند و جنگی میان آنها درگرفت. سرانجام مردم در این جنگ پیروز شدند، امّا بسیاری از خانه‌ها و ساختمان‌ها تخریب و دچار خسارت شد.(۷۲) در پی اشغال بغداد توسط انگلیس در ۱۱ مارس ۱۹۱۷ و خروج ترک‌ها از این شهر، اداره امور موقتاً به شیخ فخری و برادرش محمّد علی آل کمونه که وابسته به قبیله آل بودند واگذار شد. امّا چون آنها برای ارتش ترکیه که در الرمادی و عانه حضور داشت غذا قاچاق می‌کردند، دولت انگلیس از آنان خشمگین شد و در سپتامبر سال ۱۹۱۷ م برادران آل کمونه را اسیر و به هند تبعید کرد و بدین ترتیب، به استقلال کربلا پایان داده شد.(۷۳) مس استیونس، جهانگرد انگلیسی، در سال ۱۳۳۷ هجری (۱۹۱۹ م) به زیارت کربلا رفت. وی با شگفتی از بناهای این شهر یاد کرد و نوشت: «این شهر زیبایی، رنگ‌ها و تزئین های منحصر به فردی دارد». وی با اشاره به بازارهای کربلا از یک بازار سرپوشیده سخن گفته که مردم کالاهایشان را از آنجا خریداری می‌کردند. طبق اظهارات وی، این بازارهای مردمی «مملو از سبزیجات، میوه‌ها و انواع خرما، گردو و فندق بوده است». استیونس درباره حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام می‌گوید: «یک گنبد طلایی آن را دربرگرفته و یکی از باارزش‌ترین و مقدّس‌ترین مراقد شیعه در جهان و یکی از مهم‌ترین مکان‌های زیارتی در ماه محرم است». وی درباره حرم مطهّر عباس‌علیه السلام می‌گوید: «این حرم زیر گنبدی ساخته شده از قاشانی قرار دارد».(۷۴) با وجود آنکه کربلا عامل انقلاب بیستم سال ۱۳۳۸ هجری (۱۹۲۰ م) به رهبری مرجع بزرگ دینی، محمّد تقی شیرازی، محسوب می‌شد، این شهر و مراقد مقدّس آن از هرگونه تعرضی در امان ماندند. شهرهای کربلا و نجف اشرف در انقلاب سال ۱۹۲۰ م، عراق و تأسیس دولت عراقی در سال ۱۹۲۱، سهم عمده‌ای داشتند.(۷۵)

تاریخ کربلا از زمان تأسیس دولت عراق در سال ۱۹۲۱ م

کربلا در پدید آمدن انقلاب سال ۱۳۳۸ هجری (۱۹۲۰ م) عراق نقش بارزی داشت، زیرا «شیخ محمّد تقی حائری»، مرجع بزرگ دینی، در کربلا اقامت داشت و از آنجا مبارزه علیه سلطه اشغالگران را رهبری می‌کرد.(۷۶) در پی حوادثی که به علّت ناخرسندی مردم از سلطه اشغالگران انگلیسی به وقوع پیوست، دولت انگلیس پی برد که خشم مخالفان را برانگیخته است. از این رو، به نماینده خود در عراق دستور داد تا با برگزاری همه پرسی نظر عراقی‌ها را درباره دولت دلخواهشان جویا شود. اشغالگران تلاش کردند همه پرسی را براساس تمایل خویش برگزار کنند.(۷۷) ولی در نتیجه فتوای مشهور «محمّد تقی شیرازی» و تأیید آن توسط علمای مجتهد در کربلا، نجف و کاظمین تلاش آنها در شهرهای مقدّس به شکست انجامید. متن فتوا به این شرح بود: «هیچ مسلمانی نباید یک غیرمسلمان را برای فرمانروایی و سلطنت بر مسلمانان انتخاب کند».(۷۸) تعداد زیادی از علمای دین و سران طایفه ها برای دریافت دستور از مراجع دینی به این شهر [کربلا] روی آوردند، به بررسی وضع عراق پرداختند و نشست هایی در این خصوص برگزار کردند. از جمله برگزاری نشستی سرّی در خانه محمّد تقی حائری شیرازی به منظور بررسی انقلاب که این نشست در توسعه چارچوب انقلاب و ادامه آن در اکثر شهرهای عراق نقش عمده‌ای داشت.(۷۹) امّا بعد از گذشت چند ماه، انقلاب به دلایل عمده‌ای از جمله وفات شیخ محمّد تقی حائری شیرازی در ۱۴ آگوست ۱۹۲۰ م و درخواست اشغالگران از انقلابیون مبنی بر انجام مذاکرات که این امر باعث اختلاف نظرهایی شد کم‌کم فروکش کرد. در همان زمان اتفاق خطرناک دیگری نیز رخ داد که همان تمام شدن مهمات بود. این امر در تضعیف انقلاب و سپس توقف درگیری تأثیر مهمی داشت.(۸۰) نیروهای اشغالگر همچنان تحت تأثیر فشار مردمی قرار داشتند که خواهان استقلال عراق و عدم به قدرت رسیدن امیر فیصل بن حسین شریف بودند. وی از مکّه مکرّمه برای رسیدن به قدرت در عراق نامزد شده بود. یک نظامی انگلیسی امیر فیصل را در تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۹۲۱ م به بصره رساند و وی از آنجا با شتر به حلّه و سپس به کوفه و نجف رفت. در صبح ۲۷ ژوئن همین سال امیر فیصل و همراهانش از نجف راهیِ کربلا شدند، ولی علمای شاخص دینی از او استقبال نکردند. وی تنها یک روز در کربلا ماند و طی آن روز نیز به زیارت قبر امام

حسین‌علیه السلام و برادرش عباس‌علیه السلام رفت. امیر فیصل در ۲۸ ژوئن ۱۹۲۱ کربلا را به مقصد بغداد ترک کرد و سه هفته بعد از رسیدن به بغداد، کابینه دولت موقّت عراق به ریاست عبد الرحمن النقیب، وی را به اتفاق آرا به پادشاهی عراق منصوب کرد.(۸۱) در ۱۱ مارس ۱۹۲۲، یعنی حدود هفت ماه پس از تاجگذاری ملک فیصل به عنوان پادشاه عراق، تعداد زیادی از وهابیها به برخی از عشایر در ناصریه (جنوب عراق) حمله کردند و حدود هفتصد نفر را کشتند و بسیاری از خانه‌ها را غارت و ویران کردند. در پی این اقدام، علمای شیعه خواهان برگزاری کنفرانسی در آوریل ۱۹۲۲ به مناسبت نیمه شعبان و حملات وهابیها شدند. در این کنفرانس مصوباتی صادر شد که مهم‌ترین آنها خروج تمامی انگلیسی‌ها از عراق و پایان اشغالگری بود. یکی از مهم‌ترین دانشمندانی که خواهان برگزاری این نشست شد، شیخ مهدی خالصی بود.(۸۲) در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۲۲ کابینه دولت به ریاست عبد المحسن السعدون امضای اوّلین معاهده عراقی انگلیسی را تأیید کرد. این موضوع پس از آن اعلام شد که دولت به انتخاب شورای مؤسسان مبادرت ورزید و در ۲۴ اکتبر همین سال شورای سلطنتی ایجاد کنند، عالمان دینی و مردم برای مخالفت با این وضعیّت موضع واحدی اتخاذ کردند و از سوی علمای کربلا، نجف و کاظمین درباره تحریم شرکت در انتخابات فتواهایی صادر شد.(۸۳) حکومت بار دیگر در ۱۲ ژوئیه ۱۹۲۳ برای آغاز انتخابات تلاش کرد، ولی به دلیل مخالفت شیعیان با تشکیل کمیته های انتخاباتی، موفقیتی به دست نیاورد. به همین علّت، کابینه عبدالرحمن السعدون از وزارت استعفا کند و جعفر عسگری در ۲۲ نوامبر ۱۹۲۳ کابینه جدید را تشکیل داد که در میان آنها هشت وزیر از شهر کربلا حضور داشتند.(۸۴) در هفتم سپتامبر ۱۹۲۳ ملک فیصل اوّل که برای درمان راهی سوئیس شده بود، درگذشت. روز بعد پسرش، وحید غازی، به عنوان پادشاه عراق تاجگذاری کرد. طی دوران حاکمیت او بر عراق (از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۹) این کشور شاهد ناامنی‌ها، انتفاضه‌های مردمی و انقلاب‌های نظامی متعدد بود.(۸۵) در سال ۱۹۳۶ بادیه‌نشین های فرات میانی حرکت خود را بر ضد کابینه یاسین هاشمی آغاز کردند. در این میان، کربلا نقش عمده‌ای در نشست های سران جنبش و رؤسای بادیه‌نشین ها داشت. نتیجه آن نشست ها تهیه یک میثاق نامه بود که «میثاق‌الشعب» نامیده شد و مردم را به گرفتن حقوقشان دعوت می‌کرد. شیخ محمّد حسین آل کاشف الغطا از این میثاق نامه استقبال کرد و تعداد زیادی از رؤسای بادیه‌نشین های فرات میانی در حلّه، کربلا، الدیوانیه و الناصریه آن را امضا کردند.(۸۶) در پی این تحرکات، لشکریان به رهبری گروه بکر صدقی در ۲۹ اکتبر ۱۹۳۶ برای تغییر دولت یاسین هاشمی کودتا کردند و وی سرانجام براثر فشار زیاد انقلابیون ناچار به استعفا شد.(۸۷) در تاریخ ۳ آوریل ۱۹۳۹ خبر کشته شدن ملک غازی براثر یک حادثه رانندگی اعلام شد. این حادثه در شرایط مبهمی روی داد؛ وی رانندگی خودرو را خود برعهده داشت. در همان شب تصمیم گرفته شد تا فیصل دوم، پسر ملک غازی، به پادشاهی عراق منصوب شود و به علّت کمی سن پادشاه، عبدالاله، دایی وی، به عنوان جانشین به قدرت رسید.(۸۸) در این دوره، لشکریان به دخالت در امور کشور و سیاست‌های دولت پرداختند. در این میان، رشید عالی گیلانی توانست با آنها رابطه دوستی برقرار کند و در کودتای نظامی بر ضد دولت نوری السعید در تاریخ ۳۱ مارس ۱۹۴۱، دولت ائتلاف ملی تشکیل دهد. در این زمان، بروز بحران میان دولت جدید و دولت انگلیس باعث وقوع جنگ عراقی انگلیسی شد و تظاهراتی در کربلا در تأیید این دولت و اقدام ارتش عراق در حرکت مردمی بر ضد خواسته‌های انگلیس برپا شد.(۸۹) «کربلا در بیداری و جهش سال ۱۹۴۸، نقش مهمی داشت تا جایی که دانش پژوهان در خیابان‌های شهر تظاهرات کردند و شعار هایی درباره سقوط کابینه صالح جبر و معاهده پورتسموث سر دادند. هنگام تشییع جنازه جعفر الجواهری در کربلا نیز پلیس تعداد زیادی از اهالی شهر را بازداشت کرد. کربلا- بار دیگر در اکتبر ۱۹۵۲ در انتفاضه مردم عراق بر ضد دولت نورالدین محمود که به محض رسیدن به قدرت، حکومت نظامی اعلام کرده بود نقش بارزی ایفا کرد. مردم کربلا به منظور تأیید انتفاضه، در خیابان‌ها تظاهرات کردند. براثر فشار زیاد مردم، دولت نورالدین محمود استعفا کرد و حکومت نظامی لغو شد».(۹۰) در تجاوز سوم [اسرائیل] به مصر در سال ۱۹۵۶، مردم عراق و در رأس آنها مردم کربلا برای یاری مردم مصر کمک‌هایی کردند. قدرت حاکم آن زمان با مقاومت در برابر

تظاهرات متعددی که در آن، مردم شهر کربلا با تمام گروه‌های خود شرکت داشتند و خواهان سقوط دولت عراق و یاری رساندن به دولت مصر بودند، تعداد زیادی از اهالی این شهر را دستگیر کرد.(۹۱) در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ در نتیجه مبارزات مردم عراق و با شرکت تمام گروه‌های سیاسی و صنفی بر ضد قدرت حاکمه آن زمان، انقلابی به وقوع پیوست.(۹۲) کربلا مورد توجّه انقلاب قرار گرفت و عبدالکریم قاسم نخست وزیر و تعداد زیادی از مسئولان و هم‌چنین تعدادی از رؤسا و پادشاهان دولت‌های اسلامی به علّت منزلت والای کربلا نزد مسلمانان، به زیارت این شهر آمدند.(۹۳) آثار و نتایج مثبت و منفی ناشی از این انقلاب باعث شد که دولت‌های استعماری و هم جوار از این دولت احساس ترس کنند و نهایت تلاش خود را برای براندازی آن به کار گیرند. از آنجا که عبدالکریم قاسم نتوانست به طور کامل بر اوضاع داخلی مسلط شود، در تاریخ ۸ فوریه ۱۹۶۳ زمینه‌ای فراهم شد تا افسران ارتش عراق با کمک حزب بعث و امریکا به یک حرکت انقلابی دست بزنند. سرانجام عبدالسلام محمّد عارف پُست ریاست جمهوری و احمد حسن البکر پُست نخست وزیری را اشغال و عبد الکریم قاسم و یاران وی را نابود کردند.(۹۴) بعد از گذشت چند ماه، در ۱۸ نوامبر ۱۹۶۳ عبدالسلام محمّد عارف در کودتایی دیگر توانست از دست بعثی‌ها رهایی یابد(۹۵) و در غیاب مؤسسه‌های قانونی، با کمک تعدادی از افسران ارشد، قدرت را در دست گیرد. بدین ترتیب، روابط طرفین متشنج شد، به طوری که هر کدام از طرفین به دنبال فرصتی برای نابودی طرف مقابل بود. در چنین فضای مملو از دشمنی، در ۱۴ آوریل ۱۹۶۶ هواپیمای حامل عبدالسلام محمّد عارف که به مقصد بصره در جنوب عراق در پرواز بود، سقوط کرد و وی به طرز مشکوکی کشته شد.(۹۶) پس از وی برادرش عبدالرحمن عارف، جانشین او شد. عبدالرحمن آدمی ضعیف بود و دولتش به سستی و ضعف شناخته می‌شد. همین امر زمینه را برای انقلاب بعثی دوم در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ فراهم کرد. بعثی‌ها در دوران حاکمیت خود کشور را براساس آرا و عقاید سیاسی متکی بر تعصب اداره می‌کردند و همین امر باعث می‌شد مواضع طایفه‌ای و نژادپرستانه اتخاذ کنند. این امر بر کربلا ـ و سایر شهرهای مذهبی عراق تأثیر منفی داشت و بر پژوهش‌های شیعی و امور دینی قید و بندهایی تحمیل می‌کرد.(۹۷) صدام حسین در ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ احمد حسن البکر را از ریاست جمهوری کنار زد و خود به جایش نشست. حکومت صدام مبتنی بر خشونت و استفاده از زور بود. در دوران حکومت وی، عده زیادی از بهترین انسان‌ها به خصوص در کربلا و نجف اعدام شدند که در رأس آنها سیّد محمّد باقر صدر قرار داشت.(۹۸) صدام هم‌چنین در سال ۱۹۸۰ طی اقدامی نژادپرستانه دستور داد تا حدود نیم میلیون شهروند عراقی از خانواده‌های عرب و کرد به جمهوری اسلامی ایران مهاجرت کنند که بخشی از این تعداد جزو ساکنان شهرهای کربلا و نجف بودند. بهانه صدام این بود که اصول آنها ایرانی است، در حالی که مشکل مهاجران عرب و کرد، شیعه بودن آنها بود. این امر در ترکیب ساکنان و زندگی اجتماعی و اقتصادی شهر عراق، به ویژه کربلا تأثیر عمیقی داشت. در سپتامبر ۱۹۸۰، صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام جنگ کرد که هشت سال به طول انجامید. این جنگ تأثیر منفی بر کربلا و سایر بخش‌های عراق داشت. هم‌چنین آثار انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خطرناکی در پی داشت و باعث شد صدام در دوم آگوست ۱۹۹۰ به کویت حمله کند و عراق را در معرض خطرهای بزرگی قرار دهد. به علاوه، بیشتر کشورهای جهان را به همبستگی بر ضد عراق واداشت و سرانجام دولت صدام به ناچار در فوریه ۱۹۹۱ از کویت خارج شد. جنگ کویت نیز در تخریب و ویرانی عراق نقش عمده‌ای داشت.(۹۹) در نتیجه اوضاع بحرانی و ناخشنودی مردم از سیاست‌های دولت که براساس ظلم، قهر و تعصب طایفه‌ای استوار بود، مردم عراق در مارس ۱۹۹۱ بر ضد نظام حاکم آن زمان شوریدند. کربلا سهم عمده‌ای در این شورش داشت و انتفاضه در این شهر بیش از هر شهر دیگری بود. مرکز شهر کاملاً ویران شد. بین الحرمین و اطراف دو حرم مقدّس در کربلا شاهد قهرمانی های انقلابیون و عمق بیزاری آنها از نظام حاکم بر عراق بود. هم‌چنین آن زمان، اوج وحشیگری نظام وقت و تلاش برای تخریب شهر بود تا جایی که موشک‌ها به مراقد مقدّس نیز اصابت کرد. آنها شهر را محاصره کردند و از ساکنان آن خواستند تا شهر را به سمت «بحیرهٔ الرزازه» که در شمال غربی و دوازده کیلومتری کربلا ـ قرار دارد، ترک کنند. نظامیان شهر کربلا را با موشک و توپ

هدف قرار دادند و حمله‌ها مرتب شدّت می‌یافت، به طوری که ساکنان شهر مجبور شدند خانه‌هایشان را به سمت البحیره ترک کنند. هنگامی که سیل مردم برای خروج از شهر به راه افتاد، بالگرد ها آنها را هدف قرار دادند و انسان‌های بی‌گناه را کشتند. هر قدر نیروهای نظام حاکم بیشتر پیشروی می‌کردند، انقلابیون کربلا- با عملیات‌های جسورانه تری مانع آنها می‌شدند و به آنها خسارت‌های زیادی وارد می‌کردند. در آن زمان، در جای جای کربلا کشتار هایی انجام شد. نیروهای پیشروی کننده به سمت شهر از گروهی زره‌پوش و واحدهای متفرقه از گارد ریاست جمهوری، گارد ویژه، عناصر خاص امنیتی و برخی از اطلاعاتی ها و دبیرکل آن و تعدادی از مزدوران تشکیل شده بود. در محل حمله و ورودی شهر کربلا صدها تن از جوانان این شهر دستگیر و در همان محل، اعدام و در گورهای دسته‌جمعی مناطق الرزازه و الحر در نزدیکی حرم مطهّر شهید حرّ بن یزید ریاحی دفن شدند. نیروهای نظامی آثار خونین و وحشتناکی در این شهر بر جای گذاشتند. این امر باعث شد تا اهالی به تحصن در حرمین امام حسین‌علیه السلام و حضرت عباس‌علیه السلام روی آورند. امّا نیروهای نظامی توپ و تانک‌ها را به سمت دو حرم شریف نشانه رفتند و بناهای واقع شده در میان و اطراف آن را تخریب کردند و برای چند روز جسدها در زیر آوار باقی ماندند. دستورهایی مبنی بر کشتن تعداد زیادی از اهالی شهر صادر شد و بسیاری از جوانان نیز روانه بازداشتگاه های الرضوانیه در بغداد شدند. علاوه بر این، نظامیان به تعقیب انقلابیونی پرداختند که به بستان های اطراف شهر پناه برده بودند.(۱۰۰) کربلا نیز همانند سایر شهرهای عراق تحت‌تأثیر سیاست‌های رژیم مستبدّ صدام قرار داشت. شورای امنیّت سازمان ملل بیش از ده سال عراق را تحریم کرد. در تاریخ ۱۸ مارس ۲۰۰۳ جورج بوش به صدام و پسرش هشدار داد که ظرف مدّت ۴۸ ساعت عراق را ترک کنند یا برای جنگ با امریکا آماده شوند. سرانجام در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ رئیس جمهور امریکا علیه عراق اعلام جنگ کرد. حمله هوایی علیه نیروهای عراقی آغاز شد و نیروهای چند ملیتی و هم‌پیمان امریکا از سمت جنوب به سمت این کشور حرکت کردند. در تاریخ ۹ آوریل ۲۰۰۳ نیروهای امریکایی بر عراق چیره شدند و دولت صدام سقوط کرد. طی این عملیات، عناصر نظام سرنگون شده به غارت و آتش زدن بسیاری از مؤسسه‌های دولتی پرداختند. با آنکه این اقدامات در مقابل دیدگان نیروهای امریکایی صورت می‌گرفت، آنها هیچ واکنشی نشان نمی‌دادند. در ماه می۲۰۰۳ پل برمر، فرمانده نیروهای هم‌پیمان در بغداد، اداره امور عراق را برعهده گرفت. در ژوئیه همین سال شورای دولت انتقالی در عراق تشکیل شد که در آن، اکثر رؤسای احزاب مخالف نظام مستبدّ و شخصیت‌هایی حضور داشتند که مواضع شان در قبال نظام سرنگون شده، نامشخص بود. ریاست این شورا به شکل چرخشی و ماهانه برحسب حروف ابجد تعیین می‌شد. در مارس ۲۰۰۴ قانون اداره دولت برای دوره انتقالی تصویب شد. در ژوئن همین سال کابینه دوم (دولت موقّت) بعد از سقوط حکومت صدام به ریاست «دکتر ایاد علاوی» شکل گرفت. در آگوست ۲۰۰۴ نشست کنفرانس ملی برای تأسیس مجلس ملی عراق (پارلمان) برگزار شد. اعضای پارلمان شامل صد شخصیت عراقی بود که از سوی احزاب سیاسی عراق برگزیده شده بودند. پس از سرنگونی صدام، عراق شاهد برگزاری انتخابات فراوانی بود. اوّلین انتخابات پارلمانی عراق در تاریخ ۳۱ ژانویه ۲۰۰۵ برای انتخاب ۲۷۵ عضو از اعضای جمعیّت انتقالی ملی برگزار شد. یکی از مسئولیت‌های این جمعیّت نوشتن قانون دائمی برای عراق بود. «آیت اللّه سیّد علی سیستانی»، مرجع بزرگ دینی، با دعوت از همه مردم برای شرکت در انتخابات، در برگزاری آن نقش مهمی داشت. در ماه می۲۰۰۵ کابینه سوم (دولت انتقالی) به ریاست دکتر ابراهیم جعفری تشکیل شد. از سوی جمعیّت ملی نیز جلال طالبانی به عنوان رئیس جمهور عراق و دکتر حاجم الحسنی به سمت رئیس جمعیّت ملی برگزیده شد. در ۱۵ اکتبر همین سال عراقی‌ها پیش نویس قانون دائمی را طی یک همه پرسی، با موفقیت تأیید کردند. در این همه پرسی، بیش از هشت میلیون نفر شرکت کردند و برای نخستین بار در تاریخ کشورهای عربی و منطقه، پیش نویس قانون دائمی توسط اعضای منتخب نوشته شد. در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ انتخابات پارلمانی دوم برای انتخاب ۲۷۵ عضو از اعضای مجلس نمایندگان با اختیارات کامل و برای چهار سال آینده برگزار شد. در این انتخابات حدود ۷۰ درصد از افراد واجد شرایط رأی دادن شرکت کردند. در ۲۰ می۲۰۰۶ کابینه

چهارم (دولت دائمی) به ریاست نوری المالکی تشکیل و جلال طالبانی بار دیگر به عنوان رئیس جمهور عراق از سوی نمایندگان پارلمان انتخاب و محمود مشهدانی نیز به سمت ریاست پارلمان برگزیده شد. دولت هایی که پس از سرنگونی نظام صدام بر سر کار آمدند، با مشکلات و اقدامات تروریستی شدیدی مواجه شدند. آنها به بازسازی ساختار مؤسسه‌های دولتی و اصلاح آنها براساس اصول علمی مناسب نپرداختند. از سوی دیگر، تکیه آنها بر شیوه‌های تقسیم‌بندی حزبی و طایفه‌ای، آثار منفی بر پیشرفت و توسعه کشور به جای گذاشت و فساد مالی و اداری را به شدّت گسترش داد.

فصل دوم: مراحل توسعه عمرانی معماری کربلا

مقدمه

شهر کربلاـ از زمان ایجاد، یعنی پس از حادثه عاشورای سال ۶۱ هجری تا به امروز مراحل متعدد عمرانی را پشت سر گذاشته است. کربلاـ از نظر فنی و عمرانی، یکی از مهم‌ترین مراکز تمدّن اسلامی به شمار می‌رود که براساس معماری داخلی و خارجی و نیز سنّت‌های محلّی شکل گرفته است. در این شهر از فنون معماری عراق استفاده شده، چون جزئی از سرزمین عراق است. هم‌چنین معماری کشورهای اسلامی در آن دیده می‌شود. این معماری ها به تمدّن‌های قدیم، از جمله تمدّن‌های فارس و بیزانس برمی‌گردد و آثار آنها در تشکیل بناهای عمرانی این شهر مقدّس و مراقد مقدّس، مساجد، مدارس، بازارها، خانه‌های فرهنگ و ... قابل مشاهده است. پژوهشگران بسیاری به نحوه پیدایش شهر کربلا و ساختمان‌های آن که اسلام در ظهور و توسعه آنها نقش بارزی داشته است پرداخته‌اند. این پژوهشگران تأکید کرده‌اند که شکل‌گیری این شهر در چندین مرحله صورت گرفته و مراقد مبارکه امام حسین‌علیه السلام و حضرت عباس‌علیه السلام قلب عمرانی شهر یا محوری هستند که تمامی خیابان‌های شهر، کوچه‌ها و بازارها به آنها منتهی می‌شوند. این شهر نمونه برنامه‌ریزی شده و پیشرفته عمرانی به شمار می‌رود که در اعصار اولیه اسلامی رایج بوده است. از مهم‌ترین خصوصیّات معماری که محلّه‌های قدیمی شهر و ساختمان‌های آن را متمایز می‌سازد، این است که ریشه‌های این معماری به تمدّن‌های قدیم عراق برمی‌گردد و هم‌چنین نمونه معماری اسلامی است و علاوه بر آن، در ساخت بناها از مصالح بومی، از جمله آجر استفاده شده است. آجر یکی از عناصر اصلی در ساخت بناهای کربلاـ محسوب می‌شود و شهرهای متمدّن کربلا هم‌چون اور، بابل و الورکاء نیز از آن اسلوب پیروی کرده‌اند که هم‌چنان آثار شاخصی از آنها برجای مانده است. در ساختمان‌های دینی و فرهنگی شهر فقط از مواد محلّی محدود استفاده نشده، بلکه مرمر، سنگ‌های تزیینی و خشتهای کمیاب وارداتی نیز در پوشش و تزیین این بناها به کار رفته است. در این فصل به مراحل توسعه عمرانی شهر کربلاـ و بررسی مواد سازنده اصلی آن خواهیم پرداخت که براساس اهمیّت به چهار مرحله تقسیم شده است: – مواد سازنده اصلی در عمارت فرهنگی؛ – معماری کربلا از حادثه کربلا تا دوره حکومت صفویه؛ – معماری کربلا طی دوره‌های صفویه و عثمانی بر عراق؛ – معماری کربلا از زمان تأسیس دولت عراق در سال ۱۹۲۱؛

مصالح اصلی در معماری فرهنگی

سخن گفتن از مصالح به کار رفته در بناهای کربلا ما را وامی‌دارد تا به بررسی جوانب تاریخی خاص این شهر بپردازیم و طبیعت این مواد و مواد تشکیل دهنده محیط زیست عراق را مورد بررسی قرار دهیم. شهرهای عراق، به خصوص شهرهای جنوبی و میانی آن (که کربلا نیز جزیی از آن به شمار می‌رود) بر روی زمین‌های رسوبی بنا شده‌اند که مادّه اصلی آنها را خاک تشکیل می‌دهد. بنابراین، جای تعجب نیست که گِل اصلی‌ترین مادّه سازنده بناها در تاریخ عراق محسوب شود. کلوخه های آماده شده از گل که

«طوف» نامیده می‌شدند در شهرهای متمدّن قدیمی که در عراق به وجود آمدند و سپس از بین رفتند و نیز در قدیمی‌ترین ساختمان‌ها و خانه‌ها به کار می‌رفتند. آثار برخی از آنها هنوز در شهرهایی هم‌چون اور، بابل و الورکاء باقی مانده است. در دوره اولیه اسلامی نیز این‌گونه مصالح به کار می‌رفتند و امروزه نیز در مرکز و جنوب عراق برای ساختن خانه‌های سنّتی روستایی از آن استفاده می‌کنند. استفاده از خشت (الطوف) با قرار دادن مقداری از مخلوط کاه و گل در قالبهای چهار ضلعی و با اشکال منظّم به منظور ساخت دیوارهای مستقیم و قوی توسعه یافت. این کلوخ های گلی منظّم که با حرارت خورشید خشک می‌شدند، «خشت» نام داشتند و هنوز هم در برخی مناطق روستایی عراق از آنها استفاده می‌کنند. دستیابی عراقی‌ها به صنعت آجر گلی زمان زیادی طول نکشید. در برخی از بناهای به جا مانده از هزاره سوم قبل از میلاد، آثار به کارگیری آجر با حجم های مختلف مشاهده می‌شود. بدین ترتیب، در عموم بناهای قدیمی عراق به کارگیری آجر شایع شد که تاکنون نیز ادامه دارد و عنصر اصلی ساختمان‌ها محسوب می‌شود. به علّت کثرت وجود مادّه اولیه و سهولت ساخت و به کارگیری آسان آجر، هنوز هیچ‌کدام از مصالح ساختمانی نتوانسته‌اند جای آن را بگیرند. از ویژگی‌های دیگر آجر مقاومت خوب، قدرت بالا ـ در حفظ حرارت و دما و انعطاف پذیری برحسب خواسته معمار است که باعث می‌شود معمار بتواند قوس ها و تزئین های مهندسی زیبایی پدید آورد. آجر به همراه مادّه‌ای دیگر به نام گچ که باعث نصب سریع آجر می‌شود، فرصت را برای ساخت گنبدها، سقف های طاقی شکل و قوس های ورودی ها فراهم می‌کرد. ساخت سقف های طاقی شکل ادامه معماری قدیمی عراق بود و ساختمان‌های فرهنگی زیادی بدین شکل در عراق ساخته شدند که آثار برخی از آنها هنوز هم باقی مانده است. ساخت آجرها فقط به شکل معمول آن محدود نشد، بلکه آجر هایی با اشکال تزیینی و رنگ‌های مختلف نیز ساخته شدند که امروزه به «قاشانی» و در زبان محلّی به «کاشی کربلایی» معروف اند. بعد از آنکه عباسیان به وارد کردن انواع ظروف چینی پرداختند، صنعت کاشی در این عصر توسعه یافت. سفال گران مسلمان در عصر عباسی به شیوه‌های جدیدی در صنعت کاشی و تزیین های آن دست یافتند که از جمله آنها حکاکی بر روی فلزات یا فشار بر روی خمیر ها به منظور ارائه شکل‌های تزئینی برجسته بود. هم‌چنین شیوه تزیین با استفاده از روکش هایی با یک رنگ یا رنگ‌های متفاوت به کار گرفته شد. از آجر برای تزیینات نیز استفاده می‌شد؛ به گونه‌ای که مرتب کردن آنها اشکال و تزیین های هندسی جالبی پدید می‌آورد. از برخی نوشته‌ها و انواع خطوط از جمله خط زیبای کوفی نیز تا حد زیادی برای نگارش آیات قرآن کریم استفاده می‌شد. امروزه نیز آجر مادّه اصلی در ساخت اکثر بناها، به ویژه بناهای فرهنگی است و از آن به طور گسترده استفاده می‌شود. در واقع، استفاده از آجر استفاده از تجربیاتی است که در این زمینه حاصل شده و به اعصار گذشته در عراق بازمی‌گردد. در اکثر مواقع، مادّه رابط میان آجرها گچ است(۱۰۱) که پس از تولید در داخل، از ناخالصی ها پاک می‌شود و در صورتی که به کار گیرنده آن از مهارت کافی برخوردار باشد، به سرعت محکم و باعث چسبیدن ردیفهای آجر به یکدیگر می‌شود. هم‌چنین پس از رفع ناخالصی ها از گچ، آن را با روشن کننده‌ها(۱۰۲) مخلوط می‌کنند که به روشنی بیشتر گچ منتهی می‌شود. این عملیات، «بیاض» یا سفید کردن نام دارد که باعث صاف و سفید شدن سطح دیوار می‌شود و دیوار را از رنگ‌آمیزی بی‌نیاز می‌کند. علاوه بر آن، باعث تحکیم اجزای سازنده و تراکم آنها می‌شود و به بنا قدرت و جلوه بیشتری می‌بخشد. در قدیم هم‌چنین النورة – که همان سوزاندن سنگ الکلس (کربنات کلسیم) با درجات حرارتی بالاست – را با خاکستر مخلوط می‌کردند. این کار به منظور مرتبط کردن مواد سازنده بنا در پایه‌ها برای مقاومت بیشتر در مقابل رطوبت صورت می‌گرفت. در بناهای خشتی مَلاطی که به کار برده می‌شد از همان گِل بود و در برخی مناطق، از آجر برای پوشاندن بخش بیرونی ساخته شده از خشت خام، استفاده می‌شده است تا از این طریق بتوان دیوارهایی با رنگ روشن‌تر داشت ضمن اینکه کاربرد آجر به همراه خشت، استحکام ساختمان را بیشتر می‌کند. در سال‌های اخیر عملیات پوشاندن دیوارهای خارجی و داخلی با استفاده از سیمان و شن که در زبان محلّی «اللبح» یا همان «پلاستر» نامیده می‌شود در شهرهای عراق شایع شده است و معمولاً نیز بعد از سیمان کاری دیوارها، آنها را رنگ می‌زنند. از دیگر مصالح

ساختمانی در عراق «قیر» است که به وفور دیده می‌شود. قیر در برخی مناطق عراق از جمله «هیت» و «القیاره» بر روی زمین شناور است. قیر پس از مخلوط شدن با موادی که تراکم کیفی آن را افزایش می‌دهد و از سیال بودن آن در گرمای بالای تابستان جلوگیری می‌کند، یک ماده چسبان را تشکیل می‌دهد. در گذشته، از قیر برای پوشش کف و بدنه برخی حوض های آب و زه کشی کانالها استفاده می‌شده است. به علّت فراوانی کاربرد قیر در ساختمان‌های شهر قدیمی اور که خرابه‌های آن در نزدیک شهر ناصریه در جنوب عراق واقع است ساکنان بومی آن خرابه‌ها را «المقیر» نامیده‌اند. اخیراً استفاده از قیر به ساخت بناهای فرهنگی، پوشش حوض های آب، زه کشی کانالها و قیراندود کردن کف خانه‌ها و ساختمان‌ها به منظور جلوگیری از نفوذ آب و رطوبت محدود شده است. از جمله مصالح ساختمانی دیگر در عراق «چوب» است. کمیاب بودن و کمبود نوع خوب و صاف چوب، یکی از موانع پیش روی معماران عراقی محسوب می‌شود. چوب یکی از اوّلین مواد وارداتی عراق قدیم بوده که به علّت نیاز شدید به این مادّه، همچنان درخواست برای وارد کردن آن پابرجاست. چوب موجود در عراق که در ساخت بناهای فرهنگی به وفور از آن استفاده می‌شود، از تنه درخت خرما به دست می‌آید. کیفیّت این چوب به دلیل طول، استقامت و مقاومت در برابر سنگینی سقف و تحمّل عوارض زمانی، نسبت به سایر چوب ها بهتر است. لذا از این چوب در بناهای قدیمی به طور گسترده استفاده می‌شده که تا زمان‌های اخیر نیز ادامه داشته است؛ ولی امروزه استفاده از آن در خانه‌های طبقه های متوسط و پایین جامعه محدود شده است. این خانه‌ها عمر زیادی ندارند و نمونه‌های آن کمتر در میان خانه‌های فرهنگی مشاهده می‌شود. اکنون از این چوب بیشتر برای ساختن سقف غرفه ها استفاده می‌شود. نوع دیگر چوب که در ساختمان‌ها استفاده می‌شود تنه‌های درخت سپیدار است که به وفور در منطقه شمالی عراق رشد می‌کند و از نظر صلابت، استقامت و طول، از تنه درخت خرما بهتر است، امّا در مقایسه با سایر چوب‌های وارداتی در سطح کیفی پایینی قرار دارد. به همین دلیل، قبل از آنکه استفاده از تیرآهن شیوع پیدا کند، در اماکن فرهنگی که استواری بنا و عمر طولانی آنها مدّ نظر بوده است، از انواع چوب‌های وارداتی استفاده می‌کرده‌اند. استفاده از چوب در ساخت بناهای مختلف بسیار گسترده است، از جمله ساخت در، پنجره، سقف و برخی نماهای داخلی. همچنین از آن برای ساخت تکیه‌گاه هایی برای حفظ بالکن طبقه اوّل استفاده می‌شود. به علاوه، الوار های چوبی در ساخت اتاق‌های طبقه اوّل کاربرد دارد؛ بدین صورت که یا الوار به طور عمودی قرار داده می‌شود و سپس ردیفهای آجر را بر روی آن قرار می‌دهند که این امر باعث افزایش استحکام و قدرت دیوار می‌شود، یا اینکه چوب‌های عمودی و افقی با فاصله های منظّم به کار گرفته می‌شود و محلّه خالی میان آنها با آجر پر می‌شود. امّا بیشترین قسمت بنا که در آن از چوب استفاده می‌شود، بالکن های طبقه اوّل است که «الشناشیل» نامیده می‌شود. علّت این امر جلوگیری از سنگینی بالکن و حفظ برودت هوای داخل اتاق در فصل تابستان است. غالباً این بالکنها مدّت‌های طولانی زیر نور آفتاب قرار دارند. شناشیل (بالکنها) در طول راه یک سایه طولانی ایجاد می‌کنند که عابران پیاده از گرمای خورشید تابستان و باران‌های زمستان به آن پناه می‌برند. تزیین در کارهای چوبی گسترش یافت و نجّار ها دقّت و مهارت خود را در پوشش‌های چوبی و پنجره‌ها، به خصوص در برخی نماهای داخلی ساختمان‌ها نشان دادند. در بناهای تاریخی و قدیمی عراق به ندرت از آهن استفاده شده و آن مقدار نیز برای حفاظ پنجره‌ها و بالکن هایی بوده که به خیابان‌ها و کوچه‌ها مشرف بوده‌اند. در واقع، آهن عاملی حمایتی از خانه در مقابل احتمال سرقت به شمار می‌رفته است. از دیگر کاربردهای آهن ساخت قفسی بود که سوراخ های آن در فاصله های معینی با استفاده از حرارت و چکش ایجاد شده بود. همچنین در برخی مناطق، از آهن به عنوان تکیه‌گاه بالکن های طبقه اوّل به جای تکیه‌گاه چوبی، استفاده می‌شده و علاوه بر آن، گاهی آهن به شکل تکه‌های کوچک شبیه میخ به منظور تزیین واحدهای چوبی به کار می‌رفته است. با شروع قرن حاضر، مصالح ساختمانی جدید از جمله تیرآهن های «I» شکل در ساخت خانه‌ها به کار گرفته شدند. آنها جایگزین مناسبی برای الوار های چوبی سابق هستند. تیرآهن ها بر روی سقف اتاق‌ها با ابعاد مساوی و برحسب مساحت اتاق مستقر می‌شدند و فاصله میان آنها بیشتر از یک متر و کمتر از ۹۰

سانتی‌متر نبود. فاصله میان تیرآهن ها به وسیله آجر و گچ که برای شرایط آب و هوایی عراق مناسب هستند، پر می‌شد. استفاده از این سبک هنوز در ساخت بناهای عراق ادامه دارد. به علّت استفاده زیاد از تیرآهن در عراق، در بازارهای این کشور انواع تیرآهن با قطر های مختلف تهیه شد و استفاده از سیمان در ساخت ساختمان‌ها شیوع پیدا کرد. بدین ترتیب، استفاده از بتون آرمه که شاخه‌های آهنی، سیمان، شن و ماسه مواد اصلی آن را تشکیل می‌دهند، در پایه‌ها و سقف‌ها پدیدار شد و در بسیاری از ساختمان‌ها از جمله ساختمان هایی با مساحت زیاد و دارای طبقات متعدد، استفاده از تیرآهن جایگاه خاصّی پیدا کرد. با روی کار آمدن بتون آرمه معمارهای ماهری که بسیاری از فنون زیبای فرهنگی را در ساختمان‌های کربلاـ و به طور کلی عراق به وجود می‌آوردند و بسیاری از آثار آنها تا به امروز نیز باقی مانده است، کم‌کم از انظار دور شدند.

معماری کربلا از حادثه عاشورا تا دوره حاکمیت صفویه در عراق

می‌توان گفت شهر کربلای فعلی پیدایش خویش را مدیون حادثه عاشورا و زائران قبر امام حسین‌علیه السلام بوده است. دو روز پس از پایان جنگ، گروهی از بنی‌اسد از ساکنان روستاهای اطراف منطقه نشانه‌هایی بر روی قبر امام حسین‌علیه السلام قرار دادند تا اثر آن از بین نرود.(۱۰۳) طبق گفته برخی منابع، مختار بن ابوعبیده ثقفی در روزگار حکومتش در کوفه بنایی بر روی قبر ساخت که گنبدی آجری آن را دربر می‌گرفت. این نخستین گنبدی است که در تاریخ اسلام در سال ۶۶ هجری (۶۸۶ م) ساخته شده است. وی مسجدی را نیز در کنار قبر بنا کرد که نخستین بنای شهر کربلای فعلی بوده است. مختار ثقفی همچنین روستای کوچکی را پیرامون قبر ایجاد کرد(۱۰۴) که متشکل از مجموعه‌ای از خانه‌های ابتدایی بود که از گل و ساقه و شاخه درخت خرما ساخته شده بودند. این تنه ها و شاخه‌ها از مناطق نزدیک قبر به ویژه از نینوا و غاضریه که دارای باغ‌های خرما و میوه بودند جمع‌آوری می‌شدند. قرن اوّل هجری در دوران امویان پشت سر گذاشته شد، ولی آن بقعه، توسعه عمرانی پیدا نکرد.(۱۰۵) امّا در آغاز دوره عباسی، به علّت کثرت زائران کربلا و اقامت برخی از مسلمانان در مجاورت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام، این شهر از نظر عمرانی رشد کرد. در پی آن، ساخت خانه‌های جدید در اطراف حرم شریف با استفاده از مصالح ساختمانی معروف آغاز شد. آنجا جزئی از زمین است که خداوند تعالی آن را دوست دارد و انسان را مأمور کرده تا از آن برای خدمت به بشریت استفاده کند. لذا انسان‌ها در هر مرحله زمانی که زندگی می‌کنند باید برای آن، بنای تمدّنی جدیدی بسازند که با دوران خودشان همراهی داشته باشد. سرزمین کربلاـ و مناطق پیرامون آن جزء سرزمین کوفه است و در منطقه رسوبی و بیابانی عراق قرار دارد. بنابراین، جای شگفتی نیست که گِل یکی از مواد اصلی تشکیل دهنده بناهای کربلاـ باشد. به همین دلیل، در ساخت برخی از خانه‌های اطراف حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام از کلوخ های گل (الطوف) استفاده شده است.(۱۰۶) کربلاـ کم‌کم از نظر عمرانی رشد یافت تا اینکه هارون‌الرشید، خلیفه عباسی، در اواخر عمرش در سال ۱۹۳ هجری (۸۰۹ م) به تخریب حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام، گنبد آن و خانه‌هایی که در اطراف آن قرار داشتند، پرداخت.(۱۰۷) ولی در زمان مأمون، از خلفای عباسی، در سال ۱۹۸ هجری (۸۱۳ م) بعد از بازسازی حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام مجدداً آبادانی به آن بازگشت و ساخت خانه‌ها در اطراف حرم از سر گرفته شد. در این دوران، در بناهای کربلاـ از خشت استفاده می‌شد و [شهر] از نظر عمرانی به شکوفایی رسید.(۱۰۸) در آن زمان، در ساختمان‌های کربلاـ از خشت های مخلوط با کاه در قالبهای مکعبی شکل و در ابعاد مختلف به منظور ساختن دیوار صاف و استواری بنا استفاده می‌شد. این خشتها را که با استفاده از نور خورشید خشک می‌شدند، «اللبن» می‌نامیدند. استفاده از اللبن در خانه‌ها و ساختمان‌های قدیمی عراق همچون اور، بابل و الورکا ثابت شده است.(۱۰۹) همچنین این کلوخ های گِلی در ساخت نخستین بناهای شهرهای اسلامی عراق همچون بصره، کوفه و واسط به کار رفتند. هنگام استفاده از کلوخ های گلی برای ساخت دیوارها، از گل نیز به عنوان مادّه‌ای چسبان و ملاط بهره می‌بردند.(۱۱۰) خانه‌هایی که در آن زمان در کربلا ساخته می‌شدند بسیار

فراخ و زیبا بودند. در قسمت داخلی خانه مکانی وجود داشت که صحن نامیده می‌شد و مرکز خانه به حساب می‌آمد. باستان‌شناسان با بررسی بقایای خانه‌های قدیمی در خرابه‌های شهر اور و بابل، مشاهده کرده‌اند که صحن در وسط خانه واقع بوده است. در طرفین صحن اتاق یا اتاق‌های خواب قرار داشت و در طرف دیگر نیز ایوانی سقف دار واقع بود که «الطارمه» نامیده می‌شد و برای استراحت خانواده در تابستان به کار می‌رفت.(۱۱۱) در سال ۲۳۶ هجری (۸۵۰ م) هنگامی که متوکل، خلیفه عباسی، به قدرت رسید، مسلمانان به منظور زیارت راهی کربلا شدند. بدین ترتیب، منازل و خانه‌های اطراف حرم بیشتر و بازار نیز پدیدار شد. ولی متوکل در طول حاکمیت خود که در سال ۲۴۷ هجری (۸۶۱ م) به پایان رسید سه بار دستور تخریب حرم و بناهای اطراف آن را صادر کرد.(۱۱۲) با به قدرت رسیدن منتصر، پسر متوکل خلیفه عباسی، در سال ۲۴۷ هجری (۸۶۱ م)، دستور بازسازی حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام صادر شد و بدین ترتیب، آبادانی به کربلا بازگشت و به مرور، بار دیگر به خصوص در مناطق اطراف حرم، خانه‌های زیادی ساخته شد.(۱۱۳) ارتفاع این خانه‌ها تقریباً یکسان، یعنی حدود هفت متر بود. این بناها با فضای معماری و بافت خاص آن زمان کربلا هماهنگی داشتند.(۱۱۴) در همان دوران خلفای عباسی استفاده از آجر در ساخت مساجد، مدارس دینی و برخی خانه‌های مسکونی به طور وسیع شایع شد. آجر از نظر وفور، استحکام و هم‌خوانی با عوامل منطقه‌ای از بهترین مصالح داخلی به شمار می‌رفت.(۱۱۵) آجر از نظر انعطاف و سهولت به کارگیری منحصر به فرد است. این امر در ساخت گنبدها و برای پوشش سقف‌ها به جای استفاده از چوب تنه درخت خرما و الحور کمک می‌کرد و ماده دیگری به نام الجص (گچ) نیز باعث چسبیدن سریع آجرها به یکدیگر می‌شد. بناهای قدیمی عراق از جمله شهرهای باستانی هم‌چون بابل، اور و الورکا نشان می‌دهند که استفاده از آجر میراث معماری قدیم عراق است.(۱۱۶) با ورود معزالدوله آل بویه در سال ۳۳۴ هجری (۹۴۶ م) به بغداد، عمران شهر کربلا وارد مرحله جدیدی شد و فن معماری در عراق به ویژه در شهر کربلاـ از فنون پدید آمده در عصر آل بویه تأثیر پذیرفت؛ به خصوص آنکه استفاده از آجر و تزیین های آن در این دوران به حدّ بالایی رسید.(۱۱۷) کربلا در زمان عضد الدوله آل بویه وارد مرحله شکوفایی عمرانی شد. بنای حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام در فاصله سال‌های ۳۶۹ تا ۳۷۱ هجری (۹۸۰ - ۹۸۲ م) و هم‌چنین بنای حرم مطهّر عباس‌علیه السلام در سال ۳۷۲ هجری (۹۸۳ م) بازسازی شدند. ساختمان‌ها، بازارها، مدارس دینی و بناهای دیگری در اطراف آن دو حرم و میان آنها ساخته و شهر با دیواری محکم احاطه شد که نخستین دیوار کربلا محسوب می‌شود. ضمن برنامه‌ریزی جدید برای شهر، برای این دیوار نیز سه در ورودی کار گذاشته شد.(۱۱۸) این مرحله در تاریخ عمرانی کربلا یکی از مهم‌ترین مراحل اولیه آباد سازی آن محسوب می‌شود. در سال ۴۱۴ هجری (۱۰۲۳ م) ابومحمّد رامهرمزی، از وزرای آل بویه، در دوران «قادر باللّه» از خلفای عباسی به بازسازی دیوار کربلا پرداخت.(۱۱۹) در این دوران، استفاده از آجر و گچ در بناهای شهر کربلاـ به برخی ساختمان‌های دینی مهم، بازارها و برخی خانه‌ها محدود می‌شد، ولی کلوخ های گلی (اللبن) هم‌چنان مادّه اصلی ساخت خانه‌های کربلا محسوب می‌شد. بناهای موجود در کربلا صفات و ویژگی‌های بناهای عربی و اسلامی را که دارای سقف باز بودند به همراه داشتند. این‌گونه سقف‌ها به ساختمان مزیّت خاصّی می‌بخشید و آسمان منبع نور و هوای آنها به شمار می‌رفت. در دوران سلاجقه، سلطان ملک شاه در سال ۴۷۹ هجری (۱۰۸۷ م) برای تعمیر دیواری که ابو محمّد رامهرمزی آن را ساخته بود، اقدام کرد.(۱۲۰) با آغاز غلبه مغول ها بر عراق در سال ۶۵۶ هجری (۱۲۵۸ م) هرچند کربلا با رکود عمرانی مواجه شد، با این حال، شهر و بناهای آن از تخریب و خرابی‌هایی که برای عراق رخ داد، در امان ماند.(۱۲۱) «ابن بطوطه» جهانگرد پس از دیدار از کربلا در سال ۷۲۷ هجری (۱۳۲۷ م) درباره این شهر می‌گوید: «کربلا شهر کوچکی است که حرمی مقدّس در درون آن قرار دارد. (این سخن دلالت بر آن دارد که کربلاـ را دیواری احاطه کرده که آن را ابومحمّد رامهرمزی از وزرای آل بویه ساخته است.) اهل این شهر از دو طایفه‌اند: فرزندان زحیک و فرزندان فائز که جنگ میان آنها دائمی است؛ آنها علوی اند و به یک پدر واحد برمی‌گردند.)(۱۲۲) این سخن ابن بطوطه حاکی از آن است که در زمان سفر وی به کربلاـ این شهر از عمران و آبادانی

برخوردار بوده و دو طایفه در آن سکونت داشته‌اند. طایفه آل زحیک در منطقه‌ای ساکن بوده که امروزه به باب نجف و باب الخان مشهور است. طایفه آل فائز نیز در منطقه‌ای سکونت داشته که امروزه به باب السلالمه معروف است و در قسمت شرقی باب الطاق، باب بغداد و برکه عباس قرار دارد. هم‌چنین یک طایفه علوی دیگر به نام آل عیسی در منطقه‌ای که امروزه به محلّه المخیم معروف است و در قسمت غربی باب الطاق قرار دارد، ساکن بودند.(۱۲۳) سلطان اویس جلایری در سال ۷۶۷ هجری (۱۳۶۶ م) و امیر مرجان، والی وی در بغداد، و نیز پسران وی حسین و احمد از کسانی بوده‌اند که به عمران کربلا اهتمام ورزیده‌اند، به طوری که این شهر حرکت عمرانی گسترده‌ای به خصوص برای بازسازی حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و برخی بناهای دینی دیگر پشت سر گذاشت.(۱۲۴) اصلی‌ترین فنون معماری اسلامی که در عصر جلایری در کربلا به کار گرفته شد، سبک تزیین بناهای دینی با استفاده از نقش و نگارهای زینتی و به کار بردن قطعه‌های کوچک خاتم و سفالهای رنگارنگ بود. این سبک در مسجد و گلدسته‌های عبادتگاه مشهوری که امیر مرجان در سمت شرقی صحن حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام بنا کرد، دیده می‌شود.

معماری کربلا طی دوران حاکمیت صفویه و عثمانی بر عراق

بعد از استیلای شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۴ هجری (۱۵۰۸ م) بر عراق، کربلای مقدّس وارد مرحله عمرانی جدیدی شد و صفوی ها به تعمیر و تزیین حرمهای مقدّس و سایر بناهای دینی پرداختند. آنها با ساخت خانه‌هایی جدید در توسعه شهر سهم عمده‌ای داشتند. برای این منظور، تعدادی از بنّاها و هنرمندان ماهر را از اقصی نقاط سرزمین‌های اسلامی برای ساخت گنبدها و ستون‌ها گرد هم آوردند و از فنون تزیین ساختمان با آجرهای شفاف (قاشانی) رنگارنگ، تبیین‌هایی با چوب، ایجاد نقش و نگارها با کمک گچ و آجر و با شیوه‌های فنی باشکوه، استفاده کردند. آنها هم‌چنین گران‌ترین مصالح ساختمانی هم‌چون سنگ مرمر و چوب‌های کمیاب را برای ساختن بناها و تزیین آنها وارد کشور کردند.(۱۲۵) با مشاهده سبک معماری بناهای دینی در کربلا و سایر شهرهای مقدّس عراق که در عصر صفویه به وجود آمدند، می‌توان گفت که آنها مجموع معماری شناخته شده ساختمان‌های عراق و ایران در دوره‌های زمانی مختلف هستند.(۱۲۶) بیدرو تکسیرا، جهانگرد پرتغالی، با سفر به کربلا در اوایل سال ۱۰۱۳ هجری (۱۶۰۴ م) به مدح عمارت زیبای آن پرداخت و گفت: «این شهر دارای چهارهزار خانه است که برخی از آنها ستون‌های محکم دارند، ولی اکثراً فرسوده و سُست هستند». وی در وصف بازارهای کربلا می‌گوید: آنها با استفاده از آجر و به شکل محکمی ساخته شده‌اند.(۱۲۷) کارستن نیبور، جهانگرد آلمانی، نیز در سال ۱۱۷۸ هجری (۱۷۶۵ م) از کربلا دیدن کرد. وی با توصیف بناهای شهر کربلا می‌گوید: «اکثر خانه‌های این شهر استوار و محکم نیستند؛ زیرا از کلوخ های گلی ساخته شده و دیوار شهر نیز با کلوخ های گلی خشک شده زیر نور خورشید، ساخته شده‌اند. این دیوار پنج در دارد و سومین دیواری است که شهر را احاطه کرده است».(۱۲۸) در سال ۱۲۱۶ هجری (۱۸۰۱ م) با ورود وهابیها به کربلا، ساختمان‌های این شهر به خصوص مرقد های مقدّس، مساجد و بازارهای آن تخریب و بسیاری از خانه‌های اطراف این دو حرم و دیوار شهر نیز ویران شدند.(۱۲۹) بعد از این اتفاق، یکی از پادشاهان هند اموالی را صرف بازسازی خرابی‌های ایجاد شده توسط وهابیها کرد و سید علی طباطبایی، یکی از مراجع بزرگ، در سال ۱۲۱۷ هجری (۱۸۰۲ م) مسئولیت بازسازی و ترمیم حرمهای مقدّس، بازارها و خانه‌ها را برعهده گرفت. وی برای شهر حصاری با برج ها و سنگرهای زیاد ساخت که دارای شش در بود: ۱. باب الخان (کاروانسرا): به علّت نزدیکی به کاروانسرا به این نام معروف بود. ۲. باب الطاق: به علّت نسبت دادن به ابراهیم زعفرانی، یکی از مردان کربلا که در مقابل ترک‌ها مقاومت کرد، به این اسم نامیده شد. ۳. باب بغداد: همان دری است که مسافران از آن به بغداد می‌روند. ۴. باب نجف: همان دری است که مسافران از آن راهی نجف اشرف می‌شوند. ۵. باب السلالمه: این در به دلیل سکونت عشیره السلالمه در این منطقه، به این نام شناخته شده است. ۶. باب المخیم (اردوگاه): وجه تسمیه آن، واقع شدن در جایگاهی است که امام حسین‌علیه السلام و یارانش به محض رسیدن

به کربلا در آنجا خیمه زدند.(۱۳۰) براثر حمله نیروهـای نجیب پاشا، از والی های عثمانی، به کربلا در سال ۱۲۵۸ هجری (۱۸۴۲ م) بخشـی از بناهای شـهر و هم‌چنین قسمتی از حصار آن تخریب شد.(۱۳۱) یکی از کسانی که در نیمه دوم قرن هفـدهم میلادی وارد کربلاـ شـد و از آبـادانی آن تمجیـد کرد، شرق‌شـناس و جهانگرد روسـی به نام ایلیا نیکولا پرزین بود. وی در میانه سال ۱۸۴۳ م به بصـره رسـید. دیـدار پرزین از کربلا به این دلیل حائز اهمیّت است که پس از حمله خونین «نجیب پاشا» در اوایل سال ۱۸۴۳ م انجام شـد. این حمله به انتفـاضه این شـهر مقـدّس بر ضـد نیروهـای ترکیه انجامیـد. پرزین بـا پژوهشـی به نـام «کربلا»، به بناهای این شـهر پرداخت و آن پژوهش را در مجله‌ای به نام پژوهش‌های زمین و سـفرها (مسکو ۱۸۵۸) منتشر کرد. وی درباره کربلا می‌گوید: «این شهر از نظر وسـعت با شـهرهای مرکز استان ما برابری می‌کند، ولی ساکنان آن از ساکنان شهرهای ما بیشتر هستند؛ زیرا خیابان‌ها در کشورهای مشـرق زمین تنگ‌تر از کوچه‌های ما هسـتند و غالباً خانه‌ها به طور پیوسـته ساخته می‌شونـد و هیچ میدانی در شـهر وجود ندارد. دیواری خشتی اطراف شهر را احاطه کرده است که از دو قسمت تشکیل شده قسمت بالایی آن به مثابه بالکن و قسمت پایین آن به صورت بـاز و فاقـد محافظ است که با موانعی از یکـدیگر جـدا شـد. پناهگاه‌ها برای افراد فقیر شـهر به حساب می‌آیـد. همین وضـعیّت در شهر بغداد نیز قابل ملاحظه است.(۱۳۲) لوفتوس، باسـتان شناس انگلیسی، هنگام زیارت از کربلا در سال ۱۲۷۰ هجری (۱۸۵۳ م) دربـاره بنـای کربلا گفت: «بناهای زیادی در خارج از دیوارهای شـهر ساخته شـده است»؛ این بـدین معناست که شـهر در زمان سـفر وی در حال توسـعه بوده است. وی افزود: «در اطراف این شـهر تعـدادی کوره ساخت آجر دیـده می‌شود». این سـخن نیز نشان می‌دهد که ساخت آجر در اطراف شهر در حال گسترش بوده است. براساس گفته‌های لوفتز، بسیاری از خانه‌ها در نتیجه حمله نجیب پاشا به کربلا ویران شده است.(۱۳۳) از جمله کسانی که از کربلا دیدن کرده، «جان اشـر» جهانگرد انگلیسی و از دانشمندان باستان شناس و عضو تشکّل جغرافیای پادشاهی در لندن بوده است. وی در سال ۱۲۸۱ هجری (۱۸۶۴ م) از طریق شهر المسیب وارد کربلا شد و از باغ‌هایی که در امتداد دو طرف رودخانه حسـینی وجود داشت، ابراز شگفتی کرد. وی می‌نویسد که هیچ‌گونه آثاری از رکود و انحطاط در این شـهر مشاهده نکرده است؛ همان ویژگی که اکثر شهرهای دنیای اسلام در آن زمان، به آن مشهور بودند. هر وجب از خاک این شهر مملو از خانه‌های متراکم بود و خانه‌های زیادی نیز در حال ساخت بودند.(۱۳۴) کربلا در دوران مدحت پاشـا، والی عثمـانی، از نظر عمرانی توسـعه یافت. وی در سال ۱۲۸۵ هجری (۱۸۶۸ م) با سـفر به کربلا دسـتور داد تا قسمت جنوبی حصار شـهر را تخریب کننـد و با افزودن محلّه العباسـیه، شـهر را توسـعه دهند. این محلّه به دو قسـمت تقسـیم می‌شود که به عباسـیه شرقی و عباسیه غربی معروف اند و خیابان العباس‌علیه السلام آنها را از هم جدا می‌کند. کربلا هشت محلّه داشت که شش محلّه آن به نام درهای دیوار نامیـده می‌شدنـد و عبارت‌انـد از: ۱. محلّه بان الخان: در قسـمت شـرقی شـهر قرار دارد. ۲. محلّه بـاب الطاق: در طرف غربی شـهر و جنوب محلّه باب السلالمه واقع است. ۳. محلّه باب بغداد: در شـمال شهر به سمت بغداد قرار دارد. ۴. محلّه باب النجف: در وسـط شـهر و در میـان باغ‌های حسـینی و عباسـیه قرار دارد و به باب مشـهد (محل شـهادت) معروف است. ۵. محلّه باب السـلالمه: در شـمال شـهر و غرب محلّه باب بغداد قرار دارد. ۶. محلّه المخیم: در سـمت غربی شـهر و جنوب محلّه بـاب الطاق واقع است. ۷. محلّه عباسـیه شـرقی: در جنوب شـرقی شـهر و شـرق خیابان عباس‌علیه السـلام قرار دارد. ۸. محلّه عباسـیه غربی: در جنوب غربی شـهر و غرب خیابان عباس‌علیه السـلام واقع است.(۱۳۵) از جمله کسـانی که در سـال ۱۳۰۹ هجری (۱۸۹۰ م) از کربلا دیـدن کرد و به تمجید از آن پرداخت «جون پیترز» جهانگرد و باسـتان شـناس امریکایی بود. وی می‌گوید: «کربلا در حاشـیه بیابان رسوبی حاصل‌خیز قرار دارد که به تپه های جزیره عرب متّصل است. تعـداد ساکنان آن به شـصت‌هزار نفر می‌رسد و مشـخص است که این شهر شـکوفا است. امّا بخش جدیـد شـهر که خارج از حصار قـدیم ایجاد شـده، دارای خیابان‌های گسترده و منظّم هماننـد شـهرهای اروپایی است». وی می‌افزاید: «حصار قدیمی شـهر ویران شده، ولی درهای ورودی آن هم‌چنان پابرجاست».(۱۳۶) عمانوئیل فتح اللّه عمانوئیـل نیز از جمله کسـانی است که در سـال ۱۳۲۹ هجری (۱۹۱۱ م) بـا سـفر به کربلا، در توصـیف آن گفت: «کربلای جـدید

منطقه عباسیه که آن را مدحت پاشا، والی عثمانی، ایجاد کرد، راه‌های وسیع و پهن دارد. کربلا دارای مساجد زیبا، هتل‌های زیاد، قصرهای باشکوه و خانه‌های محکم است». این گفته بیانگر آن است که این شهر در آن دوران از نظر عمرانی شکوفا بوده است. وی هم‌چنین کربلا را از قدیمی‌ترین شهرهای عراق در آن زمان می‌داند و خاطرنشان می‌کند: «سبک معماری ساختمان‌های بخش قدیمی شهر با بخش جدید متفاوت است؛ کوچه‌ها و خیابان‌های بخش قدیمی تنگ و باریک است».(۱۳۷) عمانوئیل در سال ۱۹۱۸ کربلا را این‌گونه توصیف کرد که این شهر از دو جزء تشکیل شده است: قسمت قدیمی شهر و منطقه جدید که در جنوب و جنوب غربی شهر قرار دارد. بخش قدیمی شهر از سه طرف با حصاری احاطه شده که جنس آن از آجر است و ارتفاع آن تقریباً به ۲۰ تا ۳۰ گام می‌رسد. این دیوار دارای پنج در ورودی است، ولی طرف چهارم آن به سمت منطقه جدید باز می‌شود. هم‌چنین خیابان‌ها و کوچه‌های قسمت قدیمی شهر باریک و گاه پیچ در پیچ و ساختمان‌های آن، به ویژه در حدفاصل حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و برادرش عباس‌علیه السلام و اطراف آن متراکم است و اکثر مغازه‌ها در مسیر بین الحرمین قرار دارند. امّا منطقه جدید که ادامه منطقه قدیمی شهر است به شکل مستطیل ساخته شده و خیابان‌های آن به طور عمودی و افقی تقسیم شده‌اند و عرض آنها به ۲۰ تا ۳۰ گام می‌رسد. به این منطقه بناهای جدیدی اضافه شده که سرای حکومت، دفاتر شهری، دو باب مدرسه و بیمارستان کوچک هشتاد تخت خوابه و مراکز پلیس از این جمله اند.(۱۳۸) در دوره استعمار انگلیس در برخی از ساختمان‌های کربلا جزئیات فنون معماری عراق به طور قابل توجّهی گسترش یافت، از جمله آنها می‌توان به تزئینات چوبی اشاره کرد که تاریخ آن به عصرهای اولیه اسلامی بازمی‌گردد.

معماری کربلا از زمان تأسیس دولت عراق در سال ۱۹۲۱

بعد از برپایی دولت جدید عراق در سال ۱۹۲۱ و با توجّه به موقعیّت مذهبی، گردشگری و جغرافیایی شهر کربلا، ساخت و ساز در این شهر همانند سایر شهرهای بزرگ عراق شکل جدیدی به خود گرفت و روش‌های جدید نقشه‌کشی و ساخت و نیز شیوه‌های ساده معماری غربی به آن راه یافت. این شیوه به خصوص در ساختمان هایی مشاهده می‌شود که بیرون از محدوده قدیمی شهر ساخته شده‌اند. با توجّه به تأثیر ملموس انگلستان بر عراق در آن دوره تاریخی، سبک معماری این کشور مشهورتر است. در نقشه‌کشی مناطق جدید کربلا، دوری جستن از کوچه‌های باریک و راه‌های پر پیچ و خم که مشخصه قسمت قدیمی شهر به ویژه مناطق اطراف بین الحرمین است، مدّنظر قرار گرفت. جنگ‌ها و حملاتی که شهر در معرض آن بود نیز در این امر مؤثر بود. برای نخستین بار در بناهای جدید از مصالح ساختمانی چون سیمان و آهن، به ویژه تیرآهن استفاده می‌شد که بیشتر در سقف خانه‌ها و ساختمان‌های دیگر، به جای چوب‌های درخت نخل و سپیدار و برخی چوب‌های دیگر به کار می‌رفت؛ به خصوص در قسمت جدیدی از شهر که در زمان «مدحت پاشا»، حکمران عثمانی، نقشه‌کشی شد. این ساختمان‌ها به دلیل بنا شدن روی زمینی شوره‌زار که آب در آن رخنه می‌کرد و باعث تخریبش می‌شد، بازسازی شدند. علّت این امر وجود باتلاقی بزرگ بود که از سمت جنوب و جنوب شرقی در راه کربلاـ حلّه، شهر کربلاـ را دربرگرفته بود.(۱۳۹) خانه‌ها و ساختمان‌های محدوده قدیمی شهر کربلا، بافت عمرانی و ویژگی خاص معماری خود را حفظ کرده‌اند. آنها کم ارتفاع و دارای ۱ یا ۲ طبقه اند، به گونه‌ای که با طبیعت و سادگی رفتارهای اجتماعی و وضع اقتصادی و زیست محیطی سازگارند و هم‌چنین ارتفاع آنها از ارتفاع دیوارهای خارجی حیاط حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام که طی قرن‌های متمادی برای احترام و حفظ جایگاه آنها به همین شکل باقی مانده است تجاوز نمی‌کند. در این دوره، شهر کربلا به داشتن برخی ساختمان‌های مهم مشهور شد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: کاروانسرای هندیان (الاسماعیلیه) معروف به «البهره»، ساختمان اداره آب و برق، ساختمان اداری دولت و اداره برق و پست، به علاوه برخی کتابخانه‌ها، ساختمان شهرداری که در میدان قدیمی شهر قرار داشت و هم‌چنین بازارهای فرهنگی و بسیاری

از خانه‌ها که پذیرای بازرگانان و مسافران برای سکونت در آنها بود.(۱۴۰) در مرکز شهر کربلا، جایی که بین الحرمین قرار دارد، مکانی برای جمع شدن اهالی شهر درنظر گرفته شده که محور زندگی آنهاست. بازارها و ساختمان‌های مذهبی دیگری بین الحرمین را دربرگرفته و این بازارها در مقابلِ در ورودیِ حرم پراکنده شده‌اند و تنها راه عبور مسافران هم از بین آنهاست. این بازارها به سادگی ساخت و ویژگی معماری اسلامی شان شناخته می‌شوند. از مهم‌ترین و مشهورترین این بازارها، بازار عرب، بازار حسین، بازار خیمه‌گاه و بازار عباس‌علیه السلام است به اضافه بازارهای سرپوشیده ای که در بین این بازارها پراکنده‌اند.(۱۴۱) از سال ۱۳۵۴ ه. ق (۱۹۳۵ م) تا ۱۳۶۷ ه. ق (۱۹۴۸ م) شهرداری کربلا برای ساماندهی عبور و مرور زائران، طی مراحلی اقدام به باز کردن خیابان اطراف حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام کرد که به دلیل اشتباه مسئولان آن زمان در بررسی عمرانی، هنری و فکری، شهر کربلا زیباترین آثار ساختمانی خود را که برگرفته از معماری اسلامی و جزئی از حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام بود که طی قرون متمادی پابرجا مانده بود از دست داد. از مهم‌ترین این آثار می‌توان به مناره مشهور «العبد» که یکی از زیباترین بناهای معماری این شهر به شمار می‌رود و نیز، حیاط کوچک مرتبط با آن و بعضی از مؤسسات، مدارس دینی و مساجد اشاره کرد.(۱۴۲) این در حالی است که ساماندهی عبور و مرور و اصلاح و توسعه آن، بدون تخریب و آسیب رساندن به آثار فرهنگی و با یک پژوهش علمی و صحیح نقشه برداری امکان‌پذیر بود؛ به گونه‌ای که از ساختمان‌های دینی و فرهنگی شهر هم حفاظت می‌شد.(۱۴۳) ژاک برک، شرق‌شناس فرانسوی، در سال ۱۳۹۸ ه. ق (۱۹۷۸ م) خاطراتش را از سفر به کربلا در کتاب از فرات تا اطلس منتشر کرد. زمان این سفر نامعلوم است، ولی به نظر می‌رسد در دوران سلطنتی، از کربلا دیدن کرده است. وی می‌گوید: «کربلا مرکز استان است و جمعیّت آن به ۲۱۷ هزار نفر می‌رسد که ۸۰ درصد آنها شهرنشین هستند. این منطقه که شهرهای مهمی چون نجف و کوفه را دربرگرفته است، در فاصله ۱۰۲ کیلومتری جنوب بغداد قرار دارد و دارای زمین‌های کشاورزی مرغوبی است. بلافاصله بعد از آن، منطقه‌ای صحرایی وجود دارد و قنات حسینی که به موازات رود فرات به سمت چپ کشیده شده، از کارهای معروف مهندس هندی انگلیسی تبار و مهندس ایلکوکس است که بعدها، کارهای مهندسی پروژه اسوان مصر را انجام داد». برک درباره ساخت و ساز شهر کربلاـ می‌نویسد: «شهر کربلاـ از نظر شکل بناها، شبیه شهرهای دیگر عراق است؛ ساختمان هایی با نقش‌های برجسته و کنگره های شیشه‌ای که بر روی پایه‌های ساده چوبی قرار دارند، در همه‌جا پراکنده شده‌اند. در کنار این خانه‌های سنّتی، خانه‌های دیگری هم وجود دارد که با سیمان بتونی ساخته شده‌اند و کارمندان دولت و افسران در آن زندگی می‌کنند.(۱۴۴) در سال ۱۹۵۴، دولت عملیات اجرایی ساخت «حی الاسکان» را که مخصوص کارمندان است، شروع کرد که در سمت جنوب غربی مرکز شهر به فاصله تقریبی سه کیلومتری از آن قرار دارد.(۱۴۵) در سال ۱۹۵۹، سیّد حسین سعد، استاندار کربلاـ «حی الحسین» را که در جنوب غربی مرکز شهر به فاصله بیست کیلومتری آن و در راه جدید کربلاـ نجف قرار داشت، بازسازی کرد. این کوی، چسبیده به حی الاسکان و از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مناطق جدید و کنونی کربلاست که نقشه آن به شکل دایره است و هتل گردشگری کربلاـ در وسط آن قرار دارد و اطراف این منطقه سرسبز است.(۱۴۶) در دهه ۶۰، شهرکهای دیگری تجدید بنا شدند که از آن جمله است: «حیّ‌المعلّمین» در سال ۱۹۶۰ که تقریباً به فاصله ۴۰ کیلومتری در غرب مرکز شهر واقع شده، «حی‌البلدیهٔ» در سال ۱۹۶۱ که در منطقه واقع بین خیابان «حی الحسین» و خیابان بیمارستان قرار گرفته و نیز «حی العباس» در سال ۱۹۶۴ که در راه جدید کربلا بغداد واقع شده است و از مرکز شهر حدود سه کیلومتر فاصله دارد. در ابتدای دهه ۷۰ و در نتیجه افزایش تعداد ساکنان شهر کربلا و مهاجرت گروه‌های بزرگ جمعیّتی از مناطق اطراف شهر و بعضی از شهرها و روستاهای دیگر، شهر کربلا به شکل افقی شروع به گسترش به سمت بیرون از محدوده قدیمی‌اش کرد و شهرک های جدیدی که بیشترشان در سمت غرب و جنوب غربی شهر قرار داشتند، تجدید بنا شدند که از این قبیل‌اند: حیّ‌الحر، حیّ‌العامل، حیّ‌النقیب، حیّ‌الاصلاح الزراعی، حی‌الجمعیهٔ در سال ۱۹۷۰، حیّ رمضان، حیّ‌الأسرهٔ، الملحق، حیّ‌الصحهٔ، حیّ‌البنوک در سال ۱۹۷۵، حیّ‌الموظفین در سال

۱۹۷۶، حی سیف سعد در سال ۱۹۷۷، حیّ‌العروبهٔ و حیّ‌الثورهٔ در سال ۱۹۷۸.(۱۴۷) در سال ۱۹۷۸ نقشه‌کشی برای اجرای پروژه المشاهٔ به عرض ۴۰ متر که بین الحرمین را به هم متّصل می‌کرد، شروع شد و عملیات آن در سال ۱۹۸۰ پایان یافت. این طرح آشکارا باعث بدشکل شدن شهر زیبای کربلا شد؛ زیرا به اصالت تمدّن و معماری اسلامی و بافت عمرانی شهر که با آن شناخته می‌شد، بی‌توجّه بود؛ تا جایی که باعث نابودی بسیاری از ویژگی‌های آشکار معماری اسلامی در این شهر شد، از جمله تخریب قسمتی از بازار مشهور بازار حسین، مسجد جامع الصافی، مدرسه دینی باد کوبه، مدرسه حسن خان، خانه‌های فرهنگی زیبا و... بدین ترتیب، در دو طرف خیابان المشاهٔ، ساختمان‌های نامنظّم بدون بررسی و نقشه‌کشی قبلی و بدون درک ویژگی معماری اسلامی این شهر بنا شد.(۱۴۸) در نتیجه افزایش جمعیّت و سرازیر شدن سیل جدید گروه‌های انسانی به کربلا از روستاها و اطراف این شهر و بعضی شهرهای دیگر عراق به دلیل جنگ عراق و ایران در سال ۱۹۸۰، تعداد ساکنان کربلا در سال ۱۹۸۵، به ۱۸۴/۵۷۴ نفر رسید،(۱۴۹) در حالی که جمعیّت آن در سال ۱۹۷۱ م، ۱۰۲/۲۱۳ نفر بود.(۱۵۰) در واقع، نسبت افزایش جمعیّت طی چهارده سال بالغ بر ۸۱ درصد بوده که این آمار، مخصوص شهر کربلاست و شامل شهرستان‌ها و مناطق اطراف این استان نمی‌شود. از طرف دیگر، به علّت گسترش برخی از خیابان‌های شهر مثل خیابان باب القبله (ابوالفهد)، خیابان سدره و خیابان جمهوری و احداث خیابان‌های جدید در داخل شهر مثل باب السلطانیهٔ و المحیط، بسیاری از خانواده‌ها سرپناه شان را از دست دادند و شهر کربلا دیگر قادر به پاسخگویی به نیازهای تعداد زیاد ساکنان و خانه‌های اضافی و جدید در آن نبود. لذا شهر به شکلی خاص و در جهت غرب و جنوب غربی شروع به توسعه افقی خارج از محدوده قدیمی و جدیدش کرد و شهرک های جدید دیگری هم ساخته شد که عبارت‌اند از: حی‌الانتصار و حی‌البهادلیهٔ در سال ۱۹۸۰، حی العسکری با دو بخش در الحر و خلف الطاقهٔ در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۳، حی‌الضباط و حی‌الشهدا در سال ۱۹۸۳، حی السلام در سال ۱۹۸۹، حی‌الصمود در سال ۱۹۹۰ و حی‌التحدی و حی‌التعاون هر دو در سال ۱۹۹۲.(۱۵۱) بیشتر شهرک های جدید کربلا فاقد ساده‌ترین امکانات اصلی زندگی شهری بودند که از شاخصه های شهرک های جدید مسکونی در کشورهای دیگر به حساب می‌آیند، هم‌چون وجود مراکز تجاری و بازارهای جدید مردمی؛ مراکز دولتی مثل اداره‌های شهرداری، بهداشت و ارتباطات؛ هم‌چنین مراکز اجتماعی و فرهنگی؛ زمین بازی برای کودکان؛ میدان‌های ورزشی و مناطق سرسبز. یکی از ویژگی‌های بناهای این شهرک ها این است که شکل و سبک معماری آنها با سبک بناهای رایج در شهر قدیمی کربلا فرق می‌کند. سازندگان این بناها از معماری جدید تقلید کرده‌اند، بدون اینکه به معماری اصیل شهر توجّهی نشان دهند. همین مسأله باعث شده تا شهرک های جدید، بخشی از ویژگی معماری خود را از دست بدهند. اقدام نظام سرنگون شده صدام، بعد از انتفاضه اهالی شهر در مارس ۱۹۹۱ در تخریب میدان‌های بزرگ مرکز شهر کربلا (بین الحرمین و اطراف آنها)، بیانگر اوج خرابکاری عمدی این نظام است. در پی آن، تمام نشانه‌های معماری مشخص اسلامی نابود شد؛ به گونه‌ای که شهر بسیاری از آثار فرهنگی معماری مهم خود مثل مساجد، انجمنها، مدارس دینی، حسینیه‌ها، بازارها، بازارهای سرپوشیده و خانه‌های فرهنگی زیبا را از دست داد.(۱۵۲) منطقه بین الحرمین نیز به میدان بزرگی تبدیل شد که طولش بالغ بر ۳۵۰ متر و عرض آن نیز ۱۶۰ متر بود.(۱۵۳) در ابتدای سال ۱۹۹۷، شهرداری کربلا میدان بزرگ بین الحرمین را با کونکرت (بتن) سنگ فرش کرد و در قسمتی از آن درخت‌های نخل کاشت و مجوز هایی هم برای احداث هتل در اطراف این میدان داد؛ بدون اینکه پژوهشی برای چگونگی نقشه‌کشی و نقشه برداری مرکز شهر انجام شود. هم‌چنین به شیوه‌های مهندسی برای زیباسازی منطقه توجّهی نشد. لذا ساختمان هایی در اطراف مرکز شهر بنا شده‌اند که با هنر معماری حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حضرت عباس‌علیه السلام و بافت معماری قدیمی شهر هماهنگی ندارند. در طول دهه‌های گذشته، خیابان کشی در مرکز شهر به شکل خودسرانه، خراب کردن میدان‌های بزرگ و از بین بردن بناهای دینی فرهنگی به بهانه از سرگیری توسعه منطقه، باعث نابود شدن موجودیت یک پارچه شهر و تقسیم آن به بخش‌های گوناگون شده که انسجام معماری و اجتماعی خاص خود را از دست داده است. در حالی که این

هماهنگی طی چندین قرن در آن شکل گرفته بود. هم‌چنین این اقدامات باعث بی‌احترامی و تضعیف جایگاه و حرمت بین الحرمین شد؛ ضمن اینکه محدوده عمرانی ناهماهنگی را به وجود آورد. هم‌چنین موجب رکود تمام فعّالیّت‌های حیاتی و تجاری بازارها و محلّه‌های تجاری شد. در طول سال‌های گذشته، ساختمان‌های بسیاری در محدوده بین الحرمین و میدان وسیع بین آن دو بنا شده‌اند که بزرگ‌ترین بخشِ آنها را هتل های کوچک و متوسطی تشکیل می‌دهند که بدقواره و بی اصالت ساخته شده‌اند و هیچ ارتباطی با فرهنگ اصیل و ویژگی‌های معماری اسلامی که شهر طی قرن‌ها با آن شناخته شده، ندارند. در آوریل ۲۰۰۶، کمیته‌ای فنی در استان کربلا تشکیل شد که وظیفه‌اش ارائه شروط لازم برای طرح نقشه‌کشی جدید شهر مقدّس کربلا، به دفاتر مشاوره مهندسی عراقی و بین‌المللی است تا طرح‌های شان را برای تجدید نقشه‌کشی شهر براساس ویژگی‌ها و خصوصیّات اصیل آن، ارائه دهند.

فصل سوم: بناهای مذهبی در معماری کربلا

مقدمه

همان‌گونه که در فصل‌های پیشین گفته شد، شهر مقدّس کربلا به دلیل آثار فرهنگی و مذهبی واقع در این شهر شهرت یافته است. این آثار که از بهترین شاهکارهای معماری اسلامی به شمار می‌آید، از ریشه‌های هنر شرقی سرچشمه گرفته است. هم‌چنین در ساخت این بناها از هنر عظیم اسلامی و اصول زیبایی شناسی الهام گرفته شده که نقش روشنی در زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم داشته است. جلوه‌های هنر اسلامی در ساخت بناهایی مانند آرامگاه ها، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و مدارس دینی آشکار است. با دقّت در معماری آرامگاه های متبرّک و سایر بناهای دینی که در طول عصرهای مختلف رونق فراوانی داشته‌اند، به نشانه‌های اصیل اسلامی برمی‌خوریم که به روشنی پیشرفتهایی را آشکار می‌کنند که حاصل هنر و تمدّن اسلامی در عصرهای مختلف است. حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام (آستان حسینی و آستان عباسی) از برجسته‌ترین آثار هنر معماری اسلامی در این شهر به شمار می‌آیند. در این دو عمارت هنرهای مختلف در هم آمیخته و طلاـ و نقره کاری‌های به کار رفته و تزیینات شگفت انگیز دیگری چون کاشی کاری و آیینه کاری ارزش و شکوه خاصّی به این اماکن بخشیده‌اند. مقرنس کاری‌های پر پیچ و خم نیز بخش مهمی از تزئینات معماری را به خود اختصاص داده است که می‌توان این هنر را داخل هر دو حرم و ورودی های صحن آنها مشاهده کرد. ویژگی‌های معماری دیگری نیز عمارت های حرمین شریفین را منحصر به فرد کرده است که از جمله می‌توان به عظمت و بلندی دیوارها و درها و نیز استفاده از گران‌ترین مواد ساختمانی مانند سنگ مرمر و چوب‌های کمیاب اشاره کرد. ویژگی دیگر عمارت های مذهبی در کربلا به خصوص حرمین شریفین استفاده از مصالح ساختمانی محلّی از جمله آجر، گچ و کاشی‌کاری‌های رنگی در این بناها است. کربلا در ساخت این کاشی‌ها که برای تزیین گنبدها، گلدسته‌ها، دیوارها، طاق‌ها و... به کار می‌روند، شهرت فراوانی دارد. ویژگی بعدی، تزیین گنبدها و گلدسته‌های حرمین شریفین کربلا با لایه‌ای نازک از طلاست. در قسمت‌های دیگر این گنبدها و گلدسته‌ها کتیبه‌هایی وجود دارند که با کاشی ساخته شده‌اند و به خط کوفی و آیات قرآن مزین هستند. در این فصل، بحث ما بیشتر درباره معماری بناهای مذهبی است که در زیر فهرست آنها آمده است: – حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام؛ – حرم مطهّر حضرت ابوالفضل علیه السلام؛ – آرامگاه های شخصیت‌های مشهور در کربلا، تکیه‌ها، خیمه گاه؛ – مساجد؛ – حسینیه‌ها؛ – مدارس و مراکز علمی مذهبی.

حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام

حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام

@memargold

حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام یکی از مهم‌ترین جلوه‌های معماری اسلامی در شهر مقدّس کربلاست. بدن پاک و مطهّر حضرت امام حسین‌علیه السلام نواده پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله در این مکان مدفون است. ایشان همان‌گونه که گفته شد، در واقعه عاشورا در سال ۶۱ ه. ق (۶۸۰ م) به شهادت رسیدند. حرم مطهّر در مرکز بافت قدیمی شهر واقع است. ویژگی این بنا سبک معماری اسلامی و شکوه منحصر به فرد آن است. این بنا از مهم‌ترین عمارت های مذهبی در عراق و جهان اسلام به شمار می‌رود. ساختمان حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام پس از ساختن اوّلین عمارت، در چند مرحله مختلف تجدید بنا شده است که در ادامه، مهم‌ترین این مراحل ذکر می‌شود.

نخستین عمارت

اوّلین بنایی که پس از واقعه کربلا برای قبر مطهّر امام حسین‌علیه السلام ساخته شد، در سال ۶۶ ه. ق (۶۸۶ م) تقریباً پنج سال پس از شهادت ایشان به دست «مختار بن ابی عبیده ثقفی» صورت پذیرفت. این ساختمان متشکل از یک بنای مسقّف و یک مسجد بود که دو در داشت و یکی از آنها رو به جنوب و دیگری رو به شرق گشوده می‌شد. این بنا، گنبدی آجری داشت که اوّلین گنبد در معماری اماکن اسلامی به شمار می‌رود.(۱۵۴) به اعتقاد برخی از تاریخ‌نگاران، اوّلین گنبدی که در اسلام ساخته شد، گنبد مسجد قُبَّةُ الصَّخْرَهْ در بیت المقدس است که به دستور «عبد الملک بن مروان اموی» در سال ۷۲ ه. ق (۶۹۱ م) ساخته شد.(۱۵۵) شاید این نظریه به دلیل گسترده نبودن منابع دراختیار این تاریخ‌نگاران یا به علّت اطّلاعات اندک آنها درباره تاریخ آبادانی شهر کربلا باشد.(۱۵۶) این احتمال هم وجود دارد که آنها عمران و آبادانی را فقط مخصوص حکومت می‌دانند. اوّلین عمارت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام که گنبد نیز داشت، تا زمان هارون‌الرشید، خلیفه عباسی، پابرجا بود. امّا هارون در اواخر عمر خویش در سال ۱۹۳ ه. ق (۸۰۹ م) این عمارت را ویران کرد و دستور داد تا مکان قبر مطهّر را شخم بزنند.(۱۵۷)

دومین عمارت

دومین عمارت مقبره مطهّر امام حسین‌علیه السلام در زمان مأمون، خلیفه عباسی، در سال ۱۹۸ ه. ق (۸۱۳ م) ساخته شد. این ساختمان مرتفع که از آجر و گچ ساخته شده بود، تا سال ۲۳۶ ه. ق (۸۵۰ م) پابرجا بود.(۱۵۸) زمانی که «متوکّل عباسی» به خلافت رسید، در سه مرحله دستور به ویران کردن حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام داد: سال‌های ۲۳۶ ه. ق (۸۵۰ م)، ۲۳۷ ه. ق (۸۵۱ م) و ۲۴۷ ه. ق (۸۶۱ م).(۱۵۹)

سومین عمارت

سومین عمارت در زمان حکومت یکی دیگر از خلفای عباسی، المنتصر باللّه فرزند متوکل، در سال ۲۴۷ ه. ق (۸۶۱ م) ساخته شد. این بنا که گنبدی از آجر و گچ بر فراز خود داشت، در سال ۲۷۳ ه. ق (۸۸۷ م) فروریخت و حرم مطهّر به مدّت ده سال بدون عمارت باقی ماند.(۱۶۰)

چهارمین عمارت

برای چهارمین بار عمارت بارگاه امام حسین‌علیه السلام در سال ۲۸۳ ه. ق (۸۹۶ م) به دست حسن‌بن زید، والی طبرستان و دیلم ملقب به داعی کبیر و برادرش محمّد بن زید ملقب به داعی صغیر به انجام رسید. آنها همچنین به جالب الحجاره (آورندگان سنگ) ملقب بودند. نسب آنها به امام حسن مجتبی‌علیه السلام می‌رسید. آنها برای بارگاه امام حسین‌علیه السلام بنایی ساختند که

بالای آن گنبدی از آجر و گچ قرار داشت. اطراف بنا دو سایبان بود که به عنوان مسجد به کار می‌رفت. حصاری نیز این عمارت را احاطه می کرد.(۱۶۱)

پنجمین عمارت

عضد الدوله دیلمی در فاصله میان سال‌های ۳۶۹ – ۳۷۱ ه. ق (۹۸۰ – ۹۸۲ م) پنجمین عمارت بارگاه شریف امام حسین‌علیه السلام را بنا کرد. او عمارتی را برای بارگاه شریف تجدید بنا کرد که گنبدی بلند از آجر و گچ داشت. عضد الدوله رواق هایی در اطراف عمارت ساخت. این عمارت از هر طرف در داشت. داخل عمارت با چوب ساج قرمز مزیّن شده بود و در اطراف ساختمان حیاط بزرگی وجود داشت که با حصاری بلند احاطه می‌شد. این حصار چهار در داشت که هر کدام در یک سمت از حصار واقع بود. هم‌چنین عمران بن شاهین، فرمانروای بطائح در جنوب عراق در زمان حکومت عضد الدوله مسجد و رواقی بنا کرد که به حرم ملحق بود. این رواق که در سمت غربی حرم قرار دارد به نام خود اوست و امروزه به نام سیّد ابراهیم مجاب شناخته می‌شود.(۱۶۲)

ششمین عمارت

عمارت بارگاه امام حسین‌علیه السلام در اوایل قرن پنجم هجری برای ششمین بار تجدید بنا شد؛ زیرا عمارتی را که عضد الدوله بنا کرده بود در سال ۴۰۷ ه. ق (۱۰۱۷ م) فروریخت. دلیل این فروریختن افتادن دو شمع بزرگ بر روی زمین بود که سبب آتش گرفتن گنبد، بارگاه و رواق های آن شد. بارگاه به همین حالت باقی ماند تا اینکه حسن بن فضل رامهرمزی، وزیر دولت آل بویه، دستور به تجدید بنای آن داد. این بنا از آجر و گچ ساخته شد. هم‌چنین یک حصار برای آن ساختند. این همان عمارتی است که ابن بطوطه جهانگرد در سفر به کربلا در سال ۷۲۷ ه. ق (۱۳۲۷ م) آن را مشاهده و در سفرنامه خود ذکر کرده است.(۱۶۳)

هفتمین عمارت

ساختمان حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام برای هفتمین بار در سال ۷۶۷ ه. ق (۱۳۶۶ م) به دستور سلطان اویس بن شیخ حسن الجلایری تجدید بنا شد. این بنای مرتفع که از آجر و گچ ساخته شده بود، گنبد بلندی نیز بر فراز خود داشت و با دو گلدسته که در ابتدای حرم قرار داشتند، احاطه شده بود. دو فرزند سلطان اویس، یعنی سلطان حسین و سلطان احمد در سال ۷۸۶ ه. ق (۱۳۸۴ م) کار ساخت عمارت را به پایان رساندند. این عمارت هم‌اکنون نیز پابرجاست. هم‌چنین یک ایوان در جلو حرم ساختند که به ایوان الذهب معروف است.(۱۶۴) امین الدین مرجان که از طرف سلطان اویس والی بغداد بود، در همان زمان یعنی در سال ۷۶۷ ه. ق (۱۳۶۶ م) دست به کار ساختن گلدسته‌ای شد که به العبد معروف است. این گلدسته از آجر و گچ ساخته شده و در قسمت شرقی صحن امام حسین‌علیه السلام واقع است. وی در کنار این گلدسته مسجد کوچکی نیز بنا کرد.(۱۶۵) در مراحل تاریخی مختلف، به خصوص در زمان حکومت صفویه، عثمانی و قاجاریه به بنای حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام قسمت‌هایی افزوده شده و تزییناتی صورت گرفته و برخی قسمت‌های حرم نیز تعمیر شده است. در سال ۹۱۴ ه. ق (۱۵۰۸ م) شاه اسماعیل صفوی صندوق نقره‌ای خوش ساختی را به حرم اهدا کرد. این صندوق بر روی قبر مطهّر نصب شد. هم‌چنین وی دستور داد تا حاشیه های ضریح را طلا کاری کنند. بدین ترتیب، برای اوّلین بار طلا کاری وارد معماری حرم شد.(۱۶۶) در سال ۹۸۴ ه. ق (۱۵۷۶ م) علی پاشاوند زاده، والی حکومت عثمانی، به دستور مراد سوم فرمانروای حکومت عثمانی، دست به کار مرمت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و گنبد منوّر این بارگاه شد.(۱۶۷) در سال ۱۰۳۲ ه. ق (۱۶۲۳ م) شاه عباس کبیر دستور داد تا پوششی نقره‌ای برای ضریح امام حسین‌علیه السلام ساخته و نمای خارجی گنبد نیز با کاشی سبز تزیین شود. هم‌چنین به دستور وی، نمای داخلی گنبد نیز کاشی کاری

شد.(۱۶۸) در سال ۱۰۴۸ ه. ق (۱۶۳۸ م) سلطان مراد چهارم، فرمانروای عثمانی، دستور به تعمیر و تجدید بنای گنبد حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام داد. این گنبد نیز از آجر و گچ ساخته و از خارج با گچ پوشیده شد.(۱۶۹) در عهد قاجار، گنبد حرم سه بار طلا کاری شد. آغا محمّد خان قاجار، مؤسس حکومت قاجاریه، اوّلین کسی بود که در سال ۱۲۰۷ ه. ق (۱۷۹۳ م) دست به کار طلا کاری گنبد شد. دومین طلاـ کاری گنبد در زمان حکومت فتحعلی شاه در سال ۱۳۳۲ ه. ق (۱۸۱۷ م) صورت پذیرفت. همسر فتحعلی شاه نیز دستور داد تا گلدسته‌ها را هم تا پایین بالکن ها طلا کاری کنند. در سال ۱۲۷۶ ه. ق (۱۸۶۰ م) ناصرالدّین شاه قاجار دستور به تجدید بنای نمای حرم داد. او نیز فرمان داد که برای سومین بار طلا کاری گنبد تجدید شود. او ایوان بزرگی ساخت که امروزه به ایوان ناصری شهرت دارد.(۱۷۰) در سال ۱۲۸۱ ه. ق (۱۸۶۴ م) میرزا موسی، وزیر حکومت قاجاریه، دستور تجدید بنای ایوانی را داد که شاه سلیمان صفوی در قسمت شمالی صحن بنا کرده بود. این ایوان به ایوان کبیر مشهور است و ایوان صافی صفا در میان آن قرار دارد. این ایوان به نام «لیلو» و «وزیر» نیز نامیده شده است.(۱۷۱) به دلیل شکاف برداشتن ایوان میانی معروف به ایوان ناصری (به دلیل نسبت آن به بنیان گذارش ناصرالدّین شاه که نتوانست آن را به اتمام برساند)، سلطان عبدالحمید عثمانی دست به کار تجدید بنای آن در سال ۱۳۰۹ ه. ق (۱۸۹۲ م) شد. این ایوان به ایوان حمیدی نیز معروف است.(۱۷۲) از سال ۱۳۵۴ ه. ق (۱۹۳۵ م) تا سال ۱۳۶۷ ه. ق (۱۹۴۸ م) شهرداری کربلا به رغم مخالفت علما و مردم شهر، اقدام به تخریب بسیاری از بناهای مذهبی و قدیمی کرد که به صحن حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام ملحق بودند. از جمله این بناها می‌توان به گلدسته معروف العبد و صحن صغیر که در کنار این گلدسته واقع بود، اشاره کرد. استدلال آنها، احداث خیابانی بود که به حرم راه داشته باشد. این دو بنا که تخریب شدند از زیباترین آثار فرهنگی اسلامی کربلا به شمار می‌رفتند. علاوه بر این، عمارت های دیگری نیز تخریب شدند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. مدرسه زینبیه؛ ۲. مسجد جامع ناصری؛ ۳. مدرسه صدر اعظم نوری؛ ۴. مسجد جامع رأس الحسین؛ ۵. مدرسه سردار حسن خان؛ ۶. قبور سلاطین آل بویه و سایر آثار قدیمی و فرهنگی.(۱۷۳) در سال ۱۳۵۶ ه. ق (۱۹۳۷ م) گلدسته غربی موجود در ابتدای حرم که یکی از دو گلدسته ساخته شده در زمان سلطان اویس جلایری بود، خم شد. به همین دلیل، سلطان طاهر سیف الدین اسماعیلی دستور به تخریب آن و ساختن گلدسته‌ای دیگر از جنس آجر و گچ در همان محل داد. امّا گلدسته شرقی تاکنون پابرجاست. همچنین سلطان طاهر سیف الدین در سال ۱۳۶۰ ه. ق (۱۹۴۱ م) اقدام به طلاـ کاری نازکی بر سطح گلدسته‌ها کرد که این طلا کاری از سطح زمین حرم تا بالای گلدسته‌ها ادامه داشت.(۱۷۴) در سال ۱۳۸۴ ه. ق (۱۹۶۴ م) سیّد قنبر رحیمی، یکی از تاجران ایرانی، تعدادی ستون از سنگ مرمر به ایوان جلویی حرم که به ایوان الذهب معروف است، اهدا کرد. در سال ۱۳۹۴ ه. ق (۱۹۷۴ م) کار جایگزینی این ستون‌های مرمری به جای ستون‌های چوبی قدیمی به اتمام رسید. قسمت‌هایی از این ستون‌های چوبی به دلیل رطوبت از بین رفته بود.(۱۷۵) در نتیجه این تغییر، جزئی زیبا و اصیل از آثار متمایز حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام از بین رفت. در سال ۱۹۸۰ کار از بین بردن تمام بناهای مجاور در خارج از صحن به پایان رسید و حصاری در اطراف صحن کشیده شد که ارتفاع آن به ۳۰/۱۱ متر می‌رسد و در هر سوی آن یک در تعبیه شده است.

وضع کنونی عمارت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام

وضع کنونی عمارت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام

حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام در مرکز شهر کربلا واقع است. در پیرامون حرم خیابان‌های قدیمی و جدید وجود دارند که به حرم ختم می‌شوند. مهم‌ترین آنها میدان وسیع و رو بازی است که به حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام، خیابان‌های باب القبله یا ابوالفهد، السدره و باب السلطانیه متّصل است. طرح و نقشه حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام، الگویی عمرانی برای حرم هایی که

پس از آن ساخته می‌شوند به حساب می‌آید. در این حرم شریف نشانه‌ها و نماهایی وجود دارد که کمتر همه آنها را یکجا در ضریح ها و مکان‌های گذشته می‌یابیم. گویی طرح و نقشه این حرم نوعی دگرگونی ویژه در طرح و نقشه‌کشی است. همین ویژگی باعث شده است که ضریح، مسجد و تمام رواق های اطراف آن در یک مجموعه عمارت قرار گیرند و همگی این بناها در میان زمینی واقع شوند که حرم مطهّر به خود اختصاص داده است.(۱۷۶) مهم‌ترین ویژگی عمارت حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام، وسعت و عظمت بنا و سبک معماری اسلامی آن است. آستان مقدّس در زمینی مستطیل شکل قرار دارد که طول آن به ۱۲۵ متر و عرض آن به ۹۵ متر می‌رسد. این آستان شریف دربرگیرنده بناهای حرم متبرّک است که ضریح مطهّر در میان آن واقع است. در اطراف حرم صحن وسیعی وجود دارد که از هر سو، ایوان ها بر آن مشرف اند، بر بالای ایوان ها نیز طاق های نوک تیز و ورودی ها قرار دارند.(۱۷۷) ساختمان حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام استوار و ساخته شده از آجر و گچ است. این بنا هم‌چنین با انواع اشیای تزیینی ساخته شده از طلاـ و نقره، آیینه کاری‌ها و کاشی کاری‌ها پوشیده شده است. عمارت حرم قسمت مرکزی آستان امام حسین‌علیه السلام را دربرگرفته است. این عمارت به شکل مستطیلی با طول ۵۵ متر و عرض ۴۵ متر است و ارتفاع دیوارهای خارجی آن به ۱۲ متر می‌رسد. قبر امام حسین‌علیه السلام در وسط ضریح قرار دارد و قلب حرم مطهّر محسوب می‌شود. بر روی قبر شریف صندوقی نقره‌ای با دری طلایی قرار گرفته است. طول این صندوق ۵ متر و عرض آن ۴ متر است و ارتفاع آن به ۵/۳ متر می‌رسد. طول محوطه پیرامون ضریح نیز ۱۴ متر و عرض آن ۷۳/۹ متر است. بر فراز این قسمت، گنبدی نیم کره‌ای، نوک تیز و بلند واقع است. این گنبد بر چهار ستون بسیار بزرگ قرار گرفته است که هر کدام از ستون‌ها از قطعه‌هایی مستطیلی شکل ساخته شده‌اند. طول هر کدام از این قطعه‌ها ۵/۳ متر و عرض آن ۵/۲ متر است. ارتفاع نوک گنبد از سطح زمین حرم حدود ۳۶/۲۹ متر است. این گنبد بر دیواره‌ای استوانه‌ای شکل و طویل واقع شده است که ارتفاع آن ۶ متر و قطر آن ۳۹/۱۱ متر است. این دیواره دوازده پنجره دارد که هر کدام از آنها طاقی نوک تیز دارند. عرض هر کدام از پنجره‌ها ۳۰/۱ متر است و فاصله هر کدام از دیگری به ۲۵/۱ متر می‌رسد. بزرگ‌ترین قطر گنبد در میانه آن ۲۲/۱۲ متر است. نمای خارجی گنبد با لایه‌ای نازک از طلا پوشیده شده است، البته به جز حاشیه‌ای از آن که با کاشی کاریهایی به رنگ آبی تیره تزیین شده‌اند و بر آنها آیاتی از قرآن کریم با خط سفید نقش بسته است و مانند تاجی بر سر گنبد نمایان است. نمای داخلی گنبد با وسایل تزیینی زیبایی از کریستال و آیینه کاری‌های کوچک پوشیده شده است. در اطراف ضریح مطهّر چهار رواق بزرگ وجود دارد که عرض هر کدام از آنها ۵ متر و طول دو ضلع شمالی و جنوبی آنها ۴۰ متر و طول دو ضلع شرقی و غربی آنها تقریباً ۴۵ متر است. کف این رواق‌ها با سنگ مرمر سفید پوشیده شده و دیوار رواق‌ها نیز تا ارتفاع دو متری از همان سنگ مرمر کار شده است. مقدار باقی‌مانده از دیوارها و سقف‌ها نیز با کریستال و آیینه کاری‌های کوچک و خوش ساخت تزیین شده‌اند. ارتفاع سقف رواق‌ها ۱۲ متر است. رواق شمالی به رواق شاه معروف است، زیرا قبر شاهان حکومت قاجاریه در گوشه‌ای از آن قرار دارد. این رواق به شکل مسجد است و در آن نماز به پا می‌دارند. رواق غربی به رواق «سیّد ابراهیم» مجاب شهرت دارد. رواقی که سمت قبله است به نام رواق «حبیب بن مظاهر اسدی»، یکی از شهدای کربلاست، زیرا قبر وی در سمت غربی این رواق قرار دارد. این چهار رواق هشت در دارند که تمام آنها به سمت صحن حرم مطهّر باز می‌شوند. مهم‌ترین این درها در میان رواق حبیب بن مظاهر واقع است و به نام باب الذهب شهرت دارد. اتاق‌های این رواق رو به ایوان وسیعی باز می‌شوند که در جلو حرم واقع است و به ایوان الذهب شهرت دارد. طول این ایوان به ۳۶ متر و عرض آن به ۱۰ متر می‌رسد. سقف این ایوان بلندترین جزء از ساختمان غیر از گنبد و گلدسته هاست و ارتفاع آن ۱۵ متر است. این سقف بر ستون‌های مرمری استوار است که بر بالای آنها طاق های نوک تیزی وجود دارد. دیوارهای جلوی این ایوان با لایه‌ای نازک از طلا، موزائیک و کاشی کاری پوشیده شده است. در دو طرف ایوان الذهب و با کمی فاصله از خروجی های آن، دو گلدسته زیبا با پوشش نازکی از طلا واقع هستند. این گلدسته‌ها استوانه‌ای شکل هستند و ارتفاع هر کدام به ۳۳ متر می‌رسد. در واقع، فاصله بام حرم تا نوک این

گلدسته‌ها ۲۱ متر است. قطر گلدسته‌ها در پایه چهار متر است. در میان هر کدام از گلدسته‌ها پلکانی حلزونی شکل وجود دارد که راه ورودی آن از طبقه همکف حرم است و تا ایوان مسقّف اذان که در قسمت فوقانی گلدسته واقع است، ادامه دارد. ایوان اذان بر سه ردیف ستون‌های مُقرنس کاری شده زیبا و درهم آمیخته استوار است. قسمت فوقانی گلدسته که بالای ایوان اذان واقع است نیز استوانه‌ای شکل است. ویژگی این قسمت طول و استحکام آن است. امّا قطر این قسمت از قطر قسمت اصلی گلدسته کمتر است و به ۱۵/۲ متر می‌رسد. بر نوک آن، گنبد کوچک، پیازی شکل و لبه داری وجود دارد که از قطعه‌های مقرنس کاری شده تشکیل شده و بر بالای گنبد نیز میله‌ای فلزی و طلا کاری شده قرار گرفته است.(۱۷۸) حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام هم‌چنین ضریح شهدایی را دربرگرفته است که در شرق قبر مطهّر واقع شده‌اند. این ضریح قبور تمامی این شهدا را دربردارد. در نمای این ضریح پنجره هایی نقره‌ای وجود دارند که با دقّت تمام ساخته شده‌اند. طول هر کدام از این پنجره‌ها ۶۰/۲ متر و عرض هر کدام ۴۰/۱ متر است. دیوارهای خارجی آستان حسینی‌علیه السلام با تزیینات زیبایی از آجر و کاشی کاری مزین شده‌اند. بر بالای این دیوارها نمایی از کاشی‌کاری‌های آبی که بر روی آنها آیات قرآن با خط سفید نوشته شده است، به چشم می‌خورد. این هنر کاشی کاری، زیبایی هنر معماری اسلامی را منعکس می‌کند. ارتفاع این دیوارها از سطح زمین ۳۰/۱۱ متر است. تعداد ۶۵ اتاق رو به روی صحن وجود دارد که مقابل هر کدام از آنها ایوانی با یک طاق نوک تیز واقع است. دیوارهای این اتاق‌ها از داخل و خارج با موزائیک و کاشی تزیین شده است. در اکثر این اتاق‌ها قبور علما و شخصیت‌های مذهبی وجود دارد. بالای این اتاق‌ها انبار هایی واقع است و سطح نسبتاً وسیعی نیز وجود دارد که همگی بر صحن اشراف دارند.(۱۷۹) در سال ۱۹۸۰ م بسیاری از این قبور به دست حکومت تخریب شدند و این اتاق‌ها به سالن، انبار و تسهیلات رفاهی تغییر کاربرد یافتند.(۱۸۰) سطح زمین صحن حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام از سطح زمین خارج از حرم ۳۰/۲ متر پایین‌تر است. این صحن دارای ده مدخل به عنوان راه ورودی است که تعدادی از آنها قدیمی هستند و تعدادی نیز در سال‌های اخیر ساخته شده‌اند. در نمای این ورودی ها طاق هایی نوک تیز قد برافراشته‌اند که با کاشی کاری هایی زیبا تزیین شده‌اند. مهم‌ترین درهای قدیمی از این قرارند:

باب القبله

این در در جهت قبله و در نیمه ضلع جنوبی صحن واقع است. طول این ورودی ۱۸ متر و عرض آن ۵۰/۵ متر است. این ورودی درب بزرگی با ارتفاع ۶ متر و عرض ۴ متر داشت که در سال‌های اخیر برداشته شد و به جای آن در جدیدی نصب گردید. این ورودی از قدیمی‌ترین ورودی های آستان حسینی‌علیه السلام است. بر روی برج بالایی این ورودی، ساعتی بزرگ قرار دارد که بالاترین ارتفاع (۲۹ متر) را نسبت به سطح زمین صحن دارد.

باب الزینبیه

این ورودی در جهت غربی باب القبله واقع است. دلیل این نام‌گذاری این است که این خروجی صحن را به تلّ زینبیّه مرتبط می‌سازد. طول این ورودی ده متر و عرض آن بین ۵۰/۲ و ۵۰/۳ متر در نوسان است. این ورودی دری به ارتفاع ۴ متر و عرض ۳ متر دارد.

باب السلطانی

این ورودی در قسمت غربی صحن قرار دارد. علّت این نام‌گذاری این است که بنیان‌گذار این ورودی یکی از فرمانروایان عثمانی بوده است. طول این ورودی ۱۵ متر و عرض آن در ابتدا ۳ متر و در انتها ۶ متر است. ارتفاع دری که در این ورودی کار گذاشته

شده است، ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

باب السدره

این ورودی، در گوشه قسمت شمال غربی صحن واقع است. دلیل این نام‌گذاری درخت سدری بوده است که در محل این ورودی قرار داشته و زائران از طریق آن، محل قبر امام حسین‌علیه السلام را می‌یافته‌اند. طول این ورودی ۱۳ متر و عرض آن ۳ متر است. در بزرگی نیز در آنجا وجود دارد که ارتفاع آن ۴ متر و عرضش به ۳ متر می‌رسد. این در همان درب باب القبلهٔ قدیمی است که از آنجا منتقل و در این محل نصب شده است.

باب الصحن الصغیر (باب الشهدا)

به این ورودی، باب الصافی نیز می‌گویند. این ورودی در قسمت شرقی صحن واقع شده و رو به حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام است و از ورودی های قدیمی به شمار می‌رود. طول این ورودی ۱۶ متر و عرض آن ۵۰/۳ متر است. درب به کار رفته در این ورودی، ۴ متر ارتفاع و ۳ متر عرض دارد.

باب قاضی الحاجات

این ورودی به باب المراد نیز شهرت دارد و از ورودی های قدیمی است. در سمت شرقی صحن قرار دارد و رو به بازار العرب گشوده می‌شود. طول این ورودی به ۱۶ متر و عرض آن به ۵۰/۳ متر می‌رسد. ارتفاع در آن ۴ متر و عرض آن نیز ۳ متر است. ورودی های جدید عبارت‌اند از:

باب رأس الحسین

دلیل این نام‌گذاری این است که این در مقابل موضع سر مطهّر و مقدّس امام حسین‌علیه السلام قرار دارد. این ورودی که در قسمت غربی صحن بین باب الزینبیه و باب السلطان واقع است، به ایوان ناصری یا حمیدی مرتبط می‌شود. ارتفاع این عمارت به ۱۵ متر می‌رسد و در قسمت فوقانی آن ساعتی بزرگ نصب شده است که اثر معماری جالب توجّهی به شمار می‌آید. طول این ورودی به ۱۰ متر و عرض آن در ابتدا ۵/۴ متر و در پایان به ۶ متر می‌رسد. ارتفاع درب این ورودی ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

باب الکرامهٔ

این ورودی در زاویه شمال شرقی صحن مطهّر مقابل بازار مشهور الحسین‌علیه السلام واقع است. قسمت‌هایی از این بازار در سال ۱۹۸۰ م و قسمتی دیگر در سال ۱۹۹۱ م تخریب شد. این ورودی دارای طاق نمایی هلالی شکل است که با کاشی کاری هایی زیبا تزیین شده است. طول این ورودی ۱۲ متر است و در پایان کمی پیچ می‌خورد و تغییر مسیر می‌دهد. عرض این مدخل ۵/۳ متر است و در آن ۴ متر ارتفاع و ۳ متر عرض دارد.

باب الرجاء

این ورودی در گوشه جنوب شرقی صحن مقابل سرای قدیمی پاشا واقع است. در محل این سرا که تخریب شده بود، حسینیه تهرانی ها ساخته شد که پس از آن به حیدریه شهرت یافت. البته این عمارت نیز در سال ۱۹۹۱ م به دست حکومت عراق تخریب شد. طول

این ورودی ۱۶ متر است و در انتها کمی تغییر مسیر می‌دهد. عرض آن نیز به ۵/۳ متر می‌رسد. دری که در این ورودی به کار رفته است، ۵ متر ارتفاع و ۵/۳ متر عرض دارد.(۱۸۱)

باب الصالحین

این ورودی که در سال ۱۹۶۰ م در قسمت شمالی صحن گشوده شد، ایوان وزیر جای دارد. طول آن ۱۰ متر و عرض آن ۷ متر است. در آن نیز ۴ متر ارتفاع و ۳ متر عرض دارد.(۱۸۲) پس از سقوط حکومت سابق عراق در ۹ آوریل ۲۰۰۳ که اداره عتبات مقدّسه کربلا و سایر شهرهای مذهبی عراق زیرنظر آن بود، مراجع دینی نجف اشرف کمیته ای با عنوان «کمیته عالی اداره عتبات مقدّسه در کربلای معلا» تشکیل دادند. در این کمیته افرادی مانند علاّمه سیّد محمّد طباطبایی، علاّمه سیّد احمد صافی و علاّمه شیخ محمّد کربلایی عضویت دارند. هدف از تشکیل این کمیته، سرپرستی و نظارت بر اداره عتبات مقدّسه و ارائه بهترین خدمات به زائران امام حسین‌علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام است. هم‌چنین کمیته ای برای اجرای طرح‌ها و حفاظت از بناهای حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام تشکیل شد. از جمله فعّالیّت‌هایی که زیرنظر این کمیته انجام شده یا در حال انجام است، می‌توان به این موارد اشاره کرد: - مدرسه علوم دینی امام حسین‌علیه السلام؛ - کتابخانه حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام؛ - سالن کنفرانس‌ها و نشست ها؛ - سالن اینترنت و رسانه‌های ارتباط جمعی؛ - موزه حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام؛ - مهمانخانه حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام؛ - دفاتر اداری؛ - صحن حضرت زینب کبری علیها السلام در تلّ زینبیّه؛ - احداث طبقه دوم ایوان های مشرف بر صحن مطهّر، به ویژه در دو ضلع شرقی و شمالی که قرار است در ساخت طبقه دوم نیز همانند ایوان های طبقه همکف، از طاق ها و تزیینات کاشی کاری استفاده شود؛ - حفاظت و ساخت آیینه کاری‌ها و مرمر کاری‌های داخل حرم مطهّر؛ - به کارگیری و حفاظت از سیستم جدید خشک کننده و تهویه هوای مرکزی؛ نظارت بر ساخت پنجره‌های قتلگاه؛ نظارت بر مکان‌های مسقّف نو ساز که در دو طرف سطح وسیع بین الحرمین واقع است، به منظور آماده ساختن آنها برای آرامش زائران؛ - نظارت بر مراکز درمانی و رفاهی زائران در نزدیکی باب القبلهٔ صحن امام حسین‌علیه السلام. علاوه بر این، طرح‌های متوسط و کوچک بسیاری نیز در دست اجراست، مانند ساخت اتاق‌ها و سالن‌های جدید، فوّاره ها، آبخوری ها، تسهیلات رفاهی و غیره. دکتر مهندس سیّد محمّد علی شهرستانی پیشنهاد کرده است که صحن حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام مسقّف و به یک سالن بزرگ مرتبط با حرم تبدیل شود و جزئی از آن به حساب آید. البته اجرای این طرح، پس از ساخته شدن طبقه دوم بر فراز اتاق‌ها و ایوان های مشرف بر صحن، خواهد بود. اکثر طرح‌هایی که در حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام در دست اجراست، تحت نظارت کمیته اجرای طرح‌ها و حفاظت از عتبات با کمک آقای دکتر شهرستانی انجام می‌شود.

حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام

حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام یا آستان حضرت عباس دومین اثر مهمّ معماری اسلامی در شهر مقدّس کربلا به شمار می‌رود. این بارگاه قبر مطهّر سرورمان حضرت عباس‌علیه السلام را دربرمی‌گیرد.(۱۸۳) در مراحل تاریخی مختلفی که شهر کربلا پشت سر گذاشته، همان‌گونه که به حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام توجّه شده، حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام نیز مورد توجّه قرار گرفته است.(۱۸۴) اوّلین بنایی که برای قبر مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام ساخته شد، مربوط به سال ۳۷۲ ه. ق (۹۸۳ م) است. این بنا که در زمان حکومت عضد الدوله دیلمی و به دستور وی ساخته شد، گنبدی بلند بر فراز خود داشت که از آجر و گچ ساخته شده بود.(۱۸۵) در سال ۱۳۰۲ ه. ق (۱۶۲۳ م) و در زمان حکومت شاه عباس اوّل صفوی، نوه شاه طهماسب، گنبد حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام با کاشی کاری رنگی تزیین شد. هم‌چنین صندوقی مشبک روی قبر قرار گرفت، به رواق و صحن پیرامون

حرم سر و سامان داده شد و ایوانی در قسمت جلویی حرم مطهّر ساخته شد.(۱۸۶) در سال ۱۱۵۳ ه. ق (۱۷۴۰ م) نادر شاه افشار هدایای بسیاری به حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام اهدا و قسمت‌هایی از حرم را نیز تزیین کرد.(۱۸۷) در سال ۱۱۸۲ ه. ق (۱۷۶۸ م) آقای نواب (بهراء) سقف ضریح حضرت عباس‌علیه السلام را اهدا کرد. این سقف با چوب درخت ساج و راش ساخته شد و ناظر بر این کار میرزا محمّد باقر راجه حائری بود. استاد اسماعیل نجّار نیز اقدام به تزیین آن کرد.(۱۸۸) در سال ۱۱۸۳ ه. ق (۱۷۶۹ م) میرزا حسین شاه‌زاده، وزیر نادر شاه افشار، دستور داد تا عمارت رواق جلویی حرم تجدید بنا شود. هم‌چنین صندوق مشبک جدیدی بنابه امر وی، برای ضریح ساخته شد.(۱۸۹) پس از رویداد وهابیها که در سال ۱۲۱۶ ه. ق (۱۸۰۱ م) رخ داد، فتحعلی شاه قاجار دستور به تجدید بنا و تعمیر گنبد حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام داد. هم‌چنین امر کرد تا این گنبد از خارج با کاشی‌کاری‌های رنگی پوشیده شود.(۱۹۰) در سال ۱۲۲۱ ه. ق (۱۸۰۶ م) به وسیله محمّد حسین صدر اعظم اصفهانی نمای خارجی دو گلدسته حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام کاشی کاری شد.(۱۹۱) در سال ۱۲۳۶ ه. ق (۱۸۲۱ م) محمّد شاه، فرزند عباس میرزا و نوه فتحعلی شاه، دستور داد تا صندوق مشبک و نقره‌ای جدیدی برای ضریح حضرت عباس‌علیه السلام ساخته شود. کار ساخت این صندوق در سال ۱۲۴۶ ه. ق (۱۸۳۱ م) به پایان رسید و بر روی قبر نصب شد.(۱۹۲) در سال ۱۲۵۹ ه. ق (۱۸۴۳ م) محمّد علی شاه، فرمانروای قلمرو «اوده» هند که پسر ماجد علی شاه بود، کاشی کاری گنبد حرم و ایوان جلویی را آغاز کرد؛ هم‌چنین دست به کار تجدید ساخت رواق و صندوق مشبک روی ضریح شد.(۱۹۳) در سال ۱۲۶۶ ه. ق (۱۸۵۰ م) کار تجدید بنا و تعمیر حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام به پایان رسید. این کار توسط عبدالمجید اوّل، فرمانروای حکومت عثمانی، انجام شد. ایشان که فرزند محمود دوم است، در سال ۱۲۵۶ ه. ق (۱۸۴۰ م) خلافت را به دست گرفت و در سال ۱۲۷۷ ه. ق (۱۸۶۱ م) وفات یافت.(۱۹۴) در سال ۱۲۸۳ ه. ق (۱۸۶۶ م) شیخ عبدالحسین تهرانی که به شیخ العراقین ملقب بود، از سوی ناصرالدّین شاه مأموریت یافت تا سمت غربی و قسمتی از سمت شمالی صحن را بنا کند، امّا کار ساخت قسمت شرقی و مابقی قسمت شمالی برعهده محمّد صادق شوشتری مشهور به اصفهانی گذاشته شد. این قسمت در سال ۱۳۰۴ ه. ق (۱۸۸۷ م) بنا شد. وی هم‌چنین کاشی کاری نمای خارجی گنبد را تجدید کرد.(۱۹۵) در سال ۱۳۰۶ ه. ق (۱۸۸۹ م) «عبدالحمید»، فرمانروای حکومت عثمانی، دستور داد تا سقف ایوان جلویی حرم با چوب ساج و راش تجدید بنا شود.(۱۹۶) در سال ۱۳۰۹ ه. ق (۱۸۹۲ م) احترام الدوله، همسر ناصر الدّین شاه قاجار، اقدام به طلا کاری ایوان جلویی حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام کرد. هم‌چنین آصف محمّد علی شاه (لکناهوری) طلا کاری مقدار باقی‌مانده از دیوار جلویی این ایوان را عهده‌دار شد.(۱۹۷) در سال ۱۳۱۱ ه. ق (۱۸۹۴ م) توسط حاج امین السلطان ساعت بزرگی بر بالای باب القبله صحن مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام نصب شد. این ساعت هم‌اکنون نیز در همان مکان قرار دارد. سیّد علی قطب بر عملیات نصب کردن این ساعت نظارت داشت.(۱۹۸) در سال ۱۳۶۷ ه. ق (۱۹۴۸ م) حاج حسین حجّار باشی، یکی از تاجران ایرانی، سنگ فرش کردن حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام را شروع کرد. در این سنگ فرش از سنگ‌های مرمری استفاده شد که از ایران آورده بودند.(۱۹۹) در سال ۱۳۷۱ ه. ق (۱۹۵۱ م) نماهای جلویی صحن با کاشی‌های رگه داری که از ایران آورده بودند، پوشیده شد. هم‌چنین دیوارها و سقف حرم از داخل با کریستال، آیینه های کوچک و سایر تزیینات جالب و زیبا آراسته شد.(۲۰۰) در سال ۱۳۷۵ ه. ق (۱۹۵۵ م) برای اوّلین بار گنبد حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام با لایه‌ای نازک طلا کاری شد.(۲۰۱) در سال ۱۳۸۵ ه. ق (۱۹۶۵ م) به دستور مرجع بزرگ، «سیّد محسن حکیم»، صندوق مشبک جدیدی بر روی قبر مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام قرار گرفت. این صندوق با طلا و نقره ساخته شده و با آبگینه و سنگ‌های قیمتی تزیین شده بود.(۲۰۲) در همین سال، زمینی که در مجاورت صحن واقع بود به اراضی حرم افزوده شد و در آن عمارتی به عنوان مهمانخانه حضرت عباس‌علیه السلام ساخته شد.(۲۰۳) در سال ۱۴۰۰ ه. ق (۱۹۸۰ م) عملیات تخریب تمام بناهای همجوار و متّصل به صحن حضرت عباس‌علیه السلام به اتمام رسید و حصاری در اطراف صحن کشیده شد که ارتفاع آن به ۹۳/۹ متر می‌رسد

و از تمام جهات دارای ورودی است.(۲۰۴)

وضع کنونی عمارت حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام

وضع کنونی عمارت حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام

حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام در فاصله ۳۰۰ متری شمال شرقی حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام واقع است. در اطراف آن خیابان‌های قدیمی و جدیدی وجود دارند که مهم‌ترین آنها میدان رو بازی است که به حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام راه دارد. هم‌چنین این میدان به خیابان‌های العباس‌علیه السلام، العلقمی، صاحب‌الزمان‌علیه السلام و بغداد متّصل است. بناهای آستان حضرت عباس‌علیه السلام در زمینی مستطیل شکل به طول ۵/۱۱۸ متر و عرض ۶۰/۹۳ متر واقع شده‌اند. این آستان از ساختمان حرم و صحن مطهّر تشکیل می‌شود. حرم در قسمت مرکزی آستان قرار دارد و طول آن به ۴۸ متر و عرض آن به ۳۹ متر می‌رسد. در مرکز حرم، ضریح و محوطه پیرامون آن واقع است که وسعتی نسبی دارد. صحن مطهّر نیز گرداگرد حرم را احاطه کرده است. در اطراف صحن حصاری وجود دارد که صحن و حرم را از خیابان‌های اطراف جدا می‌سازد.(۲۰۵) طرح و برنامه آستان حضرت عباس‌علیه السلام از نظر وسعت، بزرگی و عظمت عمارت و شیوه معماری اسلامی تفاوتی با آستان حسینی‌علیه السلام ندارد.(۲۰۶) تنها تفاوت در اندازه رواق های اطراف ضریح است که مانند قلب حرم است. محوطه پیرامون ضریح تقریباً به شکل مربع است و وسعت نسبی آن به گونه‌ای است که طول ضلع خارجی آن به ۱۹ متر می‌رسد. ویژگی آن مقدار ضخامت و ارتفاع دیوار هاست. ضریح در میانه این قسمت واقع است. این ضریح مشبک و از جنس نقره است و در کمال دقّت و زیبایی ساخته شده است. بر فراز این قسمت، گنبدی مرتفع قرار دارد که بزرگ‌ترین قطر آن به ۱۶ متر می‌رسد. ارتفاع این گنبد از سطح زمین تا نوک میله فلزی آن ۷۰/۳۲ متر است. شکل آن به صورت نیم کره‌ای نوک تیز است که بر دیواره‌ای به شکل استوانه قرار می‌گیرد. قطر این استوانه به ۳۰/۱۵ متر می‌رسد. در این دیواره در هر سو پنجره هایی با طاق های نوک تیز وجود دارد. نمای داخلی گنبد با انواع تزیینات زیبا از قبیل مقرنس کاری‌های پوشیده با کریستال و آیینه کاری آراسته شده است. در میان دیوارهای محوطه پیرامون ضریح، چهار ورودی وجود دارد که هر کدام به یکی از چهار رواق حرم راه دارند و بعضی از این رواق‌ها نیز به یکدیگر گشوده می‌شوند. عرض هر کدام از این ورودی ها ۵ متر است که اتاق‌ها و رواق‌ها بر آنها اشراف دارند. رواق‌ها به وسیله شش ورودی به صحن آستان گشوده می‌شوند که مهم‌ترین آنها ورودیِ رو به قبله است که به ایوان مستطیل شکل و وسیعی گشوده می‌شود. طول این ایوان ۹۰/۳۰ متر و عرض آن ۹۰/۶ متر است و به ایوان الذهب معروف است. دیوارهای این ایوان از سقف تا ارتفاع دو متری از سطح زمین با قطعات مسی پوشیده شده و قطعات مسی نیز با لایه‌ای نازک طلا کاری شده‌اند. در دو طرف ایوان‌الذهب دو گلدسته استوانه‌ای شکل قد برافراشته‌اند. ارتفاع هر کدام از این گلدسته‌ها که به دیوار حرم متّصل‌اند، به ۳۹ متر از سطح زمین می‌رسد. قطر آنها نیز ۶۵/۳ متر در پایه است. قسمت فوقانی و ایوان این گلدسته‌ها با لایه‌ای از طلا پوشیده شده است. امّا قسمت پایینی آنها با کاشی‌های زیبایی تزیین شده و در میان آنها آیاتی از قرآن کریم با خط کوفی بسیار زیبایی نگاشته شده است. در داخل هر گلدسته پلکانی حلزونی شکل وجود دارد که راه ورودی این پلکان ها طبقه همکف حرم است و تا ایوان مسقّف اذان که در نیمه فوقانی گلدسته واقع است، ادامه می‌یابد. ایوان اذان نیز بر دو ردیف مقرنس کاری‌های زیبا و در هم آمیخته استوار است. قسمت فوقانی ایوان اذان به شکل استوانه است. ویژگی این قسمت طول و استواری آن است. امّا قطر این قسمت از قطر قسمت اصلی گلدسته کمتر است و به ۷۰/۲ متر می‌رسد. بر نوک این قسمت یک گنبد کوچک پیازی شکل و لبه‌دار واقع است که روی آن میله‌ای وجود دارد که از گلوله‌های مسی با اندازه‌های متفاوت تشکیل شده است.(۲۰۷) نکته جالب توجّه دیگر در عمارت حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه

السلام، وجود یک تونل مستطیل شکل است که حرم را دربرمی گیرد و به مکانی ختم می‌شود که بدن مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام مدفون است. این تونل به شکل هندسی ساخته شده است و از در یکی از رواق های پشتی حرم می‌توان به آن راه یافت.(۲۰۸) نمای داخلی دیوارهای صحن با موزائیک و کاشی هایی با طرح قدیمی(۲۰۹) و نمای خارجی با آجر و گچ تزیین شده‌اند. بر بالای این دیوارها حاشیه‌ای کاشی کاری شده با رنگ آبی وجود دارد که بر روی آن آیات قرآنی با رنگ سفید نگاشته شده است. ارتفاع این دیوارها به ۹۳/۹ متر می‌رسد. تعداد ۵۷ اتاق نیز در اطراف صحن وجود دارند که در مقابل هر کدام از آنها ایوانی با یک طاق نوک تیز قرار دارد. دیوارهای داخلی و خارجی این اتاق‌ها، با موزائیک پوشیده شده‌اند.(۲۱۰) صحن حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام هشت در ورودی دارد که ارتفاع آنها بین ۱۱ تا ۱۲ متر است. بر بالای این ورودی ها طاق هایی نوک تیز دیده می‌شود که با آجر و کاشی تزیین شده‌اند. این درها از این قرارند:

باب القبلة

این ورودیِ رو به قبله در نیمه ضلع جنوبی حرم واقع است و از خارج به خیابان العباس راه دارد. روی برج بالای این ورودی یک ساعت نصب شده است. ارتفاع این برج از بالاترین نقطه ساعت تا سطح زمین ۲۰/۲۴ متر است. طول این ورودی به ۵۰/۲۲ متر و عرض آن به ۵/۳ متر می‌رسد. دری که در این ورودی کار گذاشته شده است به ارتفاع ۴ متر و عرض ۵/۳ متر است.

باب الامام الحسن‌علیه السلام

این ورودی به میدان وسیعی راه دارد که حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام را به حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام مرتبط می‌سازد. این ورودی به طول ۵/۷ متر و عرض ۵/۳ متر در سمت غربی حرم قرار دارد و در آن نیز ارتفاعی ۴ متری و عرضی ۵/۳ متری دارد.

باب الامام الحسین‌علیه السلام

این ورودی نیز به همان میدانی گشوده می‌شود که راه ارتباط درب حرم به شمار می‌رود. این ورودی در کنار باب الامام الحسن‌علیه السلام واقع است و طول آن به ۱۲ متر و عرض آن به ۵/۳ متر می‌رسد که عرض آن در نیمه راه کمی بیشتر می‌شود. درب آن نیز ۴ متر ارتفاع و ۵/۳ متر عرض دارد.

باب صاحب الزمان‌علیه السلام

این ورودی که در سمت غربی حرم واقع است و به خیابان صاحب الزمان گشوده می‌شود، در کنار باب الامام الحسین‌علیه السلام واقع است. طول آن ۱۲ متر و عرض آن ۵/۳ متر است و در آن ۴ متر ارتفاع و ۵/۳ متر عرض دارد.

باب الامام موسی الکاظم علیه السلام

این ورودی در سمت غربی حرم واقع است و ۲۰ متر طول دارد. این ورودی هنگام اتصال به صحن کمی تغییر مسیر می‌دهد. عرض آن ۶ متر است که در نقطه ورود به صحن کمتر می‌شود. در آن ۴ متر ارتفاع و ۵/۳ متر عرض دارد.

باب الامام محمّد الجوادعلیه السلام

این ورودی در قسمت شمالی حرم واقع است و به محلّه باب بغداد گشوده می‌شود. طول آن ۵/۱۰ متر و عرض آن ۴ متر است. در میانه، عرض آن تا ۶ متر افزایش می‌یابد. ارتفاع در کار گذاشته شده در آن نیز به ۴ متر و عرض آن به ۵/۳ متر می‌رسد.

باب الامام علی الهادی‌علیه السلام

این ورودی نیز در قسمت شمالی حرم واقع است و به محلّه باب بغداد گشوده می‌شود. طول آن تقریباً ۷ متر است و ۵/۳ متر عرض دارد. ارتفاع در آن به ۴ متر و عرض آن به ۵/۳ متر می‌رسد.

باب العلقمی

نام‌های دیگر این ورودی، باب الامام علی بن موسی الرضاعلیه السلام و باب الفرات است. این ورودی به خیابان العلقمی گشوده می‌شود و در قسمت شرقی حرم واقع است. طول آن به ۵/۱۰ متر و عرض آن به ۴ متر می‌رسد. در کار گذاشته شده در آن، ۴ متر ارتفاع و ۵/۳ متر عرض دارد.

باب الامام امیرالمؤمنین‌علیه السلام

این ورودی نیز در قسمت شرقی حرم واقع است و به بازار باب الخان راه دارد. طول آن ۹ متر و عرض آن ۵/۳ متر است. در آن نیز ۴ متر ارتفاع و ۵/۳ متر عرض دارد.(۲۱۱) از جمله فعّالیّت‌های کمیته اجرای طرح‌ها و حفاظت از عتبات مقدّسه که پس از سقوط نظام گذشته در ۹ آوریل ۲۰۰۳، در کربلای معلا انجام شده‌اند یا هم‌اکنون در حال انجام هستند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: - گشودن یک ورودی جدید برای حرم به نام باب امّ‌البنین علیها السلام که از سمت شمال به صحن راه دارد و مخصوص بانوان است. - گشودن یک ورودی دیگر به حرم به نام باب الامام الرضاعلیه السلام که از سمت شرقی به صحن راه دارد. این ورودی نیز مخصوص بانوان است. - تجدید بنای مهمانخانه حضرت عباس‌علیه السلام که از سه طبقه تشکیل می‌شود: زیرزمین که مخصوص انبار مواد غذایی است، طبقه همکف که آشپزخانه است و طبقه اوّل که برای سالن غذاخوری و امور اداری کاربرد دارد. - اجرای دکوراسیون و تزیینات مورد لزوم کتابخانه حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام (این مورد به پایان رسیده است). - مرمّت و تعمیر بعضی قسمت‌های نمای حرم، به ویژه تغییر و ترمیم کاشی کاری‌ها. - علاوه بر موارد بالا، تعدادی طرح متوسط و کوچک دیگر نیز در دست اجراست.

آرامگاه های سایر بزرگان در شهر کربلا

آرامگاه های سایر بزرگان در شهر کربلا

در کربلاـ و حومه آن آثاری از معماری اسلامی وجود دارد که به شیوه‌های مختلف عمرانی بنا شده‌اند. این آثار آرامگاه های افرادی هستند که جایگاه مذهبی والایی در میان مردم دارند که از جمله آنها می‌توان به امامزاده‌ها و نواده‌های آنها اشاره کرد. برخی دیگر از این افراد، اشخاصی هستند که مراکز مذهبی، اجتماعی و علمی مهمی در دست داشته‌اند از جمله علما و شخصیت‌های مذهبی. به بسیاری از این بناها به اندازه بناهای اسلامی دیگر توجّه نمی‌شود. دلیل این موضوع ساده بودن این ابنیه است. امّا همین بناها در زمان خودشان باری مذهبی و اجتماعی داشته‌اند. این آرامگاه ها از نظر بزرگی و کوچکی متفاوت اند و استواری این بناها نیز به دلیل تفاوت سازندگان آنها با هم فرق می‌کند. زائران، به ویژه در مناسبت‌های مذهبی و [بعد از] زیارت

کربلا و عتبات عالیات به سراغ این آرامگاه ها می‌روند. مهم‌ترین این آرامگاه ها به شرح زیر است:

– آرامگاه حرّ بن یزید ریاحی

این آرامگاه در فاصله ۹ کیلومتری شهر کربلا و نزدیک منطقه‌ای قرار دارد که به کمالیه معروف است. حرّ بن یزید ریاحی از جمله افرادی بود که در واقعه عاشورا در سال ۶۱ ه. ق (۶۸۰ م) همراه با امام حسین‌علیه السلام به شهادت رسید. اوّلین عمارتی که بر مقبره حر ساخته شد، به دستور شاه اسماعیل صفوی بود که در اوّلین زیارت وی از عراق در سال ۹۱۴ ه. ق (۱۵۰۸ م) صورت گرفت. این بنا دارای گنبدی از آجر و گچ بود. هم‌چنین صحنی داشت که ایوان هایی با طاق های نوک تیز بر آن مشرف بودند. در سال ۱۳۳۰ ه. ق (۱۹۱۲ م) «آغا حسین خان شجاع السلطان همدانی» دست به کار تعمیر گنبد این بنا شد. وی هم‌چنین نمای خارجی گنبد را کاشی کاری کرد.(۲۱۲) در فاصله های زمانی مختلف نیز زیباسازی و تعمیراتی در این بنا، به خصوص در ایوان این عمارت صورت گرفت.

حالت کنونی این آرامگاه

بناهای آرامگاه حر در زمینی مربع شکل به ضلع ۷۰ متر واقع است. حرم در میانه این زمین قرار دارد و چند ضلعی است. مساحت این عمارت حدود ۵۸۰ متر مربع است. ضریح و اتاقی که پیرامون آن است در میانه این عمارت قرار دارد. ضریح که صندوقی مشبک از جنس نقره است در وسط این اتاق واقع است. گنبدی که بر فراز ضریح قرار دارد، با ۷ متر قطر، دارای ارتفاعی ۱۰ متری از سطح زمین حرم است. نمای خارجی این گنبد کاشی کاری شده است. بر ضریح و اتاق پیرامون آن رواقی احاطه دارد که ارتفاع سقف آن به ۵ متر می‌رسد. در قسمت پیشین عمارت حرم، ایوانی وسیع قرار دارد که طول آن ۲۶ متر و عرض آن ۳ متر است. بالای این ایوان طاق هایی نوک تیز خودنمایی می‌کنند که طاق میانی از طاق های مجاور دیگر بزرگ‌تر است. این طاق ها بر ستون‌هایی تکیه دارند که بر پایه‌هایی دایره‌ای شکل استوارند. نمای خارجی طاق ها کاشی کاری شده است. در اطراف حرم صحن وسیعی وجود دارد که از چهار طرف اتاق‌هایی با ایوان های کوچک بر آن مشرف هستند. بر فراز هریک از این ایوان ها نیز طاق هایی نوک تیز قرار دارد. این اتاق‌ها و ایوان ها به منظور استراحت زائران به کار می‌روند. صحن آرامگاه حر دو در ورودی دارد که یکی در قسمت روبه‌رو و دیگری، سمت چپ واقع است.

– آرامگاه عون بن عبدالله

این حرم در فاصله دوازده کیلومتری شمال شرقی شهر کربلا و در مسیر جدید بغداد کربلا واقع است. نسب عون بن عبد اللَّه بن جعفر به امام حسن بن‌علی بن ابی طالب‌علیه السلام می‌رسد.(۲۱۳) براساس برخی از اسناد تاریخی، این حرم، آرامگاه عون بن عبداللَّه بن جعفر الطیّار بن ابیطالب است.(۲۱۴)

حالت کنونی آرامگاه

این آرامگاه در زمینی مستطیل شکل قرار گرفته که طول آن تقریباً ۵۵ متر و عرض آن ۵۰ متر است. در ابتدای عمارت رواقی طویل وجود دارد که دارای ۵۵ متر طول و ۵/۲ متر عرض است. ورودی اصلی عمارت در میانه این رواق واقع است و به محوطه ضریح راه می‌یابد. نمای این رواق روزنه‌هایی با طاق های نوک تیز دارد که با سرامیک های آبی رنگ آراسته شده است. نمای رواق نیز با آجر و کاشی کاری مزین است. محوطه دور ضریح که قسمت میانی عمارت را دربرگرفته، به شکل مربع است. طول هر ضلع این

مربع به ۵/۱۰ متر می‌رسد. ضریح و اتاق مربع شکلی که ضریح را در میان گرفته است، در میانه این قسمت قرار دارد. طول هر ضلع این اتاق ۵/۵ متر است. ضریح عون که صندوقی چوبی به طول ۵/۲ متر و عرض ۲ متر است، در وسط این اتاق واقع است. رنگ ضریح قهوه ای است و پنجره‌ای به رنگ طلایی دارد. بالای ضریح گنبدی پیازی شکل دیده می‌شود که قطر آن ۵/۵ متر و ارتفاع آن از سطح زمین حدود ۷ متر است. نمای خارجی گنبد کاشی کاری شده و در میان کاشی کاری‌ها آیات قرآنی نگاشته شده است. بر نوک گنبد نیز هلالی فلزی و طلا کاری شده به چشم می‌خورد. ضریح در اتاقی چهار ضلعی واقع است که در هر چهار سو دری وجود دارد. عرض هر کدام از این درها ۲ متر و ارتفاع آنها ۵/۲ متر است. هریک از درها به روی رواقی گشوده می‌شوند که آنها نیز جداگانه به هم راه دارند. عرض هریک از رواق‌ها ۵/۲ متر است. در اطراف عمارت صحنی نیز دیده می‌شود. در دو طرف راست و چپ حرم اتاق‌هایی وجود دارد که به عمارت متّصل هستند. صحن دو ورودی دارد که یکی، در وسط دیوار سمت راستی و دیگری، در آخر دیوار سمت چپی آرامگاه قرار دارد.

– آرامگاه احمد بن فهد حلّی

وی «جمال الدّین ابوالعباس احمد بن شمس الدین محمّد بن فهد حلّی اسدی»، یکی از علمای عارف و فاضلی است که در سال ۷۵۶ ه. ق (۱۳۵۵ م) در شهر حلّه متولد شد و در همین شهر رشد و نمو یافت. او مدّتی در مدرسه زینبیه حلّه به تدریس پرداخت، سپس به کربلا هجرت کرد و در آنجا مقیم شد. از جمله فعّالیّت‌های او در کربلا تأسیس حوزه علمیه در این شهر بود که سبب شد جنبشی علمی در کربلاـ شکوفا شود. به این ترتیب، کربلاـ نیز همانند نجف، حلّه و بغداد به عنوان یک مرکز مهم علمی شناخته شد.(۲۱۵) «شیخ احمد بن فهد حلی» در سال ۸۴۱ ه. ق (۱۸۳۸ م) وفات یافت. وی در خانه خود در خیابان قبله الامام الحسین‌علیه السلام که به نام خیابان ابو الفهد نیز مشهور است به خاک سپرده شد. بنای آرامگاه وی نو ساز است و به امر مرجع عالی‌قدر سیّد محسن حکیم ساخته شده است.(۲۱۶)

حالت کنونی این آرامگاه

زمین عمارت آرامگاه چند ضلعی است و مساحت آن به ۶۶/۲۲ متر می‌رسد. بر فراز آرامگاه گنبدی پیازی شکل وجود دارد که بر دیواره‌ای چند ضلعی استوار است. این دیواره چند پنجره دارد. قطر گنبد ۴ متر و ارتفاع آن از سطح زمین حدود ۹ متر است. نمای خارجی گنبد با کاشی هایی رنگی و مزیّن آراسته شده است. در اطراف آرامگاه صحنی وجود دارد که برای استراحت زائران حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام در مناسبت‌های مختلف به کار می‌رود. در اطراف صحن یک عمارت دو طبقه وجود دارد که از تعدادی اتاق تشکیل شده است. هدف از ساخت این اتاق‌ها ایجاد مدرسه‌ای برای طلاب علوم دینی بوده است. این مدرسه به نام «شیخ احمد بن فهد حلی» شناخته می‌شود. طبقه همکف از پنج اتاق، یک راهرو، ایوان و مسجد تشکیل شده است و طبقه اوّل نیز ده اتاق دارد. ساختمان این مدرسه هم‌اکنون از سوی حوزه علمیه آیت اللّه «سیّد محمّد صادق شیرازی» مورد بهره‌برداری قرار می گیرد.(۲۱۷)

آرامگاه سیّد احمد ابوهاشم

این آرامگاه در صحرای کربلا و در فاصله ۲۵ کیلومتری شمال غرب شهر شثاثا (عین التمر) قرار دارد. این منطقه که به رأس العین معروف است، در نزدیکی وادی الاسود و در فاصله ۷۵ کیلومتری غرب شهر کربلا واقع است.(۲۱۸) «سیّد احمد ابوهاشم» (که در میان افراد محلّی به احمد بن هاشم شهرت دارد)، «سیّد شرف الدین بن هاشم احمد بن ابی الفائز» است که نسب وی به امام موسی

بن جعفرعلیه السلام می‌رسد. وفات وی در سال ۷۴۵ ه. ق (۱۲۴۵ م) بوده است.(۲۱۹)

– حالت کنونی این آرامگاه

زمین این آرامگاه مستطیلی به طول ۵/۸۴ متر و عرض ۴۵ متر است. این بنا از ضریح و محوطه پیرامون آن، صحن و ایوان ها تشکیل شده است. محوطه‌ای که ضریح در آن قرار دارد در وسط عمارت واقع شده است. این قسمت نیز مستطیل شکل است و طول آن به ۵/۲۲ متر، عرض آن ۵/۱۴ متر و ارتفاع آن به ۶ متر می‌رسد. ضریح در مرکز این بخش قرار دارد. بر فراز ضریح گنبدی پیازی شکل وجود دارد که بر هشت ستون استوار است. هر کدام از ستون‌ها بر پایه‌هایی مربع شکل قرار دارند که طول هر ضلع از آنها ۶۵ سانتی‌متر است. قطر گنبد حدود ۷ متر است و ارتفاع آن از سطح زمین تا نوک آن تقریباً به ۱۰ متر می‌رسد. دیواره استوانه‌ای شکلی که گنبد بر روی آن استوار است هشت پنجره دارد که از تمام جهت در این دیواره قرار گرفته‌اند. عرض و ارتفاع هر کدام از پنجره‌ها یک متر است. نمای خارجی گنبد با کاشی‌های زیبایی تزیین شده است. بر بالای گنبد نیز میله‌ای فلزی قرار دارد که از گلوله‌هایی با اندازه‌های مختلف تشکیل شده است. در ابتدای عمارت، ایوانی با سه طاق نوک تیز وجود دارد که ارتفاع طاق میانی نسبت به سایر طاق ها بیشتر است. نمای خارجی این طاق ها با کاشی کاری تزیین شده است. بر فراز این طاق ها و در نمای خارجی آن حاشیه‌ای از کاشی کاری وجود دارد که بر آن آیاتی از قرآنی نگاشته شده است. در پیرامون عمارت صحنی وسیع به چشم می‌خورد که ایوان های عمارت از چهار طرف بر آن اشراف دارند. این ایوان های مسقّف طاق هایی نوک تیز دارند و برای استراحت زائران به کار می‌روند.(۲۲۰)

آرامگاه اخرس بن الکاظم

نام وی «محمّد بن ابی الفتح» است و نسبش به امام موسی بن جعفر الکاظم‌علیه السلام می‌رسد. این آرامگاه در حومه شهر کربلای معلاـ و در منطقه‌ای به نام ابیتر واقع است. این منطقه یکی از مناطق وابسته به غاضریات است و در راهی زراعی در فاصله ۱۲ کیلومتری شهر کربلا قرار گرفته است.(۲۲۱)

– حالت کنونی این آرامگاه

این آرامگاه عمارتی ساده دارد و به وسیله یکی از ساکنان بومی منطقه ساخته شده است. زمینی که عمارت در آن قرار دارد، مستطیلی به طول ۵/۸ متر و عرض ۷ متر است. ارتفاع این بنا نیز به ۴ متر می‌رسد. اتاقی که ضریح در آن واقع است نیز، مستطیل شکل با طول ۵/۶ متر و عرض ۴ متر است. قبر اخرس بن الکاظم در مرکز این اتاق واقع است. بر روی قبر صندوق مشبک سبز رنگی از جنس آهن قرار دارد. طول این صندوق ۳ متر، عرض آن ۶۵/۱ متر و ارتفاع آن ۲ متر است. این بنا دو گلدسته کوتاه دارد که ارتفاع هر کدام از سطح بام عمارت ۵/۱ متر است. پایه هریک از گلدسته‌ها مربع شکل و طول ضلع هریک از مربع ها نیم متر است. این گلدسته‌ها استوانه‌ای شکل هستند و قطر آنها به ۴۰ سانتی‌متر می‌رسد. بر فراز عمارت گنبدی مخروطی شکل وجود دارد که تقریباً هم ارتفاع با گلدسته هاست.

آرامگاه امام نوح

وی «ابو ایوب نوح بن درّاج نخعی کوفی» است که در سال ۱۸۲ ه. ق (۷۹۸ م) وفات یافت و به «امام نوح» مشهور است. در تاریخ الکوفه چاپ نجف، صفحه ۲۱۵ آمده است: «نوح قاضی قسمت شرقی کوفه بوده است». در سفینهٔ البحار جزء دوم، صفحه ۶۱۵ نیز

آمـده است: «وی از جـانب هـارون الرشـید، خلیفه عباسـی، قاضـی کوفه و بصـره بوده و به شـیوه قضاوت امام علی بن ابی طالب‌علیه السـلام داوری می‌کرده است».(۲۲۲) آرامگـاه امـام نوح در حومه کربلاـ نزدیـک قـبیله المسـعود، در کنـار یکی از شاخه‌هـای نهر الحسینیهٔ در منطقه ابیتر واقع است. این آرامگاه در فاصله یک کیلومتری آرامگاه اخرس بن الکاظم قرار دارد.

حالت کنونی آرامگاه

این آرامگاه نیز عمارتی ساده دارد و به وسـیله «سیّد مهدی نشـمی المسـعودی»، یکی از اهالی بومی منطقه، ساخته شده است. زمین این عمارت، مربعی با ضلع تقریبی ۱۷ متر است. ارتفاع آن ۶۰/۳ متر است و یک صحن داخلی روباز نیز دارد. ورودی این حرم یک در قوس‌دار به ارتفاع ۴۰/۲ متر و عرض ۴۰/۱ متر است. این ورودی به اتاقی دایره‌ای شکل با قطر ۴ متر منتهی می‌شود و ضریح امام نوح در مرکز این اتـاق واقع است. این اتاق، گنبـدی با قطر ۵/۵ متر و ارتفاع ۶ متر از سـطح زمین دارد. بر فراز ورودی، دو گلدسته کوچک و استوانه‌ای شکل قرار دارند که ارتفاع هر کدام از سطح بام عمارت ۲۵/۱ متر است و قطر هریک به ۵۰ سانتی‌متر می‌رسد.

– آرامگاه ابن الحمزهٔ

همـان‌گونه که بر لوح یـادبود آویخته در این آرامگـاه، ثبت است، وی «محمّـد علی بن الحمزه بن الحسن بن عبیـداللّه بن العباس بن الامـام علی بن ابی‌طـالب علیه السـلام» است.(۲۲۳) روایـت دیگری نیز موجـود اسـت کـه می‌گویـد وی شـیخ محمّـد علی بن حمزه طوسـی، عالمی فقیه از بزرگان قرن پنجم هجری و یکی از شاگردان شـیخ محمّـد بن حسن طوسـی است.(۲۲۴) این آرامگاه در راه عمومی که به شهر الهندیهٔ منتهی می‌شود قرار دارد و در سال ۱۳۳۰ ه. ق (۱۹۱۲ م) ساخته شده است.

حالت کنونی آرامگاه

این آرامگاه عبارت از یک بنای مسـتطیل شکل با طول ۵۸/۷ متر و عرض ۶۰/۶ متر است. بر فراز آن، گنبدی قرار دارد که طول آن ۲ متر و ارتفاع آن از سطح بام عمارت نیز ۲ متر است. نمای خارجی این گنبد به رنگ سبز است. ابتدای عمارت، ایوانی کوچک و مسـقّف به شـکل مستطیل با طول ۲۵/۹ مـتر و عرض ۵/۳ مـتر قرار دارد. در نمـای بالاـیی این ایوان، بر زمینه کاشـی‌کاری‌های آبی رنـگ، آیـاتی از قرآن کریم بـا خط سـفید نگاشـته شـده است. اطراف عمارت صـحنی قرار دارد که انـدازه اضـلاع آن نظم درستی ندارد. در مجاورت صحن نیز خانه بزرگی وجود دارد که مربوط به حرم است.

مقامات

مقامات

اصـل کلمه مَقام در زبان عربی به مکان ایسـتادن و قیام کردن اطلاق می‌شود. در کتاب المنجـد آمـده است که مَقام (با فتحه) مکان ایسـتادن است و مَقام به معنای منزلت نیز آمده است و جمع آن مقامات می‌شود. مُقام (با ضمّه)، به معنای اقامت و زمان و مکان این مصدر است.(۲۲۵) در قرآن این کلمه به معنای مکان ایسـتادن آمـده است؛ مانند این آیه در سوره آل عمران: «فیه آیات بینات مَقامُ ابراهیم».(۲۲۶) منظور از مقـام در این آیه صـخره‌ای است که ابراهیم‌علیه السـلام بر آن ایسـتاد تا بیت الله الحرام را در مکّه مکرّمه بنا کنـد. مقـام هم‌چنین به معنای مکانی می‌آیـد که شـخص منسوب به آن مقام، در آن مکان عبادت می‌کرده است.(۲۲۷) بنابراین، به مکان‌هـایی که انبیـا، ائمه، اولیـا و صـحابه در آنها حضور داشـته‌اند نیز مقام اطلاق می‌شود؛ حتّی اگر حضور آنها در این مکان‌ها به

اندازه به جا آوردن یک نماز دو رکعتی باشد. بسیاری از مسلمانان مشتاق هستند که نمازشان را در یکی از این مقامها بخوانند تا از برکات و خیرات این اماکن بهره‌مند شوند. بعضی از مردم اصطلاح مقام را به مکان‌هایی اطلاق می‌کنند که در آنها قبر یکی از انبیا یا اولیای صالح و متقی قرار داشته باشد. اگر این نام‌گذاری در معنای عمومی کلمه مقام اشتباه نباشد، دست کم می‌توان گفت غیر متعارف است. در شهر کربلا مقامات بسیاری وجود دارد که زائران می‌توانند آنها را در کوچه‌ها و خیابان‌ها بیابند، امّا بسیاری از این مقامات شهرت و عظمت خاصّی ندارند.(۲۲۸) مقامات دارای بنای ساده‌ای هستند که در مساحت و اندازه با هم تفاوت دارند. برخی از آنها مانند مقام امام مهدی‌علیه السلام و تلّ زینبیّه دارای عمارتی مستقل هستند و برخی دیگر جزئی از یک عمارت بزرگ‌تر به حساب می‌آیند؛ مثلاً ـ شامل پنجره هایی کوچک می‌شوند که رمز و نشانه آن مقام هستند، مانند مقام کف العباس، علی‌اکبر و غیره. بیشترِ بناهای مقامات از آجر و گچ ساخته شده‌اند و نمای خارجی برخی از آنها با تزیینات آجری و کاشی‌کاری‌های زیبا پوشیده شده است. در شهر کربلا ۱۴ مقام وجود دارد که به علّت ساخت خیابان‌های جدید و مرمت برخی از این مقامات، قسمتی از آنها از بین رفته است. اهالی این منطقه در چند سال اخیر فقط دو مقام امام مهدی‌علیه السلام و تلّ زینبیّه را تجدید بنا کرده‌اند و نسبت به برخی دیگر از این مقامات سهل‌انگاری شده است. مهم‌ترین این مقامات عبارت‌اند از: مقام امام جعفر صادق‌علیه السلام، مقام امام علی‌علیه السلام، مقام امام موسی بن جعفرعلیه السلام، مقام رأس الحسین علیه السلام، مقام ام‌البنین علیها السلام، مقام اوّل علی‌اکبر، مقام دوم علی‌اکبر، مقام نخل مریم، مقام الحسین و ابن سعد، مقام دست راست حضرت عباس‌علیه السلام و مقام دست چپ حضرت عباس‌علیه السلام. دو مقام امام مهدی‌علیه السلام و تلّ زینبیّه از برجسته‌ترین مقامات شهر کربلا به شمار می‌روند.

– مقام امام مهدی‌علیه السلام

این مقام در سمت چپ نهر فعلی الحسینیهٔ و در مسیر ورودی شهر کربلاـ از سوی بغداد واقع است. این مسیر به مقام امام جعفر صادق‌علیه السلام نیز منتهی می‌شود. این مقام زیارتگاهی معروف است و تیمّناً و تبرّکاً به نام امام مهدی‌علیه السلام نام‌گذاری شده است، زیرا براساس روایت، امام مهدی‌علیه السلام در این مکان نماز خوانده و سپس آنجا را ترک کرده‌اند.(۲۲۹)

وضع کنونی بنای این مقام

عمارت این مقام زمینی مستطیل شکل است که مساحت آن به ۴۰۰ متر مربع می‌رسد. در ورودی این عمارت در نمای جلویی آن قرار دارد. در سمت راست ورودی، نمازخانه مردانه واقع است. طول این نمازخانه مربع شکل هفت متر و ارتفاع آن از سطح زمین ۵/۶ متر است. بر فراز این قسمت گنبدی پیازی شکل وجود دارد که قطر آن تقریباً به ۴ متر می‌رسد و ارتفاع این گنبد از سطح زمین ۵/۱۷ متر است. در سمت چپ ورودی، نمازخانه بانوان قرار دارد. این نمازخانه که به شکل مستطیل است، ۱۸ متر طول و ۷ متر عرض دارد و ارتفاع آن به ۵/۶ متر می‌رسد. جنب نمازخانه بانوان اتاق مؤذن و مسئول مقام واقع است که به شکل مستطیلی با طول ۵ متر و عرض ۴ متر است. سرویس بهداشتی و راه پله‌ها نیز در کنار همین قسمت قرار دارند. جنب اتاق مؤذن راهرو مسقّفی موجود است که بر صحن اشراف دارد. صحن نیز یک ورودی دارد که به خارج از مقام منتهی می‌شود. در گوشه‌ای از صحن، عمارت کوچکی به چشم می‌خورد که شامل یک غذاخوری بزرگ به همراه آشپزخانه است. دیواره بنا دارای چند پنجره است و نمای خارجی این دیواره با سنگ هایی سفید پوشانده شده است. بالای دیوار حاشیه‌ای کاشی کاری شده وجود دارد که بر روی آن آیاتی از قرآن کریم نگاشته شده است.

– مقام تلّ زینبیّه

این مقام در قسمت غربی حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام نزدیک به باب الزینبیه واقع است. این مقام بر یک بلندی قرار دارد که به تلّ زینبیّه شهرت دارد. گفته می‌شود که این بلندی بر کارزار واقعه عاشورا احاطه داشته است. از این مکان بوده که حضرت زینب‌علیها السلام از حال برادرش امام حسین‌علیه السلام مطلع می‌شده و به همین دلیل، این مکان تیمناً و تبرکاً به نام ایشان نامیده شده است.(۲۳۰)

وضع کنونی بنای این مقام

این عمارت حدود ۲۵/۱ متر از سطح خیابان بالاتر است و به وسیله چند پله می‌توان به آن راه یافت. زمین این عمارت مستطیل شکل و طول آن که قسمت جلویی عمارت را تشکیل می‌دهد ۵/۶ متر و عرض آن ۴ متر است. ارتفاع این عمارت نیز تقریباً به ۴ متر می‌رسد. مقام تلّ زینبیّه از دو قسمت تشکیل می‌شود: قسمت جلویی که مکان ایستادن حضرت زینب‌علیها السلام در روز عاشوراست و قسمت پشتی که نمازخانه است. بر فراز عمارت گنبدی قرار دارد که قطر آن ۴ متر است و ارتفاع آن نیز از سطح بام بنا به ۴ متر می‌رسد. نمای خارجی این گنبد کاشی کاری شده است. نمای داخلی دیوارهای عمارت تا ارتفاع ۵/۱ متری سنگ مرمر کار شده و قسمت فوقانی این دیوارها گچ‌کاری شده است که در میان آنها آیینه کاری هایی زیبا به چشم می‌خورد. نمای خارجی دیوارها، به ویژه در نمای جلویی تا ارتفاع ۵/۱ متری سطح زمین با سنگ مرمر پوشانده شده و قسمت‌های بالایی به زیبایی کاشی کاری شده است. ورودی این مقام دری چوبی است که عرض و ارتفاع آن ۲ متر است و در ابتدای بنا واقع شده است.

خیمه‌گاه

این بنا یکی از برجسته‌ترین آثار عمرانی و تاریخی شهر کربلا به شمار می‌رود که در اطراف بافت قدیمی شهر و در ۴۰۰ متری سمت جنوب غربی حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام واقع است. این بنا مکانی را مشخص می‌کند که امام حسین‌علیه السلام همراه با خاندان خود هنگام رسیدن به کربلا در آنجا خیمه برپا کردند و مستقر شدند.(۲۳۱) خیمه‌گاه در منطقه‌ای واقع است که در گذشته، به نام محلّه آل عیسی شناخته می‌شد. در اواخر سال ۱۲۷۲ ه. ق (۱۸۸۶ م) این محلّه به خیمه‌گاه تغییر نام پیدا کرد. در برخی اسناد تاریخی این‌گونه آمده است که محلّه کنونی خیمه‌گاه تا سال ۱۲۱۷ ه. ق (۱۸۰۲ م) به مقام امام زین‌العابدین‌علیه السلام معروف بوده است.(۲۳۲) ابوطالب خان جهانگرد در زیارت خود از کربلاـ در سال ۱۲۱۷ ه. ق (۱۸۰۲ م) در مورد خیمه‌گاه می‌گوید: «خیمه‌گاه و مقام امام زین‌العابدین‌علیه السلام در فاصله ربع مایلی شهر قرار دارد. همسر آصف الدولهٔ عمارت شایسته‌ای در این مکان بنا کرده است. در نزدیکی این مقام نیز، وی دست به کار ساخت کاروان سرایی شد که به دلیل وفات آصف الدولهٔ آن را به اتمام نرسانید».(۲۳۳) برخی اسناد تاریخی به این نکته اشاره می‌کنند که عمارت کنونی خیمه‌گاه را مدحت پاشا، والی حکومت عثمانی در بغداد، بنا کرده است. این اقدام هنگام زیارت وی از کربلا در سال ۱۲۸۵ ه. ق (۱۸۶۸ م) انجام شد. زیارت مدحت پاشا از کربلا به دلیل دعوت وی از ناصرالدّین شاه قاجار و همراهان و نظامیان وی صورت پذیرفته بود.(۲۳۴)

وضع کنونی عمارت خیمه‌گاه

زمین این بنا طرحی مستطیل شکل دارد. طول آن ۵۲ متر است و عرض آن که نمای جلویی آن به شمار می‌آید، ۴۰ متر است. وسط این نما در اصلی قرار دارد که ارتفاع آن به ۵ متر می‌رسد و بر فراز آن طاق بزرگ و نوک تیزی وجود دارد. این در مربوط به

ورودیِ بزرگی است که طول این ورودی ۷۰/۸ متر و عرض آن ۱۰/۷ متر است. سقف آن از داخل عبارت از یک گنبد با قطر حدود ۵/۵ متر است. ارتفاع این گنبد به حدود ۴۰/۸ متر از سطح زمین می‌رسد. نمای داخلی آن با آیینه کاری و کاشی کاری هایی زیبا تزیین شده است. هم‌چنین دیوارهای ورودی با کاشی کاری آراسته شده‌اند. در پایان ورودی، چهار پله وجود دارد که رو به پایین به راهرویی منتهی می‌شود که طول آن راهرو ۵/۱۱ متر و عرض آن ۱۰/۵ متر است. در دو طرف این راهرو دیوارهایی وجود دارد که هر کدام از آن دو هشت عدد قوس دایره‌ای شکل دارند. این دیوارها از آجر و گچ ساخته شده‌اند و ارتفاع هریک از سطح زمین یک متر است و ضخامت هر کدام به ۸۰ سانتی‌متر می‌رسد. این راهرو به بنای اصلی خیمه‌گاه منتهی می‌شود. یک صحن از سه طرف بنا را دربرگرفته است. به وسیله سه عدد پله که در دو طرف راهرو وجود دارد، می‌توان به صحن وارد شد. هر کدام از دو طرف صحن ۱۲ ایوان دارند که این ایوان ها دارای طاق هایی نوک تیز هستند، امّا در قسمت پشتی صحن تنها ۷ عدد از این ایوان ها قرار دارد. صحن یک ورودی دیگر نیز دارد که از طریق یک اتاق، به صحن متّصل می‌شود. عمارت اصلی خیمه‌گاه یک چند ضلعی است که ارتفاع آن حدوداً به ۵/۷ متر می‌رسد. این بنا از آجر و گچ ساخته شده است. در مرکز این بنا گنبدی قد برافراشته که قطر آن حدود ۵/۵ متر است و ارتفاع آن از سطح زمین عمارت به ۵/۸ متر می‌رسد. نمای خارجی گنبد با کاشی‌کاری‌های آبی پوشیده شده است. در کنار دیوارهای داخلی بنا، مکان‌های کوچکی به چشم می‌خورد که مخصوص قرائت قرآن کریم است.

مساجد

مساجد

شهرت شهر مقدّس کربلاـ علاوه بر دو حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و برادرش عباس‌علیه السلام (آستان حسینیه و آستان عباسیه)، ناشی از مسجد هایی است که مراکز انتشار دینی و فرهنگی این شهر به شمار می‌روند. اوّلین مسجد به نام رأس الحسین در سال ۳۶۹ ه. ق (۹۸۰ م) در این شهر ساخته شد که از قدیمی‌ترین مسجد تاریخی کربلا محسوب می‌شود.(۲۳۵) بنای مساجد و برخی ساختمان‌های دینی باقی‌مانده در کربلاـ پیشرفت و شکوفایی زیادی را در زمینه‌های علمی، فرهنگی و هنری از جمله هنر معماری اسلامی داشته‌اند. سبک و هنر بعضی از ملت‌ها و مردمی که در قلمرو اسلام گرد آمده بودند، نیز در بروز این هنرها که دارای معماری برجسته‌ای است، سهیم بوده است. به نظر می‌رسد با توجّه به نقشه‌کشی و طرّاحی مساجدی که در کربلا و به طور کلی در عراق ساخته شده‌اند، شناسایی این تأثیرات کار آسانی باشد. تعدادی از بناهای این مساجد از زمان ساخت تاکنون پابرجا مانده‌اند و بعضی از آنها تمام اصالت فرهنگی شان را به علّت بازسازی ها و تعمیراتی که از نظر معماری و هنری کارشناسی شده نبوده، از دست داده‌اند. مسجدهای دیگری نیز وجود داشتند که در دهه‌های گذشته، اداره‌های دولتی به بهانه ساماندهی مجدد مرکز شهر، آنها را خراب کردند؛ با اینکه می‌دانستند برخی از این مساجد جزء شاهکارهای هنر معماری اسلامی کربلا به حساب می‌آیند. افتخار شهرها و پایتخت های اسلامی به ساختمان قدیمی مساجد و توجّه همیشگی آنها نسبت به نگهداری، تعمیر و مراقبت از آن بناها، به این دلیل است که مسجدها جزئی از فرهنگ دینی و تمدّن آنهاست؛ ولی برخی از عوامل از جمله، نبودن کارشناس، هنرمند و معمار به تعداد کافی در بعضی از شهرها و پایتخت‌ها باعث شد تا بسیاری از مساجد به مرور زمان نابود شوند. مساحت مساجد شهر کربلا در مقایسه با شهرهای دیگر عراق، کوچک است، ولی در سبک معماری آنها شیوه نقشه‌کشی در معماری سنّتی مساجد مدّنظر قرار گرفته که همان سبک عربی اسلامی است. این سبک از ویژگی‌های اوّلین مساجد ساخته شده در عراق است که نقشه‌کشی اش به عبادتگاهی محدود می‌شود که سقفش روی ستون‌های مرمری، آجری یا چوبی قرار می‌گیرد و از ستون‌های عمودی موازی دیوار قبله تشکیل شده و محرابی که در میان دیوار واقع شده و صحن درونی رو بازی که سالن ها و ستون‌ها، آن را

احاطه کرده‌اند و در گوشه‌ای از آن، مکانی برای وضو گرفتن وجود دارد. بعضی از این مساجد به علّت کوچکی مساحت، حیاط یا صحن باز ندارند، به ویژه مساجدی که در بخش قدیمی شهر و اطراف دو آستان مقدّس واقع شده‌اند. از جمله پدیده‌های مرسومی که در بیشتر مساجد ساخته شده در شهر قدیمی کربلا وجود دارد، این است که گلدسته ندارند. به نظر می‌رسد، گلدسته‌های آستان امام حسین‌علیه السلام و برادرش حضرت عباس‌علیه السلام، تنها گلدسته هایی بوده‌اند که اذان را به گوش مردم می‌رساندند. دلیل این امر، کوچکی مساحت شهر قدیمی کربلاـ و نیز تسلط گلدسته‌های این دو آستان مبارک بر فضای شهر بود. ویژگی بناهای مساجد شهر کربلا، استفاده از مواد ساختمانی بومی فراوان، از جمله طابوق (آجر بزرگ) به همراه گچ است که به انعطاف پذیری در ساخت زیباترین مواد تزئینی برای پوشش نمای بیرونی مساجد، شناخته می‌شود. هم‌چنین در بیشتر مساجد شهر کربلا از تزئینات زیبای سرامیک برای پوشش درهای ورودی، دیوارهای بیرونی، گنبدها و گلدسته‌ها اگر وجود داشته باشد استفاده می‌شود. دیوارها، ستون‌ها و سقف‌ها در بیشتر مساجد با مواد تزئینی گچ و سرامیک زینت داده می‌شود، هم‌چنین با نوشته‌هایی از آیات قرآن کریم به چند نوع خط، به خصوص خط زیبای کوفی و نیز تزئینات ساده مهندسی. علاوه بر استفاده از مواد ساختمانی بومی، از سنگ مرمر، سنگ‌های رنگارنگ و چوب‌های کمیاب وارداتی نیز در پوشش و تزئین بسیاری از مساجد کربلا استفاده شده است. گفتنی است هیچ منطقه یا خیابان اصلی بدون مسجد نیست و این شهر افزون بر صد مسجد دارد. مهم‌ترین مساجد شهر کربلا و مساجدی که در طول دوره‌های مختلف، قسمتی از آنها به علّت احداث خیابان‌های جدید در مرکز شهر نابود شده است، از این قرارند:

مسجد رأس الحسین‌علیه السلام

این مسجد در سمت سر امام حسین‌علیه السلام در نزدیکی باب السدرة، یکی از درهای آستان حسینی، واقع است؛ همان جایی که عمر سعد، سر امام حسین‌علیه السلام را در روز دهم ماه محرم الحرام سال ۶۱ ه. ق (۶۸۰ م) در آنجا گذاشت و سپس آن را در همان روز به کوفه برد.(۲۳۶) این مسجد با دستور عضد الدوله از خاندان آل بویه، هنگام بازسازی آرامگاه امام حسین‌علیه السلام در سال ۳۶۹ ه. ق (۹۸۰ م) ساخته شد.(۲۳۷) مسجد رأس الحسین همراه مساجد و مدارس دینی دیگر، به علّت احداث خیابان الحائر در اطراف آستان حسینی در سال ۱۹۴۸ تخریب شد.(۲۳۸)

مسجد عمران بن شاهین:

این مسجد از قدیمی‌ترین مساجد شهر کربلا محسوب می‌شود و چسبیده به آستان حسینی است. «عمران پسر شاهین»، والی شهر البطائح، آن را در سال ۳۶۹ ه. ق (۹۸۰ م) ساخت. این مسجد که نقش مهمی در گسترش حرکت علمی فرهنگی ایفا کرد، به علّت ساخت خیابان الحائر که به آستان حسینی وصل می‌شود، خراب شد.(۲۳۹)

مسجد سردار حسن خان

این مسجد جزء شاهکارهای هنر معماری اسلامی در شهر کربلاست و به مدرسه‌ای دینی که به همین نام است چسبیده بود. قسمتی از این مسجد با مدرسه چسبیده به آن، به علّت احداث خیابان الحائر که روضه حسینی را دربرمی گیرد، ویران شد.(۲۴۰)

مسجد ناصری

این مسجد از مهم‌ترین مساجدی است که «سلطان ناصرالدّین شاه قاجار» آن را در سال ۱۲۷۶ ه. ق (۱۸۶۰ م) بنا کرد. این مسجد در

سمت چپ روضه حسینی و چسبیده به آن قرار داشت که اکنون نابود شده و آثار آن نیز در نتیجه احداث خیابان الحائر در اطراف روضه حسینی، از بین رفته است.

مسجد میرزا شفیع خان

تاریخ ساخت این مسجد به زمان «میرزا شفیع خان»، یکی از نخست وزیران ایران در دوره قاجاریه، برمی گردد. او هنگام دیدار از کربلا در سال ۱۳۰۹ ه. ق (۱۸۹۲ م) دستور ساخت این مسجد را داد. این مسجد در کنار رودخانه هُنَدیهٔ واقع شده است و مرحوم حاج علی و مرحوم حاج آقا خان برادرش، آن را در سال ۱۳۱۹ ه. ق (۱۹۰۱ م) بازسازی کردند. این مسأله در لوح یادبودی که با سرامیک حکاکی شده، روی دربِ ورودی ثبت شده است. در کنار این مسجد، آرامگاه مخصوصی متعلّق به استاد سیّد هاشم حسینی جهرمی حائری وجود دارد. ایشان در سال ۱۳۲۲ ه. ق (۱۹۰۴ م) وفات یافتند. بر فراز این آرامگاه گنبدی قرار دارد که بخش بیرونی آن با سرامیک رنگی زینت داده شده و قسمت بالای آن هم خراب شده است.(۲۴۱)

مسجد آقا باقر بهبهانی

این مسجد جزء مساجد کوچک کربلا به شمار می‌رود و در کنار مدرسه هندی، در کوچه زعفرانی نزدیک آستان حسینی قرار دارد. آقا باقر پرچم جنبش علمی این شهر را در قرن دوازدهم هجری بر دوش می کشید.

مسجد صاحب الحدائق

این مسجد که رو به روی مدرسه هندی و مسجد جامع بهبهانی واقع شده است، به وسیله شیخ یوسف بحرانی مشهور به صاحب الحدائق (۱۱۸۶ – ۱۷۷۲ ه. ق) ساخته و در ابتدای دهه ۸۰ بازسازی شده است.

مسجد شیخ خلف

این مسجد از مشهورترین مساجد قدیمی به شمار می‌آمد. شیخ خلف، پسر عسکر حائری که در سال ۱۲۴۶ ه. ق (۱۸۳۱ م) وفات یافت، آن را احداث کرد. این مسجد که در خیابان السدرهٔ در محلّه باب السلالمه قرار داشت در سال ۱۳۷۱ ه. ق (۱۹۵۲ م) تجدید بنا شد، و در نیمه دهه ۷۰ به دلیل تعریض خیابان مذکور از بین رفت.

مسجد شهرستانی

این مسجد نزدیک باب الشهدا یکی از درهای حیاط آستان حسینی قرار داشت. سیّد مهدی موسوی شهرستانی آن را در سال ۱۱۸۹ ه. ق (۱۷۷۵ م) بنا کرد و در سال ۱۳۵۶ ه. ق (۱۹۳۷ م) بازسازی شد؛ ولی این مسجد به موجب احداث خیابان المشاه بین دو روضه ویران شد.

مسجد عطارین

این مسجد مقابل مدرسه سلیمیه، در نزدیکی بازار بزرگ تجّار قرار گرفته است و توسط سیدعلی طباطبایی صاحب الریاض در سال ۱۲۱۰ ه. ق (۱۷۹۶ م) بنا و بعد از وفاتش، به اسم نوه‌اش سیّد علی نقی طباطبایی شناخته شد. این مسجد دفعات زیادی تعمیر شد و سرانجام در سال ۱۳۸۲ ه. ق (۱۹۶۲ م) با اجازه سیّد مهدی شیرازی، مرجع دینی، و با همکاری علاّمه شیخ محمّد کرباسی به سبک

معماری جدید تجدید بنا شد.

مسجد اردبیلی

این مسجد از مساجد قدیمی شهر کربلاـ به شمار می‌رود و در مسیر منتهی به بارگاه پسر حمزه واقع شده است. هم‌چنین دارای عبادتگاهی وسیع و اتاق‌هایی در بخش کناری است که این دانشمندان مشهور در آنها دفن شده‌اند: حسین علی شاه، رئیس طریقت صوفیانه متوفّی در سال ۱۲۳۲ ه. ق (۱۸۱۷ م)، میرزا نصراللَّه صدر الممالک متوفّی در سال ۱۲۸۵ ه. ق (۱۸۶۸ م)، میرزا محمّد هادی صدر الممالک متوفّی در سال ۱۳۱۰ ه. ق (۱۸۹۳ م)، محمّد نقی عبدالکریم تبریزی متوفّی در سال ۱۳۳۲ ه. ق (۱۹۱۴ م) و میرزا محمّد علی پسر رضا همدانی که در سال ۱۲۹۳ ه. ق (۱۸۷۶ م) درگذشت.

مسجد حمیدیه

این مسجد که به دستور عبدالحمید دوم، پادشاه عثمانی، بنا شد در سال (۱۹۱۵ م) ویران و قسمتی از زمین آن جدا شد. در این زمین، ساختمان مدیریت اوقاف کربلا در خیابان الناحیه احداث شد. این مسجد دارای حیاطی (صحنی) بزرگ و نمازخانه ای وسیع است و در سال (۱۹۶۱ م) بازسازی شد و اسم آن به «مسجد حسینی» تغییر یافت. کتابخانه‌ای عمومی به نام «کتابخانه امام علی بن ابی طالب‌علیه السلام» نیز در آن ساخته شد.

مسجد عباسیه

این مسجد که در محلّه عباسی غربی واقع شده، در دوره عثمانی بنا شد و به دفعات تعمیر و مرمّت شده است. این مسجد با برخورداری از بنایی ساده تحت کنترل مدیریت اوقاف کربلاست.

مسجد تهرانی

این مسجد در بازار نجّار ها در محلّه عباسی غربی قرار دارد. سیّد صالح تهرانی آن را در سال ۱۲۴۳ ه. ق (۱۸۲۸ م) وقف کرد و از سال ۱۹۴۳ تحت نظارت مدیریت اوقاف کربلاـ قرار گرفت. این مسجد شامل نمازخانه و حیاط رو بازی است که فواره آب و سرویس‌های دیگر نیز دارد.

مسجد ترک

این مسجد از مساجد کوچک شهر کربلا به شمار می‌رود و در محلّه عباسی غربی و انتهای بازار نجّار ها واقع است. محمّد جعفر ترک آن را در عصر عثمانی وقف کرد و از سال ۱۹۴۳ زیرنظر مدیریت اوقاف کربلا قرار گرفته است.

مسجد حاج نصرالله

این مسجد در خیابان العباس نزدیک کاخ دولت واقع شده است. حاج نصراللَّه، پسر حاج عبدالکریم، در سال ۱۳۴۳ ه. ق (۱۹۲۵ م) آن را بنا کرد و لوح یادبودی که بر سر در آن نقش بسته، تأکید می‌کند که متولی آن، کاظم حاج حسن بوده است. این مسجد در سال ۱۳۸۲ و (۱۹۶۲ م) بازسازی شد.

مسجد ماهی کلیب

این مسجد در بازار العلاوی واقع در محلّه باب النجف قرار دارد و حاجی ماهی پسر کلیب، بزرگ خاندان کربلایی معروف به آل ماهی جیلاوی، در سال ۱۲۹۹ ه. ق (۱۸۸۲ م) آن را احداث کرد. این مسجد خراب شد، ولی در سال‌های اخیر، حاج مجید عبایچی آن را بازسازی کرد.

مسجد سیّد هاشم فتح الله

این مسجد در خیابان الناحیه در محلّه باب الخان قرار گرفته و سیّد هاشم فتح اللَّه آل طعمهٔ در سال ۱۳۲۲ ه. ق (۱۹۰۴ م) آن را احداث و وقف کرده است. این مسجد از مساجد کوچک کربلا به حساب می‌آید.

مسجد صافی

این مسجد نزدیک آستان حسینی و در ورودی بازار الحسین‌علیه السلام واقع شده و از مساجد مشهور کربلا محسوب می‌شود. جواد مهدی صافی آن را در سال ۱۳۲۹ ه. ق (۱۹۱۱ م) بنا کرد امّا در نتیجه احداث خیابان المشاهٔ بین دو روضه در سال (۱۹۸۰ م) خراب شده است.

مسجد شهید ثانی

این مسجد کوچک و قدیمی در کوچه عکیسه محلّه باب السلالمه قرار دارد و به دلیل تیمّن و خوش یمنی به نام زین الدین بن نورالدین مشهور به «شهید ثانی» ساخته شد. ایشان در سال ۹۶۵ ه. ق (۱۵۵۸ م) به شهادت رسیدند.

مسجد المخیم

این مسجد کوچک که در بازار المخیم قرار دارد، درب سال ۱۳۸۰ ه. ق (۱۹۶۰ م) تجدید بنا شد. ساختمان مسجد، نمای ساده‌ای از آجر دارد ولی درِ ورودی آن با سرامیک های رنگی مزیّن شده که در آن، آیاتی از قرآن کریم نقش بسته است.

مسجد الکرامهٔ

این مسجد در انتهای بازار الحسین‌علیه السلام در مسیری قرار دارد که به محلّه باب السلالمه کنار باب البویب می‌رسد. سیّد محمّد علی اشیقر برای ساخت این مسجد تلاش کرد. در سال ۱۳۸۸ ه. ق (۱۹۶۸ م) تجدید بنا شد و درب ورودی آن با نوشته‌هایی به وسیله سرامیک های رنگارنگ زینت یافته است.(۲۴۲) طی سال‌های گذشته نیز، تعداد بسیاری مسجد جدید در شهر کربلا و به خصوص در شهرهای دیگر بنا شده که از برجسته‌ترین آنها مسجد امام حسن‌علیه السلام است.

حسینیه‌ها

حسینیه‌ها

این نام برگرفته از نام امام حسین‌علیه السلام است. حسینیه‌ها به مثابه منبرهای فرهنگی برای تثبیت و یادآوری اصولی هستند که امام حسین‌علیه السلام برای زنده کردن آنها شهید شد. لذا عزاداری امام حسین‌علیه السلام به ویژه در ده روز اوّل ماه محرم هر سال در

حسینیه‌ها برپا می‌شود. حسینیه هم‌چنین مکانی برای برپایی نماز و زنده نگه داشتن سخن و یاد آل محمّدصلی الله علیه وآله است. تاریخ تأسیس حسینیه‌ها به قرن اوّل هجری و به طور مشخص به دوره مختار پسر ابی عبیده ثقفی در زمان حکومتش بر کوفه برمی‌گردد. این مکان‌ها با هدف یادآوری آنچه برای امام حسین‌علیه السلام در روز عاشورا اتفاق افتاد، تأسیس شده و به مراکزی برای بزرگداشت و احیای آن مناسبت تبدیل شده است.(۲۴۳) براساس برخی منابع، معزالدوله و بقیه پادشاهان آل بویه در زمان دولت‌های عباسی، به منظور برپایی عزاداری امام حسین‌علیه السلام و ارائه آن به شکل دسته‌هایی در خارج از خانه‌ها، تلاش‌هایی کردند. زن‌ها شب‌ها خارج می‌شدند و مردها هم روزها سر و پا برهنه برای تسلیت و همدردی به علّت شهادت امام حسین‌علیه السلام و درخواست مجدد دولت عدل و ایمان و حق و انقلاب علیه ستمگران بیرون می‌آمدند. در دوره فاطمیان مصر، دوره حمدانی در حلب در زمان سیف‌الدوله حمدانی، دوره صفویه در ایران و دوره‌های پادشاهی در کشورهای دیگر مثل کشورهای ترک زبان و هندوستان، مکان‌هایی احداث شد که عزاداری امام حسین‌علیه السلام در آنجا برپا می‌شد. این اماکن نزد مردم عرب به «حسینیه»، نزد مردم هندوستان به «امام باره» و در بین ایرانی‌ها و ترکان به «ماتم سرا» نامگذاری شد. حسینیه‌ها به اسم «عزا خانه»؛ «عزاداری حسین» یا «انجمن حسین» نیز نامیده می‌شوند و در جاهایی ویژه و زمان‌هایی معینی از سال، به خصوص در دو ماه محرم و صفر برنامه‌هایی دارند.(۲۴۴) بعضی منابع تاریخی ذکر می‌کنند که ایرانیان و هندی‌ها در توسعه ساختمان حسینیه‌ها همکاری داشته‌اند؛ تا جایی که حسینیه هایی همانند حسینیه های کشورشان در عراق ساختند و آنها را وقف کردند و برای هریک از آنها مسئول و سرپرستی قرار دادند. این توسعه در سبک و نقشه‌کشی ساختمان نمود پیدا می‌کرد؛ به گونه‌ای که حسینیه‌ها دارای صحن (حیاطی روباز) شدند که اتاق‌های مسافران، آن را دربرگرفته بود. هم‌چنین منبری به سالن نمازخانه که نماز جماعت در آنجا برپا می‌شد، اضافه شد. به علّت این گسترش و توسعه، وضعیّت هر حسینیه از نظر کوچکی، بزرگی و کیفیّت با توجّه به اختلاف [سلیقه] سازندگان آن، با حسینیه های دیگر فرق می‌کرد.(۲۴۵) در حسینیه‌ها در کنار عبادت خداوند، سخنرانی‌ها و نشست ها و نیز جشن هایی، به ویژه در مناسبات دینی برگزار می‌شود. البته در بیشتر اوقات، برای ادای فریضه نماز مسجد ساخته می‌شود. در حسینیه‌ها هم‌چنین سالن‌های وسیع و اتاق‌های بزرگی وجود دارد که برای اهداف پژوهشی تحقیقی به کار می‌روند.(۲۴۶) در بعضی از حسینیه‌ها در کنار سالن‌های درس، قسمتی از ساختمان برای سکونت داوطلبان علوم دینی و هم‌چنین سالنی برای غذاخوری و سرویس‌های عمومی مربوط به آن در نظر گرفته شده، طوری که تا حد زیادی شبیه انجمن های دینی شده است. بسیاری از حسینیه‌ها به گونه‌ای طرّاحی شده‌اند که هم‌زمان، زنان و مردان می‌توانند از آن استفاده کنند. گاهی برای هر کدام از آنها، سالنی در نظر گرفته می‌شود و گاهی هم طبقه همکف برای مردان و طبقه اوّل برای زنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیاری از حسینیه های شهر کربلا با سرمایه‌گذاری ساکنان بعضی شهرهای عراق ساخته شده است. دو سال زائران پس از زیارت اماکن مقدّس، به خصوص در ده روز اوّل ماه محرم الحرام و نیز در اربعین حسینی، از این حسینیه‌ها استفاده می‌کنند. یکی از نقاط ضعف بیشتر حسینیه های موجود در کربلا که توسط ساکنان شهرهای عراق ساخته شده‌اند، این است که در طول سال غیر از زمان زیارت‌ها بسته است و برای هیچ هدف مفیدی استفاده نمی‌شود. کاروان‌های عزاداران حسینی حرکت خود را از حسینیه‌ها آغاز می‌کنند. این کاروان‌ها منحصر به اهالی شهر کربلا و مناطق اطراف آن نمی‌شود، بلکه ساکنان شهرهای عراق و کسانی که از کشورهای اسلامی دیگر آمده‌اند، نیز در بین آنها حضور دارند. حسینیه‌ها که ساختمان‌های دینی محسوب می‌شوند، با ویژگی‌های معماری شان که در میدانی بزرگ و باز تجسم یافته، شناخته می‌شوند. در بیشتر اوقات، در وسط میدان، حوضی با فواره آب به چشم می‌خورد و تعدادی درخت نیز در اطراف کاشته می‌شود. سالنها، اتاق‌ها، نمازخانه و اماکن عمومی دیگر، میدان را دربر می‌گیرند. در طبقه فوقانی حسینیه، اتاق‌ها و قسمت‌های الحاقی آن وجود دارند. از این طبقه، اغلب برای خوابیدن و مطالعه استفاده می‌شود. ساختمان حسینیه‌ها در کربلا مدل معماری اسلامی شان را حفظ کرده‌اند و مواد ساختمانی بومی فراوانی در ساخت آنها به کار برده شده که

طابوق از آن جمله است. از این نوع آجر برای ساخت زیباترین تزئینات ساختمانی مثل طاق (قوس‌ها)، گنبدها و سقف های گنبدی و سایر شکل‌های ساختمانی که از مشخصات ساختمان‌های دینی است استفاده می‌شود. در حسینیه های جدید که از دهه ۵۰ احداث شده‌اند، از سیمان و تیرآهن استفاده شده، ولی در عین حال، ویژگی معماری اسلامی شان محفوظ مانده است. دیوارها و سقف های بیشتر حسینیه‌ها از داخل با گچ و کاشی هایی زینت یافته‌اند که در میان آنها نوشته‌هایی از آیات قرآن کریم و احادیث گرانقدر چشم را می‌نوازد. مهم‌ترین حسینیه های جهان اسلام عبارت‌اند از:

۱. حسینیه دالان (الصالة الحسینیة)

یکی از تاجران مشهور به نام میرداماد در سال ۱۰۵۲ ه. ق (۱۶۴۲ م) آن را در زمینی به مساحت ۸۴۵۰ مترمربع در شهر قدیمی داکار، پایتخت بنگلادش، احداث کرد.(۲۴۷)

۲. حسینیه آصفی

این حسینیه جزء شاخص‌ترین نشانه‌های معماری اسلامی در هند است. آصف الدوله، چهارمین پادشاه سرزمین «اوده» که در بین سال‌های ۱۱۸۹ تا ۱۲۱۲ ه. ق (۱۷۹۸ – ۱۷۷۵ م) حکومت می‌کرد، آن را در مرکز قلمرو خود، لکنهو، بنا کرد.(۲۴۸)

۳. حسینیه شیخ حسین عصفور

شیخ حسین عصفور این حسینیه را سال ۱۲۱۶ ه. ق (۱۸۰۱ م) در بحرین ساخت و در کنارش مدرسه‌ای برپا کرد که در آن علوم دینی تدریس می‌شود.(۲۴۹)

۴. حسینیه حیدری در کاظمیة

این حسینیه از مشهورترین حسینیه های عراق است. میرزا نصراللّه خان مشیر الملک در سال ۱۲۹۷ ه. ق (۱۸۶۳ م) آن را در شهر کاظمیه بنا کرد که شامل کتابخانه‌ای پر از منابع ارزشمند دینی است.(۲۵۰) در شهر کربلا، بسیاری از حسینیه های قدیمی و جدید در مکان‌های گوناگون پخش شده‌اند که از نظر مساحت با هم فرق دارند و بیشتر آنها بعد از مارس (۱۹۹۱ م) توسط دستگاه‌های دولتی از بین رفتند و تعداد اندکی از آنها باقی ماندند، مثل حسینیه فیضی که متعلّق به طایفه بهره است. گفتنی است بیشتر حسینیه‌ها در طول سه سال اخیر بازسازی شده‌اند. مهم‌ترین حسینیه های ساخته شده در کربلا از این قرارند:

حسینیه حیدری (تهرانی سابق)

این حسینیه در زمین خان پاشا ساخته شده که حسن پاشا، وزیر عثمانی، در سال ۱۱۲۷ ه. ق (۱۷۱۵ م) آن را برای پذیرایی از زائران امام حسین‌علیه السلام بنا کرد. این حسینیه در مقابل باب الرجا که یکی از درهای آستان حسینی است، قرار دارد. در سال ۱۳۶۸ ه. ق (۱۹۵۳ م) تعدادی از بازرگانان ایرانی از شهر تهران، زمین خان را از مدیریت اوقاف کربلا خریدند و بعضی از بازرگانان عراق و کویت در تأمین سرمایه این حسینیه با آنها همکاری کردند. این حسینیه برای استفاده تمام زائران شهر کربلا و بارگاه های مقدسش برپا شده است، ولی بعد از اتمام ساخت آن، برخلاف توافق نامه‌ای که در آن منعقد شده اسم حسینیه باید تمام زائران را شامل شود، به اسم حسینیه تهرانی نامگذاری شد.(۲۵۱) مساحت بنای این حسینیه مستطیل شکل، بالغ بر ۲۴۰۰ مترمربع و ساختمان آن متشکل از سه طبقه است: طبقه زیرزمین برای امور مختلف اجتماعی مثل سالن غذاخوری استفاده می‌شود. طبقه هم کف عبارت

است از سالن بزرگی که برای برگزاری جشن‌ها و مجالس و برپایی نماز مورد استفاده قرار می‌گیرد و در وسط آن سقفی وجود دارد که طبقه اوّل را می‌پوشاند. طبقه اوّل شامل ۱۶۰ اتاق با سرویس‌های عمومی برای سکونت زائران است. رو به روی اتاق‌ها، راهرو هایی مشرف بر طبقه هم کف وجود دارد. رژیم سرنگون شده (صدام) بعد از انتفاضه مارس (۱۹۹۱ م) اقدام به تخریب کامل این حسینیه کرد.

فیضی حسینی (قصر سیفی)

ساختمان فیضی حسینی (قصر سیفی) بزرگ‌ترین ساختمان شهر کربلا بعد از آرامگاه های امام حسین و برادرش عباس علیهما السلام محسوب می‌شود. این حسینیه متعلّق به فرقه بهره اسماعیلیه است و دو در دارد: درب اصلیِ جلویی که به خیابان العباس باز می‌شود و درِ پشتی. نقشه ساختمان فیضی حسینی، مستطیل شکل و مساحت آن بالغ بر ده هزار مترمربع است. در وسط آن میدان باز و بزرگی واقع شده و در میان میدان هم مسجدی قرار دارد. در کنار مسجد یک آب انبار به چشم می‌خورد و چهارصد اتاقی که در دو طبقه ساخته شده است، میدان را دربرمی‌گیرد. یک آشپزخانه کوچک و حمّام هم در کنار اتاق ساخته شده است و رو به روی اتاق‌های هر طبقه، راهروی سقف داری وجود دارد.

حسینیه اصفهانی

این حسینیه که در امتداد خیابان القبله (خیابان ابو الفهد) قرار دارد، در سال ۱۳۷۹ ه. ق (۱۹۶۰ م)، توسط اهالی شهر اصفهان ساخته و به همین اسم نامیده شد. نقشه ساختمان مستطیل شکل است و مساحتش به ۲۰۰۰ متر مربع می‌رسد. ساختمان این حسینیه شامل دو حیاط روباز و بزرگ است که در وسط هریک، فواره آبی به چشم می‌خورد که اغلب برای وضو گرفتن استفاده می‌شود. این بنا شامل دو طبقه متشکل از دویست اتاق با سرویس عمومی است که در هر دو طبقه تقسیم شده‌اند. هم‌چنین دارای سالن بزرگی است که برای برپایی مجالس و اقامه نماز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

حسینیه سیّد محمّد صالح

این حسینیه که در خیابان المخیم قرار دارد، در سال ۱۳۴۴ ه. ق (۱۹۲۶ م) توسط حاج محمّد صالح بلور فروش احداث شد. وی به عنوان متولی آستان حسینی مشغول به کار است. هدف از ساخت این حسینیه، ایجاد سرپناهی برای زائران امام حسین‌علیه السلام بوده است. این حسینیه از دو طبقه تشکیل شده که طبقه همکف دارای صحن وسیع و نمازخانه بزرگی است، ولی طبقه اوّل از موقوفات سیّد عبدالحسین آل طعمه است که شامل مسکن [وی]و کتابخانه می‌شود. او در آن دوره، خادم آستان حسینی بود.

حسینیه حاج منن

این حسینیه در خیابان منتهی به شهر هندی‌ها (طویریج) قرار دارد. حاج منن، پسر حاج فلیح از ساکنان شهر حلّه، در سال ۱۳۴۵ ه. ق (۱۹۲۷ م) آن را احداث کرد تا محلّی برای اقامت عموم زائران امام حسین‌علیه السلام باشد. این حسینیه در سال ۱۳۷۷ ه. ق (۱۹۵۸ م) بار دیگر توسط حاج فلیح مرمت شد.

حسینیه مازندرانی

این حسینیه پشت ساختمان المخیم واقع شده است. شیخ محمّد مهدی واعظ مازندرانی حائری آن را در سال ۱۳۷۲ ه. ق (۱۹۵۳ م)

بنا کرد؛ همان‌طور که لوح یادبود سر در حسینیه که با کاشی منقش شده است، بر آن تأکید می‌کند.

حسینیه اسکویی حائری

این حسینیه که کنار ورودی کوچه الداماد قرار دارد، در سال ۱۳۴۵ ه. ق توسط میرزا علی، پسر میرزا موسی اسکوئی حائری، ساخته شد و شامل کتابخانه‌ای عمومی به نام کتابخانه «علاّمه حائری» می‌شود. این بنا از یک طبقه تشکیل شده و در میان آن، حیاط بزرگی است که اتاق‌ها، دور تا دور آن را فرا گرفته‌اند.(۲۵۲)

حسینیه اولاد عامر

این حسینیه از ساختمان‌های جدید اسلامی محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر تجدید بنا شده و از زیباترین حسینیه های شهر کربلاست. این بنا در سال ۱۳۷۵ ه. ق (۱۹۵۵ م) ساخته و در سال ۱۴۲۰ ه. ق (۲۰۰۰ م) بازسازی شد. مساحت ساختمان این حسینیه حدود ۴۱۴۹ متر مربع برآورد می‌شود و متشکل از دو طبقه است. طبقه اوّل از مسجد و ایوان های متّصل به آن، ساختمان مدیریت و سرویس عمومی تشکیل می‌شود و در مرکز آن حیاط رو بازی با فواره آب به چشم می‌خورد. گنبد حسینیه «اولاد عامر» از لحاظ طرّاحی و مدل معماری یکی از گنبدهای بی‌نظیر در نوع خود به حساب می‌آید.

مدرسه‌ها و انجمنهای علمی دینی

مدرسه‌ها و انجمنهای علمی دینی

شهر کربلا نقش فرهنگی آشکاری در تاریخ عراق و جهان اسلام دارد. این شهر طی چندین قرن، مرکز علمی، ادبی و فکری بوده و در دوره‌های زمانی گوناگون محل استقرار دانشمندان بزرگ و فقیهان و محل تدریس آنها بوده است. برجسته‌ترین مشخصه این شهر طی قرن‌های گذشته، آموزش‌های دینی با ویژگی سنّتی در تدریس است که «نظام حلقه‌ها» نامیده می‌شود. این روش که در بیشتر حوزه‌های علمیه شهرهای اسلامی معتبر است، هم‌اکنون نیز در مدرسه های نظامیه، اتابکیه، مستنصریه و نیز در الازهر و مساجد زیتونیه و القرویین جریان دارد. در ابتدا، این آموزشها در ایوان‌ها، صحن و اتاق‌های آستان حسینیه و عباسیه علیهما السلام ارائه می‌شد، همچنین در خانه‌های علما که غالباً دارای اتاق‌های بزرگی است که به همین منظور مهیا شده است. بسیاری از دانشمندانی که در زمینه فقه، اصول، فلسفه، پزشکی، نجوم، نحو، ادبیات و علوم متخصص شده‌اند، همین آموزشها را گذرانده‌اند.(۲۵۳) مدرسه های اسلامی با روی کار آمدن حکومت آل بویه در ایران و عراق، تأسیس شدند. در این مدارس در تمام شهرهای زیر سلطه آنها به خصوص در شهرهای شیعه‌نشین، فقه امام جعفر صادق‌علیه السلام تدریس می‌شد. عضد الدولهٔ، از خاندان آل بویه، هنگام دیدار از شهر کربلاـ و بازسازی بنای بارگاه امام حسین‌علیه السلام در سال ۳۶۹ ه. ق (۹۸۰ م)، اوّلین مدرسه عراق را در این شهر به نام «عضدیه» احداث کرد. این مدرسه در کنار مسجد رأس الحسین قرار دارد که آن را نیز عضد الدوله در نزدیکی باب السدرهٔ یکی از درهای آستان حسینی، ساخته است. این مدرسه تا زمان دوره صفوی تحت حمایت و توجّه بود، امّا بعد از فروپاشی دولت صفوی رو به ویرانی نهاد. سرانجام در سال ۱۳۵۴ ه. ق (۱۹۳۵ م) به علّت احداث خیابانی که آستان حسینی را احاطه می‌کرد، این مدرسه کاملاً ویران شد. عضد الدوله در سال ۳۷۱ ه. ق (۹۸۲ م) مدرسه دیگری در شهر کربلا در کنار صحن کوچک بنا کرد و این صحن کوچک را نیز از سمت شرق به صحن روضه حسینی ضمیمه کرد. این صحن کوچک آرامگاه سلاطین آل بویه است. امّا این مدرسه و صحن کوچک نیز در تاریخ ۲۴/۱۱/۱۹۴۸ از بین رفتند.(۲۵۴) بسیاری از منابع تاریخی اشاره می‌کنند که ساخت مدارس

اسلامی به دوره سلجوقیان که بعد از آل بویه به حکومت عراق رسیدند، برمی‌گردد. آنها اوّلین کسانی بودند که چنین مؤسسه هایی را ساختند و آنها را مکانی برای نماز خواندن در نظر گرفتند که در عین حال، مؤسسه علمی هم بودند. طبق این منابع، اوّلین مدرسه‌ای که توسط سلجوقیان در عراق ساخته شده، مدرسه نظامیه بغداد است که نظام الملک، وزیر «آلب ارسلان» سلطان سلجوقی و پسرش سلطان ملک شاه، در سال ۴۵۹ ه. ق (۱۰۶۷ م) آن را بنا کرد.(۲۵۵) با بررسی این دو تاریخ که منابع آن را ذکر کرده‌اند، مشخص می‌شود که مدرسه عضدیه در کربلا، نود سال قبل از مدرسه نظامیه احداث شده است و این مدرسه باید اوّلین مدرسه اسلامی ساخته شده در عراق باشد. «ابن بطوطه»، جهانگرد مشهور، هنگام دیدار از کربلا در سال ۷۲۷ ه. ق (۱۳۲۷ م) به وجود مدرسه بزرگ و مسجد ممتازی اشاره کرده که در آن برای هر مهمان و مسافری غذا وجود دارد. مدرسه‌ای که او به آن اشاره کرده، «مسجد و مدرسه ابن شاهین» چسبیده به ساختمان‌های آستان حسینی است که تعداد زیادی از جویندگان علم به این مسجد که به مدرسه علمی و دینی مهمی تبدیل شده بود رفت و آمد می‌کردند. ولی مسجد مورد نظر ابن بطوطه مسجد «دار السیاده» است که محمود غازان خان آن را ساخته و برای فقیران و افراد تهیدست وقف کرده است.(۲۵۶) توسعه جنبش فکری و دینی و گسترش آن در قرن ۱۲ هجری، علاوه بر افزایش تعداد طلاب به خصوص از کشورهای مختلف اسلامی، باعث گسترش مدارس علمی دینی در کربلا شد.(۲۵۷) لذا با آغاز توسعه این مدارس، ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاصّی نیز از لحاظ استقلال ساختمان، مهندسی معماری، افزودن قسمت‌های داخلی برای طلاب و توسعه روش‌های تدریس در آنها پدیدار شد. این مدارس جدا از حلقه‌های مساجد و جلسه‌های علمی در خانه‌ها بودند. آنها به مکانی خاص برای تدریس تبدیل شدند؛ هم‌چنان که در یک واحد معماری و اداری کامل مکانی برای سکونت درنظر گرفته می‌شود.(۲۵۸) شیوه تدریس در مدارس و انجمن های علمی دینی شهر کربلا و نیاز به وارد کردن برخی از واژگان و علوم معاصر در خط مشی های آن، به تناسب تحوّل در تصمیم ها و مقررات روز بود؛ هم‌چنین با تربیت بسیاری از کادر ها و هیأت‌های پربار علمی و اسلامی، به کشورهای اسلامی یاری می‌رساند. صحبت درباره جنبش علمی و مدارس و انجمن های دینی در شهر کربلا خود به خود ما را به بحث مرجعیّت دینی می‌کشاند. وظایف علمی مرجع جدا از وظایف اداری اش، در این موارد نمود پیدا می‌کند: ۱. اداره امور آموزش دینی در مرکز اصلی و مراکز مربوط به آن؛ ۲. ایراد سخنرانی‌های علمی سطح بالا ـ در زمینه‌های مختلف؛ ۳. تعیین نمایندگان مرجعیّت در نقاط مختلف جهان اسلام (براساس شرایط و مقتضیات روز)؛ ۴. جواب دادن به سؤالات و استفسار ها؛ ۵. پرداخت حقوق ماهیانه استادان و طلاب؛ ۶. ساخت مدارس و انجمنهای علمی برای تحصیل و سکونت طلبه‌ها؛ ۷. ساخت کتابخانه‌های عمومی، بیمارستان‌ها و نوانخانه‌ها و سایر خدمات اجتماعی عام‌المنفعه.(۲۵۹) هریک از این فعّالیّت‌ها، سرمایه‌گذاری ها و نظارتها، مستقل و جدا از دولت انجام می‌شود و اجازه دخالت به آن داده نمی‌شود. در واقع، جنبش علمی دینی در کربلا ـ یک مؤسسه مستقل شهری است. مدارس دینی کربلا ـ دارای صفات و ویژگی‌های معماری خاصّی هستند که با هدفی که برای آن ساخته شده‌اند، هماهنگی دارند. هم‌چنین طرّاحی آنها نشان دهنده نوعی سبک معروف معماری در عراق است که به علّت نسبتش به شهر حیره که نزدیک کوفه است، «سبک حیری» نامیده می‌شود. در نقشه این سبک، صحن (حیاط رو باز یا فضای باز داخلی) جایگاه اوّل را دارد. سپس ایوان های سقف دار و روباز، اتاق‌ها، نمازخانه، راهروها و درهای ورودی در مکانی که همه سرویس‌های ساختمان رو به آن هستند، قرار می‌گیرند. این هماهنگی در ساخت مدارس اسلامی نشان دهنده نظامی است که در بناهای اسلامی از آن تبعیت می‌شود و نیز، شیوه طرّاحی عمرانی که براساس نیازهای زندگی اجتماعی زمان بوده است. در وسط حیاط، اغلب حوضی با فواره آب قرار دارد که بیشتر برای وضو گرفتن از آن استفاده می‌شود و گاهی یک یا چند، درخت نیز دیده می‌شود. نمای بیرونی تنها شامل درهای ورودی می‌شود که گاهی پنجره هایی نیز در آن وجود دارد. در نمای بیرونی برخی مدارس دینی و روی سطح مشخصی از دیوارها، شکل‌های تزئینی از آجر دیده می‌شود که ظاهری زیبا و جالب به این ساختمان‌ها داده است. در ساخت مدارس دینی کربلا از طابوق (آجر بزرگ) و گچ استفاده

شده است. این مدارس از داخل، با سرامیک رنگی و گچ که در میان آنها نوشته‌هایی از آیات قرآن کریم به چشم می‌خورد، زینت داده شده‌اند، هم‌چنین با مواد تزئینی گوناگون چوبی که پنجره‌ها و آشپزخانه ها را با شیشه‌های رنگی زیبا می‌پوشانند. در اطراف شهر کربلا، ۲۵ مدرسه و انجمن علمی دینی پراکنده شده‌اند که بیشتر شامل اتاق‌هایی برای سکونت دانشجویان هستند و زیر نظر مرجعیّت دینی در مراحل مختلف زمانی ساخته شده‌اند. بعضی از آنها به اسم همان مرجع نامیده شده که این مراجع از مهم‌ترین آنها هستند: وحید بهبهانی، شیخ یوسف بحرانی، امیر سیّد علی طباطبایی صاحب الریاض، سیّد ابراهیم پسر محمّد باقر قزوینی صاحب الضوابط، سیّد محمّد مجاهد، شریف العلما، شیخ مرتضی انصاری، سیّد محمّد مهدی بحرالعلوم، شیخ محمّد تقی شیرازی رهبر انقلاب العشرین، سیّد حسین طباطبایی قمی، سیّد محمّد هادی میلانی و سیّد میرزا مهدی شیرازی. بسیاری از دانشمندان، فقیهان و مراجعی که در فقه، اصول، فلسفه، ادبیات و علوم قرآنی تخصص یافته‌اند، از انجمنهای علمی این مراجع، فارغ‌التحصیل شده‌اند. خانم دیولافوا، جهانگرد معروف فرانسوی، در دیدارش از کربلا با همسرش در سال ۱۲۹۹ ه. ق (۱۸۸۱ م)، این شهر و مؤسسه‌های علمی دینی‌اش را تحسین کرده و گفته است: «به راستی کربلا ـ یکی از مراکز مهم تشیع به حساب می‌آید و عبارت است از دانشگاهی بزرگ و دینی که از تعدادی مدرسه بزرگ دینی تشکیل شده است و جویندگان علم از همه نقاط جهان اسلام به آن روی می‌آورند و بیشتر سال‌های زندگی خود را در آنجا سپری می‌کنند.)(۲۶۰) ولی متأسفانه، بسیاری از این اماکن تاریخی به خصوص آنهایی که در اطراف آستان حسینی و عباسی بودند، در دوره‌های مختلف به دلیل ساخت خیابان‌های جدید از بین رفتند و بخشی از آنها هم به علّت بی‌توجّهی و عدم تعمیر و نگهداری رو به ویرانی نهادند. علاوه بر مدارس علمی دینی، مدرسه هایی وجود داشت که توسط ساکنان کربلا و نیز کشورهای اسلامی و مسلمانان هندی برای اقلیّت مهاجری که به منظور تحصیل علوم دینی به این شهر می‌آمدند، ساخته شدند. در بعضی از این مدارس، عثمانی‌ها و ایرانیان ساکن بودند. تدریس زبان عربی در همه این مدارس مشترک بود. علاوه بر این، هر کدام از این مدارس به یک یا چند زبان مشخص اختصاص می‌یافت. از مشهورترین آنها می‌توان به این مدارس اشاره کرد: مدرسه جعفری اوّل، تأسیس در سال ۱۳۳۲ ه. ق (۱۹۱۴ م)، مدرسه حسینی (۱۳۲۷ ه. ق/۱۹۰۹ م) و مدرسه رشیدی که در سال ۱۳۲۸ ه. ق (۱۹۱۰ م) تأسیس شد.(۲۶۱) از زمان تأسیس دولت جدید عراق در سال ۱۹۲۱ م، حکومت شروع به ساخت مدارس رسمی کرد که در کنار مدارس دینی و بومی، آموزش مردم شهر کربلا ـ را به عهده داشت. مشهورترین مدرسه های علمی دینی شهر کربلا از این قرارند:

۱. مدرسه سردار حسن خان

این مدرسه را که یکی از برجسته‌ترین مؤسسه‌های تاریخی دینی کربلا محسوب می‌شود، سردار حسن خان قزوینی در سال ۱۱۸۰ ه. ق (۱۷۶۷ م) بنا کرد. در سمت شمال شرقی آستان حسینی واقع شده و بسیاری از دانشمندان، فقها و متفکران بزرگ اسلامی مثل دانشمند بزرگ شیخ شریف العلماء مازندرانی و مصلح بزرگ اسلامی سیّد جمال‌الدین اسد آبادی در این مدرسه تعلیم یافته‌اند. این مدرسه شامل هفتاد اتاق می‌شود و دیوارهای آن با تزئینات جالب مهندسی که نوشته‌هایی از آیات قرآن کریم بالای آنها قرار دارد، پوشیده شده است. در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۴۸ و در دوره عبدالرسول خالصی، استاندار وقت کربلا، قسمتی از این مدرسه تخریب شد.(۲۶۲) و بقایای آن تا مارس ۱۹۹۱ باقی ماند. سرانجام این مدرسه، در جریان تخریب مرکز شهر توسط دستگاه‌های دولتی از بین رفت.

۲. مدرسه سیّد مجاهد

این مدرسه در بازار بزرگ التجار در نزدیکی آرامگاه مؤسس آن، سیّد محمّد مجاهد طباطبایی، قرار دارد. همان‌گونه که در

وقفنامه مخصوص آن ذکر شده است، در سال ۱۲۷۰ ه. ق (۱۸۵۴ م) احداث شد و تعداد زیادی از عالمان و فقیهان بزرگ، مثل علّامه سیّد محمّد باقر طباطبایی و علّامه سیّد محمّد علی طباطبایی از آنجا فارغ‌التحصیل شده‌اند. تولیت آن نیز به عهده علّامه سیّد محمّد تقی طباطبایی بود. این مدرسه شامل دو طبقه با دوازده اتاق بود که در سال (۱۹۸۰ م)، به دلیل احداث خیابان المشاة که دو روضهٔ (آستان) را به هم متّصل می‌کرد، از این بین رفت.

۳. مدرسه صدراعظم نوری

این مدرسه یکی از مهم‌ترین انجمنهای اصلی علمی و دینی در شهر کربلا به حساب می‌آید و در سمت غرب صحن آستان حسینی قرار می‌گیرد. علّامه شیخ عبدالحسین تهرانی، یکی از فرزندان امیر میرزا تقی خان صدراعظم که در سال ۱۲۶۸ ه. ق (۱۸۵۲ م) در گذشت، آن را ساخت. این مدرسه نیز در دوره طاهر قیسی، استاندار وقت کربلا، در سال (۱۹۴۸ م) به علّت احداث خیابان الحائر که در محدوده آستان حسینی است، ویران شد. از جمله استادان این مدرسه در آن زمان، می‌توان به شیخ عبدالقاسم خوئی اشاره کرد که در سال ۱۳۶۴ ه. ق (۱۹۴۵ م) در گذشت و نیز سیّد عبدالوهاب که شاعر بود و در سال ۱۳۲۲ ه. ق (۱۹۰۴ م) فوت کرد.(۲۶۳)

۴. مدرسه زینبیه

در سال ۱۲۷۶ ه. ق (۱۸۶۰ م) توسط ناصرالدّین شاه قاجار و با فعّالیّت علّامه شیخ عبدالحسین تهرانی ساخته شد. این مدرسه از مؤسسه‌های شکوفای علمی دینی در دوره‌های گوناگون است و به دلیل قرار گرفتن در کنار باب الزینبیه، سمت غرب آستان حسینی، به این اسم نامیده شده است. این مدرسه نیز به علّت ساخت خیابان المشاة که آستان حسینی را دربرمی‌گیرد، در سال ۱۳۶۸ ه. ق (۱۹۴۸ م) منهدم شد. از استادان مدرسه زینبیه، شیخ محمّد خطیب است که در سال ۱۳۸۰ ه. ق (۱۹۶۱ م) در گذشت و نیز شیخ جعفر حر که شاعر بود و در سال ۱۳۴۷ ه. ق (۱۹۲۸ م) از دنیا رفت.(۲۶۴)

۵. مدرسه بزرگ هندی

این مدرسه یکی از مشهورترین انجمن های علمی دینی تا سال‌های اخیر بود. در کوچه الزعفرانی و نزدیک آستان حسینی قرار دارد. در اواخر قرن ۱۳ هجری احداث شد و از دو طبقه با ۲۲ اتاق تشکیل شده است. هم‌چنین کتابخانه‌ای عمومی دارد که به نام «کتابخانه جعفری» شناخته می‌شود. این مدرسه، مجله‌ای به نام اجوبهٔ المسائل العلمیه چاپ می‌کند و دانشمندان و فقیهان بزرگی در این مدرسه آموزش دیده‌اند و علّامه شیخ جعفر رشتی از اساتید آن است.

۶. مدرسه باد کوبه (ترک)

این مدرسه از مدرسه های مشهور کربلاست. در سال ۱۲۷۰ ه. ق (۱۸۵۴ م)، حاج باد کوبی آن را تأسیس کرد و تولیت آن هم به عهده علّامه شیخ محمّد کرباسی بود. در کوچه الداماد که بین دو روضه قرار دارد، واقع شده و از ۳ طبقه و ۳۰ اتاق تشکیل شده است. هم‌چنین کتابخانه‌ای عمومی با کتاب‌هایی بسیار ارزشمند دارد. از جمله استادان وقت این مدرسه باید به شیخ محمّد شاهرودی و علّامه شیخ محمّد کرباسی اشاره کرد. این مدرسه در سال (۱۹۸۰ م) به علّت گسترش خیابان بین دو آستان، از بین رفت. مجله منابع الثقافهٔ الاسلامیه و مجله مبادی الاسلام به زبان انگلیسی توسط این مدرسه انتشار می‌یافت.

۷. مدرسه بقعه

علاّمه سیّد علی نقی طباطبایی در سال ۱۲۸۹ ه. ق (۱۸۷۲ م) آن را بنا نهاد. این مدرسه در خیابان امام علی‌علیه السلام در کنار حرم سیّد محمّد مجاهد طباطبایی قرار دارد و در نیمه قرن ۱۳ هجری ساخته شده است. مدرسه بقعه شامل دو طبقه و ۲۰ اتاق است. عالمان و فقیهان برگزیده‌ای هم‌چون علاّمه سیّد محسن کشمیری، علاّمه شیخ عبدالرحیم قمی و علاّمه سید مرتضی طباطبایی در این مدرسه آموزش دیدند. مجله صوت المبلغین نیز در این مدرسه منتشر می‌شد. این مدرسه نیز در سال (۱۹۸۰ م)، به دلیل احداث خیابان بین دو حرم، از بین رفت.

۸. مدرسه سلیمیه

این مدرسه در کوچه مسجد سیّد علی نقی طباطبایی قرار دارد. توسط حاج محمّد سلیم خان شیرازی در سال ۱۲۵۰ ه. ق (۱۸۳۴ م) بنا شد و سیّد مهدی شیرازی، مرجع دینی، در سال ۱۳۷۰ ه. ق (۱۹۵۱ م) آن را بازسازی کرد. مسئولیت آن به عهدهٔ علاّمه سیّد مرتضی طباطبایی است. بعد از فوت او، نوه‌اش سیّد محمّد طباطبایی، مسئولیت آن را به عهده گرفت، امّا پس از دستگیری او در سال (۱۹۹۱ م)، این مدرسه به تصرف (نیروهای دولتی) درآمد. فضای این مدرسه کوچک دو طبقه را دربرمی‌گیرد و شامل سیزده اتاق می‌شود. شیخ یوسف خراسانی و علاّمه مبارز سیّد حسن شیرازی از جمله استادان آن هستند. مجله‌های الاخلاق و الآداب و ذکریات المعصومین را به چاپ رسانده است.

۹. مدرسه مهدیه

این مدرسه در کوچه مجاور دفتر اداری رئیس خاندان رشدی قرار دارد. توسط شیخ مهدی، پسر شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء در سال ۱۲۸۴ ه. ق (۱۸۶۷ م) احداث شد. این مدرسه از دو طبقه تشکیل شده و حاوی ۲۴ اتاق است. طلبه علوم دینی و طلابی که منتسب به برخی کشورهای اسلامی هستند، در این مدرسه ساکن می‌شوند و علاّمه شیخ علی عیثان بحرانی و شیخ عبدالحمید ساعدی از جمله استادان این مدرسه به شمار می‌روند. این مدرسه (بعدها) به تسخیر مقامات نظام سرنگون شده (صدام) درآمد.

۱۰. مدرسه میرزا کریم شیرازی

این مدرسه در محلّه عباسیه شرقی قرار گرفته است. سال ۱۲۸۷ ه. ق (۱۸۷۰ م) ساخته و مصلای بزرگی در آن بنا شد. سیّد علی محمّد موسوی شیرازی در سال ۱۳۰۸ ه. ق (۱۸۹۱ م) این مدرسه را بازسازی کرد، همان‌گونه که لوح یادبودی که در داخل آن قرار دارد، بر این مسأله تأکید می‌کند. این مدرسه بزرگ دارای فضای داخلی باز و وسیعی است و یک طبقه دارد که شامل ۱۱ اتاق می‌شود. سخنور شهید عبد الزهراء کعبی و شیخ محمّد علی خلیق، از جمله استادان وقت این مدرسه به شمار می‌روند. این مدرسه بعد از ترور شیخ کعبی در سال ۱۳۹۴ ه. ق (۱۹۷۴ م) زیر سلطه نظام سرنگون شده (صدام) قرار گرفت.

۱۱. مدرسه کوچک هندی

این مدرسه به نام مدرسه «تاج محل» هم شناخته می‌شود و در یکی از کوچه هایی که از بازار التجار به خیابان امام علی‌علیه السلام راه دارد، قرار گرفته است. در سال ۱۳۰۰ ه. ق (۱۸۸۲ م) زن هندی فاضلی به نام تاج محلی این مدرسه را ساخت و برای علاّمه سیّد

علی نقی طباطبایی وقف کرد. وقفنامه مخصوص نیز بر این مسأله تأکید دارد. این مدرسه نه اتاق دارد که طلبه‌های علوم دینی که افغانی و هندی هستند در آن سکونت دارند. سیّد محمّد حسین کشمیری، سیّد مرتضی طباطبایی و سیّد مرتضی واجدی از جمله استادان آن هستند.

۱۲. مدرسه ابن فهد حلّی

در سال ۱۳۸۵ ه. ق (۱۹۶۵ م) تأسیس شد. در خیابان باب القبله یا خیابان ابو الفهد قرار دارد و آرامگاه دانشمند، شیخ احمد پسر فهد حلّی اسدی که در سال ۸۴۱ فوت کرد را دربر گرفته است. این مدرسه در سطح وسیعی از زمین بنا شده است. این مدرسه شامل نمازخانه و میدانی بزرگ و روباز می‌باشد که ضریح را دربر گرفته است. اتاق‌هایی که در هر دو طبقه پخش شده‌اند و تعداد آنها به ۴۰ اتاق می‌رسد و طلّاب علوم دینی در آن ساکن هستند، این میدان را احاطه کرده است. این مدرسه هم‌چنین کتابخانه‌ای عمومی به نام «مکتبهٔ الرسول الاعظم» دارد. مدرسه ابن فهد حلّی، دوبار تجدید بنا شده و آخرین بازسازی آن، به دستور سیّد محسن طباطبایی حکیم صورت گرفته است.

۱۳. مدرسه بروجردی

این مدرسه در خیابان المخیم واقع شده است. سیّد حسین بروجردی، مرجع دینی که در سال ۱۳۸۰ ه. ق (۱۹۶۰ م) درگذشت، دستور ساخت این مدرسه را داد. امّا این کار در روزگار او به اتمام نرسید و سیّد عبدالهادی شیرازی، مرجع دینی در سال ۱۳۸۱ ه. ق (۱۹۶۱ م) آن را تکمیل کرد. سبک معماری اسلامی این مدرسه در نوع خود، پدیده‌ای شکوهمند و زیباست. این مدرسه متشکل از دو طبقه است و شامل ۲۰ اتاق می‌شود که محل اقامت طلاب علوم دینی است. تولیت آن نیز برعهده شیخ نصرالله خلخالی بود که وزارت اوقاف در سال ۱۳۹۵ ه. ق (۱۹۷۵ م) آن را تصاحب کرد.

۱۴. مدرسه شریف العلما

این مدرسه در کوچه کدا و در یکی از فرعی های خیابان باب القبلهٔ واقع شده است. در کنار مدرسه، مزار علاّمه شیخ شریف العلما قرار دارد که در سال ۱۲۴۵ ه. ق (۱۸۳۰ م) فوت کرد. در دهه ۵۰ قرن گذشته، منزل نویسنده این کتاب رو به روی این مدرسه قرار داشت. این مدرسه به دستور سیّد محسن طباطبایی، مرجع دینی، برای وقف و اهدا به طلاب علوم دینی در کربلای مقدّس و نجف اشرف ساخته شده است. دو طبقه دارد که ۲۲ اتاق را شامل می‌شود و در سال ۱۴۰۳ ه. ق (۱۹۸۳ م) نظام سرنگون شده (صدام) آن را تصرف کرد.

۱۵. مدرسه امام باقر

این مدرسه در محلّه باب الخان، در نزدیکی میدان الفسحه واقع شده است. سید عمادالدین محمّد باقر بحرانی آن را در سال ۱۳۸۱ ه. ق (۱۹۶۱ م) بنا کرد و شامل تعدادی اتاق مطالعه و خواب می‌شود که بسیاری از طلبه‌های علوم دینی در آن سکونت گزیده اند و کتابخانه‌ای عمومی هم در آن ساخته شده است. حسینیه‌ای که مخصوص زائران شهر کاظمیه است، از این مدرسه در موسم زیارت استفاده می‌کرده‌اند. این مدرسه پس از دستگیری مؤسس آن در سال ۱۳۹۵ ه. ق (۱۹۷۵ م)، به اشغال نظام سرنگون شده (صدام) درآمد.

۱۶. مدرسه حسنیه

این مدرسه در فاصله ۳۰ متری شمال آستان عباسی قرار گرفته است. در زمینی به مساحت ۴۰۰ متر احداث شده و شامل ۲۸ اتاق می‌شود که برای سکونت طلاب علوم دینی است. مهم‌ترین دروسی که در این مدرسه تدریس می‌شوند عبارت‌اند از: فقه، اصول، نحو، منطق، تفسیر قرآن کریم و قواعد زبان عربی. این مدرسه در سال ۱۲۸۸ ه. ق (۱۹۶۸ م) با تلاش شیخ حسن نائینی حائری، سخنور شهیر، و نیز کمک‌های مالی شهروندان کویت ساخته شد، امّا در سال ۱۴۱۱ ه. ق (۱۹۹۱ م) بعد از این که به تصاحب وزارت اوقاف درآمد، تخریب شد.

۱۷. مدرسه مازندرانی

این مدرسه در محلّه المخیم واقع شده است. علاّمه سخنران شیخ محمّد مهدی مازندرانی که در سال ۱۳۸۴ ه. ق (۱۹۶۴ م) در گذشت، آن را تأسیس کرد و شامل تعدادی اتاق می‌شود. بعد از مهاجرت مدیران و ناظران این مدرسه در سال ۱۳۸۰ ه. ق (۱۹۶۰ م) حکومت آن را به اشغال خود درآورد.

۱۸. مدرسه خوئی

سیدابوالقاسم خوئی، مرجع دینی، آن را در سال ۱۳۹۵ ه. ق (۱۹۷۵ م) تأسیس کرد که بعد از وفات او در سال ۱۴۱۳ ه. ق (۱۹۹۲ م) به تصرف نظام سرنگون شده (بعثی) درآمد.

۱۹. مدرسه خطیب

این مدرسه در محلّه المخیم قرار دارد، توسط علاّمه شیخ محمّد خطیب در سال ۱۳۵۷ ه. ق (۱۹۳۷ م) ساخته شد. طلاب این مدرسه طی دوره‌های درسی، اصول زبان عربی و علوم دینی را فرا می‌گیرند. این مدرسه، شبه رسمی و طول دوره تحصیل در آن، پنج سال است. مدرسه از دو طبقه تشکیل می‌شود که شامل پنج کلاس است و کتابخانه‌ای هم دارد. تعدادی از شخصیت‌های علمی، سخنرانان و استادان در همین مدرسه آموزش دیده‌اند. اداره مدرسه به شیخ عبدالحسین خطیب، نوه مؤسس آن، واگذار شده است.

۲۰. دبستان امام صادق‌علیه السلام

ابتدا این مدرسه در خانه علاّمه سیّد حسن قمی که در سال ۱۳۶۶ ه. ق (۱۹۴۶ م) در گذشت، احداث و سپس در سال ۱۳۷۷ ه. ق به ساختمانی که کنار گاراژ سیّد هاشم قرار دارد، انتقال یافت. سیّد مهدی شیرازی، مرجع دینی، در سال ۱۳۷۵ ه. ق (۱۹۵۵ م) این مدرسه را با کمک و همکاری آیت اللّه شیخ جعفر رشتی، آیت اللّه شیخ محمّد کرباسی، آیت اللّه سیّد محمّد شیرازی، آیت اللّه سیّد محمّد صادق قزوینی و برخی از بزرگان کربلا ساخت. حاج محمّد باقر راجا به عنوان اوّلین مدیر آن تعیین شد و بعد از او، علاّمه سیّد مرتضی قزوینی و سپس سیّد محمّد طباطبایی روی کار آمدند. این مدرسه بعد از تجدید بنای آن در دوره علاّمه سیّد حسین بروجردی، به مدرسه‌ای دینی تغییر یافته و بعد از درگذشت علاّمه بروجردی، تولیت آن به آیت اللّه سیّد عبدالهادی شیرازی سپرده شد. بعدها مدرسه امام صادق‌علیه السلام به ساختمان مخصوصی که در خیابان القبلهٔ قرار دارد، انتقال یافت. این مدرسه متشکل از ۲ طبقه و ۶ اتاق است که طلاب در آنجا، زبان عربی و برنامه‌های دینی را در کنار برنامه‌هایی که در مدارس رسمی تعیین شده، یاد می‌گیرند. این مدرسه در سال ۱۴۱۱ ه. ق (۱۹۹۱ م) به بهانه تعریض خیابان القبله تخریب شد.

۲۱. دبیرستان امام صادق‌علیه السلام

این مدرسه در کنار خیابان قدیمی که به بغداد منتهی می‌شود و مقابل رودخانه حسینی قرار دارد. سیّد محمّد شیرازی، مرجع دینی، با گروهی از دانشمندان از جمله علاّمه سیّد محمّد صادق قزوینی، خطیب سیّد مرتضی قزوینی، علاّمه شیخ جعفر رشتی، علاّمه شیخ محمّد کرباسی، سیّد صدرالدین شهرستانی و برخی از بزرگان کربلا مانند حاج جواد صائغ، حاج حسن وکیل و حاج محمّد صدقی آن را در سال ۱۳۸۵ ه. ق (۱۹۶۵ م) احداث کرد.

۲۲. مدرسه اوّل حافظان قرآن

سیّد مهدی شیرازی، مرجع دینی، قبل از وفاتش در سال ۱۳۸۰ ه. ق (۱۹۷۰ م) آن را تأسیس کرد. این مدرسه نزدیک حسینیه تهرانی قرار دارد. در سال ۱۳۸۴ ه. ق (۱۹۶۴ م) به علّت افزایش تعداد کلاسها که بالغ بر هشت کلاس بود، مدرسه به کوچه الداماد انتقال یافت. از مدارس دینی دیگر شهر می‌توان به این موارد اشاره کرد: مدرسه جعفریه، مدرسه احمدیه، مدرسه کتاب و عترت، مدرسه پاکستانیها، مدرسه طبرغاسی، مدرسه دوم حافظان قرآن، مدرسه سوم حافظان قرآن، مدرسه اوّل حافظان زن قرآن و مدرسه دوم حافظان زن قرآن. هم‌چنین بسیاری از مدارس دولتی در شهر کربلا ساخته شده‌اند که مشهورترین آنها از این قرارند: مدرسه حسینیه، مدرسه فیصلیه، مدرسه هاشمیه، مدرسه سبط، مدرسه العباس، مدرسه المخیم و ... ولی مشهورترین دبیرستان‌ها به این ترتیب اند: دبیرستان کربلا، دبیرستان حیّ الحسین، دبیرستان العراق، دوره دوم دبیرستان القدس، دبیرستان الوحدة، دبیرستان الثوره و ...

فصل چهارم: معماری کربلا بناهای تاریخی و قدیمی

مقدمه

بناهای تاریخی و سنّتی مختلف هم‌چون بازارها، بازارچه ها، کاروانسرا ها، حمّام های عمومی و خانه‌های قدیمی که نمونه‌هایی از آنها در شهر کربلا نیز یافت می‌شوند، هریک شیوه‌های معماری متفاوتی دارند. از نوع ساخت بناهای شهر کربلا می‌توان به عادات، سنّت‌ها، شیوه‌های رایج زندگی مردم، روابط اجتماعی، ارزش‌های مذهبی و اجتماعی آنها و هم‌چنین جنبه‌های تمدّنی و بشری و شرایط جغرافیایی و طبیعی شهر پی برد. این شهر در حاشیه صحرا واقع شده و به همین دلیل در ساخت بناهای آن از مصالح محلّی هم‌چون آجر و گچ استفاده شده که این امر تأثیر عمده‌ای در شیوه‌های معماری این شهر گذاشته است. بناهای تاریخی و قدیمی شهر کربلا دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که نشان دهنده فعّالیّت‌های هنری و برتری معماران و سازندگان آنهاست. برای مثال، انواع بناهای زیبا و متنوع حاصل از مهارت‌های هنری جوامع اسلامی در طیّ قرن‌های مختلف، هم‌چنین وجود گنبدهای کوچک و بزرگ، طاق ها و اشکال مختلف در این بناها همگی بیانگر این مهارت و برتری هستند. این اَشکال متنوع، همواره جزء مهم‌ترین ویژگی‌های معماری این شهر تاریخی، مذهبی و اصیل به شمار می‌آمده است. علاوه بر مراعات جنبه‌های هنری، جغرافیایی و اجتماعی در ساخت این بناهای تاریخی که خود نیز به تأثیر از شیوه‌های مختلف معماری اسلامی هم‌چون مینا کاری‌ها، تزئینات آجری، کاشی کاری‌ها و تزئینات چوبی متنوع به ویژه، پنجره‌های چوبی تزئینی و ... پدید آمده، جنبه‌های اقتصادی نیز در ساخت این بناها مورد توجّه قرار گرفته‌اند. تعدادی از این بناهای تاریخی، کاملاً به شکل قدیمی زمان تأسیس خود، باقی مانده‌اند. برخی از آنها نیز با وجود بازسازی ها و تعمیرات، دستکم بخشی از ویژگی‌های معماری قدیمی خود را حفظ کرده‌اند. امّا بعضی از این بناها، به دلیل بازسازی‌های پی‌درپی، اصالت تاریخی خود را از دست داده و بسیاری دیگر نیز کاملاً از بین رفته‌اند. در این فصل،

شیوه‌های معماری بناهای تاریخی شهر کربلا را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این بناها عبارت‌اند از: بازارها و بازارچه ها، کاروانسرا ها، حمّام های عمومی، خانه‌های قدیمی و قلعه اخیضر.

بازارها و بازارچه ها

بازارهای قدیمی شهر کربلا، یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی این شهر به شمار می‌آیند که از سویی نشان دهنده میزان قدمت این شهر هستند و از سوی دیگر، حجم فعّالیّت‌های تجاری و بازرگانی این شهر را نشان می‌دهند. براساس منابع، تاریخ پیدایش بازارهای تاریخی این شهر مقدّس به اوایل قرن سوم هجری و زمان خلافت مأمون عباسی برمی‌گردد. در این منابع تاریخی هم‌چنین آمده است: «بازارهای کربلاـ در آن زمان بسیار پررونق و مورد توجّه کاروان‌های مختلف بوده‌اند؛ طوری که تا قبل از سال ۲۳۶ هجری (۸۵۰ م) که متوکل دستور نابودی بنای بالای قبر و اطراف آن را صادر کرد، بسیاری از زائران در کنار حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام سکونت دائمی میگزیدند و تنها بعضی از آنها به وطن خویش بازمی‌گشتند».(۲۶۵) در دوره آل بویه، عضد الدوله به بازسازی حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام در سال‌های ۳۶۹ تا ۳۷۱ هجری (۹۸۲ - ۹۸۰ م) پرداخت. وی هم‌چنین در سال ۳۷۲ هجری (۹۸۳ م) برای اوّلین بار حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام را بنا و خانه‌ها و بازارهای جدیدی نیز در این شهر تأسیس کرد. به همین علّت در این دوره بازارهای این شهر در منطقه بین الحرمین تشکیل می‌شدند.(۲۶۶) بازارهای تاریخی و قدیمی شهر کربلا که جزئی از بخش‌های اجتماعی این شهر به شمار می‌آیند، شهرت خاصّی به آن بخشیده‌اند. این بازارها ارتباط نزدیکی با حرمهای مقدّس دارند و در اطراف آنها واقع شده‌اند. تعدادی از این بازارها، تا درهای ورودی حرمهای مقدّسه نیز کشیده شده‌اند و زائران برای ورود به حرمهای، باید از این بازارها عبور کنند. بنابراین، می‌توان گفت جنبه‌های مادّی زندگی ساکنان و زائران این شهر، با جنبه‌های معنوی زندگی آنها درآمیخته است. برخی از این بازارها در گذشته و در مناسبت‌های مذهبی و دینی، گذرگاه هیأت‌های حسینی و گاهی نیز محل عبور گروه‌های تشییع کننده بودند.(۲۶۷) علاوه بر این بازارهای مرکزی تاریخی، بازارهای سنّتی نیز در این شهر وجود دارند که محورهای تجاری فرعی به شمار می‌آیند، زیرا از یک سو، با بازارهای مرکزی و از سوی دیگر، با مناطق مسکونی در ارتباط هستند. گردشگران و خاورشناسان بسیاری، بازارهای شهر کربلا را مورد بررسی قرار دادند. پدرو تکسیرا، جهانگرد پرتغالی، بعد از دیدن این شهر در سال ۱۰۱۳ هجری (۱۶۰۴ م)، در وصف بازارهای آن گفت: «در فصل‌های معینی از سال، زائران بسیاری از همه مناطق جهان به این شهر وارد می‌شوند، خرید و فروش رونق و نشاط بسیاری می‌یابد و هرگونه مواد ضروری، کالاهای تجاری کشورهای دیگر، کالاهای محلّی، سنّتی و مذهبی در شهر به چشم می‌خورند. به همین علّت، شهر کربلا محل دیدار تاجران بزرگ بسیاری است که از قسمت‌های مختلف جهان به آنجا قدم می‌گذارند». تکسیرا درباره معماری بازارهای کربلا نیز گفت: «این بازارها به شکل طاق های بسیار محکم بنا شده‌اند».(۲۶۸) در کتاب Persian Gulf نیز آمده است: «بازار اصلی و مرکز کنونی شهر کربلا که شمال و جنوب شهر را از هم جدا می‌کند، در واقع همان دکان های سرپوشیده ای هستند که در گذشته در منطقه بین الحرمین وجود داشتند».(۲۶۹) خانم ستیفنس، جهانگرد انگلیسی، نیز بعد از اینکه در سال ۱۳۳۷ هجری (۱۹۱۹ م) از شهر کربلا دیدن کرد، درباره بازارهای کربلا و هم‌چنین بازار سرپوشیده ای که مردم اجناس شان را در آنجا به معرض فروش می‌گذاشتند، مطالبی بیان کرد. که درباره بازارهای محلّی کربلا چنین گفته است: «این بازارها مملو از سبزیجات، میوه‌های مختلف، انواع خرما و هم‌چنین بادام و گردو هستند».(۲۷۰) بازارهای کربلاـ با تقسیم‌بندی خاصّی که داشته، هر قسمت به کالای معینی اختصاص می‌یافت. این تقسیم‌بندی و تنوع یکی از ویژگی‌های بارز بازارهای اسلامی بوده است. بازارهای قدیمی شهر کربلا هم‌چون موزه های مردمی و اسلامی هستند که به ندرت می‌توان نمونه آنها را در شهرهای دیگر یافت.(۲۷۱) در داخل و مقابل بازارها نیز خانه‌های قدیمی و زیبا، حرمهای کوچک، بازارچه ها و کاروانسرا های بسیاری وجود داشتند که یکی از اماکن مهم

تاریخی این شهر به شمار می‌آمدند. بازارهای کربلا، از مظاهر مهم معماری و یکی از نیازهای ضروری مردم این شهر بودند که ویژگی‌های خاص و تکامل و گسترش معماری آنها، در گسترش شهر نیز نقش عمده‌ای داشته است. این بازارهای قدیمی علاوه بر آنکه در بعد اقتصادی زندگی مردم مؤثر بوده، در زندگی اجتماعی و سیاسی آنها نیز تأثیر بسزایی داشته‌اند، زیرا بخش‌های مختلف جامعه با فعّالیّت در این بازارها، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند.(۲۷۲) از طرف دیگر، چون ساکنان این شهر، کالاها و خدمات مختلفی را با ساکنان مناطق روستایی و ییلاقی اطراف مبادله می‌کردند، این بازارها در گسترش شهر و ارتباط با قسمت‌های هم جوار نیز نقش عمده‌ای ایفا می‌کردند. بازارهای شهر کربلا و به طور کلّی بازارهای عراق، در زمان تأسیس شهر بنا شده، سبب از بین رفتن بسیاری از مشکلات عمرانی و مسکونی آن دوره شدند.(۲۷۳) این بازارها از لحاظ معماری و ساخت، با بازارهای سایر شهرهای عربی و اسلامی تفاوت زیادی نداشتند، زیرا شرایط محیطی و آب و هوایی مشابهی که بر این شهرها حاکم بود، بازارهای مخصوص خود را می‌طلبید. این بازارها تنگ و تقریباً مستقیم بوده و در دو طرف آنها مغازه‌های مختلف قرار داشتند. بیشتر آنها نیز سرپوشیده بودند تا از باران، آفتاب و باد در امان بمانند.(۲۷۴) در ساخت این بازارهای قدیمی و بازارچه ها، اصول اساسی مراعات شده بود. برای مثال، نور کافی با کمترین حرارت ممکن، در این بازارها وجود داشت. تهویه بازارها نیز به راحتی صورت می‌گرفت. هم‌چنین ساخت این بازارها به گونه‌ای بوده است که حرکت عابران و وسایل نقلیه‌ای که در آن زمان مورد استفاده قرار می‌گرفتند به راحتی امکان‌پذیر باشد.(۲۷۵) یکی دیگر از ویژگی‌های بازارهای قدیمی شهر کربلا، معماری ساده آن به خصوص طاق ها و سقف های آجری محکم، نمای بیرونی بازار و معماری محلّی و داخلی آنها بوده است. عدم توجّه کافی به این بازارهای تاریخی و بی‌دقّتی در محافظت و بازسازی آنها، سبب شد که این بازارها بسیاری از خصوصیّات و ویژگی‌های زمان تأسیس خود را از دست بدهند. سقف های آجری محکم آنها نیز جای خود را به سقف های چوبی که با صفحه های فلزی پوشیده شده‌اند، دادند.(۲۷۶) از دهه ۷۰ قرن گذشته نیز، به دلیل تأسیس خیابان‌های جدید و ویرانی‌های شهر، بسیاری از بازارهای تاریخی و قدیمی هم‌چون بازار تجار، بازار حسین‌علیه السلام، بازار عباس‌علیه السلام، بازار باب القبله و ... از بین رفتند. امّا تعدادی از بازارهای مرکزی و قدیمی هنوز در شهر کربلا وجود دارند که آنها نیز به دلیل بازسازی‌های غیر اصولی معماری، بعضی از ویژگی‌های تاریخی به ویژه سقف های خود را از دست داده‌اند. بازار عرب، بازار میدان، بازار مخیم و بازار باب السلالمهٔ نمونه‌هایی از این بازارها هستند. بازار تجّار، بازار عباس‌علیه السلام و بازار حسین‌علیه السلام از جمله بازار هایی بودند که به دست عضد الدوله بویهی در سال ۳۶۹ هجری (۹۸۰ م) ساخته شدند. وی ابتدا صحن کوچکی ساخت که به صحن حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام متّصل می‌شد و سپس بازاری بنا کرد که از درب صحن کوچک شروع می‌شد و به سمت شمال ادامه می‌یافت. وسط این بازار به سمت شرق منشعب و به حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام منتهی می‌شد. این بازار که از قدیمی‌ترین بازارهای کربلاـ به شمار می‌رفت تا چند سال اخیر هم‌چنان باقی مانده بود. این بازار سه طبقه و چندین‌بار مورد بازسازی قرار گرفت. اوّلین بار در سال ۸۵۸ هجری (۱۴۵۴ م) توسط مشعشعیان بازسازی شد. در آن زمان این بازار به بازار سیّد الشهداعلیه السلام و بین الحرمین معروف بود. بازار تجار نیز بازار عجم نامیده می‌شد، زیرا به دست پادشاه عجمی یعنی عضد الدوله بویهی ساخته شده بود. در دوره ملکی و تقریباً در سال ۱۳۵۴ هجری (۱۹۳۵ م) به دلیل ساخت خیابان امام علی‌علیه السلام که خیابان فیصل نامیده می‌شد، این بازار به دو قسمت تقسیم شد. قسمت اوّل خیابان که رو به شمال بود، بازار حسین‌علیه السلام و قسمت غربی آن، بازار تجّار نام گرفت. بازار تجّار مخصوص فروش پارچه های مختلف بود. قسمتی از آن در سال ۱۹۷۸ میلادی و بقیه در سال ۱۹۹۱ میلادی نابود شد و از بین رفت. در بازار عباس‌علیه السلام نیز دکان های مخصوص ساخت و فروش طلا و نقره وجود داشتند. این بازار در امتداد بازار تجّار قرار داشت و خیابان امام علی‌علیه السلام بین این دو بازار فاصله می‌انداخت. بازار عباس‌علیه السلام نیز در سال ۱۹۹۱ میلادی در معرض نابودی قرار گرفت. بازار حسین‌علیه السلام از مقابل باب الکرامه، یکی از درهای حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام آغاز و به خیابان صاحب‌الزمان‌علیه

السلام منتهی می‌شد. در ابتدای این بازار، مغازه‌های مخصوص فروش اجناس لوکس و تزئینی وجود داشتند، امّا در وسط و انتهای آن، بازارچه ها و مغازه هایی به چشم می‌خوردند که انواع مختلف کالاها و اجناس در آنها به فروش می‌رسید. این بازار نیز در سال ۱۹۹۱ میلادی از بین رفت.(۲۷۷) بازارهای «عرب»، «میدان» و «علاوی» در دوره عثمانی و تقریباً در سال ۱۰۵۲ هجری (۱۶۴۲ م)، بعد از آنکه احمد آقا، عهده‌دار اداره شهر شد و ساختمان شهرداری را در مکان قدیمی میدان بنا کرد، ساخته شدند. وی تلاش کرد که در اطراف ساختمان شهرداری، بازارهای مختلفی ایجاد کند. از این رو، در قسمت شرقی آن بازاری ساخت که بعدها به بازار علاوی معروف شد و به خیابان صفارین منتهی می‌شد. در شمال آن نیز بازاری به نام بازار میدان ساخته شد. این بازار به دو قسمت تقسیم می‌شد. یک قسمت آن به صحن حسین‌علیه السلام متّصل می‌شد که پس از افتتاح خیابان امام علی‌علیه السلام بازار عرب نام گرفت. قسمت دیگر آن نیز به میدان علی‌اکبر علیه السلام منتهی می‌شد که به بازار صفارین معروف شد. بازار عرب، مخصوص فروش پارچه های مختلف بود و به دلیل آنکه اعراب بادیه‌نشین برای خرید پارچه و لباس‌های مورد نیاز خود از صحرا به این بازار می‌آمدند، به بازار عرب معروف شد. امروزه نیز قسمتی از این بازار هم‌چنان باقی مانده است. امّا بازار میدان مخصوص فروش میوه، سبزی، گوشت و ... بود. در بازار علاوی برنج، حبوبات و آرد به فروش می‌رسید. بازار نعلجیه نیز که در دوره عثمانی ساخته شد، موازی با بازار عرب بود و به خیابان امام علی‌علیه السلام منتهی می‌شد. این بازار یکی از بازارهای محلّی و مخصوص ساخت و فروش کفش و نعلین بود و به همین دلیل، نعلجیه نام گرفت. بازارهای قدیمی دیگری نیز در شهر کربلا وجود داشتند که تعدادی از آنها، هنوز در مکان‌های قدیمی خود قرار دارند، امّا بخشی دیگر از این بازارها، به دلیل از بین رفتن مکان‌های قدیمی شان، به مکان‌های دیگری منتقل شدند. بازار سراجین، بازار خیاطین، بازار حیاک، بازار باب السلالمه، بازار مخیم، بازار باب الخان و بازار صفارین نمونه‌هایی از این بازارها هستند.(۲۷۸)

بازارچه ها

کلمه بازارچه از «رومان‌ها» که در شمال افریقا حکمرانی می‌کردند گرفته شده است. تقریباً در هر شهری بازار بزرگی وجود داشت که به آن «قیصریه» یا بازارچه که برگرفته از نام قیصر بود، می‌گفتند. بازارچه، ساختمانی بود که مغازه‌های مختلفی در آن قرار داشتند. این ساختمان در مراکز شهرها ساخته می‌شد و رومان‌ها برای فروش کالاهایی که به عنوان مالیات از تاجران می‌گرفتند، از آنها استفاده می‌کردند.(۲۷۹) در بعضی از منابع تاریخی آمده است که پادشاهان روس، مجتمع‌های تجاری را در شهرهای مختلف و مناطق ماوراءالنهر بنا کردند که به بعضی از آنها قیصریات گفته می‌شد. به دلیل روابط تجاری عراق با این مناطق و تبادل کالاهای مختلف با آنها، مشابه این مجتمع ها در عراق نیز ساخته و قیصاریات نامیده شد که در فارسی به معنای بازارچه هاست.(۲۸۰) شهر کربلا دارای بازارچه های بسیاری بوده است که در داخل بعضی از بازارهای اصلی مرکز شهر قرار داشتند. این بازارچه ها، از جمله بناهای قدیمی بوده که شکل معماری شان، شبیه کاروانسرا ها امّا کاربرد شان متفاوت بوده است. بازارچه ها، از مهم‌ترین بناهای تاریخی و یکی از نیازهای ضروری شهر کربلا به شمار می‌آمده و به دلیل آنکه کالاها و اجناس داخلی و وارداتی را در خود جای می‌دادند، در گسترش این شهر سهم بسزایی داشته‌اند.(۲۸۱) بازارچه های شهر کربلا و سایر شهرهای عراق، ساختمان هایی به شکل مربع یا مستطیل بودند و اکثر آنها در پشت مغازه‌های تجاری بازارهای مرکزی، قرار داشتند. اکثر این بازارچه ها دو طبقه داشتند: طبقه همکف شامل یک سالن وسیع بود و سقف آن سطح طبقه اوّل را پوشش می‌داد. در اطراف این سالن مغازه‌های مختلف قرار داشتند که درب آنها به سمت سالن باز می‌شدند. هر کدام از این مغازه‌ها اجناس تجاری مخصوصی را به معرض فروش می‌گذاشتند. طاق های نوک تیز و دایره شکلی که از آجر و گچ ساخته می‌شدند نیز بر سر بعضی از این مغازه‌ها به چشم می‌خوردند. طبقه اوّل نیز که از اتاق‌های مختلف تشکیل شده بود، دفاتر تجاری، انبارها و کارگاههای سنّتی و محلّی کفش دوزی،

خیاطی و صحّافی را در خود جای می‌داد. در مقابل این اتاق‌ها، راهروی وجود داشت که به سالن طبقه همکف مشرف بود. بعضی از بازارچه ها فقط دارای طبقه همکف و متعلّق به یک نفر بودند. در غرفه های آنها نیز، اجناس متنوع و مختلف دیده می‌شد. درب های ورودی بازارچه ها مستقیماً به سمت بازار باز می‌شدند و جلو آنها درب های چوبی محکمی قرار داشت که در طول شب بسته بودند. در ساخت بازارچه ها از مصالح محلّی هم‌چون آجر و گچ استفاده می‌کردند. بعضی از بازارچه ها دارای سقف های آجری گنبدی شکل و بعضی دیگر سقف های چوبی داشتند که صفحه هایی فلزی روی آنها قرار گرفته بودند. نور و تهویه داخلی این بازارچه ها نیز از طریق شکاف‌های اطراف سقف و هم‌چنین از طریق ورودی های اصلی تأمین می‌شد.(۲۸۲) به دلیل محافظت نکردن از این بازارچه ها و بی‌توجّهی به امر بازسازی، بسیاری از آنها در خلال سال‌های گذشته از بین رفتند. از مشهورترین بازارچه هایی که در شهر کربلاـ وجود داشتند می‌توان به بازارچه های اخباریه، ابو معاش، رضا صحّاف، حاج علی وکیل، حاج کاظم، حاج مهدی عطّار، حسن نصراللّه، حاج حسون طابور غاسی، شیخ الشریعه، حسان شعیب و ... اشاره کرد.(۲۸۳)

کاروانسرا ها

کاروانسرا ها

کاروانسرا ها مکان‌هایی بودند که برای اقامت مسافران، کاروان‌های تاجران و حجاج در نظر گرفته بودند و به آنها اختصاص می‌دادند. به دلیل گسترش فعّالیّت‌های تجاری در داخل و خارج حکومت اسلامی، ساخت این کاروانسرا ها در دوره‌های اسلامی پیشرفت چشمگیری یافت و علاوه بر ساختن کاروانسرا های بین راهی برای کاروان‌ها، کاروانسرا های کوچک‌تری نیز در داخل شهرها تأسیس شدند.(۲۸۴) در کتاب «لسان العرب» نوشته «ابن منظور» و هم‌چنین لغت‌نامه علی‌اکبر دهخدا در ذیل کلمه «خان» که عرب‌ها به جای واژه کاروانسرا از آن استفاده می‌کنند، آمده است: «خان» یک کلمه فارسی و معرّب کاروانسرا بوده و به معنای منزل و اقامتگاه کاروان هاست.(۲۸۵) در زبان‌های شرقی رایج، به مغازه، کاروانسرا می‌گفتند، امّا اصل این کلمه آرامی بوده و به معنای دکان، دفاتر تجاری یا انبار کالاست. این کلمه به تدریج معانی گسترده‌تری پیدا کرد و حتّی به هتل هایی که داخل شهرها ساخته می‌شدند نیز اطلاق شد. بر روی خطوط ارتباطی قدیم که شهرها را به هم متّصل می‌ساخت، بناهایی وجود داشت که به آنها نیز کاروانسرا می‌گفتند.(۲۸۶) در قرن هفتم هجری، ساخت کاروانسرا ها در عراق بسیار گسترش یافت و کاروانسرا های زیادی در داخل شهرها یا خارج از آنها در بین راه مسافران و کاروان‌های تجاری ساخته شدند. کاروانسرایی که بین شهرهای «موصل» و «سنجار» وجود دارد، نمونه‌ای از کاروانسرا های این قرن است. والی علاء الدین نیز قبل از سال ۶۸۱ هجری (۱۲۸۳ م)، کاروانسرایی در بغداد ساخت که امروزه به کاروانسرای دفتردار معروف است. این کاروانسرا در باب الغربه ساحل رود دجله (رودخانه خان التمر) واقع شده است.(۲۸۷) در قرن هشتم هجری در دوره امین الدین مرجان که در آن زمان والی بغداد بود، به دستور سلطان جلائری، اویس بن شیخ حسن، کاروانسرای مرجان در شهر بغداد ساخته شد که تا امروز نیز باقی مانده است.(۲۸۸) درباره کاروانسرا هایی که ویژه کاروان‌ها بودند، در بعضی از منابع تاریخی چنین آمده است: «این کاروانسرا ها در دوره‌های صفوی و عثمانی و در قرن‌های دهم و یازدهم هجری (قرون ۱۶ و ۱۷ م) یا بعد از آن، انتشار پیدا کردند».(۲۸۹) در داخل و اطراف شهر کربلاـ نیز کاروانسرا های بسیاری وجود داشتند. در مسیر کاروان‌های تجاری و حجاج نیز کاروانسرا هایی ساخته شدند که از مشهورترین کاروانسرا های عراق به شمار می‌آمدند. کاروانسرا های کربلا به سه دسته تقسیم می‌شدند: ۱. کاروانسرا هایی که در مرکز شهر و در نزدیکی بازارها قرار داشتند. ۲. کاروانسرا هایی که در اطراف شهر واقع شده بودند. ۳. کاروانسرا هایی که در مسیر کاروان‌های تجاری و حجاج قرار گرفته بودند و به همین دلیل، «کاروانسرا های ویژه کاروان‌ها» نامیده می‌شدند.(۲۹۰)

۱. کاروانسرا های داخل شهر

بیشتر کاروانسرا های داخل شهر در نزدیکی بازارها قرار داشتند. به همین دلیل، به راحتی می‌شد میزان تأثیر تجارت را در شهر ارزیابی کرد. هریک از این کاروانسرا ها، به کار خاصّی اختصاص داشتند. بعضی از آنها به عنوان مکانی برای تجارت داخلی و خارجی مورد استفاده قرار می گرفتند و بعضی دیگر محل اقامت و نگهداری کالاها و اجناس تاجران، زائران و مسافرانی بودند که از مناطق دیگر به این شهر می‌آمدند. در حیاط این کاروانسرا ها نیز، اجناس به معرض فروش و نمایش گذاشته می‌شدند.(۲۹۱) کاروانسرا هایی که در داخل شهر کربلا قرار داشتند به دلیل زیبایی و معماری بی‌نظیر شان امروزه، از جمله بناهای تاریخی این شهر به شمار می‌آیند. این کاروانسرا ها معمولاً دو طبقه و دارای حیاط وسیعی بودند که در وسط کاروانسرا قرار داشت. طبقه همکف از تعدادی اتاق که دور تا دور حیاط قرار می گرفتند، تشکیل می‌شد. در جلو اتاق‌ها نیز راهرو یا رواقی وجود داشت که بین اتاق‌ها و حیاط فاصله می‌انداخت. سقف این رواق‌ها با طاق های نوک تیز یا دایره شکلی که از آجر و گچ ساخته می‌شدند، تزئین شده بودند. از اتاق‌های این طبقه معمولاً به عنوان انباری برای نگهداری کالاهای تاجران استفاده می کردند. از حیاط نیز برای نشستن تاجران و مسافران و هم‌چنین برای بستن حیوانات استفاده می‌شد. طبقه اوّل شامل اتاق‌های متعددی بود که محل اسکان، استراحت و خواب تاجران و زائران به شمار می‌آمدند. درب این اتاق‌ها به سمت یک راهرو دراز باز می‌شد. این راهروی به شکل یک رواق و از چهار جهت مُشرِف به حیاط بود. در زیر سقف این رواق نیز، ستون‌های چوبی قرار داشتند که در بالای آنها کلاهک های تزئینی و زیبا دیده می‌شدند. در سقف رواق نیز طاق های نوک تیز یا دایره‌ای شکل شبیه طاق های رواق های طبقه همکف وجود داشت. در ساخت طبقه اوّل از مصالحی که معمولاً سبک تر از مصالح طبقه همکف بودند استفاده می کردند تا بدین وسیله از فشار و سنگینی وارد بر طبقه همکف بکاهند. گاهی با استفاده از سقف های موقّتی، حیاط را سرپوشیده می کردند تا فضای بیشتری برای نگهداری کالاها فراهم شود. نور خورشید نیز از کناره‌های این سقف‌ها به فضای داخلی حیاط وارد می‌شد. دروازه‌های کاروانسرا ها بلند و محکم بود و معمولاً در طول شب بسته می‌شدند.(۲۹۲) کاروانسرا های موجود در شهر کربلا از لحاظ وسعت و معماری با یکدیگر متفاوت بودند. مهم‌ترین کاروانسرا های شهر کربلا عبارت بودند از: کاروانسرای پاشا، کاروانسرای دهن، کاروانسرای ابن هذال، کاروانسرای عصفور، کاروانسرای حمید، کاروانسرای عبد الامیر شامی، کاروانسرای حاج ابراهیم بارودی، کاروانسرای حاج صالح انباری (کاروانسرای ناصر دو رگی کنونی)، کاروانسرای محمّد شیخ علی، کاروانسرای حاج عباس وکیل، کاروانسرای نقیب، کاروانسرای محمّد رشید صافی چلبی، کاروانسرای احمد الگمبر، کاروانسرای حاج هادی دخیل، کاروانسرای حاج احمد وشاح، کاروانسرای عبدالرزاق گلگاوی، کاروانسرای نوّاب، کاروانسرای حاج عبد الأمیر اودگه، کاروانسرای مهدی هندی، کاروانسرای مهدی صالح عوید، کاروانسرای دباغیه و (... ۲۹۳) بسیاری از کاروانسرا های شهر کربلاـ در دوره‌های تاریخی مختلف و به خصوص در سال‌های اخیر در معرض نابودی قرار گرفتند. بعضی از آنها نیز ویژگی‌های تاریخی خود را به سبب تغییرات عمرانی و معماری، از دست دادند.

۲. کاروانسرا های اطراف شهر

کاروانسرا هایی که در اطراف شهر قرار داشتند از لحاظ میزان خدمات ارائه دهنده، وسعت، موقعیّت مکانی و وسایل نقلیه‌ای که استفاده می کردند، با کاروانسرا های داخل شهر و هم‌چنین با کاروانسرا های ویژه کاروان‌ها متفاوت بودند.(۲۹۴) امّا این کاروانسرا ها از لحاظ معماری، مشابه کاروانسرا های داخل شهر و هم‌چنین کاروانسرا های ویژه کاروان‌ها بودند. در وسط این کاروانسرا ها، نیز یک حیاط بزرگ قرار داشت که اتاق‌ها در اطراف آن واقع می‌شدند. این کاروانسرا ها هم‌چنین دارای دیوارها و دروازه‌های بلند و محکم بودند. بنای این کاروانسرا ها دارای طاق و گنبد بود و در ساخت آنها از مصالح محلّی هم‌چون آجر و گچ استفاده

می کردند.

۳. کاروانسرا های ویژه کاروان‌ها

این کاروانسرا ها که نشان دهنده معماری اصیل عراق هستند، در دوره‌های صفوی و عثمانی در کربلا و به طور کلی در عراق، از اهمیّت بسزایی برخوردار بودند و به دلیل عدم امنیّت راه‌ها و هم‌چنین رفت و آمد پی‌درپی تاجران و حجاج از شهرهای عراق، پناهگاه امن و محل استراحتی برای کاروان‌ها و مسافران به شمار می‌آمدند و اکثر آنها در مسیر بغداد، کربلاـ و نجف قرار داشتند.(۲۹۵) کاروانسرا های ویژه کاروان‌ها از مهم‌ترین آثار معماری اسلامی در شهر کربلا هستند. این شهر دارای جایگاه مذهبی ویژه‌ای است و قبلاًـ در مسیر کاروان‌های تجاری و حجاجی که از مناطق مختلف عراق، ایران، ترکیه و آسیای میانه به این شهر می‌آمدند، قرار داشت. به همین دلیل، کاروانسرا هایی برای این کاروان‌ها در مسیرهای بیرونی و اصلی شهر احداث شدند. کاروانسرا های ویژه کاروان‌ها از لحاظ معماری و عمرانی بسیار شبیه هم بودند. همه آنها از آجر و گچ ساخته شده و به شکل مربع یا مستطیل بوده‌اند. در وسط این کاروانسرا ها نیز حیاط بزرگی قرار داشت که اتاق‌ها در اطراف آن واقع می‌شدند و آن را احاطه می‌کردند. در جلو اتاق‌ها نیز ایوان ها یا رواق هایی که سقف آنها با طاق های نوک تیز یا دایره شکل تزئین شده بودند، قرار داشتند. معمولاًـ چاه آبی نیز در وسط حیاط قرار داشت که آب ساکنان کاروانسرا را تأمین می‌کرد. در اطراف چاه سکویی بلند وجود داشت که برای خواندن نماز از آن استفاده می‌کردند. اتاق‌های کاروانسرا ها مکان خواب و استراحت تاجران، مسافران، حجاج و زائران بود. حیاط آن نیز برای به فروش و نمایش گذاشتن کالاها و هم‌چنین بستن حیوانات از قبیل شترها و اسب‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. از دیگر ویژگی‌های این کاروانسرا ها می‌توان به وسعت و دیوارهای بلند آن که از چهار جهت با برج های محکم شده بودند، اشاره کرد. در قسمت‌های بالایی این برج ها نیز سوراخ هایی تعبیه شده بودند که هنگام تیراندازی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و بدین ترتیب، کاروانسرا از حمله دزدان در امان می‌ماند. این کاروانسرا ها ورودی ها و درب های محکمی داشتند که در طول شب بسته می‌شدند. در بالای این ورودی ها نیز اتاق‌های زیبایی که با گنبدهای کوچک تزئین شده بودند قرار داشتند. این اتاق‌ها به مسافران مهم و برجسته اختصاص داده می‌شدند. در ساخت این کاروانسرا ها از شیوه‌های معماری سنّتی و هم‌چنین مصالح محلّی هم‌چون آجر و سنگ استفاده می‌شد. از این رو، همه این کاروانسرا ها دارای طاق ها و گنبدهای زیبایی بودند.(۲۹۶) بی‌توجّهی به نگهداری این کاروانسرا ها و هم‌چنین حوادث طبیعی سبب نابودی بسیاری از این کاروانسرا ها شد. بازسازی‌های غیر اصولی نیز تغییراتی در بعضی از این کاروانسرا ها ایجاد کرد که موجب شد آثار و نشانه‌های اصیل معماری آنها از بین برود. از مهم‌ترین کاروانسرا های شهر کربلا که به کاروان‌ها اختصاص داشتند می‌توان به عطیشی، نخیله و عطشان اشاره کرد.

– کاروانسرای عطیشی

این کاروانسرا یکی از مهم‌ترین کاروانسرا های عراق بود و در منطقه عطیشی از توابع ناحیه حسینی ساخته شد. این کاروانسرا که در شمال شرقی شهر کربلا و در مسیر قدیم بغداد کربلا قرار داشت، در سال‌های اخیر به پایگاه پلیس عطیشی تبدیل شده بود، امّا در حال حاضر بسیاری از دیوارها و اتاق‌های آن، به خصوص رواق های جلو از بین رفته و نابود شده‌اند.(۲۹۷) معماری و ساخت این کاروانسرا، شبیه معماری کاروانسرا هایی بوده است که در آن زمان در خارج از شهر ساخته می‌شدند. این کاروانسرا به شکل مستطیلی به طول ۶۵ متر و عرض ۵۱ متر، با دیوارهای بیرونی به ارتفاع حدود ۵ متر و ضخامت یک متر بوده است. در قسمت بالای دیوارهای بیرونی آن سوراخ هایی قرار داشتند که برای دفاع و محافظت کاروانسرا از دزدان مورد استفاده قرار می‌گرفتند. پایه‌های بیرونی کاروانسرا نیز با برج های بزرگی که شعاع هریک از آنها به ۵/۴ متر می‌رسید، محکم شده بودند. در وسط قسمت جنوب

غربی این کاروانسرا، یک درب ورودی قرار داشت که حدود سه متر ارتفاع و دو متر عرض داشت. در بالای آن نیز، طاق بزرگ نوک تیزی قرار گرفته بود. در وسط کاروانسرای عطیشی حیاط بزرگی به طول ۵۰ متر و عرض ۳۵ متر قرار داشت که اتاق‌های کاروانسرا در اطراف آن واقع شده بودند. در جلوی اتاق‌ها نیز، ایوان هایی که با طاق های نوک تیز تزئین شده و دارای اندازه‌های متفاوت بودند، دیده می‌شدند. سقف اتاق‌ها و ایوان های آن نیز دارای گنبدهای نوک تیز بود. ساخت این نوع سقف‌ها در دوره عثمانی و در بناهای مذهبی و شهری عراق بسیار رایج بوده است. گنبد برج ها نیز به شکل نیم دایره بود و روی یک سطح استوانه‌ای قرار داشت. برای ساخت این گنبدها، آجر و گچ را به شکل دایره در کنار هم قرار می‌دادند. در دوره‌های اسلامی نیز در مرکز و جنوب عراق از این شیوه برای ساخت گنبد بناها استفاده می‌کردند. نمای بیرونی ورودی اصلی کاروانسرا نیز، با تزئینات آجری تو در تو به شکل حصیر، تزئین شده بود. در ساخت کاروانسرای عطیشی از مصالح محلّی هم‌چون آجر و گچ نیز استفاده شده است.(۲۹۸)

– کاروانسرای نخیله

این کاروانسرا که در ۱۴ کیلومتری جنوب غربی کربلاـ ساخته شد، یکی از مهم‌ترین کاروانسرا های مسیر کربلا نجف به شمار می‌آمد. در این مسیر، کاروانسرا های حماد و مصلی نیز قرار داشتند. تاریخ ساخت کاروانسرای نخیله و سایر کاروانسرا های مسیر کربلا نجف به دوره‌های صفوی و عثمانی برمی‌گردد. کاروانسرای نخیله از لحاظ معماری با کاروانسرا های دیگری که در راه‌های بیرونی شهر واقع شده بودند، مشابه بوده است؛ زیرا همه آنها دارای یک حیاط وسیع بودند که تعدادی اتاق در اطراف آن ساخته می‌شد. در جلو اتاق‌ها نیز ایوان هایی قرار داشتند که در سقف آنها، طاق های نوک تیز دیده می‌شدند. از ویژگی‌های منحصر به فرد این کاروانسرا می‌توان به دیوارهای بلند و ورودی دو طبقه آن اشاره کرد که دروازه بسیار بزرگی در وسط آن قرار داشت. در سقف اتاق‌ها و ایوان های این کاروانسرا گنبدهای نوک تیز دیده می‌شدند. در ساخت این کاروانسرا نیز از آجر و گچ استفاده شده است.(۲۹۹)

– کاروانسرای عطشان

این کاروانسرا در منطقه‌ای بین کربلا و نجف در ۱۶ کیلومتری غربی کاروانسرای نخیله و در ۳۰ کیلومتری جنوب غربی شهر کربلا ساخته شد. تاریخ ساخت این بنا، به آغاز دوره عباسی برمی‌گردد که قلعه مشهور اخیضر نیز در آن زمان ساخته شد. از شکل معماری این کاروانسرا می‌توان دریافت که این مکان فقط محل استراحت والی منطقه اخیضر در سفر هایش به کوفه بوده است. امّا به نظر می‌رسد که نامگذاری این بنا به کاروانسرا، به دلیل آن بوده است که در دوره‌های بعد، مسافران و کاروان‌های تجاری در آنجا اقامت میگزیدند.(۳۰۰) بعضی از منابع تاریخی کاروانسرای عطشان را از جمله بناهای مربوط به دوره صفوی دانسته‌اند. این منابع دلیل این مسأله را وجود تل مزعر در نزدیکی این مکان ذکر کرده‌اند. این تل مکانی بوده است که کاروان‌های تاجران، زائران و مسافران برای دیدن گنبد حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام در دوره صفوی روی آن می‌ایستادند. آثاری از این کاروانسرا تا امروز نیز باقی مانده است.(۳۰۱)

حمّام های عمومی

حمّام های عمومی که در دوره‌های اسلامی در عراق بسیار مورد توجّه قرار گرفتند، از بناهای تمدّنی پدید آمده در قرن اوّل هجری هستند. این حمّامها در قسمت‌های مختلف شهرهای عراق، به ویژه در محلّه‌های قدیمی ساخته شدند.(۳۰۲) بعضی از منابع تاریخی،

زمان ساخت حمّام های اولیه را بلافاصله بعد از فتوحات اسلامی ذکر کرده و معتقدند اوّلین حمّام عربی اسلامی در شهر کوفه کشف شد. کوفه دومین شهر اسلامی به شمار می‌آید که در سال ۱۷ هجری (۶۳۸ م) در عراق ساخته شد. در این منابع آمده است که این حمّام در زمان ساخت دارالاماره و در قسمت شمال غربی آن، بنا شد.(۳۰۳) از طریق کاوش های باستانی حمّام دیگری به نام «قصر الشعیبه» نیز در نزدیکی بصره و در جنوب عراق کشف شد.(۳۰۴) در داخل قصر مشهور اخیضر که اوایل دوره عباسی در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی کربلاـ ساخته شد، نیز حمامی وجود دارد که نقشه آن تا حد زیادی به حمّام های دوره اسلامی شبیه است. قسمت‌های مختلف این حمّام از لحاظ درجه حرارت با یکدیگر متفاوت است و توسط راهرو هایی به هم مرتبط می‌شود. دیوارهای این حمّام نیز از آجر و آهک ساخته شده است.(۳۰۵) منابع تاریخی تعداد حمّام های شهر بغداد را در نیمه اوّل قرن چهارم هجری، بیش از ده هزار حمّام ذکر کرده‌اند، امّا به تدریج از تعداد این حمّامها کاسته شد و فقط دوهزار حمّام در قرن ششم هجری باقی ماندند.(۳۰۶) «ابن بطوطه» بعد از سفر به عراق، درباره حمّام های بغداد چنین گفت: «در بغداد حمّام های زیبای بسیار وجود دارند. این حمّامها به قسمت‌های مختلفی تقسیم شده و زمین و پایین دیوارهای آنها، با قیر سیاه پوشانده شده‌اند تا از نفوذ آب و رطوبت به قسمت‌های بالای دیوار جلوگیری به عمل آید. بالای دیوارها نیز با گچ خالص، سفید شده‌اند. در هر قسمت این حمّامها، دو لوله آب یکی برای آب سرد و دیگری برای آب گرم وجود دارد.)(۳۰۷) در دوره‌های اسلامی ساخت حمّامها گسترش پیدا کرد. در آن زمان مرسوم نبود که مردم در خانه‌های خود حمّام کنند و حمّام فقط در خانه‌های حاکمان، والیان و ثروتمندان دیده می‌شد. به همین دلیل، حمّام های عمومی ساخته شد و اقشار مختلف مردم، از این حمّامها استفاده می‌کردند. مسلمانان نیز به دلایل مذهبی و بهداشتی، به ساخت حمّام های عمومی توجّه بسیار می‌ورزیدند، زیرا این حمّامها برای طهارت، غسل و آمادگی برای عبادت وسیله‌ای ضروری به شمار می‌آمدند. این مسأله تأثیر عمده‌ای در ساخت حمّام های عمومی گذاشت و حمّام های زنانه نیز در کنار حمّام های مردانه ساخته شدند.(۳۰۸) حمّام های محلّی شهر کربلاـ در واقع، مکانی برای زندگی اجتماعی مردم به شمار می‌آمد و در مناسبت‌های مختلف در آنجا جمع می‌شدند. برای مثال، داماد قبل از شب زفاف به حمّام می‌رفت، هم‌چنین از این حمّامها به عنوان سالن آرایش زنان استفاده می‌شد. این حمّام های محلّی، مکان بهداشتی برای درمان و مداوای بیماران نیز به شمار می‌آمدند.(۳۰۹) عمانوئیل فتح اللّه عمانوئیل، روزنامه‌نگار، بعد از دیدار از شهر کربلا در سال ۱۳۲۹ هجری (۱۹۱۱ م)، در نوشته‌های خود به وجود حمّام های بسیار در کربلا اشاره کرده است.(۳۱۰) اصول معماری حمّام های عمومی شهر کربلا تا حدی برگرفته از شیوه‌های فارسی و ترکی بوده است. امّا این حمّامها هم‌چون سایر بناهای این شهر، ویژگی‌های منحصر به فردی نیز داشته‌اند. بری مثال، در ساخت این حمّامها از مصالح محلّی هم‌چون آجر، گچ، آهک و قیر سیاه که مانع انتقال گرما می‌شود، استفاده می‌کردند. در سقف حمّام های کربلا نیز، گنبد و طاق های آجری دیده می‌شدند. دیوارهای این حمّام بسیار ضخیم بود و پنجره‌ها، گنبدها و درهای آنها نیز تزئینات بسیار زیبایی داشتند.(۳۱۱)

ویژگی‌های حمّام های عمومی

حمّام های عمومی کربلا از سه قسمت تشکیل می‌شدند: قسمت اوّل رخت کن: این قسمت مکانی وسیع و شبیه یک سالن بزرگ بود. هوای این قسمت خنک بود و در آن نیمکت هایی از جنس چوب یا سنگ مرمر قرار داشتند. مردم بر روی این نیمکت ها می‌نشستند و لباس هایشان را درمی‌آوردند. در وسط رخت کن، حوض آب کوچکی قرار داشت و فواره آب در آن دیده می‌شد. سقف رخت کن نیز داری یک گنبد دایره شکل بود و بر روی آن شکاف هایی وجود داشت که شیشه‌های رنگی در آنها نصب شده بودند تا بدین وسیله نور وارد رخت کن شود. قسمت دوم: مردم توسط یک راهرو از رخت کن عبور می‌کردند و به حمّام بزرگی که به شکل مربع و اکثراً به شکل دایره بود وارد می‌شدند. در داخل حمّام قسمت‌های مختلفی قرار داشت و هر قسمت شامل

یک حوض کوچک، لوله آب سرد و گرم و دوش بود. در سقف اکثر حمّامها، یک گنبد بزرگ یا گنبدهای کوچک‌تر دایره شکل قرار داشتند که شکاف‌های کوچکی در قسمت‌های مختلف آنها ایجاد کرده و شیشه‌های رنگی در آنها نصب می‌کردند تا از این طریق نور، وارد حمّام شود. کف حمّام نیز با سرامیک و هم‌چنین یک لایه قیر سیاه، پوشانده می‌شد. کف بعضی حمّامها را نیز با سنگ برّاق می‌پوشاندند. دیوارهای حمّام تقریباً تا ارتفاع ۵/۱ متر با قیر سیاه، قیر کاری می‌شدند. بالای دیوارها را نیز با گچ سفید خالص، گچ‌کاری می‌کردند. قسمت سوم: خزینه یا اتاق گرما/اتاق بخار: این قسمت شامل اتاقی بود که در وسط آن حوض بزرگی از آب داغ قرار داشت. گاهی این حوض آب داغ را در داخل حمّام قرار می‌دادند. در بعضی از حمّامها نیز بیش از یک حوض آب داغ وجود داشت. حمّام های عمومی کربلا به وسیله آتشدان هایی که در زبان محلّی به آن کوره می‌گفتند گرم می‌شدند. کوره در زیرزمین حمّام قرار داشت و آن را به وسیله هیزم روشن و شعله‌ور می‌کردند. آب حمّام نیز در انبارهای (خزینه های) بزرگی که در کنار حمّام قرار داشت، گرم می‌شد. در قدیم از سرگین خشک اسب، الاغ یا قاطر به عنوان سوخت استفاده می‌کردند.(۳۱۲) این حمّام های عمومی تأثیرات منفی نیز بر محیط اطراف خود می‌گذاشتند. از آنجا که مکان مناسبی برای فاضلاب های حمّام وجود نداشت، آنها را به چاه‌های مصنوعی که خود می‌ساختند هدایت می‌کردند. این امر سبب افزایش میزان آب‌های زیرزمینی در ساختمان‌های اطراف حمّامها می‌شد. در بعضی از حمّامها، هم‌چون حمّام مالح، فاضلاب‌ها را به قنات های کوچک و سرپوشیده می‌ریختند.(۳۱۳) با وجود آنکه اکثر حمّام های عمومی کربلا به دلیل عدم محافظت و تعمیر از بین رفته، تعدادی از آنها هم‌چنان باقی مانده‌اند. برخی از این حمّامها نیز به دلیل توسعه خیابان‌ها و خرابی‌های شهر در سال (۱۹۷۷ م)، ویران شدند.

مهم‌ترین و مشهورترین حمّام های محلّی و قدیمی شهر کربلا

– حمّام مالح

این حمّام یکی از قدیمی‌ترین و مشهورترین حمّام های عمومی شهر کربلاست که در منطقه باب الطاق واقع شده و امروزه حمّام موسی بن جعفرعلیه السلام نامیده می‌شود. تاریخ ساخت حمّام مالح به قرن دهم هجری برمی‌گردد. در دوره عثمانی، فاضلاب های این حمّام به داخل قنات سرپوشیده ای که سقف آن از آجر و گچ ساخته شده بود می‌ریخت. این قنات در مقابل کرانه غربی رود حسینیه قرار داشت و تا داخل شهر نیز کشیده شده بود.(۳۱۴)

– حمّام کبیس

نام این حمّام از نام قوم کبیسات گرفته شده است. این قوم در محله کبیس که جزیی از محله باب الطاق بوده است، سکونت داشتند. این حمّام در سال ۹۸۹ هجری (۱۵۸۱ م) ساخته شد. خواجه عیسی محمّد افهیمی این حمّام را به یحیی چلپی وقف کرد و تعدادی از بزرگان آل وهاب و آل جلوخان و نیز بعضی از خانواده‌های علویان مسئولیت اداره این حمّام را به عهده گرفتند.

– حمّام رکن الدوله

این حمّام در وسط بازار قبله قرار داشت. شاهزاده علی نقی میرزا رکن الدوله در سال ۱۲۵۵ هجری (۱۸۳۹ م)، این حمّام را بنا کرد و علاّمه محمّد باقر حجّت طباطبایی تولیت آن را به عهده داشت. این حمّام در سال ۱۳۲۸ هجری (۱۹۱۰ م) به دست استاندار کربلا، جلال باشا، افتتاح و هم‌زمان با از بین رفتن بازار قبله، این حمّام نیز ویران شد.

– حمّام قبله

این حمّام در نزدیکی باب القبله، یکی از درهای حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام به دست محمّد علی خان کرمانشاهی در سال ۱۳۰۷ هجری (۱۸۹۰ م) ساخته شد. این حمّام در سال ۱۳۶۷ هجری (۱۹۴۸ م) به دلیل ساخت خیابان حائر حسینی ویران شد.

– حمّام مشروطه

تاریخ ساخت این حمّام که در محله عباسیه شرقی بنا شد، به سال ۱۳۲۸ هجری (۱۹۱۰ م) برمی‌گردد. این حمّام منسوب به حاج آقا نوراللّه اصفهانی، یکی از رهبران مشروطه ایران، بود و شیخ اسماعیل، برادر حاج آقا نوراللّه، مدیریت آن را به عهده داشت. در حال حاضر فرزندان وی مسئولیت اداره این حمّام را به عهده گرفته‌اند.

– حمّام شاخه

این حمّام که در محله عباسیه غربی و بر شاخه‌ای از رود هندیه قرار داشت، توسط حسین عسکر در سال ۱۳۰۹ هجری (۱۸۹۲ م) ساخته شد. در آن زمان حسین السندی شهردار کربلا بود که پس از وی پسرش محمّد علی به این سمت منصوب شد. این حمّام در زمان گسترش خیابان عباس از بین رفت. امّا باقی مانده‌ای از آن، دوباره بازسازی شد که امروزه به حمّام حدیث کربلا معروف است. در کنار این حمّام یک حمّام زنانه نیز، قرار دارد.

– حمّام مخیم

این حمّام یکی از بزرگترین حمّام های شهر کربلا و به حمّام فیروزه معروف بود. این حمّام که در منطقه میدان مخیم، واقع شده است توسط معمار شیرازی مشهور به ضیاء التجّار، در سال ۱۳۱۷ هجری (۱۹۰۰ م) ساخته شد.

– حمّام یهودی

این حمّام در انتهای بازار علاوی و در داخل یک کوچه واقع شده است. در دوره عثمانی و در اوایل قرن نوزدهم میلادی، یهودیان در این کوچه سکونت داشتند. این حمّام به دست یکی از بزرگان مشهور یهود به نام یعقوب شکراللّه ساخته شد.

– حمّام نواب

این حمّام به دست یکی از نمایندگان هندی و در بازار هرج (میدان شهدای کنونی) ساخته شد. در کنار این حمّام، یک حمّام زنانه قرار دارد که ورودی آن در کوچه داماد واقع شده است.

– حمّام سعادت

این حمّام که یکی از حمّام های عمومی و بسیار قدیمی شهر کربلا به شمار می‌آید، در محله باب السلالمه و در کوچه نصاروه واقع شده است. این حمّام که در گذشته به حمّام چاچین معروف بوده است، از سپیدهٔ صبح تا طلوع خورشید به مردان و بعد از آن تا غروب به زنان اختصاص داشت.

– حمّام سعید شروفی

این حمّام که در خیابان وزون قرار دارد به دست سعید مصطفی شروفی در سال ۱۳۴۰ هجری (۱۹۲۲ م) ساخته شد. این حمّام در پارک شراف قرار دارد که معروف به پارک شرف الدین است. در کنار این حمّام نیز، یک حمّام زنانه قرار دارد.

– حمّام بغدادی

این حمّام یکی از حمّام های قدیمی شهر کربلاست که در میدان بلوش (میدان امام علی‌علیه السلام کنونی) واقع شده است. تاریخ ساخت این حمّام به بیش از یک قرن قبل برمی گردد. در کنار این حمّام که متعلّق به آقای مهدی جواد بغدادی بوده است نیز، یک حمّام زنانه قرار دارد. از دیگر حمّام های شهر کربلا می‌توان به حمّام باب الصغیر بغداد، حمّام حاج علی شاه، حمّام حاج غلامرضا وکیل، حمّام تیل خانه، حمّام علقمی، حمّام نینوی و حمّام فردوسی اشاره کرد. تعدادی از این حمّامها در سال‌های اخیر ویران شدند و از بین رفتند.(۳۱۵)

خانه‌های قدیمی

یکی از ویژگی‌های معماری شهر کربلا که در سال ۶۱ هجری (۶۸۰م) ساخته شد، وجود خانه‌های انبوه و بسیار در اطراف حرم مطهّر حضرت امام حسین‌علیه السلام و حضرت عباس‌علیه السلام است. به دلیل رابطه معنوی و روحی که مردم کربلا با این حرم ها برقرار می کردند، تعداد خانه‌هایی که در اطراف این حرم ها ساخته شدند بسیار بیشتر از تعداد خانه‌هایی بودند که در مکان‌های دیگر بنا شدند. اکثر این خانه‌ها به هم چسبیده بودند و در کوچه‌ها و راهروهای پر پیچ و خمی که بعضی از آنها نیز بن‌بست بودند، قرار داشتند. از دلایل انتخاب این نوع معماری برای شهر می‌توان به عمق روابط اجتماعی مردم با یکدیگر و هم‌چنین محافظت از شهر در برابر هجوم و غارت دشمنان یا جلوگیری از گرما و سرمای شدید اشاره کرد.(۳۱۶) خانه‌های قدیمی شهر کربلا دارای خصوصیّات عربی و اسلامی بودند و کاملاً با سنّت‌های اجتماعی مردم آن زمان سازگاری داشتند. «جون وارن» درباره این سنّت‌ها چنین گفته است: «یکی از ویژگی‌های زندگی سنّتی مسلمانان این است که زندگی شخصی آنها با زندگی اجتماعی‌شان و هم‌چنین زندگی مردان آنها با زنان کاملاً متفاوت است».(۳۱۷)

۱. ویژگی‌های اصلیِ معماری خانه‌های قدیمی

۱. ویژگی‌های اصلیِ معماری خانه‌های قدیمی

خانه‌های قدیمی شهر کربلا از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده بودند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

– حیاط خانه

خانه‌های قدیمی شهر کربلا مانند خانه‌های قدیمی سایر شهرهای عراق، خصوصیّات معماری و ساختاری مشابهی داشتند. در نقشه این خانه‌ها، اوّلین چیزی که مورد توجّه قرار می گرفت، حیاط خانه بود و اتاق‌ها، درب ها، راهروها و سایر قسمت‌های خانه در اطراف حیاط ساخته می‌شدند.(۳۱۸) به نظر می‌رسد که خانه‌های قدیمی عراق به تقلید از شیوه‌های معماری دوره بابلی قدیم (دوهزار سال قبل از میلاد) ساخته شده باشند، زیرا در یکی از مناطق شهر باستانی «اور» در جنوب عراق، خانه‌های مسکونی پیدا شده است که در آنها نیز حیاط در وسط خانه قرار دارد.(۳۱۹) حیاط یکی از ویژگی‌های مهمّ معماری خانه‌های قدیمی در شهرهای اسلامی به شمار می‌آمده و یکی از قسمت‌های اساسی خانه‌های عربی و اسلامی بوده است.(۳۲۰) از آنجا که این حیاط ها سر باز و

رو به آسمان بودند، فرد مسلمان احساس می‌کرد که هیچ مانعی بین او و خدای تعالی وجود ندارد و به همین علّت بهترین لحظاتش را در آنجا سپری می‌کرد. با وجود تأثیرات آشکار شیوه‌های معماری فارسی، ترکی و هندی در ساخت خانه‌های کربلا، نقشه اصلی این خانه‌ها در طول دوره‌های مختلف اسلامی، تغییر نکرده و شکل سنّتی خود را که تا حد زیادی برگرفته از «معماری حیری» بوده، حفظ کرده است. منظور از معماری حیری، همان معماری و نوع ساخت خانه‌های شهر «حیره» است که نزدیک کوفه قرار دارد. در معماری حیری که معماری رایج آن زمان بوده است، ابتدا مکان و موقعیّت حیاط که جزء مهم و اصلی خانه به شمار می‌آمد در نقشه خانه مشخص می‌شد و سپس اتاق‌ها و قسمت‌های دیگر خانه در اطراف آن قرار می‌گرفتند. خانه‌های قدیمی که در مرکز و جنوب عراق ساخته شدند، از لحاظ طرّاحی، مصالح و تزئینات بسیار شبیه خانه‌های شهر حیره بودند.(۳۲۱) مساحت و اندازه خانه‌های شهر کربلا، با موقعیّت اجتماعی صاحبان خانه متناسب بوده است. در بیشتر خانه‌ها، اتاقی مخصوص پذیرایی از مهمان‌ها قرار داشت که به آن «بیرونی» می‌گفتند. بعد از این قسمت، اتاق‌ها و قسمت‌های داخلی خانه که متعلّق به افراد خانواده بودند و در اطراف حیاط ساخته می‌شدند، قرار می‌گرفتند که به آنها، «اندرونی» می‌گفتند. حیاط خانه نیز معمولاً به شکل مربع یا مستطیل بود. حیاط خانه از یک جهت فضایی باز به شمار می‌آمد و از جهت دیگر، از انظار عمومی پنهان بود. حیاط هم‌چنین نقش مهمی در فراهم کردن روشنایی اتاق‌های اطراف خود ایفا می‌کرد پنجره‌های بزرگ اتاق‌ها که مشرف به حیاط بودند نیز روشنایی و تهویه طبیعی را برای اتاق‌ها فراهم می‌کردند. سطح حیاط معمولاً با سرامیک پوشیده می‌شد. گاهی نیز در حیاط خانه، یک یا چند درخت میکاشتند و در وسط [حوض] یک فواره زیبا قرار می‌دادند.(۳۲۲) با این نوع معماری که حیاط از کوچه یا خیابان فاصله داشت و در وسط خانه قرار می‌گرفت، امکان سکونت چندین خانواده مختلف در مساحتی کوچک فراهم می‌شد؛ به طوری که گاهی مساحت یک خانه از ۵۰ متر مربع هم کمتر بوده است. در واقع، مهندس یا معمار در ساخت این‌گونه خانه‌ها، مهارت خاصّی به خرج می‌داد و از کمترین مساحت، استفاده بهینه را می‌کرد تا خانه‌ای کوچک با حیاط و همه اجزای دیگر، برای افراد فراهم سازد.(۳۲۳)

– درب اصلی

این درب، حلقه اتصال داخل و خارج خانه و مشرف به کوچه یا خیابان بود. این درب که بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفت از طریق یک راهرو کوچک به حیاط متّصل می‌شد. درب اصلی خانه معمولاً چوبی و اندازه آن نیز، با اندازه و مساحت خانه متناسب بوده است. تزئیناتی از چوب و آهن که در اطراف آنها نیز، تزئینات گچی به شکل دایره قرار می‌گرفتند، در اکثر درهای اصلی خانه‌های قدیمی مشاهده می‌شدند. گاهی نیز قسمت بالایی درب را با کمانی به شکل نیم دایره که از آجر و گچ ساخته و بر روی آن آیات مقدّس قرآن نوشته می‌شد، تزئین می‌کردند. بیشتر دربهای اصلی از دو لنگه تشکیل می‌شد و ارتفاع آنها نیز بین ۸۰/۱ تا ۲ متر بود. عرض این دربها نیز با توجّه به تعداد لنگه های آن متفاوت بود. دربهای یک لنگه، یک متر و درهای دو لنگه ۴۰/۱ متر یا بیشتر عرض داشتند. دربهای اصلی معمولاً دارای ضربه کوب های فلزی با شکل‌ها و انواع مختلف بودند.(۳۲۴)

– راهرو کوچک

خانه‌های قدیمی شهر کربلا دارای یک راهروی کوچک بودند که بین در اصلی و حیاط قرار داشت. ساخت این راهرو، یکی از ابتکارات اسلامی است که اوّلین بار در سال ۱۷ هجری (۶۳۸ م) در دارالاماره شهر کوفه ساخته شد. این راهروها هم‌چنین در دوره عباسی و در خانه‌های شهر سامرا نیز ساخته می‌شدند. یکی از دلایل ساخت این راهروها که کاملاً با زندگی اجتماعی و سنّت‌های اسلامی مردم آن زمان تناسب داشت، این بود که حیاط خانه در معرض مستقیم کوچه یا خیابان قرار نگیرد. علاوه بر این، این

راهروها هوایی را که از بیرون وارد خانه می‌شد، خنک می‌کردند.(۳۲۵)

– ایوان

یکی دیگر از قسمت‌های اصلی خانه‌های قدیمی کربلاـ ایوان بوده است. اصل این کلمه فارسی است و از کلمه «ایفان» به معنای بارگاه گرفته شده است. ایوان از سه جهت دارای دیوار و از قسمت جلویی به حیاط خانه مشرف بود. ایوان فضای سرپوشیده ای بود که سقف آن معمولاً به شکل گنبد ساخته می‌شد. ساخت ایوان از زمان‌های قدیم در عراق، به خصوص در شمال شهر موصل بسیار رایج بوده است. در دوره‌های اسلامی نیز در بناهایی هم‌چون دارالاماره کوفه، قصر شعیبه در نزدیکی بصره و قصر منصور در بغداد، ایوان دیده می‌شد. در خانه‌های قصر مشهور اخیضر که در نزدیکی کربلاـ واقع شده و تاریخ ساخت آن به اوایل دوره عباسی برمی‌گردد نیز ایوان وجود دارد.(۳۲۶) افرادی که خانه‌هایشان زیرزمین نداشت، در فصل تابستان از ایوان های طبقه همکف برای خوابیدن، غذا خوردن و نوشیدن چای استفاده می‌کردند.

– زیرزمین

در خانه‌های قدیمی شهر کربلاـ مکانی برای استراحت وجود داشت که به آن سرداب یا زیرزمین می‌گفتند. اصل این کلمه نیز فارسی است و از کلمه‌های «سرد» و «آب» گرفته شده است.(۳۲۷) خانواده‌ها معمولاً در روزهای گرم تابستان از زیرزمین استفاده می‌کردند، زیرا دارای دیوارهای ضخیم بود و معمولاً چند متر پایین‌تر از سطح زمین قرار داشت و به همین علّت، از گرمای شدید فصل تابستان در امان بود. تاریخ ساخت زیرزمین در خانه‌های قدیمی به اوایل دوره اسلامی بازمی‌گردد. از طریق کاوشهای باستانی، زیرزمین‌های مختلفی در قصر اخیضر که در نزدیکی کربلا قرار دارد، کشف شدند. برای مثال، در قسمت شرقی حیاط بزرگ این قصر، زیرزمینی قرار دارد که دارای ۲۴ پله است. در زیر ایوان وسطی ساختمان شرقی این قصر نیز، زیرزمین دیگری وجود دارد که دارای چندین پله است و پله‌های آن نیز در قسمت جنوب شرقی واقع شده‌اند.(۳۲۸) تهویه زیرزمین از طریق روزنه‌های کوچکی که معمولاً روی زمین حیاط ایجاد می‌کردند و هم‌چنین از طریق درب ورودی و پله‌های آن، صورت می‌گرفت. در خانه‌های قدیمی هم‌چنین، شکاف‌های عمودی در داخل دیوارها ایجاد می‌کردند. این شکاف‌ها که از پشت بام خانه تا زیرزمین کشیده می‌شدند، هوای بیرون را از بالا به پایین‌ترین سطح خانه یعنی زیرزمین منتقل می‌کردند. با آب پاشی سطح زیرزمین، هوایی که از پشت بام وارد زیرزمین می‌شد خنک و مرطوب، می‌ماند. در زبان محلّی به این مجرا ها یا شکاف‌های عمودی، بادگیر می‌گفتند که از کلمه‌های فارسی «باد» و «گیر» گرفته شده است.(۳۲۹) زیرزمین بیشتر خانه‌ها از طاق ها و گنبد هایی که با آجر و گچ ساخته شده بودند، تشکیل می‌شد. سطح زیرزمین را نیز معمولاً با سرامیک می‌پوشاندند و با آب پاشی مداوم بر روی آن رطوبت و سرمای هوا را حفظ می‌کردند. در فصل زمستان از زیرزمین به عنوان انباری و برای نگهداری حبوبات، غلات و بعضی دیگر از وسایل منزل استفاده می‌کردند.(۳۳۰)

۲. ویژگی‌های ساختاری خانه‌های قدیمی کربلا

۲. ویژگی‌های ساختاری خانه‌های قدیمی کربلا

یکی از ویژگی‌های کلی معماری خانه‌های قدیمی کربلاـ ارتفاع زیاد سقف اتاق‌های طبقه اوّل است که گاهی به چهار متر هم می‌رسد. از این طریق، هوای بیشتر و مناسب‌تری در درون اتاق‌ها نگه می‌داشتند و به هوای بیرون که در معرض تغییر و تحوّل بسیار

بود، نیاز کمتری پیدا می‌کردند. این ارتفاع زیاد هم‌چنین سبب می‌شد که حیاط خانه، کمتر در معرض نور خورشید قرار گیرد و از گرمای شدید محفوظ بماند. بدین ترتیب از طرفی، روشنایی سطوح پایین‌تر خانه به خصوص زیرزمین در هنگام ظهر تأمین و از طرف دیگر، جذب رطوبت مورد نیاز خانه نیز به راحتی امکان‌پذیر می‌شد.(۳۳۱) از دیگر ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیمی کربلاـ می‌توان به تعداد و ارتفاع زیاد پنجره‌های طبقه اوّل، به ویژه پنجره هایی که رو به کوچه و خیابان بودند، اشاره کرد. داخل دیوارهای خانه نیز قفسه هایی ایجاد و از آنها استفاده‌های گوناگون می‌کردند. این قفسه ها باعث کاهش ضخامت دیوارها نیز می‌شد. در مقابل اتاق‌های طبقه اوّل، راهرو قرار داشت که رو به حیاط خانه بود. در جلوی این راهرو نیز، نرده‌های چوبی یا آهنی تقریباً یک متری که دارای تزئینات زیبا بودند، قرار می‌دادند. طبقه همکف که معمولاًـ کوتاه‌تر از طبقه اوّل بود نیز پنجره‌های بزرگی داشت که به کوچه و خیابان باز می‌شدند. برای ساخت سقف طبقه های همکف و اوّل در خانه‌های قدیمی کربلا از مصالح ساختمانی سبک، همچون چوب، شاخه‌های درخت تبریزی و درخت خرما استفاده می‌کردند. این چوب ها را با توجّه به تعداد اتاق‌ها، به قسمت‌های مساوی تقسیم و چون طاق بنا می‌کردند. آن‌گاه با حصیر هایی که از نی ساخته می‌شدند، روی چوب ها را می‌پوشاندند. برای جلوگیری از نفوذ آب نیز، روی این حصیر ها، یک لایه گل نرم قرار می‌دادند و روی آن را نیز با یک لایه گِل خشک مخلوط با کاه پوشش می‌دادند تا از ترک خوردگی سقف جلوگیری شود. علاوه بر اینها، برای جلوگیری از رطوبت، روی سقف یک لایه قیر سیاه قرار می‌دادند و بعد از آن با سرامیک های مربع شکل به ضخامت ۴ یا ۵ سانتی‌متر روی آن را می‌پوشاندند. گاهی نیز از تخته های چوبی نازک رنگ شده برای ساختن سقف استفاده می‌کردند. در این حالت لایه های نازک چوب را به صورت اشکال هندسی در می‌آورند و آنها را روی سقف نصب می‌کردند. پله‌های خانه‌های قدیمی شهر کربلا نیز معمولاً در یکی از گوشه‌های خانه قرار می‌گرفت و دیده نمی‌شد.

– اتاق‌های آویزان (معلّق)

از آنجا که اتاق‌های طبقه اوّل دارای ارتفاع زیادی بودند، برای استفاده مناسب از فضای این اتاق‌ها، اتاق‌های کوچک آویزانی را که معمولاً از سقف، دو متر فاصله داشتند ایجاد و کف آنها را با تخته های چوبی ضخیم درست می‌کردند. در زبان محلّی به این اتاق‌ها، «گنجینه» و در بغداد و بعضی از شهرهای عراقی به آن «کفشکان» نیز می‌گفتند. در ساخت این اتاق‌ها همان‌گونه که اشاره شد، به جای آجر و آهن از چوب استفاده می‌کردند تا به دیوارهای اتاق فشار وارد نشود. این اتاق‌ها یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد معماری خانه‌های قدیمی عراق به شمار می‌آیند. کاربردهای اصلی اتاق‌های آویزان را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: ۱. این اتاق‌ها محل خواب بعضی از اعضای خانواده، به ویژه افراد سالخورده بود که به آرامش بیشتری نیاز داشتند. ۲. از این اتاق‌ها هم‌چنین به عنوان مکانی برای خواب خدمتکاران و کودکان استفاده می‌شد. ۳. وسایل غیرضروری افراد خانواده، در این اتاق‌ها نگهداری می‌شد. ۴. این اتاق‌ها هم‌چون یک بالکن پنهان و مخفی بودند. هنگامی که گروه‌ها و دسته‌های عزاداری یا نمایشی در مناسبت‌های مختلف از خیابان‌های اصلی می‌گذشتند، زنان درون این اتاق‌ها می‌نشستند و از پنجره‌های اتاق که رو به خیابان بودند، مراسم مختلف را نگاه می‌کردند، بدون آنکه کسی از افراد کوچه یا خیابان آنها را ببیند؛ زیرا ترکیبات خاصّی که در ساخت این پنجره‌ها به کار می‌رفت شبیه پنجره‌های چوبی تزئینی خانه‌های عراقی و به گونه‌ای بود که کسی از بیرون نمی‌توانست فضای داخل اتاق را ببیند. شاید که این شیوه معماری خانه‌های قدیمی، متناسب با شرایط اجتماعی زندگی مردم آن دوره بوده است. افراد خانواده برای رفتن به این اتاق‌ها از پله‌های کوچک فرعی و گاهی از پله‌های اصلی خانه استفاده می‌کردند. پنجره‌های این اتاق‌های کوچک و آویزان به کوچه یا خیابان اصلی مشرف بود و معماری زیبا و بی‌نظیری داشت. شکل و نوع آنها نیز با توجّه به موقعیّت اجتماعی و اقتصادی صاحب‌خانه متفاوت بود. اکثر این پنجره‌ها بسیار با دقّت ساخته می‌شدند و تزئینات بسیار زیبا و ماهرانه داشتند.

برای مثال، برای ساخت پنجره‌های چوبی و کوچک تزئینی از گران‌ترین و مرغوب ترین نوع چوب استفاده می‌کردند. اندازه پنجره‌های اتاق‌های آویزان تقریباً نصف پنجره‌های اتاق‌های دیگر بود. این پنجره‌ها بالای پنجره‌های اتاق‌های دیگر قرار می‌گرفتند و از لحاظ ظاهری و نوع تزئینات، با آنها هیچ تفاوتی نداشتند، فقط اندازه آنها از اندازه پنجره‌های معمولی دیگر کوچک‌تر بود.(۳۳۲)

– پنجره‌های چوبی کوچک و تزئینی

یکی از ویژگی‌های بارز خانه‌های قدیمی کربلا، پنجره‌های چوبی تزئینی است. این پنجره‌ها پشت سر هم قرار می‌گرفتند و رو به خیابان اصلی ساخته می‌شدند. در خانه‌های ثروتمندان، این پنجره‌ها با نقش و نگارهای زیبایی که شیشه‌های رنگی کوچک نیز در بین آنها نصب می‌شدند، توأم بود و جلوه بسیار زیبایی به خانه می‌بخشید. در فرهنگ جدید «فارسی به فارسی» نوشته فریدون کار آمده است: کلمه شناشیل [که در عربی به معنای پنجره‌های چوبی کوچک و تزئینی است]، کلمه‌ای فارسی است و از کلمه شاه نشین که در واقع همان محل نشستن شاه است، گرفته شده است. دکتر مصطفی جواد، زبان شناس و مورّخ عراقی، گفته است: کلمه شناشیل به معنای بالها و روزنه‌های سقف نیز هست.(۳۳۳) به احتمال زیاد، این لفظ در دوره‌های اسلامی اولیه و در شهر بصره رایج بوده است. در نهج‌البلاغه امام علی‌علیه السلام آنجا که امام به شرح ویژگی‌های شهر بصره می‌پردازد، آمده است: «وای از کوچه‌ها و خانه‌های تزئینی شما که بالهایی همچون بال‌های عقاب و خرطوم هایی همچون خرطوم فیل در آنها دیده می‌شوند». در کتاب شرح نهج‌البلاغه نوشته امام محمّد عبده، در توضیح این عبارت آمده است: منظور از بال‌های خانه که امام علی‌علیه السلام آنها را به بال‌های عقاب تشبیه کرده، همان روزنه‌های سقف است.(۳۳۴) هنر زیبای ساخت پنجره‌های چوبی کوچک و تزئینی از شهر بصره به شهرهای دیگر عراق، به خصوص شهرهای جنوبی و مرکزی منتقل شد که در این میان، شهر کربلا بیش از شهرهای دیگر به ساخت این پنجره‌ها رو آورد. این پنجره‌های چوبی تزئینی در طبقه اوّل خانه ساخته می‌شدند. برای ساخت این پنجره‌ها، برآمدگی هایی به طول یک متر یا کمی بیشتر روی سطح دیوار ایجاد می‌کردند و پایه‌های چوبی یا فلزی در زیر آنها قرار می‌دادند. اگر اندازه این برآمدگی ها بیش از حد طبیعی می‌شد، معمار برای محکم کردن آنها، چوب یا ستون‌های فلزی بیشتری در زیر آنها قرار می‌داد تا ساخت پنجره‌های تزئینی روی آنها امکان‌پذیر شود. برای جلوگیری از سنگینی و فشار وارده به ساختمان، در ساخت این پنجره‌ها به جای آهن و آجر، از چوب استفاده می‌کردند. چوب، همچنین با کاهش دادن مقدار گرمایی که وارد اتاق می‌شد، هوای درون اتاق را خنک می‌کرد. این پنجره‌ها مشبک بود و به همین دلیل، هوا و نور به راحتی از طریق روزنه‌های آنها وارد اتاق می‌شدند. این پنجره‌ها به گونه‌ای ساخته می‌شدند که از بیرون آنها، فضای داخل اتاق دیده نمی‌شد و ساکنان خانه و افرادی که در اتاق‌ها می‌نشستند از این بابت مشکلی نداشتند. پنجره‌های چوبی تزئینی که رو به خیابان اصلی بودند و پشت سرهم ساخته می‌شدند، برای افراد خیابان نیز سایبانی درست می‌کردند که گاهی از گرمای تابستان یا باران‌های زمستان به آنها پناه می‌آوردند و زیر آنها می‌ایستادند.(۳۳۵) یکی دیگر از ویژگی‌های بارز خانه‌های قدیمی کربلا، پنجره‌های چوبی است که به صورت عمودی باز و بسته می‌شد و به آن «ارسی» می‌گفتند. گاهی نیز پنجره‌های کوچک‌تری که شبیه در بودند در وسط این پنجره‌ها قرار می‌گرفتند. هوا از طریق چوب‌های مشبکی که به صورت مایل در جلو آنها قرار داشت، وارد اتاق می‌شد. در بیشتر خانه‌های قدیمی کربلا، میله‌های آهنی را که دارای تزئینات زیبا بودند، به صورت عمودی در جلو پنجره‌ها قرار می‌دادند. در فصل تابستان نیز کوزه‌های سفالی آب (تُنک) را در بین این میله‌ها نگهداری می‌کردند.(۳۳۶)

– ستون‌های چوبی

در خانه‌های قدیمی کربلاـ در زیر راهروها، ایوان ها و اتاق‌های طبقه اوّل، ستون‌های چوبی قرار می‌دادند. انتهای این ستون‌ها به یک کلاهک مقرنس کاری شده منتهی می‌شد که خطر شکستن سطح چوبی بالای ستون‌ها را کاهش می‌داد.

– مصالح ساختمانی محلی

یکی از مهم‌ترین مصالحی که در ساخت خانه‌های قدیمی شهر کربلا از آن استفاده شده، آجر است. وجود مواد اولیه کافی و ارزان برای ساخت آجر، سهولت استفاده از آن و مقاومت زیاد آن در برابر گرما و سر و صدا از جمله دلایلی بودند که معماران را به استفاده از آجر تشویق می‌کردند. آجر هم‌چنین دارای انعطاف پذیری بسیار است و معمار با استفاده از آن می‌تواند تزئینات زیبا و مختلفی به شکل کمان، برجستگی، مقرنس کاری، اشکال هندسی و نوشتاری ایجاد کند. برای روی هم قرار دادن آجرها، از مادّه محلّی دیگری به نام گچ استفاده می‌کردند. این مادّه که به سرعت و بلافاصله بعد از استفاده خشک می‌شد، در ساخت طاق ها و گنبدها نیز بسیار مورد استفاده قرار می‌گرفت. با وجود گچ، معماران در ساخت طاق ها و گنبدها دیگر نیازی به قالبهای چوبی نداشتند. برای جلوگیری از نفوذ رطوبت در ساختمان، در ساخت پایه‌ها و ستون‌های آن از مخلوط پودر آهک و خاکستر و هم‌چنین تکه‌های کوچک سرامیک استفاده می‌کردند. سطح بیرونی ستون‌های خانه و حوض های آب را نیز برای جلوگیری از رطوبت آب، با قیر سیاه می‌پوشاندند. هم‌چنین پشت بام خانه را قبل از سنگ کردن با قیر سیاه پوشش می‌دادند تا آب و رطوبت به طبقه های پایین نفوذ نکند.(۳۳۷)

– نما و تزئینات دیوارها

برای سفید کردن سطح دیوارها از گچ و ماده شیمیایی بوره استفاده می‌کردند تا سطح دیوارها برّاق شود و دیگر نیازی به رنگ کردن نداشته باشد. در خانه‌های قدیمی شهر کربلا، علاوه بر تزئینات گچی و آجری، تزئینات چوبی نیز دیده می‌شود. نجّاران با دقّت و مهارت بسیار و با استفاده از تکه‌های کوچک شیشه‌های رنگی، دربها و پنجره‌های بسیار زیبایی می‌ساختند. اعضای خانواده برای داخل شدن هوا و نور به درون اتاق‌ها این پنجره‌ها را باز می‌کردند.

– آشپز خانه

آشپزخانه که یکی از قسمت‌های مهم همه خانه‌های قدیمی کربلا بوده است، در قسمتی از ساختمان قرار می‌گرفت که در معرض وزش باد نباشد تا دود ناشی از پختن غذا به اتاق‌ها و قسمت‌های دیگر خانه منتقل نشود. در قسمت بالای دیوار آشپزخانه، روزنه‌ای شبیه بادگیر وجود داشت که دود را به بیرون هدایت می‌کرد. علاوه بر آن، روی زمین آشپزخانه نیز تنوری قرار داشته که برای پختن نان از آن استفاده می‌کردند. این تنور نیز مانع انتقال دود به اتاق‌ها و قسمت‌های دیگر خانه می‌شد.

– حمّام

از کل مساحت خانه، دو متر مربع یا کمی بیشتر از آن را به حمّام اختصاص داده، یک حوض سنگی کوچک نیز در داخل آن قرار می‌دادند. آب مورد نیاز برای حمّام را معمولاً در حیاط خانه یا آشپزخانه گرم می‌کردند و سپس آن را درون حوض داخل حمّام می‌ریختند. در قسمت زیرزمین حمّام نیز معمولاً محلّی برای روشن کردن آتش قرار می‌دادند تا بدین وسیله زمین حمّام گرم شود. برای روشن کردن آتش معمولاًـ از چوب استفاده می‌کردند، البته بیشتر ساکنان شهر کربلا از حمّام های عمومی که در محلّه‌های قدیمی وجود داشتند، برای حمّام کردن استفاده می‌کردند.(۳۳۸)

– پشت بام خانه

ساکنان خانه‌های قدیمی، در فصل تابستان برای محفوظ ماندن از گرمای شدید تابستان، شب‌ها روی پشت بام می‌خوابیدند. پشت بامهای خانه‌های قدیمی همگی شبیه هم بودند؛ زیرا ارتفاع خانه‌ها تقریباً یک اندازه بود. برای جدا کردن پشت بام خانه‌ها از یکدیگر، دیوارهایی به ارتفاع ۶۰/۱ تا ۸۰/۱ متر را در اطراف پشت بام هر خانه بنا می‌کردند. خانه‌های قدیمی کربلا یک چاه آب شیرین نیز داشتند که گاهی چندین خانه به طور مشترک از یک چاه استفاده می‌کردند.

قلعه اخیضر

قلعه اخیضر

یکی از بناهای تاریخی و باستانی مشهور کربلا، قلعه اخیضر است. این قلعه محکم و وسیع که نقشه و معماری بی‌نظیر و بسیار زیبایی دارد، دارای ویژگی‌های عمرانی و تزئینی خاصّی بوده است. کمتر می‌توان نمونه این قلعه دفاعی بی‌نظیر و عظیم را در منطقه‌ای دورافتاده و ویران یافت.

۱. موقعیّت مکانی قلعه اخیضر

این قلعه در غرب عراق و در ۵۰ کیلومتری جنوب غربی شهر کربلا واقع شده و ۱۵۲ کیلومتر با شهر بغداد و ۱۷ کیلومتر نیز با شهر عین التمر فاصله دارد. این قلعه به دلیل واقع شدن در وسط بیابان، از اهمیّت تاریخی بسیاری برخوردار است؛ زیرا بسیاری از راه‌های تجاری را به یکدیگر مرتبط می‌کند. برای مثال، راهی که جنوب عراق را به فرات و سوریه متّصل می‌کند از این قلعه می‌گذرد. این قلعه هم‌چنین در بین راه کوفه و سوریه واقع شده است و از یک طرف، به مسیر دریای مدیترانه حلب بصره و از طرف دیگر، به دریای عربی متّصل است. به دلیل موقعیّت مکانی برجسته و ویژگی‌های معماری بارز این قلعه، زائران و گردشگران بسیاری از مناطق داخلی و خارجی عراق برای دیدن آن، به این مکان قدم می‌گذارند.(۳۳۹)

۲. تاریخ ساخت و نامگذاری قلعه اخیضر

از زمان کشف قلعه اخیضر توسط جهانگردان خارجی حدود چهار قرن می‌گذرد. جهانگرد ایتالیایی، پنرو دلاوالا، اوّلین کسی بود که در سال ۱۶۲۵ میلادی در نوشته‌های خود به وجود این قلعه اشاره کرد. پس از وی نیز تاورنیر در سال ۱۶۳۸ میلادی، دبلیو بیوز در سال ۱۷۴۵ میلادی، روبرتس در سال ۱۷۴۸ میلادی و جان تایلر در سال ۱۷۹۰ میلادی، از این قلعه دیدن کردند. متخصصان علم باستان شناسی نیز در بسیاری از کتاب‌ها و پژوهش‌های خود به این اثر باستانی اشاره کرده و به بررسی جنبه‌های تاریخی، هنری و معماری آن پرداخته‌اند. توجّه باستان شناسان به این قلعه، دو دلیل مهم و اساسی دارد: اوّل اینکه، هیچ نوشته تاریخی و معماری در این اثر باستانی دیده نمی‌شود، در حالی که در بالای درها یا روی قسمت‌های داخلی بسیاری از بناهای باستانی و تاریخی، نمونه‌ای از نوشته‌های تاریخی یافت می‌شود. دوم اینکه، در هیچ یک از کتاب‌ها و تألیفات تاریخی و قدیمی، به ساخت این قلعه اشاره‌ای نشده است. این قلعه هم‌چنان به شکل قدیمی خود باقی مانده و ضخامت و استواری خود را که توجّه همگان را جلب می‌کند، هم‌چنان حفظ کرده است.(۳۴۰) بسیاری از باستان‌شناسان، پژوهشگران، مورّخان و شرق شناسان به بررسی و پژوهش درباره این قلعه پرداخته و آرا و نظرهای مختلفی در ارتباط با زمان ساخت و نامگذاری آن مطرح کرده‌اند. بعضی از این افراد، تاریخ ساخت

این قلعه را به دوره ماقبل اسلام یعنی دوره ساسانی مربوط دانسته‌اند. لویس ماسنیون، شرق‌شناس فرانسوی و هم‌چنین دی لانوی، پژوهشگر فرانسوی از جمله کسانی بودند که این بنا را مربوط به دوره ساسانی می‌دانستند. دکتر مصطفی جواد، زبان شناس معروف عراقی، نیز درباره ساخت این قلعه چنین گفته است: «شیوه معماری و ساخت این قلعه با شیوه‌های عربی و اسلامی متفاوت است و ساخت این بنا به دوره ساسانی برمی‌گردد. این قلعه متعلّق به شهر عین التمر است و از میان همه آثار تاریخی این شهر قدیمی، فقط قلعه این شهر یعنی قلعه اخیضر باقی مانده است. نباید این بنا را جزء بناهای عربی و حتّی اسلامی به شمار آورد و یک اثر تاریخی و هنری را به مردمی نسبت داد که هیچ شناختی از آن نداشته‌اند و حتّی شبیه آن اثر نیز در آثار تاریخی شان دیده نمی‌شود». اما اکثر باستان‌شناسان، این قلعه را مربوط به دوره اسلامی و دوره عباسی اوّل دانسته و دلایل معماری و تاریخی نیز برای اثبات ادعای خویش ارائه کرده‌اند. برای نمونه، ک.أ. کریزول، شرق‌شناس انگلیسی، بررسی‌های مهمی درباره قلعه اخیضر کرده و زمان ساخت آن را سال ۱۶۱ هجری (۷۷۸ م) ذکر کرده است. نظریّات این شرق‌شناس، یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح شده در این زمینه به شمار می‌آید.(۳۴۱) بسیاری از کسانی که هنر معماری اسلامی را مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند نیز، شیوه‌های معماری قلعه اخیضر را مشابه شیوه‌های معماری اسلامی سال‌های بین ۱۴۵ تا ۲۲۱ هجری ذکر کرده‌اند. سال ۱۴۵ هجری (۷۶۲ م) مصادف با ساخت شهر دارالسلام (بغداد) و سال ۲۲۱ هجری (۸۳۶ م)، نیز مصادف با تأسیس شهر سامرا، پایتخت دولت عباسی دوم، بوده است. این افراد هم‌چنین معتقدند که شباهت‌های زیادی بین معماری قلعه اخیضر و بناهای باستانی شهر سامرا وجود دارد.(۳۴۲) بنابراین، به یقین می‌توان گفت که قلعه اخیضر یک بنای تاریخی اسلامی است، زیرا تحقیقات و کاوشهای صورت گرفته روی این بنا، نشان می‌دهند که قسمت‌های مختلف آن با یک شیوه معماری یکسان ساخته شده‌اند. مسجدی که در این قلعه وجود دارد نیز هم‌زمان با تأسیس قلعه ساخته شده و محراب آن که در قسمت دیوار جنوبی مسجد واقع شده است نیز دارای ویژگی‌های معماری قسمت‌های دیگر است. این مسجد هم‌چنین همه ویژگی‌ها و خصوصیّات مساجد اسلامی را داراست. در بعضی منابع تاریخی آمده است که قلعه اخیضر روی ویرانه‌های قصر مقاتل ساخته شده است. قصر مقاتل قصری بوده است که امام حسین‌علیه السلام در مسیر خود برای رفتن به کربلا در سال ۶۱ هجری (۶۸۰ م) در آن اقامت گزیده بود. این قصر توسط برادرزاده سفاح و منصور در قرن دوم هجری، ویران و قلعه اخیضر در آن محل ساخته شد.(۳۴۳) بعضی‌ها احتمال می‌دهند که قلعه اخیضر در سال ۱۵۷ هجری (۷۷۳ م) یعنی سال وفات دومین خلیفه عباسی، ابوجعفر منصور، وجود داشته است. هم‌چنین تعدادی شمش نقره که تاریخ ضرب آنها به سال‌های ۱۵۷ تا ۱۶۲ هجری برمی‌گردد در آنجا یافت شده‌اند.(۳۴۴)

۳. نامگذاری قلعه اخیضر

مورّخان در کلمه «اخیضر» با یکدیگر اختلاف نظر دارند. بعضی معتقدند اخیضر، اسم مصغر کلمه اخضر است که در زبان عربی به معنای رنگ سبز می‌باشد و از آنجا که این قلعه به رنگ سبز بوده است به آن قلعه اخیضر گفته‌اند. هم‌چنان که صحرای اطراف قلعه اخیضر نیز به دلیل سفید بودن شنزارهایش، «أبیض» که در عربی به معنای سفید است، نامیده می‌شد. بعضی دیگر هم‌چون علاّمه محمود شکری آلویسی نیز معتقدند که اخیضر از نام اکیدر، یکی از بزرگان قبیله کنده که در صدر اسلام، مسلمان شده بود، گرفته شده است.(۳۴۵)

۴. اجزای معماری قلعه اخیضر

قلعه اخیضر بنای دفاعی محکمی بوده که در ساخت آن از سنگ‌های موجود در اطراف این قلعه و هم‌چنین از گچ استفاده شده است. بعضی از قسمت‌های آن نیز با آجرهای مستطیل شکلی که متعلّق به منطقه‌ای در نزدیکی کربلا بوده، ساخته شده‌اند. مهم‌ترین

قسمت‌های این قلعه که شیوه‌های معماری خاص خود را دارند عبارت‌اند از:

– دیوارها

در اطراف قلعه اخیضر دیواری قرار دارد که طول آن از شمال به جنوب ۱۷۵ متر، عرض آن از شرق به غرب ۱۶۹ متر و ارتفاع آن حدود ۲۱ متر است. این دیوار شامل چهار برج اصلی به قطر ۵ متر است که در چهار گوشه این قلعه قرار دارند. در وسط هر ضلع دیوار نیز یک برج بزرگ قرار گرفته است. در وسط این برج ها که قطر شان ۵/۳ متر است، درهای ورودی قلعه قرار دارند. در هر ضلع قلعه، ده برج دیگر نیز دیده می‌شوند: پنج برج در سمت راست برج بزرگ و پنج برج دیگر نیز در سمت چپ آن. بنابراین، این قلعه جمعاً دارای ۴۸ برج است که در بین آنها نیز کمان هایی به ارتفاع ۵/۱۰ متر وجود دارند. دیوار قلعه به دو قسمت داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. دیوار داخلی رو به حیاط قلعه و دیوار خارجی رو به بیرون قلعه است. روی دیوار خارجی روزنه‌ها و سوراخ هایی دیده می‌شوند که در گذشته برای تیراندازی مورد استفاده قرار می گرفتند. در بین این دو دیوار راهرویی به عرض ۲ متر وجود دارد که اتاق‌های دایره شکلی که برج های قلعه بر روی آنها واقع شده‌اند، در آن دیده می‌شوند. در گوشه‌های داخلی قلعه نیز پله هایی قرار دارند که به راهرو و برج های اصلی منتهی می‌شوند. علاوه بر این پله‌ها، دو پله رو به روی هم نیز در دو طرف درهای ورودی قلعه دیده می‌شوند. ضلع شمالی قلعه، دیوار خارجی آن را تشکیل می‌دهد و دیوارهای سه ضلع دیگر قلعه نیز به برج های محکمی متّصل شده‌اند.

– قسمت‌های داخلی قلعه اخیضر

– قسمت‌های داخلی قلعه اخیضر

قسمت‌های داخلی قلعه در یک ساختمان مستطیل شکل به طول ۱۱۲ متر و عرض ۸۰ متر قرار دارند. این ساختمان در قسمت شمالی به دیوار خارجی قلعه متّصل است و ۲۶ برج به قطر ۲۰/۱ متر در آن دیده می‌شود. هشت برج در ضلعهای شرقی و غربی، پنج برج در ضلع جنوبی و دو برج نیز در گوشه‌های جنوب غربی و شرقی آن بنا شده‌اند. قسمت‌های داخلی قلعه عبارت‌اند از:

۱. سالن بزرگ

این سالن به شکل مستطیل است و ۵۰/۱۵ متر طول و ۹ متر عرض دارد. در ضلعهای شرقی و غربی آن نیز چهار ستون به شکل نیم استوانه وجود دارد که در بالای آنها پنج طاق قرار گرفته‌اند. در بین این ستون‌ها، سه درب ورودی دیده می‌شود که مربوط به اتاق‌های سالن است. علاوه بر این درب ها، یک دربِ دیگر نیز در ضلع شرقی سالن قرار دارد که به طبقه بالا، منتهی می‌شود. دو درب نیز در ایوان سالن قرار گرفته‌اند که یکی از آنها به طبقه بالا و دیگری به مسجد باز می‌شوند. علاوه بر اتاق‌هایی که در این سالن قرار دارند، طبقه های دیگر نیز اتاق‌های تو در تویی را در خود جای داده‌اند.

۲. قسمت مرکزی

در اطراف این قسمت، یک رواق وجود دارد که سقف آن به صورت طاق است. این رواق، قسمت مرکزی را از قسمت‌های دیگر قلعه جدا می کند. دربِ ورودی قسمت مرکزی در ضلع جنوبی سالن بزرگ واقع شده است. در مقابل این درب، درب دیگری نیز

قرار دارد که به حیاط بزرگ قلعه منتهی می‌شود. این حیاط به شکل مستطیلی به طول ۳۳ متر و عرض ۲۷ متر است. در این حیاط چهار درب دیده می‌شود. دربِ شمالی به ایوان بزرگ، دربِ شرقی و غربی به رواق اطراف قسمت مرکزی و دربِ جنوبی مستقیماً به تالار مرکزی باز می‌شوند. ارتفاع ضلع شمالی حیاط بیش از ارتفاع ضلعهای دیگر آن است. در ضلع شرقی و غربی آن نیز، حلقه‌هایی مشابه وجود دارند. ضلع جنوبی حیاط نیز دارای یک روزنه بزرگ است که در واقع، پنجره ایوان بزرگ به شمار می‌آید.

۳. ایوان بزرگ

این ایوان، بنایی مستطیل شکل به طول ۷۵/۱۰ و عرض ۶ متر است و در سقف آن طاق های آجری به شکل نیم استوانه دیده می‌شود. در اطراف این ایوان، چند سالن پذیراییِ مختص مهمان با پنجره‌های بسیار زیبا وجود دارند. دو سالن در قسمت شرقی و دو سالن دیگر نیز در قسمت غربی ایوان واقع شده‌اند. این سالنها نیز مستطیل شکل بوده، طول هر کدام ۱۰ متر و عرض آنها ۶۵/۴ متر است. در این سالنها نیز طاق ها و تزئینات گچی متنوعی وجود دارند. در مقابل ایوان، یک حیاط بزرگ قرار دارد که تعدادی سالن در اطراف آن واقع شده‌اند. در وسط ضلع جنوبی این حیاط نیز، دری وجود دارد که به رواق اطراف قسمت مرکزی، منتهی می‌شود. علاوه بر این درب، درب های دیگری نیز در این رواق دیده می‌شوند.

۴. مسجد

مسجد بنایی مستطیل شکل به طول ۲۴ متر و عرض ۵۰/۱۵ متر است. در قسمت شرقی و غربی و قسمت قبله مسجد، رواق هایی وجود دارند که در زیر آنها ستون‌هایی با طاق های پشت سر هم و تزئینات هندسی زیبا قرار گرفته‌اند. محراب مسجد نیز به شکل مقعر است. بررسیها و تحقیقات باستان‌شناسان نشان می‌دهند که این مسجد یکی از قسمت‌های اصلی قلعه اخیضر بوده و هم‌زمان با ساخت آن بنا شده است. در این مسجد، سه دربِ ورودی دیده می‌شود. یکی از درب های آن در گوشه جنوب شرقی مسجد قرار دارند و به سالن بزرگ باز می‌شود. دو دربِ دیگر نیز در ضلع شمالی صحن مسجد قرار داشته و به راهرو شمالی باز می‌شوند.

۵. قسمت مخصوص نگهبانان

در قسمت شرقی سالن بزرگ، ساختمانی قرار دارد که مخصوص نگهبانان قلعه بوده است. این ساختمان به دیوار خارجی شمالی قلعه متّصل بوده و درب ورودی آن در راهرو قرار دارد. یک درب دیگر نیز در این ساختمان وجود دارد که به واسطهٔ یک در فرعی دیگر که در سمت راست پله قرار گرفته است، به طبقه اوّل منتهی می‌شود. این پله بعد از طبقه اوّل به سمت جنوب پیچیده و به طبقه دوم می‌رسد. این ساختمان، یک طبقه بوده، امّا قسمت غربی آن از دو طبقه تشکیل شده که طبقه دوم آن به اتاق‌ها و منازل نگهبانان اختصاص داشته است.

– خانه‌های مسکونی

قلعه اخیضر دارای چهار خانه مستقل است. دو خانه در شرق قسمت مرکزی و دو خانه دیگر در غرب آن واقع شده‌اند. هریک از خانه‌ها، از طریق یک درب به رواق بزرگ متّصل می‌شوند. نقشه و موقعیّت مکانی این خانه‌ها کاملاً شبیه هم است. همه این خانه‌ها دارای حیاط مستطیل شکلی هستند که در بالای ضلعهای آنها طاق هایی قرار گرفته‌اند. در زیر این طاق ها نیز، ستون‌هایی دیده می‌شوند. درب اصلی خانه‌ها در زیر طاق وسطی قرار دارد. نقشه و تعداد سالن‌های همه خانه‌ها شبیه هم بوده و براساس شیوه

معماری حیری (منسوب به شهر حیره، نزدیک کوفه) بنا شده‌اند.

– قسمت ویژه خدمتکاران

این قسمت یک ساختمان بزرگ بوده و از یک حیاط مستطیل شکل و هشت سالن بزرگ تشکیل شده است. سقف سالنها نیز به صورت گنبد ساخته شده‌اند. این قسمت، از خانه‌های مسکونی قلعه که مخصوص خانواده‌ها بود فاصله داشت و در پشت قسمت مرکزی و اتاق پذیرایی واقع می‌شد.

– حمّام

حمّام قلعه در بین خانه‌های جنوبی و ساختمان ویژه خدمتکاران قرار گرفته است. حمّام نیز بنایی مستطیل شکل به طول ۹۰/۹ و عرض ۳۰/۹ متر است. دربِ ورودی آن نیز در قسمت جنوب شرقی رواق بزرگ واقع شده است. علاوه بر دیوارهای اصلی حمّام که در واقع جزیی از دیوارهای قلعه به شمار می‌آیند، یک دیوار داخلی دیگر نیز که از آجر و آهک ساخته شده است، در اطراف حمّام قرار دارد. زمین حمّام با سنگ مرمر سفید پوشیده شده است. این حمّام یک در اصلی دیگر نیز دارد که در گوشه جنوب شرقی رواق بزرگ واقع شده است. علاوه بر این درب ها، درهای فرعی دیگری نیز به این حمّام باز می‌شوند. قسمت مخصوص استحمام دارای سه سالن تودرتو است که درب آن به ضلع غربی حمّام متّصل می‌شود. نقشه کلی این حمّام شبیه حمّام هایی است که در دوره‌های اسلامی ساخته شدند.

– ساختمان‌های بیرونی قلعه

در خارج قلعه اخیضر نیز ساختمان هایی وجود دارند که یکی از آنها در سمت راست در شمالی (در اصلی) قرار گرفته است. این ساختمان مستطیل شکل به طول ۷۶ متر و عرض ۱۲ متر، از چهارده اتاق با سقف های گنبدی شکل تشکیل شده است. در این ساختمان دری وجود دارد که به پله‌های پشت بام باز می‌شود. یک حیاط مستطیل شکل به طول ۲۰/۳۳ و عرض ۷۰/۲۴ متر نیز در بین ضلعهای شمالی و غربی این ساختمان واقع شده است. علاوه بر این ساختمان، ساختمان کوچکی نیز در قسمت شمال شرقی قلعه قرار دارد که نقشه آن شبیه نقشه حمّام است.(۳۴۶)

فصل پنجم: بررسی اوضاع کنونی ساخت و ساز در کربلا و اصولی علمی برای از سرگیری طرّاحی و گسترش این شهر

مقدمه

از آنجا که حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و برادر ایشان حضرت عبّاس‌علیه السلام در مرکز شهر کربلا واقع شده است و از نظر معماری جایگاه بارز و ویژه‌ای در ساختار و ترکیب این شهر دارد، این فصل به اوضاع کنونی ساخت و ساز در کربلا و برنامه‌ای جدید و اساسی در مورد توسعه مرکز شهر پرداخته است، زیرا بین الحرمین و مناطق اطراف آن در این قسمت از شهر قرار دارند. این منطقه پیش از تخریبهای صورت گرفته، از نظر ساختار عمرانی، یک واحد عمرانی کامل به مرکزیّت حرمین شریفین بود. این مرکزیّت، جنبه‌ای فراگیر و ریشه‌دار داشت. روابط میان حرمین شریفین و محیط اطراف آن فراتر از ابعاد ظاهری و خارجی تا حد یک همبستگی ارگانیک پیش رفته بود. این رابطه از لحاظ عمرانی بر کل شهر کربلا تأثیر گذاشته بود و در عین حال، ارتباطی دائمی و فعّال بود و در دو چارچوب جزیی و کلی جلوه‌گر می‌شد. اگر نشاط و سرزندگی منطقه بین الحرمین و محیط اطراف آن به

دلیل رابطه با حرمین شریفین باشد، به نظر می‌رسد تمام شهر کربلا نیز متأثر از این رابطه از این سرزندگی برخوردار است. این تأثیر متقابل در تمام حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عمرانی آشکار است. – حوزه اقتصادی: این منطقه تا چند سال گذشته نبض حیات اقتصادی تجاری شهر با مظاهر قدیم و جدید آن به شمار می‌رفت و بازار هایی که در طول سال مملو از زائران و ساکنان شهر بودند، در این منطقه از شهر قرار داشتند. – حوزه اجتماعی: این منطقه به دلیل سنّت‌های موروثی و جایگاه قدیمی خود به شهر کربلا هویّتی سنّتی بخشیده بود. این منطقه تا چند سال گذشته، مرکز تجمع ساکنان شهر و محور زندگی اجتماعی آنها بود. – حوزه فرهنگی: این منطقه با جلوه‌ها و مظاهری هم‌چون حرمین شریفین، مدارس مذهبی و مراکز فرهنگی، به شهر کربلا ـ این ویژگی را بخشیده بود که محیطی باز به مرکز و در مقابل جریان‌های فرهنگی خارجی (مانند فارسی، ترکی و هندی) و حتّی برخی افکار سیاسی به شمار رود. – حوزه عمرانی: این موضوع به گونه‌ای ویژه مورد توجّه ما در این فصل است. این منطقه قلب شهر و هم‌چنین مرکز حرکت اصلی کربلاست. تمام خیابان‌ها به این منطقه منتهی می‌شوند و بازارهای مهم شهر نیز در آن واقع شده‌اند. علاوه بر بناهای حرمین شریفین، این منطقه بسیاری از بناهایی را که در شهر کربلا قرار دارند نیز دربرمی‌گیرد. بسیاری از این بناها مانند مساجد، مدارس مذهبی، حسینیه‌ها، مقامات، بازارهای قدیمی، بازارهای بزرگ و خانه‌های قدیمی دارای ارزش عمرانی فرهنگی هستند به طور کلی، این منطقه اصالت و پویایی میراث تمدّنی و عمرانی این شهر را نشان می‌دهد که این اصالت، کربلا را از سایر شهرهای اسلامی متمایز می‌کند. امّا این شهر در سال‌های اخیر به خصوص پس از سال ۱۹۹۱ با زیان‌های عمرانی بزرگی مواجه شد. تا آنجا که می‌توان گفت ماهیّت و میراث تاریخی کل یا دست کم برخی مظاهر اصلی آن در معرض تهدید قرار گرفت. همگان باید برای حل این مشکلات اهمیّت قائل شوند، زیرا این مشکلات به تلاش‌هایی سریع و راه‌حل هایی عملی نیاز دارند تا طرح و برنامه‌ای دوباره برای این منطقه تهیه شود و بناهای مذهبی و میراثهای فرهنگی باقی‌مانده ترمیم و محافظت شوند. مهم‌ترین مشکل موجود در شهر کربلا تغییر و تحوّلی است که در مرکز شهر به وجود آمد. مرکز شهر که میراث ارزشمند عمرانی از چندین قرن را در خود داشت، به میدانی بزرگ تبدیل شد. در اطراف این میدان بی‌هیچ طرح عمرانی و نقشه از پیش تعیین شده، هتل‌ها و مراکز تجاری احداث شدند. این مشکل پس از تخریب تمام بناهای قدیمی که بین حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام و مناطق اطراف این دو حرم مطهّر قرار داشتند، ایجاد شد. این منطقه هنوز گرفتار ساخت و سازهای بی نقشه است که هم‌اکنون در حال اجرا هستند. بر اثر این اقدامات، ویژگی‌های عمرانی بافت قدیمی شهر که هویّتی تاریخی، فرهنگی و مذهبی به این منطقه می‌داد، از بین رفته است. این منطقه هنوز هم اهمیّتی بسیار دارد و باید به آن توجّه کرد. دلیل این امر از میان رفتن تمام مراکز تجاری گذشته است که قرن‌های متمادی در این منطقه فعّالیّت داشته‌اند. این منطقه موقعیّتی خاص دارد و نقشی محوری، در روابط میان بافت قدیمی شهر و مناطق اطراف آن، به ویژه محلّه‌های جدید ایفا می‌کند. علّت تأکید زیاد ما بر احیای مرکز شهر، این است که تضمینی برای احیای فعّالیّت‌هایی است که در بازارهای کوچک و بزرگ انجام می‌شد تا از این طریق بار دیگر ارتباط بین مرکز شهر با مناطق دیگر برقرار شود. علاوه بر تمام این موضوعات، هویّت عمرانی تاریخی شهر کربلا اساساً بر [کل] این منطقه سایه افکنده است. این نکته از لحاظ طرّاحی معماری صِرف هم، صحیح است؛ زیرا این منطقه در «چشم‌انداز» طرح عمرانی شهر نیز، نقطه مرکزی به شمار می‌رود. حرمین شریفین نیز در این چشم‌انداز مرکزیّت دارند و موضوع مورد بحث ما در این فصل به شمار می‌روند. به رغم اینکه این منطقه شامل مرکز شهر، محوطه بین الحرمین و مناطق اطراف می‌شود، در واقع، معرّف شهر قدیمی کربلا نیز به حساب می‌آید. شهر کربلا به عنوان یک مجموعه، نیازمند پژوهشی است که وضع اصول علمی برای برنامه‌ریزی دوباره را شامل شود؛ به گونه‌ای که با مؤلفه ها و مشخصه‌های اساسی موجود در محیط عمرانی سنّتی شهر قدیم کربلا نیز کاملاً هماهنگ باشد.

تحلیلی بر اوضاع کنونی ساخت و ساز در مرکز شهر و مناطق اطراف آن

پس از بررسی جنبه‌های تاریخی و عمرانی شهر کربلا، اکنون عوامل تأثیرگذار، فشارها و مشکلات موجود در این شهر را بررسی می‌کنیم تا اهمیّت هریک از آنها مشخص و جوانب هر کدام نیز روشن شود.

۱. وضعیّت کنونی ساختار عمرانی شهر قدیم کربلا

علاوه بر نجف اشرف، کاظمین و سامرا، کربلا نیز الگویی برای شهرهای زیارتی در عراق به شمار می‌رود. بافت قدیمی شهر در مساحتی بیش از یک کیلومتر مربع واقع شده و خیابانی دایره‌ای شکل این منطقه را دربرگرفته است. حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام در مرکز این منطقه واقع شده‌اند. بخش عمده‌ای از خیابان اطراف این منطقه، به استثنای قسمت غرب و جنوب غربی آن، از فضاهای سرسبز می‌گذرد. این مسأله باعث شده است در همین دو قسمت (غرب و جنوب غرب) فعّالیّت‌های عمرانی گسترده و جدیدی صورت گیرد. بررسی بافت قدیمی شهر با در نظر گرفتن مرکز این قسمت که شامل حرمین شریفین و میدان وسیع بین الحرمین است، صورت می‌گیرد. خیمه‌گاه و منطقه باب الخان تقریباً در فاصله ۴۰۰ متری حرمین شریفین قرار دارند. باب الطّاق و باب بغداد نیز در فاصله ۸۰۰ متری آنها واقع شده‌اند. عابران با پای پیاده این مسافت را به راحتی طی می‌کنند. مساحت و شکل شهر به صورتی است که اساساً بر مقیاس حرکت پای پیاده انسان(۳۴۷) شکل گرفته است. این ویژگی را می‌توان برای تعیین مسیر حرکت اتومبیل‌ها و وسایل نقلیه عمومی و دور کردن آنها از مرکز شهر و انتقالشان به خیابان‌های اطراف استفاده کرد. از این ویژگی می‌توان در مراسم مهم مذهبی نیز بهره برد و برخی از خیابان‌ها به خصوص خیابان‌های نزدیک به مرکز را تنها به افراد پیاده اختصاص داد. هر چند خصوصیّات فضاهای عمرانی شهر کربلا را می‌توان در سایر شهرهای مذهبی جهان اسلام نیز جست و جو کرد، برخی ویژگی‌های متمایز در کربلا این شهر را به الگویی منحصر به فرد تبدیل و آن را از مراکز مذهبی دیگر جدا کرده است. به طور کلی، در شهرهای مذهبی، مساجد و حرم ها، قلب شهر محسوب می‌شوند و خصوصیّاتی مخصوص به خود دارند. در این میان، حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حرم حضرت عباس‌علیه السلام و همچنین میدان وسیع بین الحرمین، تمام ویژگی فضاهای عمرانی مرکز یک شهر مذهبی را در خود دارند. حرمین شریفین که ارتفاع گلدسته‌های آنها به ۳۹ متر و گنبدهای آنها به ۳۲ متر می‌رسد، نمایی از چشم‌انداز و خط افق این شهر به حساب می‌آیند. نشانه‌ها و ویژگی‌های این ساختار عمرانی اساساً عنصری است که در طرّاحی و تجدید بنای شهر و مرکز آن، بر بافت قدیم و مرکزی شهر تأکید و از آن محافظت شود. امّا بی برنامگی موجود در مورد بین الحرمین و ساخت و سازهایی که بدون نقشه و طرح معماری قبلی در این منطقه انجام می‌شود، حتماً به تضعیف عظمت و شکوه [چشم‌انداز] حرمین شریفین خواهد انجامید و احترام این اماکن مقدّس نیز در میان این محیط نا متجانس تقلیل خواهد یافت.

۲. کاربری های زمین

۲. کاربری های زمین

با بررسی شهر و مرکزیّت آن از جهت عمرانی و ساخت و سازها به این نتیجه می‌رسیم که زمین‌های این منطقه به سه منظور به کار رفته‌اند. بناهای ساخته شده در مرکز شهر باید به گونه‌ای باشند که ویژگی‌های عمرانی این منطقه را مشخص و اهمیّت مذهبی آن را منعکس کنند:

الف) حرم های و بناهای مذهبی و قدیمی

@memargold

حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حضرت عباس‌علیه السلام در مرکز بافت قدیمی شهر واقع شده‌اند و همراه میدان وسیع بین الحرمین قلب شهر به شمار می‌روند. این دو حرم از نظر کاربری و چشم‌انداز دو عنصر مهم و مؤثر در شهر محسوب می‌شوند. مساجد، حسینیه‌ها، مدارس مذهبی و بناهای قدیمی پیش از تخریب مرکز شهر در محوطه بین الحرمین و محیط اطراف حرمین شریفین متمرکز بودند. تعداد این بناها با دور شدن از قسمت مرکزی رو به کاهش گذاشته است. این بناها ویژگی‌های این شهر مذهبی را منعکس می‌کنند.

ب) کاربری تجاری

تجارت مهم‌ترین فعّالیّت اقتصادی در شهر به شمار می‌رود. تقریباً بیش از ۴۵ درصد از ساکنان بافت قدیمی شهر در این بخش فعّالیّت می‌کنند. اساساً ساکنان شهر بر فعّالیّت‌های تجاری تکیه می‌کنند، چون در طول سال زوار به صورت مستمر به سوی کربلا سرازیر می‌شوند. تعداد این زائران در زیارت‌های هفتگی و فصلی ۵ تا ۸ برابر می‌شود. این نسبت در مناسبت‌های مهم مذهبی مانند نیمه شعبان، دهه اوّل محرم و اربعین امام حسین‌علیه السلام تقریباً تا صد برابر می‌رسد. مناطق تجاری شهر به دو قسمت مهم تقسیم می‌شوند:

بازارهای قدیمی و سنّتی

در این بازارها ویژگی‌های بازارهای شرقی نمایان است. مهم‌ترین بازارهای قدیمی، یعنی بازار تجار، بازار حسین‌علیه السلام و بازار عباس‌علیه السلام پس از سال ۱۹۹۱ تخریب شدند. این بازارها با چند بازار و بنای دیگر به همراه حرمین شریفین ساختاری هم‌شکل و متجانس تشکیل داده بودند. این بازارها با مسیرهای اصلی که به حرم منتهی می‌شوند و مخصوص حرکت عابران پیاده هستند، ارتباط دارند. در کنار این بازارهای بزرگ (بازارهای فعلی موجود) بازارهای قدیمی و سنّتی دیگری نیز وجود دارند که مراکز تجاری فرعی محسوب می‌شوند و با مناطق تجاری اصلی و مناطق مسکونی در ارتباط هستند. این بازارها به ورودی های اصلی حرمین شریفین منتهی می‌شوند. از جمله این بازارها می‌توان به بازار خیمه‌گاه و بازار باب الخان اشاره کرد.

مناطق تجاری

این مناطق خیابان‌های اطراف حرمین شریفین را شامل می‌شوند؛ از جمله خیابانهایی که از سال ۱۹۸۰ کار ساخت آنها آغاز شده است؛ همچون میدان وسیع بین الحرمین و خیابان باب السلطانیه و خیابانهایی که از سال ۱۹۵۵ توسعه آنها آغاز شده است، مانند خیابان‌های عباس، باب القبله، سدره، علقمی و غیره که جزئی از مناطق تجاری کربلا به شمار می‌روند. طبقه هم کفِ عمارتها و بناهایی که در این خیابان‌ها واقع شده‌اند، کاربری های تجاری و خدماتی دارند و طبقات دیگر هتل‌ها، مهمانپذیرها، آپارتمان های مسکونی و دفاتر اداری را شکل می‌دهند. در سال‌های اخیر پس از تخریب بازارهای بزرگ در مرکز شهر، به خصوص پس از ماه مارس ۱۹۹۱، برخی از خیابان‌های مرکز شهر و خارج از آن به مراکز تجاری تبدیل شدند؛ از جمله خیابانی که به شهر هندیه منتهی می‌شود. گونه‌ای دیگر از فعّالیّت‌های تجاری، به خصوص در این اواخر افزایش یافته و آن مناطق تجاری واقع در میان مناطق مسکونی است. این موارد نتیجه فعّالیّت‌های اقتصادی و تجاری هستند که دلیل آن، احتیاج شدید به این مناطق و فعّالیّت‌ها به منظور ارائه خدمات به زائران و ساکنان شهر است. این مناطق در محلّه‌های باب بغداد، دو طرف عبّاسیه، باب الخان، باب الطاق، باب النجف، خیمه‌گاه و سایر محلّه‌های جدید پراکنده‌اند.

@memargold

ج) کاربری مسکونی

تقریباً ۷۵ درصد از بافت قدیمی مرکز شهر را ساختمان‌های مسکونی اشغال کرده‌اند. این مناطق مسکونی تا فاصله های بسیار نزدیکی از دیوارهای خارجی حرمین شریفین ادامه داشتند. امّا به دلیل تخریب هایی که در سال ۱۹۹۱ در مرکز شهر صورت گرفت و پیدایش میدان وسیع بین الحرمین و محوطه اطراف آن، میان این مناطق مسکونی و حرمین شریفین فاصله افتاد. عموماً این مناطق مسکونی از ضروریاتی همچون حفاظت و ترمیم بی‌بهره‌اند.

۳. وضعیّت بناها در بافت قدیمی شهر

وضعیّت بناها و عمارت هایی که در بافت قدیمی شهر واقع اند، از نظر طرح، نقشه و معیارهای به کار رفته متفاوت اند. این تفاوت‌ها در ارزش بناها تأثیر می‌گذارد. حدود ۶۵ درصد از بناهای بافت قدیمی و مرکزی شهر فرسوده اند. از سال ۱۹۹۷ نیز نسبت بناهای نو ساز رو به افزایش گذاشته است، به خصوص ساختمان هایی که در میدان وسیع مرکز شهر یا در ردیف اوّل خیابان‌های جدید واقع شده‌اند. این خیابان‌ها در سال‌های اخیر گسترش پیدا کرده‌اند اسلوب معماری این بناها با بافت معماری منطقه قدیمی شهر همخوانی ندارد. ارزش تاریخی و معماری میراث تمدّنی و بافت عمرانی سنّتی شهر کربلا ضرورت اجرای طرحی کامل را مطرح می‌سازد تا از این میراث محافظت شود. این طرح هم‌چنین باید محوطه وسیع و یکپارچه این مناطق را دربرگیرد و ویژگی‌های سنّتی و هویّت محلّی شهر را حفظ و تقویّت کند. واقعیّت این است که بسیاری از این بناهای قدیمی به اقداماتی برای حفاظت و مرمّت به طور مستمر و مداوم نیازمندند.

۴. محیط و بافت عمرانی

شهر کربلاـ از جمله شهرهایی است که به دلایل مذهبی، تاریخی و موقعیّت استراتژیک طی قرون متمادی، بافت عمرانی خود را نسبتاً حفظ کرده است. امّا تخریب هایی که از سال ۱۹۸۰ در مرکز شهر کربلا صورت گرفت، تأثیر آشکاری بر معماری سنّتی و قدیمی این شهر بر جای گذاشت، تا جایی که به تهدیدی برای ویژگی‌ها و هویّت اسلامی این شهر تبدیل شد. [تا کنون] اقداماتی جدّی برای محافظت از این بناها صورت نگرفته، بخش‌های ویران شده براساس اصول علمی تجدید بنا نشده‌اند و از قسمت‌های باقی‌مانده نیز حفاظتی صورت نگرفته است. می‌توان گفت مهم‌ترین حادثه در تاریخ معاصر شهر که اثری بسیار مهم و اساسی در بافت عمرانی آن داشت، تخریب کامل مرکز شهر و از میان بردن مناطق واقع میان حرمین شریفین و محوطه پیرامون آن است. این تخریب‌ها یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخی مرکز شهر کربلا را که از برجسته‌ترین شهرهای مذهبی در جهان اسلام است، از میان برد. هم‌چنین سبب از بین رفتن ابّهت مکانی دو صحن حرمین شریفین شد. این دو صحن تا چندی پیش، وسیع‌ترین فضاهای باز موجود در شهر به شمار می‌رفتند، امّا پس از گسترش تخریب در این منطقه و ساخت میدانی وسیع میان این دو صحن، ابّهت آنها از بین رفت. این ضرر و زیان به این امر نیز خلاصه نشد؛ زیرا با نماهای بیرونی حرمین شریفین نیز تنها به صورت یک نماد(۳۴۸) رفتار شد. برجسته‌ترین ویژگی منحصر به فرد معماری شهر، ابهت عمارت های حرمین شریفین بود که طبق معماری سنّتی و قدیمی شکل گرفته بود و مسیرهای اصلی رفت و آمد عابران پیاده از آن منشعب می‌شد. امّا این ویژگی پس از تخریب تمام این بناهایی که بین حرمین شریفین واقع بودند، از بین رفت.

۵. رفت و آمد وسایل نقلیه و عابران پیاده و پارکینگ وسایل نقلیه

الف) مسیرهای عبور و مرور وسایل نقلیه

این شبکه در بافت قدیمی شهر از دو قسمت اساسی تشکیل می‌شود که از این قرارند: ۱. مسیرهای عبور و مروری که در میان بناهای قدیمی و محلّه‌های مسکونی واقع شده‌اند. این مسیرها در خیابان‌های قدیمی شهر و بیشتر در خیابان‌های تنگ واقع شده‌اند. ۲. خیابانهایی که اخیراً در بافت قدیمی احداث شده‌اند و خیابانهایی که توسعه یافته‌اند، در مرکز شهر با هم متّصل می‌شوند. خیابانی که در اطراف بافت قدیمی شهر واقع است نیز از این جمله است. این شبکه ارتباطی به جاده هایی متّصل است که کربلاـ را به شهرهای دیگر مرتبط می‌سازد و همه آنها به بافت قدیم شهر منتهی می‌شود. در گذشته، گاهی ترافیک سنگینی به ویژه در خیابان‌های متّصل به مرکز شهر به وجود می‌آمد، امّا در سه سال اخیر از ورود اتومبیل‌ها به مرکز شهر جلوگیری می‌شود.

ب) عبور و مرور عابران

در مرکز شهر مشکلاتی در عبور و مرور و مسیرهای حرکت عابران پیاده وجود دارد که در مناسبت‌های مهم مذهبی نیز تشدید می‌شود. با وجود احداث خیابان‌های جدید، توسعه برخی خیابان‌های قدیمی و همچنین بازسازی میدان وسیع بین الحرمین، عابران، به خصوص دسته‌های عزاداری که از مرکز شهر و مناطق اطراف عبور می‌کنند، همچنان دچار مشکل می‌شوند و هنوز راه‌حل مناسبی برای آن یافت نشده است. مسیرهای عبور و مرور عابران پیاده به طور عمومی با مشکل تداخل با مسیرهای حرکت وسایل نقلیه روبه روست. این مشکل به خصوص در خیابان‌های منتهی به مرکز شهر بیشتر است.

ج) پارکینگ وسایل نقلیه

در بافت قدیمی شهر دو نوع پارکینگ برای وسایل نقلیه وجود دارد: ۱. پارکینگ های کنار خیابان: (۳۴۹) این نوع پارکینگ در اکثر خیابان‌های شهر، به خصوص در خیابانهایی که به حرمین شریفین منتهی می‌شوند، وجود دارد. ۲. پارکینگ های خارج از خیابان: (۳۵۰) این پارکینگ ها در کربلا بسیار کم است و با تعداد اتومبیل‌هایی که در روزهای عادی و تعطیلات پایان هفته وارد کربلاـ می‌شوند، تناسب ندارد. برنامه روشنی در مدیریت و تنظیم پارک اتومبیل‌ها و احداث بناهایی در شهر که به این منظور اختصاص یابد، وجود ندارد. عدم وجود راه‌حل های موقّت در برنامه‌ریزی بافت قدیم شهر از جمله مرکز آن، سبب ایجاد ترافیک های سنگین در این مناطق می‌شود.

د) ایستگاههای حمل و نقل عمومی

تعداد ایستگاهها و پایانه‌های حمل و نقل برون شهری با تعداد زائرانی که به کربلا سفر می‌کنند و خدماتی که باید به آنها ارائه شود، تناسب ندارد. این امر سبب بی‌نظمی در حرکت اتومبیل‌ها و عابران پیاده می‌شود؛ از جمله این پایانه‌ها می‌توان به پایانه عمومی واقع در ابتدای مسیر کربلا حلّه اشاره کرد.

۶. قابلیت‌های شهر برای تبدیل شدن به مرکز سیاحتی زیارتی

سفر به شهر کربلاـ عموماً به دو منظور انجام می‌شود: اوّل، مذهبی که همان زیارت حرم های متبرّک و سایر آثار مذهبی است. زائران معمولاً به این شهر برای زیارت و دیدار از مناطق تجاری مهم آن سفر می‌کنند. دوم، سیاحتی که هدف از آن، مشاهده آثار دیدنی و سیاحتی است، شامل حرم های متبرّک، بناهای مذهبی و میراث فرهنگی و باستانی. براساس آمار یکی از پژوهش‌های

میدانی از شهر کربلا، تعداد زائرانی که در روزهای عادی هفته از کربلا زیارت می‌کنند، حدود یازده هزار نفر در روز است که این میانگین سالیانه است. این تعداد در روزهای پنجشنبه و جمعه به پنجاه هزار نفر می‌رسد، امّا در عید های بزرگ مانند: عید سعید قربان و عید سعید فطر تعداد زائران بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر است. در مناسبت‌ها و مراسم دینی مذهبی مهم مانند نیمه شعبان، دهه اوّل محرم و اربعین امام حسین‌علیه السلام (بیستم صفر) یک تا یک و نیم میلیون نفر زائر وارد کربلا می‌شوند. گاهی این تعداد تا سه میلیون نفر نیز افزایش می‌یابد. اقامت برخی از زائران در کربلا دو تا پنج روز طول می‌کشد، امّا برخی دیگر فقط تا ظهر یا عصر همان روز در کربلا می‌مانند. از آنچه گذشت، نتیجه می‌گیریم که برای اسکان این تعداد زائر احتیاج شدیدی به فضاهای وسیع احساس می‌شود. هم‌چنین باید خدمات ضروری که این افراد در مدّت اقامتشان در کربلا به آن نیاز دارند به آنها ارائه شود. در این زمینه، باید فضاهایی مسقّف و مکان‌هایی برای اقامت موقّت این افراد در نزدیکی حرمین شریفین و مناطق اطراف آنها ایجاد شود. در این ایام که زائران در خیابان‌ها و پیاده رو های اطراف حرمین شریفین در حالتی به هم فشرده هستند، وضعیتی سخت و ناگوار ایجاد می‌شود که با اهمیّت شهر مقدّس کربلا و جایگاه مذهبی و تاریخی آن سازگاری ندارد.

۷. پیشینه تاریخی معماری سنّتی شهر

در بررسی تاریخ و آبادانی بافت قدیمی شهر کربلا مشاهده می‌کنیم که ویژگی‌های معماری این شهر از زمان پیدایش و رشد متأثّر از هنرهای تمدّن عراق و سایر تمدّن‌های اسلامی بوده است. بسیاری از این تأثیرات نیز در زمان خلافت عباسیان بوده است که علّت آن به اهتمام برخی خلفای عباسی و فرمانروایان مسلمان به سرزمین‌های اسلامی باز می‌گردد. برخی از بناهای کربلا برای مثال، حرم های مطهّر و عمارت های مذهبی از نظر بزرگی، ارتفاع دیوارها و ورودی از ویژگی‌های برجسته معماری برخوردارند. هم‌چنین میدان‌های روباز از مهم‌ترین عناصر معماری در بناهای شهر کربلا به شمار می‌روند. در آن دوره زمانی مصالح ساختمانی مختلفی مانند سرامیک و تزئینات آجری، گچی و کاشیکاری در ساخت بناها به کار می‌رفت که بیانگر نشانه‌هایی از هنرهای مختلف اسلامی در بناهای مذهبی کربلاـ بود. این نشانه‌ها شامل نقش‌های هندسی و نوشتاری و نشان دهنده برتری در شیوه‌های تزئین بناهاست که در آن دوره آغاز شده بود. این هنر بلندپایه یکی از ارکان و ستون‌های هنر اسلامی در بناهای کربلا به شمار می‌رود. خط عربی یکی از برجسته‌ترین هنر هایی است که در تزئینات نماهای خارجی و داخلی بناهای مذهبی به کار رفته است. این خط به دو شیوه در این تزئینات نگاشته می‌شد: خط کوفی که نسبت آن به شهر کوفه در عراق برمی‌گردد. ویژگی خط کوفی این است که حروف آن کشیده‌اند و زاویه ها و گوشه‌هایی تیز دارند. شیوه دوم خط نسخ است که حروف آن انعطاف‌پذیر و قوس دارند. هر دو نوع خط به شیوه‌ای هنری و جذاب به کار گرفته شده‌اند، به خصوص خط کوفی که در کتابت آیات قرآن کریم از آن بسیار استفاده شده است. در زمان خلافت عباسیان از کاشی‌های رنگی برای تزئین استفاده می‌شده است. این هنر که در قرن‌های سوم و چهارم هجری بسیار کاربرد داشت، در گوشه و کنار جهان اسلام، به‌ویژه در ایران، کشورهای آسیای میانه و شام نیز منتشر شد. کربلا در ساخت و به کارگیری این کاشی‌ها در بناهای مذهبی و به خصوص حرم های مطهّر دارای جایگاهی خاص است. در زمان حکومت مغول ها (ایلخانیان) به‌ویژه حکومت جلائری‌ها در عراق، از تزئینات سفالی برّاقی برای پوشاندن نماها و آراستن حرم های مطهّر در شهر کربلا استفاده می‌شد، به‌ویژه در حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و گلدسته «العبد» که در جوار حرم بود، از این هنر بهره برده شد. پادشاهان سلسله صفوی به حرم های مطهّر و تزئین آنها توجّه ویژه‌ای نشان می‌دادند. در این زمان از کاشی و نقوش آجری و گچی برای تزئین حرم های مطهّر و سایر بناهای مذهبی استفاده می‌شد. مقرنس کاری‌های آجری و گچی نیز عناصری مهم در تزئینات معماری به شمار می‌رفتند. گاهی تکه‌های کوچک سفالی برّاقی که دارای رنگ‌های مختلفی بودند نیز در تزئینات به کار می‌رفت. این تزئینات به اماکن مذهبی عبادی جلوه زیبایی می‌بخشید و بر جان و روح انسان‌ها تأثیر می‌گذاشت. هم‌چنین از

تخته هـای مشـبک و مزین به‌ویژه بر روی قبور مطهّر امام حسین‌علیه السـلام و حضـرت عباس‌علیه السـلام اسـتفاده می‌شـد. در زمان حکومت صـفویان، برای اوّلین بـار از قطعه‌هـای مسـی که لایه‌ای نـازک از طلاـ روی آنها کشـیده شـده بود، برای پوشانـدن سـطح گلدسـته‌ها و گنبدهای حرم های مطهّر در کربلا و سایر شهرهای مذهبی عراق استفاده شد. این هنر نقش خاصّی در جلوه‌گر ساختن معماری شهرهای مذهبی داشت و آنها را از شهرهای دیگر متمایز می‌کرد. از نوعی تزئینات چوبی معروف به شناشیل نیز برای تزئین پنجره‌هـا، به خصوص در زمـان قیمومیّت حکومت انگلسـتان بر عراق، اسـتفاده می‌شـد. هنـدی‌ها این هنر را در شـهر کربلا گسترش دادند و پایه گذار آن در این شـهر و برخی دیگر از شـهرها مانند بغداد و بصره بودند. مصالح ساختمانی محلّی کربلا تأثیری آشکار در پیشـرفت بناهای شهر از نظر معماری داشته است که از جمله می‌توان به آجر، گچ و کاشی اشاره کرد. صنعت ساخت این مصالح در گوشه و کنار شـهر و حومه آن گسترش پیـدا کرد. در ساخت بناها و عمارت های شـهر کربلا نه تنها از مصالـح ساختمانی محلّی بلکه از سـنگ مرمر، سـنگ‌های رنگی و چوب‌هـای کمیـاب وارداتی برای پوشانـدن و تزئین بسـیاری از بناهـا و عمارت های کربلا استفاده می‌شد.

۸. عوامل تأثیرگذار در بافت جمعیّتی شهر

در جریان سرشـماری های حکومت عراق، مشـخص شـد، تعـداد جمعیّت شـهر کربلا در سال ۱۹۷۱، ۱۰۲/۲۱۳ نفر بـوده است. این تعداد در سال ۱۹۸۵ به ۱۸۴/۵۷۴ نفر رسید.(۳۵۱) بنابراین، شـهر کربلا در این دوره با افزایش جمعیّتی به نسـبت ۸۱ درصد روبه‌رو بوده است. این نسـبت در مقـایسه با شـهرهای دیگر عراق بسـیار بالاست. دلیل این موضوع مهاجرت های دسـته‌جمعی از روسـتاها و سـایر شـهرهای عراق به‌ویژه قسـمت‌های جنوبی این کشور به کربلاـست. قرار داشـتن حرمین شـریفین در این شـهر، سـبب بالاـ رفتن تراکم جمعیّتی در آن شـده که از طریق مهاجرت از سایر شـهرها و ساکن شـدن در کربلا صورت گرفته است. در این شـهر فرصـت کار بسـیار زیاد است. از جمله فعّالیّت‌های تجاری و خدماتی که به منظور رفاه زائران این شهر صورت می‌گیرد؛ زیرا کربلا به عنوان منطقه‌ای سـیاحتی و مکانی برای گذراندن تعطیلات تابسـتانی نیز شناخته می‌شود.(۳۵۲) طی جنـگ هشت سـاله ایران و عراق که از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ به طول انجامیـد، جمعیّت شـهر کربلا افزایش یافت که علّت آن سـرازیر شدن برخی از ساکنان شـهرهای دیگر عراق، به خصوص شـهرهای جنوبی به کربلا و سایر شـهرهای مذهبی برای سـکونت و اقامت در این شهرها بود. عراقی‌ها می‌دانستند که شـهرهای مـذهبی عراق در امـان هسـتند، زیرا این شـهرها نزد ایرانی‌ها مقـدّس هسـتند. گفتنی است این افزایش جمعیّت با وجود مهـاجرت دادن اجبـاری هزاران عراقی سـاکن شـهر کربلاـ بـه ایران از جـانب حکـومت عراق، صـورت گرفتـه اسـت. بسـیاری از مجموعه‌های مسـکونی جدید در محلّه‌های نو ساز متمرکزند که خارج از بافت قدیمی شـهر طرّاحی شده‌اند. لذا تعداد ساکنان بافت قدیمی شهر به دلایل زیر رو به کاهش است: ۱. ظرفیت کم محلّه‌های قدیمی شهر نسبت به تعداد ساکنانی که در این مناطق زندگی می‌کننـد. این امر از دهه ۵۰ آغاز شـد. به همین علّت، در محلّه‌های جدیـد خانه‌هایی وسـیع ساخته شدنـد و بسـیاری از اهالی مناطق قـدیمی تشویق شدنـد که به این محلّه‌های نو ساز نقل مکان کننـد. ۲. در نتیجه ایجـاد و گسترش خیابان‌هـای جدیـد به خصوص در مرکز شـهر بسـیاری از خانه‌ها تخریب شدنـد. قسـمت زیادی از بخش‌های جلویی و طبقه های همکف خانه‌ها برای کسب درآمـد و منفعت به محلّه‌های تجاری و بازار تبـدیل شدند. ۳. از دهه ۵۰ دولت اقـدام به اعطای وام هایی با سود پایین به منظور ساخت و ساز خانه‌های جدیـد کرد. هم‌چنین زمین در محلّه‌های مسـکونی جدید با قیمت‌های بسـیار مناسب فروخته شد. ۴. بالا رفتن سطح درآمد ساکنان منطقه، به خصوص در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ باعث شد که مردم به دنبال خانه‌هایی بزرگ‌تر در محلّه‌های نو ساز باشـند. ۵. پس از انقلاب مارس ۱۹۹۱ که بافت کربلا به‌ویژه مرکز این قسمت با ویرانی‌ها و خرابی‌هایی مواجه شد، بسیاری از ساکنان این منطقه به اجبـار به شـهرهای دیگر عراق به خصـوص بغـداد کوچ کردنـد. ۶. در ایـن دوره حکـومت عراق بی‌تـوجّهی هـایی نسبت به کربلا

معطوف داشت. هم‌چنین خانواده‌هایی که فرزندانشان در انقلاب شرکت داشتند تحت پیگرد قرار گرفتند. سازمان ملل متحد نیز عراق را محاصره اقتصادی کرد. این دلایل باعث شد که بخشی از ساکنان کربلا به خارج از کشور مهاجرت کنند و عده‌ای نیز به دلیل نگرانی نسبت به زندگی خویش، برای کسب فرصت کاری بهتر به سایر شهرهای عراق کوچ کنند.

توجّه به طرح‌ها، نقشه‌ها و برنامه‌های پیشنهادی برای توسعه مرکز شهر و مناطق اطراف آن

در ادامه به مهم‌ترین مؤلفه های معماری و طرح‌های پیشنهادی برای توسعه و پیشرفت مرکز شهر و مناطق اطراف آن خواهیم پرداخت. این موضوع از جنبه‌های زیر مورد بررسی قرار می گیرد: ۱. ملاکهای برنامه‌ریزی عمرانی؛ ۲. سیاست گذاری در مورد نوسازی مرکز شهر و مناطق اطراف آن؛ ۳. طرح‌های مربوط به توزیع کاربری های زمین؛ ۴. راه‌های پیشنهاد شده در زمینه برنامه‌ریزی و توسعه عمرانی؛ ۵. طرح‌هایی در زمینه سیستم عبور و مرور عابران پیاده، اتومبیل‌ها و پارکینگ وسایل نقلیه؛ ۶. طرح‌هایی در زمینه تشویق و جذب زائران و سیاحت گران؛ ۷. توجّه به ویژگی‌های عمرانی که در عناصر و جزئیات معماری بناهای جدید نمایان است.

۱. ملاکهای برنامه‌ریزی عمرانی

بازسازی چارچوب حرمین شریفین از طریق احیای بافت عمرانی که بین حرمین شریفین و مناطق اطراف آن وجود داشت. هم‌چنین بر اهمیّت و نقشی که آن دو به عنوان مراکزی مهم در فضای شهر داشتند و عناصر کاربردی و چشم‌انداز این مراکز باید تأکید شود. از سرگیری توسعه مناطق اطراف حرمین شریفین طبق معیارهایی که با برنامه‌ریزی و طرح‌های عمرانی جدید مرکز شهر و سایر طرح‌های عمرانی بافت قدیم هماهنگ باشد. بازسازی منطقه‌ای که در آن بازارهای قدیمی قرار داشتند. این منطقه که در حد فاصل حرمین شریفین واقع شده بود و به‌ویژه بازارهای بزرگ و محلّه‌های تجاری طی چند سال اخیر تخریب شده‌اند. گفتنی است مسیرهای موجود در این بازارها راه‌های اصلی عبور و مرور عابران بین حرمین شریفین بودند. ارتباط دادن مناطق تجاری جدید (که در منطقه بین الحرمین و مناطق اطراف آن واقع اند) با سایر مناطق تجاری که در بافت قدیمی قرار دارند از طریق ایجاد مسیرهایی برای عبور و مرور عابران پیاده. علاوه بر این، باید تمام ضروریات و ملزومات برای جذب مسافر و آسایش وی فراهم باشد. پس از تحقق این امور، پیشرفت و توسعه شهر کربلا ادامه خواهد یافت. معماری سنّتی شهر و تأکید بر ویژگی‌های این عناصر، به گونه‌ای که بیانگر اصالت این منطقه مذهبی از شهر کربلا باشند و الهام گرفتن از شیوه‌های طرّاحی و برنامه‌ریزی جدید در این عناصر برای استفاده در مرکز شهر. تأکید بر این موضوع که بناهای جدید باید با حرمین شریفین و هم‌چنین بافت عمرانی مناطق مسکونی مجاور که در بخش قدیمی شهر واقع اند، هماهنگی داشته باشند. علاوه بر این، باید بازار هایی که جدیداً طرّاحی شده‌اند با مناطق مسکونی و تجاری مجاور مرتبط شوند تا در این مناطق فعّالیّت‌های تجاری پیشرفت کند و یک بافت عمرانی کامل برای کل شهر به وجود آید. لزوم دائمی شدن راه‌های عبور و مروری که در بین الحرمین احداث می‌شوند، تا این منطقه محور اصلی عبور و مرور باشد. هم‌چنین مرتبط ساختن این راه‌ها به خیابانی که اطراف بافت قدیمی قرار دارد و سایر خیابانهایی که به تازگی طرح ساخت آنها ارائه شده است. اهدافی که درصدد تحقق آن هستیم، تأکیدی بر هویّت مذهبی و فرهنگی مرکز تاریخی شهر کربلا و هم‌چنین نشان دادن جایگاه عمرانی و احیای سرمایه فرهنگی اصیل آن است.

۲. سیاست گذاری در مورد نوسازی مرکز شهر و مناطق اطراف آن

در مناطق اطراف حرمین شریفین بناهایی وجود دارند که از نظر ویژگی‌های معماری و زیربنایی با یکدیگر بسیار متفاوت اند.

بنابراین، در سیاست گذاری برای تجدید و پیشرفت تمامی این بناها یا بخشی از آنها باید ملاک های زیر مدّنظر قرار گیرند:. وضعیّت کنونی بناها از لحاظ مسائل عمرانی (ساختمان‌های بد و نا مرغوب باید تخریب شوند و ساختمان هایی که از لحاظ عمرانی درجه قابل قبولی دارند، مرمّت شوند). ارزش کاربری قطعه زمینی که بنا در آن واقع شده است. (بناها و ساختمان هایی که ارزش کاربری آنها نسبت به مساحتی که اشغال کرده‌اند پایین است، باید تخریب شوند؛ زیرا ارزش زمینی که این بنا در مرکز شهر اشغال کرده بیش از خود بناست.) این طرح در صورتی اجرا می‌شود که بناها از نوع مذهبی فرهنگی قدیمی نباشند. مقدار بهره‌دهی بناها و ارزش کاربری آنها به نسبت سیاست‌هایی که در مورد کاربری زمین‌ها اتخاذ شده است. بر این اساس، هر بنایی که در پروژه‌های توسعه و بهسازی مرکز شهر مانعی به شمار آید، تخریب می‌شود. ارزش معماری، تاریخی و ویژگی‌های فرهنگی بنا. موقعیّت بنا در بافت عمرانی منطقه و اثری که در انسجام این بافت دارد. میزان تعارضی که بناها با شاخصه‌های برنامه‌ریزی و طراحی های پیشنهاد شده دارند. (تمام بناهای بد و نا مرغوب که شیوه معماری آنها با ویژگی‌های معماری منطقه، به‌ویژه حرمین شریفین و بناهای طراحی شده بین آنها هماهنگی نداشته باشد یا تأثیر منفی بر معماری آنها بگذارد، تخریب می‌شوند.) مشخص شدن نقطه پایانی پیوستگی میان ساختمان هایی که بر منطقه پیرامون حرمین شریفین اشراف و بافت عمرانی خاصّی دارند و نیز پیاده رو های دارای سقف که جزئی از این بافت به حساب می‌آیند. هم‌چنین [تعیین] نقطه آغاز بافت عمرانی جدید که ساختمان‌ها در این بافت ارتفاع های متفاوتی دارند و بین ساختمان‌ها نیز فاصله وجود دارد. توجّه به چشم‌انداز بناها و میزان ویژگی‌های قدیمی و سنّتی آن (مانند چشم‌انداز بازارهای جدید در مرکز شهر نسبت به حرمین شریفین).

۳. طرح‌های مربوط به توزیع کاربری های زمین

شاخصه‌های کاربری زمین که بین حرمین شریفین و مناطق پیرامون آنها وجود دارند، باید بر ارزش‌های معنوی که در بناهای این دو حرم جلوه‌گرند، تأکید داشته باشند. طرح فعّالیّت‌های تجاری سنّتی که پیشنهاد شده است در مرکز شهر ایجاد شود، باید به گونه‌ای باشد که ارتباط معنوی و دنیوی آن با هم تقویت و هویّت مذهبی تاریخی شهر نیز حفظ شود. باید ویژگی‌های شهر و اهمیّت مذهبی آن مورد توجّه قرار گیرد، به ویژه بر موقعیّت بناهای حرمین شریفین در بافت عمرانی مرکز شهر تأکید گردد تا از ساخت و سازهای بی رویه و بدون برنامه در اطراف صحن‌های مطهّر این دو حرم جلوگیری شود. هدف از این امر، حفظ هیبت و عظمت بناهای حرمین شریفین است. به علاوه، چگونگی این کاربری ها باید مشخص شود؛ زیرا با عبور و مرور زائرین در منطقه بین الحرمین ارتباطی مستقیم دارد. تعیین مناطقی مخصوص عبور و مرور زائران با امکان حرکت متناوب سرویس‌های خدماتی؛ این راه‌ها باید در اطراف محورهای اصلی بین الحرمین و مناطق اطراف ایجاد شوند. هم‌چنین باید به پارکینگ ها و ایستگاههای حمل و نقل عمومی مرتبط شوند، به‌ویژه به ایستگاهها و جایگاه‌هایی که در خیابان اطراف بافت قدیمی شهر وجود دارند. باید برای ساخت بناها و هتلهای بزرگ، هم‌چنین احداث پارکینگ های بزرگ در مرکز شهر با برنامه پیش رفت؛ زیرا بی برنامگی بر بافت عمرانی مرکز شهر و ارتباط آن با سایر مناطق اطراف تأثیر منفی می گذارد. احیا و افزایش فعّالیّت‌هایی که به ساختار مذهبی شهر و ارائه خدمات به زائران مربوط است؛ هم‌چون ساخت هتلهای کوچک، اسکان زوّار، رستورانها، قهوه‌خانه‌ها، محلّه‌ها و مناطق تجاری، امکانات رفاهی عمومی، مراکز ارتباطات و اطّلاع‌رسانی، دفاتر پلیس گردشگری و استفاده از امکانات سیاحتی که خارج از شهر قرار دارند، از جمله دریاچه رزازه، باغ‌های زیبای اطراف شهر، قصر الاخیضر و چشمه‌های شهر عین التمر (شثاثا)، هم‌چنین بناهای تاریخی و میراث فرهنگی که داخل و خارج از شهر واقع هستند، از جمله خانه‌های قدیمی با کاربرد سیاحتی. این امور توانایی فعّال کردن و حیات بخشیدن به امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر را دارند. احیای فعّالیّت‌های فرهنگی، آموزشی و مذهبی مرتبط با شهر کربلا [به عنوان یک شهر مذهبی] (مانند مساجد، حسینیه‌ها، مدارس دینی و کتابخانه‌ها). باید به این امور رونق بخشید و آنها

را فعّال کرد. این امر برای حفاظت از هویّت مذهبی شهر و ممانعت از سیطره یافتن فعّالیّت‌های تجاری بر آن صورت می‌پذیرد. مرّمت و بازسازی مناطق مسکونی واقع در شهر قدیم برای جلوگیری از مهاجرت ساکنان این منطقه به مناطق مسکونی دیگر و حفاظت از کاربرد مسکونی منطقه. این موضوع پیگیری سیاستی متوازن است که میان محافظت و تجدید بنای ساختمان‌های این مناطق و توسعه مناطق مسکونی هماهنگی ایجاد می‌کند. در این مناطق باید برخی از بناهای قدیمی فرسوده بازسازی و محافظت و ساختمان هایی که محافظت و تجدید بنای آنها صرفه اقتصادی ندارد، تخریب شوند. هم‌چنین مناطق مسکونی باید به شبکه‌های خدمات اجتماعی (مانند مدارس، کودکستان ها، مهدهای کودک و مراکز درمانی و اجتماعی) مجهّز شوند. این مراکز در زمین‌هایی که ساخت و سازی در آن صورت نگرفته است یا زمین‌هایی که از تخریب خانه‌های فرسوده به دست آمده‌اند، احداث می‌شوند.

۴. پیشنهادهایی برای برنامه‌ریزی و توسعه عمرانی

۴. پیشنهادهایی برای برنامه‌ریزی و توسعه عمرانی

راه‌های پیشنهاد شده برای برنامه‌ریزی و توسعه عمرانی مرکز شهر و مناطق اطراف برحسب بخش‌های مختلف آن با هم تفاوت‌هایی به شرح زیر دارند:

الف) منطقه بین الحرمین (میدان وسیع)

پیشنهادی برای از سرگیری برنامه‌ریزی در مورد این منطقه داده شده است؛ زیرا این منطقه همراه حرمین شریفین یک مجموعه معماری واحد، متکامل و متجانس را تشکیل می‌دهد. بدون شک، پیشنهاد ساخت صحنی وسیع یا چند صحن که ضمن هماهنگی با بافت عمرانی مرکز شهر، حرمین شریفین را به یکدیگر ارتباط دهند، از عملی ترین راه‌حل ها به شمار می‌رود. این کار برای پذیرش تعداد بیشتری زائر است؛ زیرا این صحن یا صحن ها در امتداد دو صحن حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حضرت عباس‌علیه السلام موجب توسعه آن دو صحن می‌شوند. راه‌های ارتباطی میان این دو صحن از طریق ورودی های قدیمی موجود صورت می‌گیرد. بر صحن یا صحن هایی که طرح آنها ارائه شده است، رواقی عریض، دارای سقف و پیوسته اشراف دارد تا عابران را از باران زمستان و آفتاب گرم تابستان محافظت کند. بالای این رواق، طاق هایی همانند طاق ایوان در حرمین شریفین وجود دارد. این شکل از معماری برای حفاظت از معماری اسلامی مرکز شهر است. هم‌چنین این کار موجب حفظ احترام و هیبت حرمین شریفین و دور نگه داشتن این صحن ها از سر و صدای اتومبیل‌ها و آلودگی می‌شود. در مجاورت رواق هایی که بر صحن‌های پیشنهادی اشراف دارند، اتاق‌هایی نیز به منظور استراحت زائران پیش‌بینی شده است. رواق همکف بر صحن اشراف دارد و روی آن طبقه اوّل واقع است. طبقه اوّل مانند سایر رواق های فوقانی و مسقّف ساخته می‌شود. کاربرد این طبقه برای استراحت موقّت زائران و اهالی شهر، به ویژه در مناسبت‌های مهم است. مسقّف کردن این بناها به روش معماری سنّتی است (یعنی سقف آنها مانند طاق ها، گنبدها، سقف درهای بزرگ و ورودی های مرتفع ساخته می‌شوند). با این حال، از اصول و روش‌های معماری جدید نیز استفاده می‌شود. ضروری است بناها و طرح‌های پیشنهادی در منطقه بین الحرمین و محیط اطراف آن از دو طبقه بیشتر نباشند یا ارتفاع آنها از ارتفاع دیوار خارجی حرمین شریفین بالاتر نرود تا از هیبت آنها که نتیجه مرتفع بودنشان است کاسته شود. هم‌چنین عظمت و ارزش معماری این بناهای مذهبی در برابر بافت عمرانی متراکم پیرامون آن حفظ شود. این امور به منظور تأکید بر نقش حرمین شریفین به عنوان مراکز اصلی و عناصر مسلط بر مرکز شهر، چه از لحاظ کاربردی چه از لحاظ چشم‌انداز است.

ب) ساخت بازارهای طراحی شده در مرکز شهر

هدف از طرّاحی معماری بازارهای تجاری در مرکز شهر و محیط اطراف آن، استمرار بخشیدن به نقشی است که بازارهای قدیمی در مرکز شهر قبل از تخریب شان داشته‌اند. این بازارها به شیوه‌ای طرّاحی شده‌اند که ویژگی‌های قدیمی و جدید را یکجا داشته باشند. در این مورد بر هویّت مذهبی این شهر مقدّس تأکید می‌شود. از مهم‌ترین این طرح‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: احداث دو بازار بزرگ در دو طرف صحن یا صحن‌های پیشنهادی که این دو حرم شریف را به هم مرتبط می‌کند. هدف از ساخت این دو بازار، زنده نگه داشتن احترام دو بازار قدیمی است. یکی از آن دو بازار قدیمی بازار حسین‌علیه السلام است که بازار تجّار و بازار عباس‌علیه السلام را در خود جای می‌داد و دیگری بازار عرب است. این دو بازار میراث و پیشینه‌ای با خود دارند که همیشه با آنهاست. هم‌چنین از طریق تعدادی ورودی به صحن‌های پیشنهادی مرتبط می‌شوند. هر بازار به چند بخش تقسیم می‌شود که بین هر کدام یک میدان وسیع و مسقّف وجود دارد. راه‌های ورودی و خروجی بازار در این میدانها قرار دارند. این میدان‌های مسقّف از یک طرف به صحن یا صحن‌های بین الحرمین راه دارند و از طرف دیگر، به پارکینگ وسایل نقلیه متّصل می‌شوند. هم‌چنین در این میدانها راه پله هایی وجود دارد که به طبقه فوقانی بازار و رواق های مشرف بر صحن یا صحن ها منتهی می‌شوند. هر بخش از بازارها از دو طبقه تشکیل می‌شود: طبقه همکف که شامل یک سری مغازه‌های تجاری است که در دو طرف مسیر اصلی بازار قرار دارند. این مسیر اصلی، اهمیّت بسیاری دارد. در طبقه اوّل یا فوقانی نیز مغازه‌های تجاری و برخی کارگاههای صنایع دستی واقع است. در جلو این طبقه راهرو هایی وجود دارد که بر مسیر اصلی عبور و مرور در طبقه همکف مشرف هستند. ارتفاع دیوارهای بازار باید با ارتفاع دیوارهای خارجی حرمین شریفین و دیوارهای صحن یا صحن‌های پیشنهادی که حرمین را به یکدیگر مرتبط می‌سازند، هم اندازه و هماهنگ باشند. هم‌چنین این دیوارها باید با مناطق مسکونی و تجاری پیرامون آنها تناسب داشته باشند. – این توانایی وجود دارد که شیوه بنا و سقف دار کردن این بازارها طبق شیوه‌های معماری سنّتی در شهر کربلا اجرا شود و در عین حال، از اسلوب و روش‌های معماری جدید نیز استفاده شود.

ج) مراکز رفاهی عمومی

طبق برنامه‌ریزی ها و طراحی هایی که برای مرکز شهر کربلاـ و مناطق اطراف آن به عمل آمده است، تعدادی مراکز رفاهی مخصوص آقایان و بانوان احداث خواهد شد. این مراکز و تسهیلات در دو طرف صحن یا صحن‌های پیشنهادی و در نزدیکی بازارها ساخته می‌شوند و ممکن است جزئی از ساختمان‌های بازار شوند. در این مراکز رفاهی طبقه همکف مخصوص آقایان و طبقه اوّل مخصوص بانوان یا بالعکس است. این مراکز رفاهی به زائران و بازاریان شهر کربلا و مناطق اطراف، در آنِ واحد خدمات ارائه می‌دهد. در این طرح، هم‌چنین به افزایش تعداد زائران در مناسبت‌های مهم مذهبی و دینی توجّه شده است.

د) سقا خانه‌ها

با توجّه به اینکه تعداد زائران شهر کربلاـ روز به روز افزایش می‌یابد (به خصوص در مناسبت‌های مهم مذهبی)، به منظور فراهم کردن آب شرب برای زائران، به‌ویژه در فصل‌های گرم سال، برخی از اهالی شهر اقدام به برپا کردن مکان‌هایی به این منظور کرده‌اند. در این مکان‌ها مخازنی از آب شرب ساخته شده است که به این اماکن «سقاخانه» گفته می‌شود. این مخازنِ آب سرد به شیرهای آب سرد و ظرف‌های مسی مجهزند که از این ظرف‌ها برای نوشیدن آب استفاده می‌شود. تعداد بسیار زیادی از سقا خانه‌ها، کنار مساجد و خانه‌ها واقع اند و بر خیابان‌ها و کوچه‌ها اشراف دارند. تعداد این سقا خانه‌ها در نزدیکی حرمین شریفین

بیشتر است. از مشهورترین آنها سقا خانه‌ای است که در میدان خیمه‌گاه واقع است. نمای برخی از آنها با نقوش آجری و کاشیکاری یا با تزئینات آهنی و مسی تزئین شده است. بسیاری از این سقا خانه‌ها به دلیل تخریب هایی که در مرکز شهر صورت گرفت، ویران شدند. دلیل دیگر، پیشرفت در شیوه‌های خدمت رسانی به زائران و به کارگیری آب سردکن‌های برقی بود. در طراحی ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به منطقه بین الحرمین و مناطق اطراف آن، احداث مکان‌هایی به منظور فراهم کردن آب آشامیدنی برای زائران و اهالی شهر پیش‌بینی شده است. در طرّاحی این مکان‌ها پیشنهاد شده است که مانند سقا خانه‌هایی ساخته شوند که در گوشه و کنار شهر پراکنده‌اند. در ساخت آنها هر دو شیوه معماری معاصر و قدیمی به کار می‌روند. چندی پیش، کمیته اجرای طرح‌ها و حفاظت از بناهای حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام و حضرت عباس‌علیه السلام تعدادی سقاخانه زیبا در منطقه بین الحرمین احداث کرد.

ه) حمّام های عمومی

حمّام های عمومی از مهم‌ترین تسهیلات رفاهی به شمار می‌روند که به زائران خدمات ارائه می‌کنند، به خصوص در روزهایی که زیارت‌ها و مناسبت‌های مهم مذهبی برگزار می‌شود. این حمّامها از اهمیّت زیادی در میان زائران و مردم شهر برخوردارند؛ زیرا برای تطهیر، شست و شو و آمادگی برای عبادت و زیارت ضروری اند. بنابراین، در برنامه‌ریزی منطقه، طرح اختصاص دادن تعدادی حمّام عمومی برای آقایان و بانوان در مرکز شهر ارائه شده است. در طرّاحی این حمّامها از شیوه‌های معماری سنّتی و از مصالح ساختمانی محلّی استفاده می‌شود.

و) درمانگاهها و مراکز درمانی

به دلیل سرازیر شدن تعداد بسیار زیادی زائر در مناسبت‌های مهم مذهبی، در طرّاحی و برنامه‌ریزی مرکز شهر طرحی ارائه شده است که براساس آن، تعدادی درمانگاه و مراکز درمانی احداث شوند تا به ارائه کمک‌های اولیه هنگام بروز حوادث ناگهانی بپردازند. این درمانگاهها در جاهایی احداث می‌شوند که آمبولانس‌های بیمارستان‌های بزرگ به راحتی به آنها دسترسی داشته باشند. هم‌چنین برای مواقع ضروری، در خارج از شهر نیز پایگاه‌های درمانی احداث می‌شود.

ز) حسینیه حیدریه (سالن اجتماعات)

در طرّاحی و برنامه‌ریزی منطقه، طرح احیا و تجدید بنای حسینیه حیدریه در مکان قدیمی‌اش ارائه شده است. این حسینیه مقابل باب الرجاء، یکی از ورودی های حرم مطهّر امام حسین‌علیه السلام قرار گرفته و از اهمیّت مذهبی و فرهنگی زیادی برخوردار است. این حسینیه سالن اجتماعات بوده و در آن جشن‌ها و مراسم هایی در مناسبت‌های مهم مذهبی برگزار می‌شده است. علاوه بر این، یکی از بزرگ‌ترین حسینیه هایی که از زائران در شهر کربلاـ استقبال می‌کرده، حسینیه حیدریه بوده است. هنگام طرّاحی حسینیه پیشرفت‌ها و توسعه هایی که در بین الحرمین و مناطق اطراف آن در دست اجراست، نیز مورد توجّه قرار گرفته است تا با نوع معماری جدید مرکز شهر هماهنگی داشته باشد. در مورد طرّاحی این حسینیه چند نکته وجود دارد، از جمله توجّه به کاربردهای این حسینیه، از قبیل سالن اجتماعات، اسکان زائران و غیره. دوم اینکه امکان دارد عمارت حسینیه در منطقه‌ای دور از مرکز شهر ساخته شود و نیز شاید بخشی از طرح توسعه بین الحرمین باشد و در همین منطقه ساخته شود.

ح) هتل‌ها و مهمان پذیر های کوچک

برنامه پیشنهادی برای منطقه بین الحرمین، دربرگیرنده طرح‌های دیگری است که از جمله می‌توان به احداث بناهایی به عنوان هتل‌ها و مهمان پذیر های کوچک اشاره کرد که مخصوص زائران و گردشگران است. این مهمان پذیر ها از دو طبقه تشکیل می‌شوند: طبقه همکف که در میان آن یک نیم طبقه هم طرّاحی شده است و کاربرد تجاری و خدماتی دارد. در واقع، نیم طبقه به عنوان دفتر اداری این هتل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و علاوه بر این، اتاق‌هایی نیز برای سکونت در نظر گرفته شده‌اند. طبقه اوّل که طبقه فوقانی این هتل هاست، اتاق‌های خواب، حمّام و تسهیلات رفاهی را شامل می‌شود. بعضی از این هتل‌ها طبقه اوّل را به واحدهای کوچک آپارتمانی تقسیم می‌کنند که خانواده‌های زائران و گردشگران از آنها استفاده می‌کنند. شیوه معماری این بناها باید با معماری عمومی بناها و عمارت های طراحی شده در مرکز شهر مطابقت داشته باشد.

ط) پایگاه‌های پلیس

در طرح جامع مرکز شهر، منطقه بین الحرمین و محوطه اطراف آن، طرحی پیشنهادی نیز برای احداث پایگاه‌های پلیس، به‌ویژه پلیس گردش گردی ارائه شده است. این پایگاه‌ها که در دو طرف صحن‌های پیشنهادی در بین الحرمین و نزدیک بازارهای تجاری احداث می‌شوند، برای ارائه خدمات ضروری به زائران و گردشگران در مرکز شهر راه‌اندازی می‌شوند.

ی) مراکز ارتباطات

با توجّه به اینکه ارتباطات در زندگی روزمره زائران، گردشگران و ساکنان شهر جایگاه مهمی دارد، اماکنی برای احداث مراکز ارتباطات تلفنی و اینترنتی اختصاص خواهند یافت.

۵. طرح‌هایی در زمینه سیستم عبور و مرور عابران پیاده، اتومبیل‌ها و پارکینگ وسایل نقلیه

۵. طرح‌هایی در زمینه سیستم عبور و مرور عابران پیاده، اتومبیل‌ها و پارکینگ وسایل نقلیه

سیستم عبور و مرور عابران پیاده در مرکز شهر کربلا با بسیاری از مراکز شهرهای مذهبی و اسلامی متفاوت است. برای مثال، با سیستم مراکز شهرهایی همچون مکّه مکرّمه، مدینه منوّره، بیت‌المقدس، نجف اشرف، کاظمین، سامرای کنونی، مشهد مقدّس و قم تفاوت‌هایی دارد. دلیل این موضوع، تفاوت در محل تراکم عبور و مرور است. تراکم عبور و مرور در سایر شهرهای مذهبی، به‌ویژه در مناسبت‌های مهم، در اطراف مسجد یا حرم است، در حالی که در کربلا این تراکم در میدان وسیع بین الحرمین و مناطق پیرامون این محوطه است. بین الحرمین محوطه ای جدا از حرمین شریفین نیست و جزئی مکمّل برای آنها به حساب می‌آید. تراکم عبور و مرور عابران پیاده با دور شدن از مراکز به تدریج کاهش می‌یابد. میدان وسیع بین الحرمین، شریانی اصلی برای ارتباط میان بازارها، خیابان‌ها و کوچه‌های مرکز شهر به شمار می‌رود.

پارکینگ وسایل نقلیه

سیستم عبور و مرور وسایل نقلیه در شهر کربلا به دو بخش تقسیم می‌شود: الف) در روزهای عادی (که مراسم خاصّی ندارند)؛ ب) در روزهای زیارتی و مناسبتی مهم. برای وسایل نقلیه زائرانی که در روزهای عادی به کربلا می‌آیند، لازم است پارکینگ هایی ساخته شود. همچنین پارکینگ هایی برای بازاریان، صاحبان مکان‌های تجاری و اتومبیل‌های حمل و نقل اموات باید احداث شوند. این پارکینگ ها باید در دو طرف منطقه بین الحرمین و جدا از مسیرهای اصلی عبور و مرور عابران پیاده باشند. توسعه عبور و مرور

در خیابانی که دور شهر قدیم قرار دارد؛ این امر تا آنجا که ممکن است پس از توسعه این خیابان و احداث پارکینگ هایی در آن صورت می‌پذیرد تا از این پارکینگ ها در مراسم مهم مذهبی استفاده شود. علاوه بر این، در این خیابان باید علامت‌ها و چراغ‌های راهنمایی و رانندگی نیز نصب شود. هم‌چنین حمل و نقل عمومی را باید فعّال کرد تا از عبور و مرور وسایل نقلیه خصوصی که در روزهای عادی در شهر انجام می‌شود، کاسته شود. وضع قوانین و ضوابطی کامل در مورد مسائل مربوط به راهنمایی و رانندگی، پارک کردن اتومبیل‌ها و عبور و مرور وسایل نقلیه و اتومبیل‌های خدماتی که در مرکز شهر حرکت می‌کنند؛ هم‌چنین مسیر عبور و مرور این وسایل نقلیه باید از مسیر عبور و مرور عابران پیاده جدا شود.

مسیرهای حرکت عابران پیاده

یکی از طرح‌های مهم پیشنهادی ایجاد شبکه‌ای از گذرگاه ها برای عابران پیاده است که این امر در منطقه بین الحرمین و مناطق (اطراف آن) و مرکز شهر اجرا خواهد شد. این موضوع شامل موارد زیر می‌شود: عبور و مرور عابران پیاده در مسیری که در میدان وسیع بین الحرمین قرار دارد یا همان مکانی که صحن یا صحن‌های پیشنهاد شده در آنجا احداث خواهند شد. از رواق هایی که در این منطقه احداث می‌شوند ورودی ها و خروجی هایی منشعب می‌شوند که به بازارها، پارکینگ ها و سایر مناطق تجاری و مسکونی اطراف، راه می‌یابند. به این ترتیب، محیط امن و آرامی فراهم می‌شود که دارای ظرفیت بالایی برای عبور و مرور آسان عابران پیاده است. عبور و مرور عابران پیاده در فضاهای دارای سقف نیز صورت می‌پذیرد. این فضاها در اطراف حرمین شریفین، کوچه‌ها و خیابان‌های مرتبط با آن و ایستگاههای حمل و نقل عمومی که در خیابانی دور این منطقه واقع است، احداث می‌شوند. مسیرهای عبور و مرور ویژه مناطق تجاری که در بازارهای طراحی شده احداث می‌شوند. این مسیرها امتداد مسیرهای عبور و مرور مرکز شهر هستند و از آنها ورودی ها و خروجی هایی منشعب می‌شوند که به مناطق دیگر شهر نیز راه می‌یابند. احداث فضاهای عبور و مروری که ظرفیت تعداد انبوه عابران و دسته‌های تشییع جنازه را داشته باشند. این مسیرها باید بین ایستگاههای حمل و نقل عمومی در خیابان اطراف حرمین شریفین که دور آن را فراگرفته است و مرکز شهر احداث شوند. به‌ویژه لازم است در مسیرهایی که به شهرهای اصلی عراق مانند بغداد، نجف و حلّه منتهی می‌شوند، این گونه مسیرهای ویژه عبور و مرور احداث شوند. - لازم است سایبان هایی برای مسیرهای عبور و مرور عابران پیاده احداث شود. این مسیرها در مقابل بناهای پیشنهادی در مرکز شهر بین منطقه بین الحرمین و سایر بناهای واقع در اطراف آنها قرار دارند. سایبان ها برای حفاظت از مردم در برابر تغییرات جوّی ساخته می‌شوند. از آنجا که این مسیرها حلقه اتصال میان مرکز شهر و خیابان اطراف آن هستند، به کم شدن استفاده از وسایل نقلیه در مرکز شهر در روزهای عادی کمک می‌کند و نیز موجب کاهش آلودگی‌های محیطی و سر و صدا می‌شود. - لازم است فضاهای سبز و باز در بین الحرمین و در نزدیکی مسیرهای بازارهای سقف دار و هم‌چنین در تقاطع کوچه‌ها احداث شوند. این امر طبیعتی خاص و متمایز به منطقه می‌بخشد.

۶. طرح‌هایی در زمینه تشویق و جذب زائران و گردشگران

۶. طرح‌هایی در زمینه تشویق و جذب زائران و گردشگران

انتظار می‌رود در آینده سفرهای سیاحتی و زیارتی به شهر کربلا برای انجام آیین‌ها و مراسم مذهبی افزایش یابد. زمانی که طرح بازسازی و توسعه شهر اجرا شود و طرح‌هایی که در زمینه خدمت رسانی به زائران است به بهره‌برداری برسد، این انتظار برآورده می‌شود. از جمله خدماتی که باید به زائران ارائه شود، می‌توان به مراکز خدمات سیاحتی، مذهبی و احداث شهرکهای سیاحتی

اشاره کرد. این شهرک ها با هدف فراهم کردن مسکن برای گردشگران احداث می‌شوند. البته از آنها برای اسکان زائران نیز می‌توان استفاده کرد. این امر در مناسبت‌های مذهبی مهم کاربرد بیشتری دارد.

در این زمینه پیشنهادات و ملاحظات زیر بیان می‌شود

- یک شهرک سیاحتی در منطقه رزازه احداث شود. این منطقه در فاصله تقریباً ۱۴ کیلومتری غرب شهر کربلاـ واقع است. دلیل انتخاب این منطقه، قرار گرفتن در مکانی باز و وسیع و مُشْرِف بودن بر دریاچه رزازه و نیز نزدیک بودن به شهر کربلاست. - یک شهرک سیاحتی دیگر در نزدیکی آرامگاه عون بن عبداللّه احداث شود. این آرامگاه در راه جدید کربلا بغداد و در فاصله ۱۲ کیلومتری شمال شرقی کربلا قرار دارد. معمولاً زائران برای زیارت و گرامیداشت این آرامگاه به این منطقه روی می‌آورند. علاوه بر این، اطراف این آرامگاه یکی از مناطق زیبایی است که در آن نخلستانها و باغ‌های میوه زیادی وجود دارد. شهرکهای سیاحتی باید تمام امکانات خدماتی لازم را در اختیار داشته باشند که از جمله می‌توان به رستورانها، پارک‌ها، راه‌های عبور و مرور جدید و فراهم کردن وسایل حمل و نقل اشاره کرد. این امور به منظور کاهش فشار زیادی است که در مناسبت‌های مهم مذهبی بر شهر وارد می‌آید. - رشد و توسعه مناطق تجاری در مرکز شهر. به نظر می‌رسد این امر در جذب تعداد بیشتر زائر و گردشگر نقش داشته باشد. در ضمن، این امر سبب ساخت تعداد زیادی هتل کوچک و خانه‌هایی برای اسکان زائران می‌شود. البته این هتل‌ها و خانه‌ها باید در مقیاس و اندازه هایی ساخته شوند که با بافت عمرانی شهر هماهنگ باشند. - به کار گرفتن خانه‌های قدیمی مرکز شهر که جزئی از میراث فرهنگی هستند، به عنوان خانه‌هایی برای اسکان زائران و گردشگران، این عمل، فعّالیّتی سیاحتی نیز، به شمار می‌رود. البته باید تمام ملزومات ضروری و رفاهی برای گردشگران فراهم شود، به نحوی که با کاربرد اصلی این خانه‌ها که جزئی از میراث فرهنگی شهرند، تناقضی نداشته باشد. طرح دیگر، توسعه سیاحتی منطقه عین التمر (شثاثا) است. این منطقه در نزدیکی قصر الاخیضر قرار دارد که یک اثر تاریخی برجسته در عراق به شمار می‌رود. در این منطقه همچنین چشمه‌های آب معدنی وجود دارد که برای معالجه برخی بیماری‌ها مفید است. این منطقه از نظر محصولات کشاورزی و باغ‌های میوه مانند خرما، انار و زیتون غنی است. می‌توان برای بهره‌برداری سیاحتی که به اقتصاد شهر کربلا نیز نفع زیادی می‌رساند، راهی ارتباطی میان منطقه عین التمر و دریاچه رزازه احداث کرد، زیرا این دو منطقه به هم نزدیک اند.

۷. توجّه به ویژگی‌های عمرانی که در عناصر و جزئیات معماری بناهای جدید نمایان هستند

ویژگی‌های بناهای شهر قدیم، از یک سو در محیط معنوی شهر و از سوی دیگر، در خصوصیّات جغرافیایی و تاریخی این منطقه نهفته اند. همچنین ارتباطاتی که بافت خاص شهر را تشکیل داده‌اند. بنابراین، باید تأکید کرد که این ویژگی‌ها در بناهایی که برای منطقه بین الحرمین و مناطق اطراف آن طرّاحی شده‌اند نیز به کار گرفته شوند. این موضوع با تحکیم هویّت اسلامی مرکز شهر و آمیختگی آن با شیوه و اسلوب معاصر (که باید با معنویت و ارزش‌های اسلامی سازگار باشد) عملی می‌شود. همچنین باید روش‌های فنی معاصر را به شکلی خلّاق به کار گرفت تا آنجا که با شیوه‌های اصیل معماری اسلامی و جزئیات آن و همچنین با سنن و ارزش‌های اجتماعی، اسلامی و عوامل زیست محیطی سازگاری داشته باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت برجسته‌ترین عناصر معماری که لازم است احیا شوند و از ویژگی‌ها و نشانه‌های اصیل عمرانی آن محافظت شود، قلب شهر کربلاست که تشکیل شده از حرمین شریفین و محوطه اطراف آن است. این موضوع نیازمند پژوهشی درباره به کارگیری عناصر و جزئیات معماری است و این امکان را فراهم می‌کند که معماری اسلامی اصیل به مرکز شهر بازگردد. همچنین باید بر الهام پذیری و ارتباط بین تمام ویژگی‌های معماری تأکید شود. علاوه بر این، عناصر معماری مکمّل و اضافی که وارد محیط می‌شوند همراه با عناصری که در عمارت های

حرمین شریفین و محیط پیرامون آن وجود دارند، یک موجودیّت معماری هماهنگ و هم‌جنس تشکیل می‌دهند. این موجودیت تمامی ضروریات و ملزومات جدید مرکز شهر را برآورده می‌سازد و هماهنگ با معماری سنّتی کربلا غنی و ارزشمند می‌شود. اجزای تشکیل دهنده معماری سنّتی کربلاـ عبارت‌اند از: تزئینات آجری هم‌چون مقرنس کاری‌های زیبا، برجستگی‌ها و اشکال تزئینی هندسی و برخی نوشته‌ها و کتاب‌ها؛ به‌ویژه خط زیبای کوفی که در کتیبه های قرآنی بسیار به کار رفته است، هم‌چنین کاشیکاری ها و تزئینات چوبی متنوعی که در آراستن بناها به کار می‌روند. کاشیکاری هنری است که نقطه مشترک تمام هنرهای اسلامی است و تمام این هنرها از آن بهره‌ای دارند. هم‌چنین اجزای مختلف بناهای آجری مانند طاق ها، گنبدها، طاق های کوچک و دراز و کتیبه های قرآنی با بهره بردن از هنر کاشیکاری تزئین می‌شوند. ذکر این نکته لازم است که یکی از ویژگی‌های بازار حرمین شریفین و سایر بناهای مذهبی شهر کربلا همین هنر است. لذا بناهای طراحی شده جدید نیز باید این ویژگی‌ها را در خود داشته باشند. هم‌چنین از مصالح ساختمانی محلّی هم‌چون آجر، گچ و کاشی استفاده شود، به گونه‌ای که سادگی شکل معماری از بین نرود. این امر هویّت محلّی را تقویت می‌کند و در مسیرهای اصلی عبور و مرور عابران پیاده احساسات و دیدگان را به خود جلب می‌کند و باعث زیاد شدن شوق و اشتیاق به این آثار می‌شود.

اصول علمی برای توسعه شهر مقدّس کربلا

شهر کربلا در چند دهه گذشته با ظلم و ستم بسیاری مواجه بوده است. هم‌چنین نسبت به این شهر بی‌توجّهی فراوانی شد و تخریب های عمدی زیادی در آن صورت گرفت که این امور سبب مختل شدن نقش فرهنگی و مذهبی کربلا شد. علّت این امر، عقب ماندگی نگرش معماری، هنری و فکری بود که این نیز خود نتیجه تنگ نظری نظام گذشته است. این اعمال که بدون توجّه به محیط عمرانی و بافت خاص این منطقه صورت می‌گرفت، موجب دگرگونی و به هم ریختگی اوضاع مرکز شهر، به خصوص در مناطق اطراف حرمین شریفین به شکل قابل توجّه شد. شاید اقداماتی را که رژیم گذشته از سال ۱۹۹۱ آغاز کرد، بتوان بالاترین حد تخریب و بی‌توجّهی دانست. براثر این اقدامات مساحت های وسیعی در مرکز شهر به بهانه توسعه منطقه تخریب شدند، امّا هیچ پژوهش علمی در زمینه طرّاحی و برنامه‌ریزی وجود نداشت تا برای از سرگیری ساخت این مجموعه به کار گرفته شود. بر این نکته نیز باید تأکید کرد که به علّت فقدان راه‌حل ها و اقدامات صحیح، بسیاری از آثار برجسته اسلامی شهر کربلا از بین رفتند. اصالت و عظمت آثار زیبایی که در شهرهای مذهبی عراق وجود دارند، اساساً به میراث و هنر برجسته معماری اسلامی برمی‌گردد. بنابراین، شایسته است نمایان ساختن این جنبه از فرهنگ در اولویّت قرار گیرد؛ همان‌گونه که کشورهای پیشرفته جهان به میراث فرهنگی و بناهای قدیمی خود اهتمام خاصّی می‌ورزند. بنابراین، به شدّت نیاز است که به تجدید بنا و توسعه این شهر مقدّس توجّه شود؛ زیرا باید چهره فرهنگی این شهر نمایان شود. در این زمینه، توجّه به موارد زیر ضروری است: - لازم است پژوهشها و ملزومات ضروری به منظور طرّاحی و برنامه‌ریزی تجدید بنای این منطقه، تهیه شوند. البته باید در آن ویژگی‌های معماری اسلامی کربلا را نیز، لحاظ کرد. - لازم است به رشد جمعیّت توجّه و از توازن جمعیّتی، محیطی، ویژگی‌های اجتماعی و هویّت فرهنگی، تاریخی و مذهبی شهر کربلا حفاظت و حمایت شود. - باید بر ضرورت احیای ارزش‌های هنری و زیبایی شناسی معماری اسلامی تأکید کرد، چون این امر از ویژگی‌های بناهای مذهبی و فرهنگی است. - باید از فناوری روز استفاده کرد که به نحوی خلّاق، با شکل‌ها، روش‌ها و جزئیات اصیل معماری اسلامی هماهنگی داشته باشد. - به کارگیری نظریّات جدید معماری که برگرفته از میراث فرهنگی و مذهبی شهر باشند. - توجّه به ویژگی‌ها و خصوصیت هایی که شهر کربلا از جنبه‌های مذهبی، میراث فرهنگی، سیاحتی و اقتصادی دارد. - بررسی اظهار نظرها و پیشنهادهایی که مرجعیّت دینی، شخصیت‌های علمی، فرهنگی و متخصصان ارائه می‌دهند. این نظریّات و اظهار نظرها در زمینه طرح‌ها و برنامه‌های اولیه طرّاحی جدید و اساسی شهر هستند. - مشخص کردن نیازمندیهایی که در آینده در

کربلا احساس می‌شوند و در طرّاحی جدید و اساسی شهر، باید مورد بررسی قرار گیرند. - در نظر گرفتن گنجایش شهر برای تعداد بسیار زیاد زائران و گردشگران، به‌ویژه در مناسبت‌های مذهبی مهم.

اصول علمی طرّاحی و برنامه‌ریزی جدید و اساسی شهر مقدّس کربلا

شهر مقدّس کربلا در روند طرّاحی و برنامه‌ریزی با مشکلاتی جدی روبه روست. در این شهر بناها و مناطق مهم مذهبی، فرهنگی و تجاری وجود دارد، به خصوص حرمین شریفین و محیط اطراف آن. در سمت غرب و جنوب غربی این شهر صحرا و بیابان و در شمال، شرق و جنوب این شهر باغ‌های میوه بسیار وجود دارد. بنابراین، طراحی ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به این شهر به توجّه ویژه‌ای نیاز دارد و نشان دهنده ویژگی‌های مخصوص و منحصر به فرد این شهر است. تلاش‌های دولت هایی که پس از رژیم گذشته در عراق بر سر کار آمدند، به نتیجه نرسید. این تلاش‌ها که با کمک دولت‌ها و هیأت‌های بین‌المللی انجام می‌شد، پیشرفتی ملموس در ساخت و توسعه شهرهای عراق ایجاد نکرد. این در حالی است که در این دوره مبالغ هنگفتی به این هدف اختصاص داده شده بود. اساساً بازگرداندن زندگی و حیات به شهرهای عراق زمانی امکان‌پذیر است که طرح‌ها و برنامه‌های این شهر براساس پایه‌های علمی صحیحی از سر گرفته شود. این پایه‌ها و اصول باید براساس قواعد علوم برنامه‌ریزی شهری باشند Urbun City or Town(.)Planing تاریخ علم برنامه‌ریزی شهری به چند قرن پیش باز می‌گردد. بسیاری از ملت‌ها در این علم سهم داشته‌اند و در آن، آثاری از خود به جا گذاشته‌اند. مسلمانان به نوآوری در زمینه تقسیم‌بندی قانونی (منطقه بندی))Formal Zoning(شناخته می‌شوند، مانند حرم، مسجد و دارالاماره که خیابان‌های مناطق مختلف شهر بدان منتهی می‌شوند. این روش در طرّاحی دو شهر بصره و کوفه نیز به کار گرفته شده است. هنگامی که برای اوّلین بار بافت شهر کوفه طرّاحی شد، کاملاً با طرّاحی شهر بصره شباهت داشت. در این شهرها هر قبیله‌ای محلّه خاص داشتند که نام محلّه به نام همان قبیله بود. خیابان‌های اصلی نیز به نام همان قبایل شناخته می‌شدند. تمام این خیابان‌ها به مسجد جامع یا دارالاماره منتهی می‌شدند. خیابان‌های فرعی که کوچه‌ها از آنها انشعاب می‌یافتند نیز به خیابان‌های اصلی راه داشتند. در میان هر کدام از این محلّه‌ها یک میدان مربع شکل واقع بود. مهم‌ترین موضوعات مرتبط با علم برنامه‌ریزی شهری از این قرارند: ۱. توسعه طبیعی)۲)Physical Development. توسعه اجتماعی)۳)Social Development. توسعه اقتصادی)Economic Development(این علم در مورد شهرهای مختلف نیز به کار می‌رود: - شهرهای بزرگ)Metropolitan(- منطقه های موجود در شهرها)Municipalities(- محلّه‌های کوچک)Neighbourhoods(تخصص‌های دیگری نیز در روند طرّاحی شهرها مشارکت دارند، مانند مهندسی معماری)Architecture(مهندسی پارک‌ها و مناظر طبیعی)Landspace Architecture(و مهندسی شهرسازی.)Urban Disign(این تخصص ها به شرح بیشتر موضوع و مقیاس‌های دقیق‌تر و کوچک‌تر توسعه می‌پردازند. در گذشته، گسترش شهرها به صورت خود به خود و بی برنامه انجام می‌شد. این امر تا ابتدای قرن نوزدهم ادامه داشت تا اینکه در این زمان طرّاحی شهرها، از اسلوب‌های جدید در مهندسی های معماری و راه و ساختمان، بسیار متأثر شدند. چون در این دو رشته اقدام به ساخت ماکت‌ها)Physical Design(و ارائه راه‌حل هایی برای رفع مشکلات شهرها کردند. در اینجا بود که طراحی های منطقی یا معقول)Rotional Planning Model(پی‌ریزی شد. آزمایش‌های طولانی که در طرّاحی شهرها انجام شدند و تجربه‌های کاری که در این زمینه به دست آمدند، براساس نمونه‌های منطقی برنامه‌ریزی بودند. در این زمینه، انتقادات و پیشنهادهایی ارائه شد که به پیشرفت و تأثیرگذاری این علم انجامید. این فرایند در دهه ۶۰ قرن گذشته صورت پذیرفت. ما از بین انتقادات و پیشنهادات، افکار جان جاکوبز)Jane Jacobs(را بیان می‌کنیم که در توسعه این علم نقش بسزایی داشته است و موارد زیر را شامل می‌شود: ۱. برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی ۲ Economic Development()Planing. برنامه‌ریزی‌های اجتماعی در مورد مجتمع‌های

مسکونی ۳ Social(Community)Planning. توسعه محیطی.)Environmental planning(علاوه بر این، توجهاتی اساسی در طرّاحی شهرها صورت می گیرد که موارد زیر را دربرمی گیرد: - برنامه‌ریزی (برنامه‌ریزی شهرها) و ارزش‌های زیبایی شناسی)Planning and Aesthetics(- برنامه‌ریزی و سلامت)Planning and Safety(- برنامه‌ریزی و ارتباطات) Planning and Transport(- برنامه‌ریزی و مناطق کمتر توسعه یافته Suburbanisation()Planning and - برنامه‌ریزی و محیط.)Planning and Environment(این گونه خلاصه می کنیم که بدون تکیه بر اصول علمی و اساسی و تجربه‌های تاریخیِ طرّاحی شهرها در جهان و استفاده از آزمایش‌های عالی و پیشرفته که در کشورهای پیشرفته انجام شده است، نمی‌توان شهرهای عراق را در راستای سازندگی، پیشرفت و شکوفایی قرار داد. بهترین استفاده‌ای که برای اوّلین بار در دوره اخیر از علم طرّاحی شهرها شده، مربوط به شهر نجف اشرف است. یک دفتر مشورتی از کشور انگلستان (که یکی از ده دفتر برتر مشورتی در دنیا در زمینه طرّاحی شهرهاست) به همراه یکی از دفاتر مشورتی عراقی در زمینه طرّاحی جدید و اساسی شهر نجف اشرف فعّالیّت می کند. هدف از این مشارکت، استفاده از تجربه‌های برتر و فناوری های جدیدی است که دفتر مشورتی انگلستان دارد و دفاتر مشورتی عراقی و کشورهای عربی از آن تجربه‌ها بی‌بهره‌اند. مطلب دیگر، فقدان تخصص در زمان کنونی در میان دفاتر مشورتی عراقی در زمینه طرّاحی شهرهاست. گفتنی است در زمان طرّاحی های جدید مسجدالحرام در مکّه مکرّمه و حرم شریف نبوی در مدینه منوّره از تجربه‌های عالی و پیشرفته دفاتر مشورتی و مهندسی جهانی استفاده و از تجربه‌های مشورتی و مهندسی داخلی نیز بهره گرفته شد. در خصوص طرح‌های توسعه حرم مطهّر حضرت علی‌علیه السلام و مرکز شهر نجف اشرف، یک دفتر مشورتی عراقی به نام «طراح معماری در زمینه مشاوره های مهندسی» که در زمینه طرّاحی مساجد و آرامگاه های مذهبی متخصص است، دست به کار این طرح توسعه شد. این دفتر مشورتی که تجربه‌های وسیعی در زمینه طرّاحی های شهری و منطقه‌ای دارد، شامل تعدادی مهندس و معمار باتجربه عراقی است که به هنر معماری اسلامی آگاه‌اند. این گروه زیر نظر مهندس رؤوف محمّد الانصاری فعّالیّت می کند که ایشان نیز در زمینه هنر معماری اسلامی تخصص دارند. هم‌چنین، الانصاری مشاور مجموعه‌ای مشورتی و مهندسی است که در زمینه طرّاحی و توسعه شهر نجف اشرف نقش دارد. علاوه بر این، ایشان با مجموعه‌ای که در زمینه برنامه‌ریزی شهری فعّالیّت می کند، همکاری دارد. گفتنی است از نظریّات ساکنان کربلا نیز برای ساخت و توسعه شهر استفاده می‌شود که از طریق نظرسنجی ها به دست می‌آید. این نظرسنجی ها که در مورد مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عمرانی و محیطی است، به منظور مشورت در مورد طرّاحی جدید و اساسی شهر صورت می گیرد و در هر مرحله از مراحل اجرای این طرح‌ها، به کار می‌رود. از مهم‌ترین نتایجی که اتخاذ این طرح داشته ارائه آن به مسئولان اداری و سایر دست اندرکاران این طرح است تا دستورات لازم به منظور اجرایی شدن این طرح اتخاذ شود. از مهم‌ترین اولویت‌هایی که باید مورد توجّه قرار گیرد، آغاز پژوهش‌های اولیه برای جمع‌آوری اطّلاعات و گزارش هاست. این اطّلاعات هم‌چنین باید طبقه‌بندی و تحلیل شوند. استراتژی هایی باید وضع شوند تا اساس کار طرّاحی جدید Master Plan()Newشهر کربلا ـ قرار گیرند. این اطّلاعات و گزارش‌ها باید جنبه‌های زیر را در بر بگیرند: - ساکنان شهر و وضعیّت اجتماعی و اقتصادی؛ - عتبات عالیات، بناهای مذهبی و قدیمی؛ - سفرهای مذهبی سیاحتی؛ - اسکان؛ - اشتغال و فعّالیّت‌های تجاری؛ - بررسی‌های شهری؛ - محیط؛ - حمل و نقل و مسیرهای عبور و مرور؛ - امور درمانی، آموزش و پرورش و مجموعه‌های مسکونی؛ - زیرساخت‌های صنعت برق؛ - زیرساخت‌های آب آشامیدنی؛ - زیرساخت‌های توزیع و انتقال آب؛ - زیرساخت‌های کانالها و فاضلاب‌ها؛ - مناطق و محدوده ها؛ - جمع‌آوری اطّلاعات؛ - تهیه نقشه‌ها؛ - آموزش کادر فنی و اداری دولتی؛ - محدوده مورد بررسی مرکز شهر؛ - سایر امور بااهمیّت.

ساکنان شهر و وضعیّت اجتماعی و اقتصادی

– اطّلاعات تاریخی در مورد ساکنان شهر و تمایلات آنها؛ – تعداد فعلی ساکنان، گروه‌های سِنّی، اصل و نسبت‌ها براساس مناطق مختلف و محلّه‌های حومه شهر؛ – مهاجرت به شهر کربلا و از کربلا به مناطق دیگر؛ – تعداد شاغلین، نوع کارها و میزان بیکاری؛ – مالکیت وسایل نقلیه و روش‌های جابه‌جایی؛ – آموزش دائمی به اطفال، کلی و جزئی؛ – آموزش بیشتر به بزرگسالان؛ – درآمد خانواده‌ها؛ – میزان تولد و مرگ و میر؛ – پیش‌بینی ها در مورد رشد جمعیّت (سازمان ملل متحد، مرکز اطّلاعات کمک‌های بشردوستانه به عراق)HIC(ایالات متحده امریکا).

عتبات عالیات و بناهای مذهبی و قدیمی

– عتبات عالیات (مکان، وضعیّت، درآمدها و کسب بودجه)؛ – بناهای مذهبی (نوع، مکان، وضعیّت، درآمدها و کسب بودجه)؛ – بناهای قدیمی (نوع، مکان، وضعیّت، درآمدها و کسب بودجه).

سفرهای مذهبی سیاحتی

– هتل‌ها، منازل مسکونی برای مسافران (مکان، اندازه، درصد استفاده از ظرفیت آنها و)؛ – ... مراکز مورد توجّه گردشگری (نوع، اندازه و مکان)؛ – تعداد زائران و گردشگران و همچنین راه رسیدن آنها به کربلا، همراه با تخفیف هایی که به آنها تخصیص می‌یابد و کشورهای مبدأ آنها.

اسکان

– تعداد خانه‌های مسکونی براساس نوع و مناطق آنها (آپارتمان ها و مجتمع‌های مسکونی)؛ – سال یا تاریخ ساخت بنا؛ وضعیّت بنا (ساختار ظاهری، ساختار داخلی، جنبه‌های تزئینی و زیبایی و بی‌عیب بودن آنها)؛ – ارزش‌های تاریخی بناها؛ – کیفیّت بنا، موقّت یا دائمی بودن، قانونی یا غیرقانونی بودن؛ – خدماتی که یک مسکن باید داشته باشد (برق، آب، فاضلاب و تلفن)؛ – مسکن اجاره‌ای یا ملکی (ملک خصوصی و ملک عمومی)؛ – عرضه و تقاضا (مقدار و چگونگی).

اشتغال و فعّالیّت‌های تجاری

– نقشه برداری از کارخانه‌های صنعتی کنونی و کارگاهها (نوع کار، مکان، مقدار، احتیاجات آینده و وضعیّت کار)؛ – نیازهای کارگاههای جدید (نوع، مقدار و)....

بررسی‌های شهری

– کاربری های زمین و بناها (نسبت به کاربردهای دوگانه ای که ساختمان‌های چند طبقه دارند. همچنین نسبت به مسکونی یا تجاری بودن این بناها یا اختصاص آنها به سایر دفاتر کاری، ادارات دولتی، شهرداری، کارگاهها یا ادارات خدماتی مانند برق، آب، فاضلاب، امور درمانی، آموزشی و ساختمان‌های عمومی). – ارتفاع بناها.

محیط

– مناطق حفاظت شده؛ – مناطقی که ویژگی‌های مخصوصی دارند؛ – مناطق طبیعی (باتلاق ها، حوزه‌های آبی و دریاچه رزازه)؛ –

چگونگی آب و هوا، آیا گزارش‌هایی در این مورد وجود دارد؟ عوامل اصلی چیست؟ - سر و صدا و هیاهوی شهری، آیا گزارش‌هایی در این مورد وجود دارد؟ عوامل اصلی چیست؟ - خاک، زمین‌شناسی، استقرار یا ثبات زمین، چگونگی خاک و تأثیر آن بر رشد آینده.

حمل و نقل و مسیرهای عبور و مرور

- ساختار و پیوستگی حِرمی (اصلی، فرعی و راه‌های وصولی)؛ - مناطق اصلی که اکنون اهمیّت دارند؛ - اتوبوس‌های دولتی و عمومی و امور مربوط به آن (کرایه ها، مسیرهای عبور و مرور، پارکینگ ها، تقاطع های اصلی، ایستگاهها و تعداد مسافران)؛ - اتوبوس‌های خصوصی و امور مربوط به آن (سیستم، کرایه ها، مسیرها و تعداد مسافران)؛ - ماشین‌های کرایه (تاکسی) و سایر موارد (کرایه ها، تعداد، سیستم و تعداد مسافران)؛ - سیستم عبور و مرور شامل مسیرهای اصلی، تقاطع ها که ساعات شلوغی و ترافیک آنها باید مشخص شود، وسعت میدانها و تهیه گزارش‌های مستمر در مورد آنها؛ - گزارش‌هایی در مورد شروع و پایان سفرها که آیا از آنها منفعتی حاصل شده است؟ - پارکینگ وسایل نقلیه (سطوح، کیفیّت کار آنها، آیا به شکل منظّم فعّالیّت می‌کنند؟) - مسیرهای عبور و مرور پیاده ها (مسیرهای اصلی، مسائل، تقاطع برخی مکان‌ها با مسیرهای عبور و مرور دوچرخه)؛ - سایر نقاط تقاطع که با حالت کنونی شهر ارتباط مستقیمی ندارد، مانند راه آهن، حمل و نقل هوایی و استفاده از دوچرخه).

امور درمانی، آموزش و پرورش و مجموعه‌های مسکونی

- امور درمانی (نوع، مکان، وضعیّت، مالکّیت و تخصیص بودجه)؛ - مدارس (نوع، مکان، وضعیّت، مالکّیت و تخصیص بودجه)؛ - ضروریات مجتمع‌های مسکونی (نوع، مکان، وضعیّت، مالکّیت و تخصیص بودجه).

زیرساخت‌های صنعت برق

- وضعیّت فعلی شبکه استراتژیک انتقال برق که شامل این موارد می‌شود: مکان ایستگاههای تولید، ایستگاههای راه‌اندازی، ایستگاههای فرعی، خطوط تحویل برق و ... و در صورت امکان دست یافتن به طرح‌هایی که طرّاحان ارائه می‌دهند؛ - مشکلات کنونی؛ - دریافتن مقدار و نوع درخواست‌های کنونی انرژی و امکانات برای جواب دادن به این نیازها؛ - طرح‌های کنونی برای پاسخ به درخواست‌های جدید، به خصوص درخواست هایی که احداث نیروگاه های جدید را می‌طلبد.

زیرساخت‌های آب آشامیدنی

- مکان، وضعیّت شبکه‌های استراتژیک آب آشامیدنی که شامل این موارد می‌شود: ایستگاههای جمع‌آوری آب، مخازن، بررسی، ایستگاههای پُمپاژ، شبکه توزیع و در صورت امکان، دست یافتن به طرح‌هایی که طرّاحان ارائه می‌کنند؛ - مشکلات کنونی؛ - دریافتن مقدار و نوع درخواست‌های کنونی برای آب، امکانات برای جواب دادن به این نیازها و وضعیّت شبکه؛ - طرح‌های کنونی برای پاسخ به درخواست‌های جدید، به خصوص درخواست هایی که احداث ایستگاههای جدید جمع‌آوری آب را می‌طلبند.

زیرساخت‌های توزیع و انتقال آب

- حالت کنونی شبکه، مکان، وضعیّت، کنترل، جمع‌آوری آب باران در زمان کنونی و در صورت امکان دست یافتن به طرح‌هایی که طرّاحان ارائه می‌کنند؛ - مشکلات فعلی و نکته‌های پیچیده؛ - آیا طرح‌هایی به منظور پیشرفته ساختن سیستم شبکه وجود دارد؟

- آب‌های زیرزمینی، راه‌ها و مشکلات؛ آیا اکنون طرح‌هایی برای بررسی این موضوع وجود دارد؟

زیرساخت‌های کانالها و فاضلاب‌ها

- حالت کنونی شبکه، مکان آن، وضعیّت، سیستم شبکه و در صورت امکان، دست یافتن به طرح‌هایی که طرّاحان ارائه می‌دهند؛ - تشکیلات فعلی و نکته‌های پیچیده؛ - گنجایش شبکه، آیا شبکه گنجایش موارد احتیاطی را دارد؟ - آیا طرح‌هایی به منظور پیشرفته ساختن سیستم شبکه وجود دارد؟

مناطق و محدوده ها

- گزارش‌های آماری به گونه‌ای جمع‌آوری و ارائه شوند که دارای مضمونی جغرافیایی باشند. - اوّلین مسأله مهم تقسیم شهر به مناطق است. گزارش‌هایی که در مورد این مناطق تهیه می‌شوند، باید براساس سیستم اطّلاعات جغرافیایی (۳۵۳)(GIS باشند. - طرح تفصیلی به منظور تقسیم مناطق و محدوده ها. - اگر در گذشته شهر دارای تقسیم‌بندی بوده است، مانند طراحی های شهری و توسعه طرح تفصیلی، این امر عملیات مقایسه تاریخی را آسان‌تر می‌سازد.

جمع‌آوری اطّلاعات

با توجّه به اطّلاعات جمع‌آوری شده و نقایصی که در آنها وجود دارد و بعداً نمایان خواهد شد، گروه مشورتی در حین عملیات جمع‌آوری، یک سری اطّلاعات محلّی را ضروری دانسته است. (این اطّلاعات به روش‌هایی مانند مصاحبه با خانواده‌ها، آمار ترافیکی، نقشه برداری از بناها و ... به دست می‌آید.) هدف این کار این است که اطّلاعات لازم برای عملی شدن طرح اساسی و جدید منطقه تکمیل شود. این احتیاجات در اوّلین گزارش در مورد جمع‌آوری اطّلاعات و گزارش‌ها مشخص خواهد شد.

تهیه نقشه‌ها

- پیش از اتمام جمع‌آوری اطّلاعات و گزارش‌ها نسبت به تهیه نقشه‌های مقیاس جدید اقدام خواهد شد. - تأکید بر این است که طرح‌هایی، چه از منابع تجاری چه از منابع نظامی و سایر منابع تهیه شود و به طور کلی، طرح‌هایی در مورد شهر به دست آید. در غیر این صورت، باید نقشه‌هایی جدید که به کمک عکس‌های ماهواره‌ای تهیه شده‌اند، آماده شوند. - تثبیت مرزهای منطقه که نقشه‌هایی بدین منظور تهیه شده است. پس از آن اطّلاعاتی از منطقه به دست می‌آید و گزارش‌هایی تهیه می‌شود. در این میان، عکس‌های ماهواره‌ای نیز به کمک می‌آیند. - مدّت تخمینی که برای این اعمال لازم است تقریباً بین پنج تا هفت ماه است. در هر ماه نیز گزارش ماهانه در مورد پیشرفت کار به صورت منظّم ارائه خواهد شد. - مهم‌ترین اموری که به کل طرح مربوط می‌شود از این قرار است: تثبیت مرزهای منطقه‌ای که عکسهایی به این منظور تهیه شده است؛ به دست آوردن عکسهایی که با ماهواره تهیه می‌شوند؛ دستیابی به اطّلاعاتی از گزارش‌های میدانی که در ۲۰ تا ۳۰ نقطه انجام شده است؛ دقّت در تصحیح عکس‌ها؛ تهیه مدلی شمارشی در مورد سطح ها (پستی‌ها و بلندی ها)؛(۳۵۴) نقشه کاربری های زمین با تکیه بر سیستم اطّلاعات جغرافیایی.)(GIS - نقشه‌های مقیاس جدید بر منطقه شهری کنونی و همچنین مناطقی که احتمالاً در آینده و در حین برنامه‌ریزی ها، توسعه خواهند یافت، تمرکز دارد. مرزها و محدوده منطقه کنونی شهری باعث می‌شود تا عکس‌های جدید متفاوت با گذشته باشد. نقشه‌هایی برای مرزهای دقیق منطقه تهیه خواهد شد و بر سر آن اتفاق نظر به دست می‌آید. این امر پس از بررسی پیش‌بینی ها در مورد رشد و توسعه شهر در آینده است. - دستیابی به بهترین عکس‌های هوایی از طریق ماهوارهها و با کیفیّتی عالی که از طریق ارتباط با

تعدادی شرکت متخصص امکان‌پذیر می‌شود. این عکس‌ها باید بدون ابر و به سمت القدم(۳۵۵)(Nadir(نزدیک باشند. هم‌چنین این عکس‌ها باید دارای دقّت فنی بالا و کیفیّتی عالی باشند به طوری که یک متر مربع یا کمتر از یک واحد نوری(Pixel(را نشان دهند. - لازم است به جمع‌آوری گزارش‌های مورد نیاز در مورد مسائل مربوط به کنترل زمین‌ها اقدام شود. در این مورد نقشه کشها اقدام به جمع‌آوری اطّلاعات خواهند کرد که به روش‌های قدیمی و سنّتی یا به طریق سیستم تعیین موقعیّت جغرافیایی(GPS(پس از فراهم شدن ویژگی‌های مورد نظر انجام خواهد شد.

آموزش کادر فنی و اداری دولتی

دفاتر مشاوره مهندسی که در زمینه طرّاحی جدید و اساسی کربلا مشارکت دارند، موظف‌اند به مجموعه‌ای از کادرهای فنی دولتی آموزش دهند. این کادر ها که مستقیم یا غیرمستقیم و طی مراحلی با این طرح (طرح جامع شهری) ارتباط دارند، در کشوری که این دفتر بین‌المللی مشاوره مهندسی استقرار دارد، آموزش می‌بینند.

محدوده مورد بررسی مرکز شهر

در روند تهیه طرح اساسی و جدید برای شهر کربلا، در مورد مرکز شهر در این طرح تفسیرها و شرح های بیشتری آمده و بر این قسمت از شهر (منطقه بین الحرمین و مناطق اطراف) تمرکز شده است. زمین‌ها و مناطقی نیز که خارج از این محدوده واقع اند، جزئی از این طرح جامع شهری به شمار می‌روند که جزئیات کمتری نسبت به مرکز شهر دارند.

سایر امور با اهمیت

در این طرح، برخی دیگر از امور مهم نیز وجود دارند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: - اهمیّت مسیرهای ارتباطی میان مرکز کربلا با سایر شهرها مانند بغداد، نجف و حلّه. هر چند این مسیرها از مهم‌ترین مسیرها به شمار می‌روند، مسیر کربلا نجف از همه آنها بااهمیت تر است. - اهمیّت مسیری که کربلا را به منطقه حرم مرتبط می‌سازد، هم‌چنین مسیری که دریاچه رزازه را به شهر عین‌التمر و قصر الاخیضر ربط می‌دهد نیز دارای اهمیّت است. - راه‌های ارتباطی دیگر عتبات عالیات مانند سامرا و کاظمین با شهر کربلاـ نیز اهمیّت بسیاری دارند. - جاده‌های کمربندی(Ring Roads(که شهر را احاطه می‌کنند و با سایر مسیرهای مهم ارتباط دارند، نیز مهم هستند.

راه‌حل ها و پیشنهادهایی به منظور بهسازی و پیشرفت شهر مقدّس کربلا

تضمین شکوفایی مجدد عمرانی شهر به شکلی که به اعتقاد ما ممکن و ضروری است، نیازمند پذیرفته و اجرایی شدن تعدادی از پیشنهادها، توصیه‌ها، قوانین و ضوابطی است که در ادامه به شماری از برجسته‌ترین و مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم: تأسیس شورای سازندگی که هیأتی مشورتی به شمار می‌رود و ارائه طرح‌ها و پژوهشها را بر عهده دارد. این شورا باید بر اجرای بی‌عیب و نقص طرح‌های توسعه اشراف داشته باشد و آنها را پیگیری کند. علاوه بر این، باید با شورای استان و سایر شوراهای محلّی در ارتباط و همکاری باشد. از دیگر وظایف این شورا تشکیل مرکزی اطّلاعاتی است که به همین شورای سازندگی می‌پیوندد. - استفاده از قابلیت‌ها و تجربه‌های عراقی‌ها در زمینه‌های مدیریت، اقتصاد، برنامه‌ریزی معماری و قوانینی که در داخل و خارج از عراق اجرا می‌شوند. - بهره‌گیری از تجربه‌های علمی مؤسسات و سازمان‌های بین‌المللی که در زمینه هنر معماری اسلامی فعّالیّت می‌کنند؛ مانند: سازمان یونسکو که زیر نظر سازمان ملل متحد است، مؤسسه آغا خان که در زمینه فرهنگ و معماری فعّالیّت می‌کند و

سازمان آسیسکو که زیر نظر سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی است. هم‌چنین می‌توان با گروه‌های علمی و دانشگاهی نیز به منظور مشورت با آنها و بازگرداندن چهره فرهنگی شهر کربلاـ همکاری کرد. - مُحَقَّق شدن طرح هم سازی و هماهنگی با سایر شهرهایی که از جهات مختلف با کربلا شباهت دارند. این شباهت ها می‌تواند تاریخی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی یا عمرانی باشد. - لازم است از فنّاوری روز به منظور بازسازی و پیشرفت شهر کربلا استفاده شود. - التزام کامل به طرح اساسی و جدید شهر کربلا در اجرای پروژه‌های خدماتی و توسعه‌ای که در شهر و مناطق اطراف اجرا می‌شود. - مُحَقَّق شدن ارتباط و هماهنگی عمرانی بین حرمین شریفین و سایر بناهای طرّاحی شده در اطراف آنها به منظور حفاظت از بافت عمرانی منطقه. - محدود کردن ارتفاع بناهای جدید شهر قدیم تا سقف سه طبقه با لحاظ کردن طبقه همکف که با ارتفاع دیوارهای خارجی حرمین شرفین برابر است. این امر به منظور حفاظت از جایگاه و موقعیّت معماری عتبات عالیات صورت می‌پذیرد. - اِعمال محدودیّت‌های معماری برای نمای ساختمان‌های جدید، تا نمای این ساختمان‌ها با ویژگی‌های معماری اسلامی که مخصوص عتبات عالیات است، هماهنگی داشته باشد. هم‌چنین این معماری ها باید با معماری مساجد و بناهای مذهبی و فرهنگی کربلا هماهنگی داشته باشد. - اهتمام به اماکن و بناهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی و فعّالیّت در زمینه مرمّت و حفاظت از این بناها. - فعّالیّت در زمینه ثبت اماکن تاریخی، آثار و عتبات برجسته مذهبی و شاهکارهای هنری کمیاب در کربلاـ که این موارد باید در سازمان «یونسکو» به ثبت برسند. - برپایی موزه‌ای در داخل کربلا برای نمایش اشیای تاریخی قدیمی، نسخه‌های خطی مهم و تابلوهای هنری باارزش. هم‌چنین در این موزه می‌توان دستاوردهای فنی و حرفه‌ای جالب توجّه مردم را به نمایش گذاشت تا سرمایه فرهنگی این شهر نشان داده شود. - برپایی و گسترش مراکز فرهنگی، اجتماعی و دفاتر عمومی و هم‌چنین فراهم کردن وسایل به روز و پیشرفته مانند رایانه و شبکه اینترنت. - پیدا کردن راه‌حل های مناسب برای تمام مشکلاتی که سیستم خدمات رسانی در شهر با آنها روبه روست. - تلاش در زمینه احداث مراکز تجاری فرعی و جدید به خصوص در محلّه‌های نو ساز برای کاهش فشار زیادی که بر منطقه تجاری اصلی در مرکز شهر وارد می‌شود. - احداث مراکز شهری)Civile Center(در محلّه‌های نو ساز که شامل ادارات دولتی مانند شهرداری، امور درمانی، خدماتی و ارتباطی و نیز مراکز فرهنگی، اجتماعی، مهدهای کودک، فضاهای سبز، سالن‌های اجتماعات و درمانگاهها و پارکینگ ها می‌شود. - احداث یک منطقه پزشکی درمانی که تمام تخصص ها را دربرگیرد. - احداث یک شهرک ورزشی که در آن یک زمین فوتبال و میدان هایی برای ورزش های دیگر ساخته شود. هم‌چنین در این شهرک باید سالن‌های ورزشی سرپوشیده، استخرهای شنا و امکانات رفاهی دیگر وجود داشته باشد. - ساخت بازارهای جدید و توسعه دادن به مناطق تجاری، هم‌چنین برپایی بازارهای مردمی در شهر قدیم که این امر در پویا ساختن بازارهای محلّی اهمیّت بسزایی دارد. - احداث هتل‌ها و مراکز رفاهی سیاحتی در خارج از شهر قدیمی. این امر به خصوص در مناطق سیاحتی مهم از اهمیّت بیشتری برخوردار است؛ مانند منطقه حر، دریاچه رزازه، نزدیکی منطقه امام عون، منطقه حسینیه، عطیشی و در راه قدیمی کربلا بغداد که نیاز به احداث این بناها در این مناطق بیشتر احساس می‌شود. گسترش و پیشرفت گردشگری مذهبی در شهر که موجب رشد اقتصاد محلّی می‌شود. - بهره‌گیری از مناطق تاریخی، مذهبی، میراث فرهنگی و طبیعی، به عنوان مکان‌هایی سیاحتی؛ البته باید مناطق اطراف این اماکن را توسعه و پیشرفت داد. - توسعه راه‌های ارتباطی میان شهر کربلا با سایر شهرهای عراق که در این مورد می‌توان به خصوص به راه کربلا نجف اشاره کرد. هم‌چنین فضای سبزی در دو طرف این راه باید ایجاد شود و یک سری مهمان پذیر و مراکز رفاهی نیز در این منطقه مورد نیاز است. - احداث یک فرودگاه بین‌المللی در منطقه میان کربلاـ و نجف به منظور استقبال از تعداد زیاد زائران و گردش گرانی که به این دو شهر رو می‌آورند. - ارتباط دادن استانهای کربلا و نجف با سایر استانهای عراق به وسیله خطوط راه آهن. - احداث پروژه‌های گردشگری و اقتصادی مشترک میان شهرهای کربلا، نجف و کوفه. - باید برای سرمایه‌گذاری‌های گردشگری، زمینه‌سازی صورت گیرد و تمام تسهیلات لازم به این منظور اختصاص یابد که این امر طبق قوانینی مختص به این

موضوع، در آینده انجام خواهد شد. - تشویق طرح احداث مراکز حرفه‌ای در زمینه میراث فرهنگی و هنر اسلامی که از وظایف این مراکز تربیت و آموزش افرادی هنرمند و متخصص است که به هنرهای معماری اسلامی آگاه باشند. در این مراکز حرفه هایی مانند ساخت و ساز، تعمیر، تمام فنون تزئینی و هم‌چنین خط عربی به افراد آموزش داده می‌شود. در این زمینه از تجارب اشخاص مجرب در زمینه هنرهای عربی و اسلامی بهره گرفته می‌شود. هم‌چنین از افراد متخصص سایر کشورها به منظور پیشرفت این مراکز استفاده می‌شود. - تشویق و پشتیبانی از صنایع محلّی که مختص مصالح ساختمانی است، مانند صنعت آجر، کاشیکاری، صنعت مربوط به تزئینات چوبی و غیره. - به کارگیری مصالح ساختمانی محلّی و سنّتی و نیز مصالحی هم‌چون سیمان، آهن و چوب در بناهایی که جدید ساخته می‌شوند. می‌توان در تزئین این بناها از موادی چون سنگ مرمر، سنگ‌های رنگی و سایر مواد نیز استفاده کرد. روشی که در ساخت بناها به کار می‌رود، باید از هویّت معماری اسلامی در شهر کربلا الهام گرفته باشد.

مهم‌ترین توصیه‌ها، ضوابط و قوانین

- لازم است قوانینی در مورد طرّاحی و ساخت و ساز در شهر کربلا به منظور کنترل فعّالیّت‌های جدید عمرانی در شهر وضع شود. هم‌چنین تغییر کاربری بناهایی که جزء میراث فرهنگی هستند، امّا در حال حاضر استفاده‌هایی غیر از موارد فرهنگی دارند. دلیل این امر حفاظت از آثار و اسلوب معماری شهر است. پیگیری اجرای این قوانین به شکلی قاطع و قضایی لازم است. البته بهتر است این امور با فرهنگ سازی در مورد اهمیّت این فعّالیّت‌ها در میان مردم همراه باشد. - ایجاد رغبت و تشویق ساکنان شهر تا در احیای آثار فرهنگی و معماری شهرشان مشارکت داشته باشند؛ هم‌چنین از طریق بهسازی بناهای شهر، معنویت جامعه کربلا را حفظ کنند. - فعّالیّت در زمینه صدور قوانینی که مربوط به منطقه بندی و تعیین مرزهای شهری است یا به روز کردن قوانین موجود که این امر با حذف پیچیدگی ها و مشکلات موجود در این قوانین امکان‌پذیر است. - سیاستگذاری در زمینه حفاظت از بناهای تاریخی و مذهبی که این امر نیازمند اعطای وامهایی به منظور ترمیم این بنا هاست یا شورای سازندگی که تأسیس آن پیشنهاد شده است، باید اقدام به اعطای وامی کند تا دست‌اندرکاران بتوانند به تعمیر این بناها تا حدی مقبول، اقدام کنند. - اقدام به نقشه برداری های گسترده که این امر با پژوهشها، طراحی ها و با در نظر گرفتن نماها و پایه‌ها امکان‌پذیر است. این امر باید به همراه تهیه عکس از بناهای مهم و قدیمی که در داخل و خارج از شهر واقع و هنوز هم پابرجا هستند، صورت گیرد. از جمله بناها می‌توان به عتبات عالیات، مساجد، مدارس مذهبی، حسینیه‌ها، خان‌ها، حمّام های عمومی، مقامات و برخی دیگر از خانه‌های قدیمی و زیبا اشاره کرد. عکس هایی که از این بناها تهیه می‌شود، هنگام تعمیر و حفاظت از آنها و نیز برای بازسازی بناها پس از تخریب شان مورد استفاده قرار می‌گیرند. تمام بناهایی که دارای ارزش تاریخی و فرهنگی هستند، باید در شورای سازندگی که پیشنهاد تأسیس آن ارائه شده است، رسمیّت و سندیّت پیدا کنند. هم‌چنین نام این بناها باید به دلیل روشن شدن دوره آنها ثبت شود. علاوه بر این، بناهایی که رو به ویرانی هستند، باید بازسازی شوند. این فعّالیّت‌ها طبق طرح‌هایی صورت می‌پذیرد که متخصصان در مورد آنها به توافق رسیده‌اند. - توسعه و گسترش برنامه‌ها و علامت‌های راهنما به منظور اطلاع‌رسانی بیشتر به ساکنان و زائران در مورد بناهای مذهبی، تاریخی، میراث فرهنگی و سیاحتی که در کربلاـ واقع هستند. تشویق و پشتیبانی از سازمان‌ها و مؤسساتی که به حفاظت از میراث فرهنگی و بهسازی شهرها توجّه نشان می‌دهند. پشتیبانی مادی و معنوی از شوراهای محلّی شهر و حومه و توسعه کارایی و کارآمدی این شوراها، تا بتوانند در فعّالیّت‌های آگاه‌سازی مردم به منظور حفاظت از شهرشان سهم بیشتری داشته باشند.

فصل ششم: سفرهای زیارتی

مقدمه

منظور از سفرهای زیارتی، سفرهایی هستند که با هدف زیارت مکان‌های مقدّس مذهبی صورت می گیرند و مسافر یا زائر نیز به کسی گفته می‌شود که به قصد تفریح یا زیارت از شهری به شهر دیگر یا از کشوری به کشور دیگر می‌رود. صنعت گردشگری برخلاف چندین سال قبل، گسترش یافته و بسیار متنوع شده است و زمینه‌های مختلفی از زندگی انسان‌ها، از جمله زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی را دربر گرفته است. میل انسان به شناخت و عبور از مرزها، سبب پیدایش صنعت گردشگری شده است. انواع مختلف این صنعت به خصوص سفرهای زیارتی تاکنون رشد چشمگیری داشته‌اند و بدون شک در آینده نیز توسعه بسیار خواهند یافت. همه علمای موفّق به کشورهای مختلف سفر کردند و به منظور زیارت و علم‌آموزی، شرق و غرب را زیر پا گذاشتند. شکی نیست که هرچه تعداد سفرهای یک عالِم بیشتر باشد، میزان علم و معرفت او نیز بیشتر خواهد بود. به همین دلیل، علمای هر منطقه از جهان، راه سفر به شهرهای مختلف اسلامی را در پیش می گرفتند و از غرب جهان اسلام حتّی تا دورترین نقطه شرق آن نقل مکان می کردند. از مراکش به قاهره، دمشق، استانبول، بغداد و سایر شهرهای مقدّس مذهبی یا به تهران، خراسان، کابل و آسیای میانه می‌رفتند. سفر و گردشگری طی قرن‌های گذشته پیشرفت گسترده‌ای داشته است و علما، گردشگران و مورّخان بسیاری هم‌چون مسعودی، ابن فضلان (که به شمال اروپا رسید)، ابن بطوطه، حمداللّه مستوفی، ابن جبیر، یاقوت حموی، ابن سینا، جابر بن حیان، کندی، فارابی و دیگران به قسمت‌های مختلف جهان سفر کردند و از این طریق افق‌های علمی خود را گسترش دادند. آنها از علم و تجربه ملت‌های اسلامی و سایر ملت‌های جهان بهره‌های بسیار بردند و هنوز هم بسیاری از تألیفات شان جزء مهم‌ترین منابع علمی است و در بسیاری از دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شود. صنعت گردشگری نقش مهمی در تقویت فرهنگ اسلامی ایفا می کند. هدف از گردشگری تنها مشاهده آثار تاریخی و مذهبی شهرهای مختلف نیست، بلکه این صنعت در شناخت جوامع، آگاهی یافتن از عادات و سنن آنان و هم‌چنین بررسی فرهنگ‌های مختلف تأثیر عمده‌ای دارد و عامل مهمی در ارتباط بین تمدّن‌ها و فرهنگ ملت‌های مختلف جهان به شمار می‌آید. سفرهای مذهبی و زیارتی یکی از مهم‌ترین انواع سفرها در جهان اسلام به شمار می‌آیند و آداب مخصوص خود را دارند که یکی از آنها دوری گزیدن از مُحَرَّمات الهی و پای‌بندی و احترام به اصول و ضوابط اسلامی است. به همین دلیل، لازم است تلاش‌های وسیعی برای تقویت و بهبود کیفیّت سفرهای زیارتی در عراق صورت گیرد. هم‌چنین باید برنامه‌های متنوعی برای استقبال از کاروان‌های زیارتی مختلف تدوین شود. این برنامه‌ها نباید محدود به زیارت حرم های مقدّس باشد بلکه به منظور آشنایی با فرهنگ جوامع مختلف، تبادل دیدارها، برگزاری همایشها، نمایشگاهها و فروشگاه‌ها نیز باید تدابیر خاصّی اندیشیده شود. بازدید از آثار دیدنی و تاریخی مناطقی که در نزدیکی شهرهای مذهبی واقع شده‌اند نیز باید در این برنامه‌ها گنجانده شود. علاوه بر آن، فراهم کردن امکانات رفاهی و احتیاجات ضروری زائران و گردشگران هم‌چون سرویس‌های بهداشتی و مطب های پزشکی، هم‌چنین وجود دفاتر راهنمایی و ارتباطات و دفاتر پلیس گردشگری نیز از اهمیّت ویژه‌ای برخوردارند. هتل‌ها، رستورانها و اماکن گردشگری دیگر نیز باید دارای کیفیّت مطلوب باشند و نظارت مستمر بر آنها صورت گیرد. ساکنان شهرهای مذهبی به مهمان‌نوازی و استقبال گرم از زائران و مسافران معروف اند. به همین دلیل، یکی از ویژگی‌های سفرهای زیارتی، به خصوص در عراق و در شرایط طبیعی این است که زائر یا مسافر احساس می کند در بین خانواده و بستگان خویش است. به دلیل بزرگواری و خوش‌رفتاری ساکنین شهرهای مذهبی با زائران و مسافران، بسیاری از آنها مایل هستند که مدّت بیشتری در شهرهای مذهبی اقامت گزینند تا بیشتر به زیارت حرم های اهل بیت‌علیهم السلام بپردازند. کسانی که به شهرهایی هم‌چون کربلا، نجف، کاظمین و سامرا سفر می کنند، انگیزه‌های مختلفی دارند. یکی از دلایل سفر به این شهرها این است که ثواب زیارت این شهرها نزدیک به ثواب عمره خانه خداست. به همین دلیل، زیارت حرم های مقدّس موجود در این شهرها، بسیار باعظمت است و جزئی از آئین‌های اسلامی مسلمانان به شمار می‌آید. شهر مقدّس کربلا، در دوره‌های تاریخی مختلف، مرکزی برای تبادل تمدّن‌ها و فرهنگ‌های مختلف بوده است و افراد بسیاری از مناطق مختلف اسلامی جهان به این شهر

سفر می‌کردند. این شهر، حلقه اتّصال علما و دانشمندان کشورهای اسلامی در دوره‌های مختلف بوده است. رژیم سابق عراق طی سه دهه گذشته موانع بسیاری برای زیارت شهرهای مقدّس مذهبی ایجاد و زائران کشورهای اسلامی را از زیارت این اماکن مقدّس منع کرده بود. بنابراین، بعد از فروپاشی این رژیم، طبیعی است سیل زائران و گردشگران در سال‌های آتی به شهر کربلا و شهرهای مذهبی دیگر سرازیر شود. به همین دلیل، لازم است طرح‌های عمرانی، معماری و گردشگری بسیاری اتّخاذ شوند و به مرحله اجرا درآیند. توسعه شهر قدیم، گسترش حرم مطهّر امام حسین و حضرت عباس علیهما السلام، بازسازی و تعمیر حرم های و آثار مذهبی موجود در داخل و اطراف شهر، افزایش تعداد هتل‌ها و راه‌اندازی بازارهای جدید به خصوص بازارهای محلّی، از جمله اقدامات ضروری به شمار می‌آیند. هم‌چنین لازم است شهرهای توریستی و هتل های جدیدی در مناطق اطراف شهر قدیم ساخته شوند. منطقه رزازه که بین کربلا و نجف واقع شده است و منطقه حرم عون بن عبداللّه از جمله مناطق مناسب برای این کار هستند. امکانات رفاهی و تفریحی هم‌چون رستورانها، شهربازیها، پارک‌ها و مراکز اینترنتی نیز باید در این مناطق ساخته شوند. ضروری است این مناطق از طریق شبکه‌های ارتباطی و وسایل نقلیه با شهر قدیم ارتباط داشته باشند. بدین ترتیب، از فشار زیادی که در زمان ورود زائران و مسافران به این شهر وارد می‌شود، کاسته خواهد شد. از طرفی، بازسازی و حفظ آثار تاریخی و قدیمی موجود در شهر قدیم و گسترش و توسعه این شهر، سبب می‌شود فعّالیّت‌ها و خدمات رفاهی و ضروری که برای زائران در نظر گرفته شده است، به راحتی و به صورت منظّم صورت پذیرد. یکی دیگر از اقدامات لازم و ضروری برای بهبود وضعیّت گردشگری در کربلا، توسعه منطقه عین التمر است؛ زیرا این منطقه در نزدیکی قلعه اخیضر که یک اثر مشهور تاریخی در عراق است، واقع شده است. علاوه بر آن، این منطقه دارای چشمه‌های آب معدنی بسیاری است که برای درمان بیماری‌های پوستی مزمن مناسب و هم‌چنین دارای محصولات زراعی مهمی چون خرما، انار و زیتون است. در اطراف این منطقه نیز آثار باستانی بسیاری وجود دارد. ارتباط منطقه عین التمر با منطقه رزازه و نزدیک شدن این دو منطقه به یکدیگر به دلیل استفاده‌های توریستی فراوانی که می‌توان از این دو منطقه کرد، نیز به بهبود وضعیّت اقتصادی کربلا کمک شایانی می‌کند. سفرهای تجاری نیز یکی از مهم‌ترین عوامل جذب توریست به شهر کربلاست. این شهر مملو از کالاها و اجناس مختلف، به خصوص تولیدات و صنایع سنّتی است. زیبایی، کیفیّت عالی و قیمت ارزان این کالاها هر زائر و مسافری را به خرید آنها تشویق می‌کند. بنابراین لازم است فروشگاه‌ها و بازارهای محلّی متعددی در قسمت‌های مختلف شهر کربلا راه‌اندازی شوند. این بازارها باید مجهّز به امکانات و خدمات عمومی و پارکینگ باشند. از طرفی مکان‌های خاصّی نیز برای قرار گرفتن کالاها باید در نظر گرفته شوند تا فروشندگان از قرار دادن اجناس در پیاده رو ها و خیابان‌های منطقه بین الحرمین و اطراف آن خودداری کنند؛ زیرا این امر در رفت و آمد افراد و حرکت خودروهای امداد، آتش نشانی و خدمات رسانی مشکل ایجاد می‌کند و هم‌چنین سبب زشتی جلوه ظاهری شهر می‌شود. بسیاری از کشورهای عربی و اسلامی از طریق سفرهای تجاری به موفقیت‌های بزرگی دست یافته‌اند. کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز با گسترش بخش گردشگری، ساخت هتلهای وسیع و گردشگری جدید و هم‌چنین اجرای طرح‌های عظیم گردشگری، پیشرفت عمده‌ای داشته‌اند. اقتصاد شهرهایی چون دُبی، قاهره، دمشق، مراکش، اصفهان، استانبول و ... تا حدّ زیادی به سفرهای تجاری بستگی دارد. این سفرها یکی از مهم‌ترین منابع اصلی درآمد مالی این شهرها به شمار می‌آیند. سفرهای تجاری از جمله فعّالیّت‌های اقتصادی پویایی هستند که برای افراد جامعه بسیار مفیدند و نقش مهمّی نیز در ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب دارند. سفرهای زیارتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد کشور و تولیدات داخلی آن تأثیر می‌گذارند. در زیر به مهم‌ترین این تأثیرات اشاره می‌کنیم:

۱. تأثیرات مستقیم سفرهای زیارتی

الف) تأثیر سفرهای زیارتی بر درآمد ملی

درآمد ملی از طریق فعّالیّت‌های سالیانه بخش‌های مختلفی هم‌چون بخش‌های زراعی، صنعتی و خدماتی به دست می‌آید. هر بخشی مسئولیت مجموعه‌ای از طرح‌ها را که شامل کارگاهها، کارخانه‌ها، زمین‌های کشاورزی، تأسیسات، مؤسسات و اماکن عمومی و... است، به عهده می‌گیرد. این واحدها عوامل و عناصر مختلف تولید را با هم می‌آمیزند تا آنها را به کالاها و خدمات مفید برای جامعه تبدیل کنند. نقش سفرهای زیارتی در تولید، از طریق واحدهای خدماتی که در هتل‌ها، رستورانها، امور مربوط به حمل و نقل و ... به فعّالیّت می‌پردازند، مشخص می‌شود. در واقع، این سفرها عوامل تولید را به مجموعه‌ای از خدمات مختلف تبدیل می‌کنند و آنها را در معرض فروش به زائران عتبات عالیات قرار می‌دهند. درآمدی که از طریق سفرهای زیارتی به دست می‌آید همان پولی است که زائران در مقابل خدماتی می‌پردازند که در طول سفر به عتبات عالیات به آنها ارائه می‌شود. به عبارت دیگر، این پول سود واحدهای خدماتی است که در زمینه سفرهای زیارتی به فعّالیّت مشغول اند. درآمد ناشی از سفرهای زیارتی در بسیاری از کشورها، منبع اصلی درآمد ملی به شمار می‌آید. در عراق نیز همین‌گونه است. این سفرها نقش عمده‌ای در درآمد عراق دارند، زیرا در این کشور آثار باستانی تاریخی و باارزش فراوانی وجود دارد و شهرهای مقدّس مذهبی هم‌چون اماکن مذهبی دیگر خود به تنهایی میلیون‌ها زائر مسلمان را سالیانه به سوی عراق جذب می‌کنند.

ب) تأثیر سفرهای زیارتی در مقدار پرداخت ها

میزبانی از زائرانی که به منظور زیارت عتبات عالیات وارد عراق شوند، باعث ورود مقدار زیادی ارز به داخل عراق می‌شود. بنابراین، سفرهای زیارتی منبع مهمی برای کسب ارز به شمار می‌آیند که البته مقدار آن به میزان پرداختی های زائران بستگی دارد. در این صورت، باید بین درآمد حاصل از ارز که توسط زائران وارد کشور می‌شود از یک سو و مقدار ارزی که باید برای وارد کردن تولیدات ضروری و مورد نیاز مراکز سفرهای زیارتی خرج شود از سوی دیگر، موازنه و تعادل وجود داشته باشد. مابه التفاوت درآمد و خرج، در واقع تعیین کننده نقش این سفرهای زیارتی در درآمد کشور است. چنانچه درآمد بر خرج فزونی داشته باشد، مقداری از ارز باقی می‌ماند که بیانگر تأثیر مثبت سفرهای زیارتی در اقتصاد کشور است. امّا چنانچه خرج بیش از درآمد حاصل از ارز باشد، در این صورت، این سفرها تأثیر منفی داشته‌اند.

ج) تأثیر سفرهای زیارتی بر بودجه دولت

سفرهای زیارتی منبع مالی مهمّی برای خزانه دولت به شمار می‌آیند، زیرا دولت در قبال خدماتی که به زائران ارائه می‌دهد، هزینه‌هایی از آنها دریافت می‌کند که این هزینه‌ها درآمدی برای دولت به همراه دارند. اگر زائر مطمئن شود که این هزینه‌ها صرف گسترش حرم های، اماکن مذهبی و سازمان‌های خدماتی وابسته به آنها می‌شود، چه بسا درآمد بیشتری برای دولت فراهم گردد. مالیات‌ها و عوارضی که دولت برای طرح‌های گردشگری وضع می‌کند نیز منبع مالی مهمی برای دولت به شمار می‌آیند.

د) ایجاد فرصت‌های شغلی

صنعت گردشگری به بخش خدمات مربوط می‌شود و این بدان معناست که فعّالیّت‌های گردشگری تا حدّ زیادی به تلاش و فعّالیّت افراد و انسان‌ها بستگی دارد. شاید در موارد محدود و خاص بتوان از کامپیوتر به جای انسان‌ها استفاده کرد، امّا ماشینی کردن همه چیز نیز ممکن نیست. «فورستیه»، دانشمند فرانسوی نیز با استفاده از اعداد و ارقام و حقایق به دست آمده، نظریه‌ای در مورد گسترش بخش گردشگری ارائه داده است. وی گفته است: «هر چقدر بخش گردشگری گسترش بیشتری یابد، کار و اشتغال نیز بیشتر توسعه می‌یابد» و این یعنی صنعت گردشگری قادر است فرصت‌های شغلی جدیدی در محدوده بخش گردشگری ایجاد کند.

ه.) توزیع درآمد و توسعه جغرافیایی

طرح‌های توسعه در درجه اوّل، در شهرهای بزرگ و پرجمعیّت اجرا می‌شوند و این طبعاً به ضرر شهرهای کوچک، روستاها و مناطق دوردست است. بنابراین در حالی که ساکنان شهرها از همه امکانات امروزی زندگی بهره‌مندند، ساکنان مناطق دیگر با کمبودهای جدّی در این زمینه مواجه‌اند و این امر موجب توزیع ناعادلانه توسعه و درآمد می‌شود. برای نمونه در عراق، همان‌طور که حرم های مذهبی مختلفی در شهرهای بزرگی همچون کربلا، نجف، کاظمین و سامرا قرار گرفته‌اند، در شهرهای کوچک، روستاها و مناطق دوردست همچون شهر حمزه و قاسم و منطقه حر، عون بن عبداللّه و احمد بن هاشم که در اطراف شهر کربلا واقع شده‌اند نیز حرم های متعددی قرار گرفته‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت سفرهای زیارتی نقش مؤثری در توزیع عادلانه توسعه و درآمد ایفا می‌کنند، زیرا سبب می‌شوند طرح‌های توسعه به خصوص طرح‌های مربوط به امور راه‌ها، حمل و نقل و خدمات، همچون تأسیس بازارها، هتل‌ها، رستورانها و اماکن تفریحی در همه مناطق دوردست و همچنین شهرهای کوچک و بزرگ به مرحله اجرا درآیند.

۲. تأثیرات غیرمستقیم سفرهای زیارتی

الف) تأثیر مضاعف سفرهای زیارتی

مبالغی که زائران شهرهای مقدّس مذهبی خرج می‌کنند و در واقع درآمدی برای صاحبان طرح‌های گردشگری به شمار می‌آیند، دوباره وارد بازار کار می‌شوند و در چرخه اقتصادی قرار می‌گیرند. به همین دلیل، درآمد حاصل از فعّالیّت‌های مربوط به سفرهای زیارتی، در پایان کار چندین برابر خواهد شد. برای استفاده بهینه از افزایش درآمد فعّالیّت‌های مربوط به سفرهای زیارتی، لازم است به توسعه بخش‌های دیگری پرداخته شود که با ایجاد عوامل تولید به حمایت از فعّالیّت‌های مربوط به این سفرها بپردازند. بخش‌های مربوط به سازندگی، تأسیسات و صنایع محلّی به خصوص حرفه‌ها و صنایع محلّی که نقش مهمی در برطرف کردن نیازهای بازار محلّی دارند، می‌توانند این عوامل تولید را ایجاد کنند.

ب) فعّال سازی حرکت تولید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های دیگر

صنعت گردشگری به دلیل افزایش تقاضا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر بخش‌های مختلف اقتصاد ملی تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل، این صنعت قادر است فعّالیّت‌های تولیدی بسیاری ایجاد و در راه‌اندازی صنایع جانبی که به بیش از ۱۵۰ نوع می‌رسد نیز مشارکت کند. بنابراین، سفرهای زیارتی در بخش‌های دیگر نیز تأثیر می‌گذارند و محرِّک قوی در اقتصاد ملّی عراق به شمار می‌آیند.

ج) توسعه و گسترش طرح‌های زیر ساختی

به منظور نشان دادن آثار ویژه و تاریخی عراق به زائران شهرهای مقدّس مذهبی، لازم است طرح‌های زیرساختی متعددی که بخش عمده‌ای از نیازهای زندگی امروزی را فراهم می‌کنند، به مرحله اجرا درآیند. این طرح‌ها منحصر به شهرهایی نمی‌شوند که حرم های مطهّر در آنها قرار دارند، بلکه همه مناطقی که زائران بدانجا می‌روند و همچنین انواع طرح‌های خدماتی را دربر می‌گیرند. طرح‌های خدماتی نیز نه تنها زائران، بلکه ساکنان شهرهای مذهبی و مناطق دیگر را نیز شامل می‌شود.

د) توسعه و گسترش طرح‌های رو ساختی

توسعه مناطق مذهبی و توجّه به نمای ظاهری این مناطق در مقابل زائران و گردشگران، به طور کلی به مسائل رو ساختی شهر، از قبیل مراکز گردشگری و حرم های مذهبی مربوط می‌شود. منظور از طرح‌های رو ساختی توجّه ویژه به نوع ساخت، طرّاحی و نمای بیرونی بناها به خصوص حرم های مذهبی است که از مهم‌ترین آثار تمدّن اسلامی در عراق و جهان اسلام به شمار می‌آیند.

ه.) تأثیر سفرهای زیارتی در بهبود وضعیّت محیط و گسترش اماکن تاریخی و باستانی

با وجود اینکه حرم های مطهّر و اماکن مذهبی، مهم‌ترین عوامل جذب مسافران و زائران هستند، بهبود شرایط محیط و گسترش اماکن تاریخی و باستانی نیز در جذب زائران و مسافران تأثیر بسزایی دارد و مکمّل عوامل دیگر به شمار می‌آید. زائر یا مسافری که برای ادای مراسم و آئین‌های مذهبی، مسافت‌های طولانی را طی می‌کند، بی‌شک به فعّالیّت‌های فرهنگی و تفریحی نیز علاقه‌مند است. مثلاً آشنایی با آثار تاریخی و باستانی موجود در اطراف مناطق مذهبی، یکی از اهداف زائران و مسافران است. تعداد زیادی از زائران، بخشی از وقت خود را به استراحت و تفریح در باغ‌ها و پارک‌ها و بخشی دیگر را به خرید به خصوص خرید از بازارهای قدیمی اختصاص می‌دهند. به همین دلیل، توجّه به جنبه‌های زیر ضروری است: - حفاظت از محیط در برابر آلودگی؛ - ایجاد جنگل های مصنوعی و فضای سبز و حفاظت از پارک‌ها؛ - ساخت پارک‌ها، گردشگاه ها، شهر بازی‌ها و به خصوص ساخت اماکن تفریحی مخصوص زنان و کودکان؛ - بازسازی و محافظت از اماکن تاریخی و هم‌چنین بازسازی محلّه‌های قدیمی

و) تأثیر سفرهای زیارتی در اطلاع رسانی

و) تأثیر سفرهای زیارتی در اطلاع رسانی

یکی از راه‌های مهم برای شناساندن دستاوردهای تمدّنی هر کشور به کشورهای دیگر، اطلاع‌رسانی است و هر ساله مقدار زیادی از بودجه دولت به این امر اختصاص می‌یابد. زائران و مسافران بهترین وسیله تبلیغاتی برای شهرهای مذهبی هستند که نه تنها هیچ هزینه‌ای برای دولت ندارند، بلکه با صداقتی هر چه تمام‌تر، همه شرایط و پیشرفت‌های موجود در این شهرها را به کشور خود منتقل می‌کنند. استقبال از میلیون‌ها زائر و مسافر در طول سال، در واقع کسب تأیید از ساکنان کشورهای دیگر است. البته این مسأله زمانی صادق است که میزبانی از زائران و مسافران به نحو احسن انجام گیرد و با میزبانی خوب، خوش‌رفتاری و هم‌چنین فراهم کردن انواع خدمات و احتیاجات ضروری آنها، سعی در جلب رضایت آنها شود. علاوه بر تأثیرات مهمی که ذکر شد، سفرهای زیارتی تأثیرات دیگری نیز دارند که باید به دقّت مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند. این تأثیرات عبارت‌اند از:

الف: تأثیر سفرهای زیارتی در سطح قیمت‌ها

در سفرهای زیارتی مهم، صدها هزار زائر وارد شهرهای مقدّس مذهبی به ویژه کربلا می‌شوند. در مقابل این تعداد زیاد، قیمت اجناس به خصوص مواد مصرفی نیز به صورت چشمگیری بالا می‌رود و سبب ایجاد تورّم در سطح جامعه می‌شود. این تورّم تأثیرات منفی در وضعیّت زندگی ساکنان شهرهای مذهبی، به ویژه افراد کم درآمد می‌گذارد و زندگی آنها را با مشکلات جدی مواجه می‌کند. به همین منظور لازم است تدابیر خاصّی برای حل این مشکل اندیشیده شود و مواد مصرفی با قیمت‌های واقعی در اختیار ساکنان شهرهای مقدّس مذهبی به ویژه افراد کم درآمد قرار گیرد تا در زندگی آنها خللی ایجاد نشود. یکی از اقدامات در این

زمینه، ایجاد شرکت‌های تعاونی مصرف متعدد برای رفاه حال ساکنین این شهرهاست.

ب) تأثیر سفرهای زیارتی در مسائل اقتصادی

وقتی ورود زائران یا مسافران به شهرهای مذهبی تنها از یک کشور خاص مثلاً ایران، امکان‌پذیر باشد، در این حالت، وضعیّت اقتصادی ممکن است دچار مشکلاتی شود، زیرا فعّالیّت‌های اقتصادی شهرهای مذهبی تا حد زیادی از اقتصاد کشوری که زائر از آنجا می‌آید تأثیر می‌پذیرد. مثلاً اگر آن کشور دارای رفاه اقتصادی باشد، سفرهای زیارتی نیز نقش مثبتی در وضعیّت اقتصاد جامعه خواهد گذاشت و برعکس چنانچه آن کشور از لحاظ اقتصادی در سطح پایینی باشد، بی‌شک اقتصاد شهرهای مذهبی نیز دچار رکود خواهد شد. گاهی نیز دلایل متعدد و شرایط پیش بینی نشده مانع رسیدن زائران به شهرهای مذهبی می‌شود. این مسأله نیز در اقتصاد این شهرها تأثیر منفی می‌گذارد. بنابراین لازم است ورود زائران از کشورهای مختلف به این شهرها امکان‌پذیر باشد. این مسأله خود باعث ترویج سفرهای زیارتی در کشورهای اسلامی و کشورهایی با اقلیّت‌های اسلامی بزرگ می‌شود.

ج) تأثیرات اجتماعی و فرهنگی سفرهای زیارتی

ارتباط و تعامل نزدیک بین ساکنان شهرهای اسلامی و زائرانی که دارای فرهنگ‌های مختلف و متفاوت هستند، سبب می‌شود ساکنان این شهرها تحت تأثیر مثبت یا منفی عادات و سنّت‌های اجتماعی و فرهنگی این زائران قرار گیرند. به عبارت دیگر، این ارتباط و تعامل تغییرات مهمی در سطح اجتماعی و فرهنگی جامعه ایجاد می‌کند. قرن‌های گذشته گواهی می‌دهند که ارتباط و تعامل ساکنان این شهرها با زائران مختلف، سبب بالا رفتن سطح فرهنگی آنها شده و حتّی در قشر سازگار جامعه نیز تأثیرات مثبتی گذاشته است. این ارتباط، سرآغاز بسیاری از جنبش های فکری و سیاسی و همچنین بررسی زبان‌ها، فرهنگ‌ها و عادات مختلف بوده است.

پیشنهادها و توصیه‌هایی در زمینه توسعه و گسترش سفرهای زیارتی

- لازم است برای ایجاد و راه‌اندازی بازارهای زیبا و مناسب. تلاش‌ها و اقدامات گسترده‌ای صورت گیرد. ضرورت وجود این نوع بازارها و اهمیّت توسعه آنها باید از جنبه‌های مختلف بررسی شود. همچنین ضروری است از طریق تأسیس سازمانی مستقل به نام «سازمان سفرهای زیارتی» نظارت کامل و مستمر بر این بازارها صورت گیرد. - لازم است به صورت دوره‌ای و مستمر در ماه‌های مخصوصی از سال، به ویژه در مناسبت‌های مذهبی، گزارش کاملی از نحوه و میزان فعّالیّت‌ها ارائه شود. این گزارش‌ها می‌تواند منبع مهمی برای پژوهش‌های علمی در زمینه سفرهای زیارتی باشد. - برای افرادی که تجربه و توانایی کافی در زمینه گردشگری، سفر و سفرهای زیارتی دارند، باید امکان تأسیس شرکت‌های توریستی که با شرایط کنونی عراق و نیازهای بازار متناسب باشد فراهم شود تا سبب ارتقای فعّالیّت‌های گردشگری شود. فعّالیّت شرکت‌های توریستی و مسافرتی موجود نیز باید مورد بازنگری قرار گیرد و در زمینه گسترش فعّالیّت‌های آنها نیز اقدامات لازم صورت پذیرد. - در فعّالیّت‌های مربوط به سفرهای زیارتی باید از کارشناسان و افرادی که در زمینه‌های مختلف شغلی تخصّص دارند دعوت و اولویّت استخدام در سازمان پیشنهادی سفرهای زیارتی به آنها داده شود. - بهتر است زائران به شکل گروهی و دسته‌جمعی وارد عراق شوند. در این صورت، مقدّمات کار زود فراهم و از تشریفات نیز جلوگیری می‌شود. هتل‌ها، رستورانها و سایر خدمات نیز راحت‌تر دراختیار زائران قرار می‌گیرد. - برنامه‌های دیگری همچون بازدید از آثار تاریخی و باستانی و همچنین برنامه‌های تفریحی و سرگرم کننده نیز باید به برنامه‌های زیارتی افزوده شوند. برای این کار

لازم است روی مناطقی هم‌چون رزازه، جنگلهای موجود در کربلا، مناطق مُشْرِف به رود فرات در شهرهای هندیه و مُسَیِّب، منطقه حسینیه، منطقه عطیشی، دریای نجف و مناطق زیبای مشرف بر رود فرات در کوفه، سرمایه‌گذاری شود تا محیط مناسبی در این مناطق برای حضور زائران فراهم آید. این برنامه سبب افزایش مخارج روزانه زائران و نیز طولانی‌تر شدن مدّت اقامت آنها می‌شود. – در پذیرش زائران و مسافران نباید به کشورهای خاصّی اکتفا کرد، بلکه باید برنامه‌ها و اقدامات لازم برای پذیرش زائران از کشورهای مختلف در تمام طول سال وجود داشته باشد. زائران مختلف به خصوص دانش‌آموزان، دانشجویان، خانواده‌های شهدا، معلولین و سالمندان باید تشویق شوند که در زمان‌های دیگری غیر از مناسبت‌های مهم مذهبی به عتبات عالیات سفر کنند. برای تشویق آنها باید تسهیلات کافی در اختیارشان قرار گیرد و قیمت اسکان، حمل و نقل، غذا و برنامه‌های تفریحی دیگر نیز تا حد زیادی کاهش یابد. – زائران عتبات عالیات را باید تشویق کرد که از وسایل نقلیه عمومی هم‌چون اتوبوس‌ها و قطارها برای سفر به این مناطق استفاده کنند. – برای کاهش ازدحام زائران در داخل حرم ها، بهتر است مراسم و آیین‌های مذهبی در فضای باز بیرون از حرم انجام شود. لازمه این کار این است که امکانات رفاهی در فضاهای بیرون از حرم نیز وجود داشته باشد. – این امکانات شامل وضوخانه ها، سرویس‌های بهداشتی مردانه و زنانه، سرویس‌های بهداشتی مخصوص معلولین، حمّام ها، آبخوری ها، دفاتر راهنمایی، ارتباطات و پلیس گردشگری می‌شود. – بهداشت هتل‌ها، رستورانها و مراکز خدماتی دیگر باید به صورت مستمر مورد کنترل و نظارت سازمان‌ها و ادارات مرتبط قرار گیرد تا بدین وسیله از مشکلات بهداشتی که سلامت عمومی جامعه را تهدید می‌کند، جلوگیری شود. – مراکز اسکان زائران به خصوص هتل‌ها و خانه‌هایی که به آنها اختصاص داده می‌شود باید وسیع و دارای کیفیّت مطلوب باشد و محافظت شبانه‌روزی از آنها به عمل آید. – حمایت و تشویق بخش‌های خصوصی برای ساخت هتل‌ها، رستورانها و سایر اماکن گردشگری نیز از جمله اقدامات ضروری است. – لازم است در مناطق گسترده و وسیع هم‌چون رزازه، حرم عون بن عبداللّه، عطیشی، حسینیه، ابراهیمه و مسیر نجف کربلا، شهرهای توریستی با همه امکانات رفاهی ساخته شوند. – باید از برنامه‌های فرهنگی و برنامه‌های مختلف دیگر برای افزایش تقاضای سفرهای زیارتی استفاده کرد. – ورود و خروج زائران به عتبات عالیات باید براساس برنامه‌های منظّم و از پیش تعیین شده صورت گیرد تا از ازدحام شدید زائران و ورود عوامل ناشناس به این کشور جلوگیری شود. – مراکز و دانشکده‌های گردشگری به خصوص مراکزی که در زمینه سفرهای زیارتی و مذهبی فعّالیّت می‌کنند باید مورد حمایت واقع شوند. از طرفی، برنامه‌های درسی این مراکز نیز باید متناسب با نیاز تورهای مذهبی و زیارتی باشند تا نیروهای گردشگری توانمندی در آینده به جامعه تحویل دهند. این مسأله در شهرها و اماکن مذهبی که ساکنان آنها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مشغول خدمت رسانی به زائران عتبات عالیات هستند، ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. – ایجاد ارتباط بین هنرها، حرفه های اسلامی و سفرهای زیارتی، تا حد زیادی سبب ارتقای سطح آگاهی مردم می‌شود. بنابراین، بخش‌های مربوط به سفرهای زیارتی نقش عمده‌ای در گسترش مراکز مربوط به هنرها و حرفه های اسلامی دارند. – لازم است تحقیقات و پژوهش‌های مختلفی در زمینه گردشگری، به خصوص سفرهای زیارتی انجام گیرد. – برای فارغ التحصیلان رشته گردشگری باید دوره‌های خاصّی در نظر گرفته شود تا به یادگیری زبان‌های محلّی و خارجی هم‌چون کردی، فارسی، ترکی، انگلیسی، هندی و ... بپردازند. – برای کالاها و اجناس نیز باید مکان‌های مناسبی در نظر گرفته شود تا فروشندگان از قرار دادن کالاها در پیاده رو ها و خیابان‌های اطراف حرم خودداری کنند. یکی از اقدامات مهمی که می‌توان در این زمینه انجام داد راه‌اندازی بازارهای دائمی است. – دولت باید ساکنان شهرهای مذهبی را به اجرای طرح‌های گردشگری درآمدزا تشویق کند. بی‌شک، درآمد حاصله در وضعیّت شغلی و معیشتی ساکنان تأثیر مثبتی خواهد گذاشت. – همه افراد جامعه به ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان باید بر رفت و آمد زائران و انجام مراسم مذهبی آنان نظارت داشته باشند و هم‌چنین در نظافت محیط و پاکسازی اماکن مذهبی و گردشگری نیز مشارکت کنند. – دولت باید فرهنگ گردشگری در شهرهای مذهبی ایجاد کند تا ساکنان این شهرها با زائران رفتار مطلوب و مناسبی داشته باشند.

مهم‌ترین وظایف و خدمات سازمان پیشنهادی سفرهای زیارتی

- تنظیم سفرهای زیارتی براساس برنامه‌های سالیانه از پیش تعیین شده. - ارتباط با کشورهای عربی، اسلامی و کشورهایی که اقلیّت‌های بزرگ اسلامی در آنها قرار دارند و انعقاد توافق نامه‌های مختلف با این کشورها در زمینه سفرهای زیارتی. طبیعی است این امر سبب ترویج و گسترش سفرهای زیارتی در عراق می‌شود. - افتتاح دفاتر و شعبه‌های مختلف در داخل و خارج عراق به خصوص در شهرهای مذهبی و مناطق مرزی تا کاروان‌های زیارتی در زمینه خرید اجناس مختلف دچار مشکل نشوند. هم‌چنین خدمات ارائه شده از سوی شرکت‌های گردشگری، هتل‌ها و رستورانها نیز مورد نظارت و بازرسی قرار گیرند. - تهیه و تنظیم لیستی از شرکت‌های گردشگری تا در اختیار کاروان‌های زیارتی قرار گیرد. - اسکان زائران براساس جدول بندی از پیش تعیین شده هتل‌ها در هتل های یک تا سه ستاره. - نظارت بر خدماتی که به کاروان‌های زیارتی ارائه می‌شود، به ویژه خدمات مربوط به آسایش و امنیّت زائران. - قیمت گذاری عادلانه هتل‌ها براساس کیفیّت آنها تا بدین وسیله نرخ خدماتی که به کاروان‌های زیارتی ارائه می‌شود، ثابت بماند. - آسان ساختن مراحل و شرایط ورود زائران به عراق از صدور روادید گرفته تا اقدامات مربوط به فرودگاهها و گمرک ها. - فراهم کردن تسهیلات کافی در مکان‌های اسکان زائران و ایجاد هتل‌ها و اماکن تفریحی مناسب که سبب گسترش سفرهای زیارتی در عراق می‌شود. - تشکیل دوره‌های خاص برای مدیران شرکت‌های گردشگری و اعطای مجوز لازم به آنها. - توسعه و گسترش حرم ها و بناهای مذهبی کوچک و بازسازی و گسترش مناطق اطراف آنها و مناطقی که در قسمت‌های مختلف شهرهای مذهبی در شهرهای دیگر واقع شده‌اند. - فراهم کردن امکانات لازم و خدمات موردنیاز زائران در اماکن مذهبی دوردست. - افزایش اطلاع‌رسانی در زمینه گردشگری از طریق شبکه‌های مختلف تلویزیونی به منظور شناساندن و ترویج سفرهای زیارتی در عراق. - تهیه مجله‌ها، بروشورها، نوارهای ویدئویی و سی دی های مختلف از آثار مذهبی و تاریخی شهرهای مذهبی. - هماهنگی با ادارات و سازمان‌های دیگر موجود در عراق که با کاروان‌های زیارتی در ارتباطند، به ویژه وزارت امور خارجه، وزارت کشور، وزارت بهداشت و سازمان حج و اوقاف.

منابع و مآخذ

القرآن الکریم إبراهیم الموسوی الزنجانی: جولة فی الأماکن المقدّسه، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت لبنان، ۱۴۰۵ ه. ق (۱۹۸۵ م). ابن الأثیر: الکامل فی التاریخ، دار صادر و دار بیروت، بیروت، ۱۳۸۵ ه. ق (۱۹۶۵ م). ابن الجوزی: المنظم فی تاریخ الأمم و الملوک، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۲ ه. ق (۱۹۹۲ م). ابن الجوزی: تذکرة الخواص، مکتبة نینوی الحدیثة، طهران. ابن بطوطة: رحلة ابن بطوطة، شرح طلال حرب، الطبعة الأولی، دار الکتب العلمیة بیروت، ۱۴۰۷ ه. ق (۱۹۸۷ م). ابن جریر الطبری: تاریخ الطبری، تاریخ الرسل و الملوک، دار المعارف، مصر، (۱۹۶۳ م). ابن عساکر: من تاریخ دمشق، الطبعة الأولی، مؤسسة المحمودی للطباعة و النشر، بیروت لبنان ۱۳۹۸ ه. ق (۱۹۷۸ م). ابن کثیر: البدایة و النهایة فی التاریخ، الطبعة الاولی، مطبعة السعاده، مصر (۱۹۳۲ م). ابن منظور: لسان العرب، طباعة دار الفکر، بیروت. ابو فرج الأصفهانی: مقاتل الطالبین، ط ۲، مؤسسة الأعلمی، بیروت، ۱۴۰۸ ه. ق (۱۹۸۷ م). أحمد بن‌یحیی البلاذری: فتوح البلدان، نشر صلاح‌الدین المنجد، القاهرة (۱۹۵۷ م). أحمد سوسة: الدلیل الجغرافی، بغداد ۱۳۷۹ ه. ق (۱۹۶۰ م). الأمام محمّد عبده: شرح نهج‌البلاغة للأمام علی بن ابی طالب‌علیه السلام، الجزء الثانی. الترمذی: سنن الترمذی، مطبعة دار إحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان. الحاج محمّد علی آل کمونة: دیوان ابن کمونة، مطبعة دار للنشر و التألیف، للنجف ۱۳۶۷ ه. ق (۱۹۴۸ م). الدینوری: الأخبار الطوال، الطبعة الأولی، دار إحیاة الکتب العربیة، القاهرة ۱۹۶۰ م. السیّد إبراهیم شمس‌الدین القزوینی: البیوتات العلویة فی کربلاء، (۱۹۶۳ م). السیّد ابن طاووس: اللهوف فی قتلی الطفوف، دارالمرتضی، بیروت،

لبنان. السیّد حسن الصدر: نزهة اهل الحرمین فی عمارة المشهدین، الطبعة الثانیة، مطبعه أهل‌البیت، کربلاء، ۱۳۸۴ ه. ق (۱۹۶۵ م). السید حسین بن احمد البراقی: تاریخ الکوفة، المطبعة الحیدریة، النجف، ۱۳۵۶ ه. ق (۱۹۳۷ م). السیّد عبدالحسین الکلیدار: تاریخ کربلاء المعلی، المطبعة العلویة، النجف الأشرف العراق، ۱۳۴۹ ه. ق (۱۹۳۰ م) السیّد محسن الأمین: أعیان الشیعة، دار التعارف للمطبوعات، بیروت لبنان ۱۴۰۳ ه. ق (۱۹۸۳ م) السیّد محسن الأمین: خطط جبل عامل، الطبعة الأولی، ۱۴۰۳ ه. ق (۱۹۸۴ م)، الدار العالمیة للمطبوعات، بیروت، لبنان. السیّد محمّد عبدالرزاق: تراثنا، رقم ۱۶، العدد ۱۳، عن مؤسسة آل البیت لأحیاء التراث، ۱۴۰۹ ه. ق (۱۹۸۹ م). السیّد هادی الصدر: مجلة رسالة الشرق، مطبعة النجاح، بغداد، ۱۳۷۳ ه. ق (۱۹۵۴ م). أرنولد ویلسون: ولاء سکان بلاد ما بین‌النهرین ۱۹۲۰ - ۱۹۱۷، طباعة جامعة اکسفورد، لندن همفری میلفورد. الشیخ المفید: الإرشاد، ط ۳، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۹ ه. ق (۱۹۷۹ م). الشیخ طه الولی: المساجد فی الإسلام، الطبعة الأولی، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۹ ه. ق (۱۹۸۸ م). الشیخ فرج العمران القطیفی: الأزهار الأرجیة فی الآثار الفرجیة، ۱۳۸۳ ه. ق (۱۹۶۴ م) الشیخ محمّد صادق الکرباسی: دائرة المعارف الحسینیة، قسم مدینة کربلاء، تحت‌الطبع. العلامة المجلسی: بحار الأنوار، ط ۲، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق (۱۹۸۳ م). المسعودی: مروج‌الذهب، المکتبة الإسلامیة، بیروت، لبنان. النجاشی: رجال النجاشی، طبعة ثانیة، قم، ایران، ۱۳۹۸ ه. ق (۱۹۷۸ م). باقر شریف القرشی: حیاة الإمام الحسین‌علیه السلام، الطبعة الأولی، مطبعة الآداب، النجف الأشرف، العراق ۱۳۹۶ ه. ق (۱۹۷۶ م). جعفرالخیاط: موسوعة العتبات المقدسة، جعفر الخلیلی. جعفر محبوبة: ماضی النجف و حاضرها، الطبعة الثانیة، دار الأضواء، بیروت لبنان، ۱۴۰۶ ه. ق (۱۹۸۶ م). جلال الحنفی: معجم اللغة العامیة البغدادیة، مطبعة أسعد، بغداد (۱۹۶۶ م). جیرالد دی گوری: ثلاثة ملوک فی بغداد ۱۹۲۱ - ۱۹۵۸. حسن الأمین، دائرة المعارف الأسلامیة الشیعیة، ط ۲، دائرة التعارف للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۳ ه. ق (۱۹۹۲ م). حنا بطاطو: العراق، الکتاب الثالث، ط ۱، مؤسسة الأبحاث العربیة، بیروت، (۱۹۹۲ م). خالد عبدالمنعم: موسوعة العراق الحدیث، ط ۱، الدار العربیة للموسوعات بغداد (۱۹۷۷ م). اعتماد یوسف القصیری: سومر، سنة ۱۹۸۲ م، عن المؤسسة العامة للآثار و التراث، وزارة الثقافة و الإعلام، العراق. جلیل العطیة: جریدة الشرق الأوسط، العدد ۶۳۴۳، لندن (۱۹۹۶ م). حسن إبراهیم حسن: تاریخ الإسلام، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان. حسین علی محفوظ: موسوعة العتبات المقدسة لجعفر الخلیلی، قسم کربلاء. حسین مؤنس: المساجد، عن معالم المعرفة، الکویت، ۱۴۰۱ ه. ق (۱۹۸۱ م). خالد السلطانی: دراسة فی عمارة العراق ما بین الحربین، آفاق عربیة، عدد ۱۰، (۱۹۸۰ م). صالح محمّد العابد: حضارة العراق، دار الحرّیة الطبعة، بغداد (۱۹۸۵ م). صفاء خلوصی: موسوعة العتبات المقدسة لجعفر الخلیلی، قسم کربلاء. طارق جواد الجنابی: حضارة العراق، دار الحریة الطبعة بغداد (۱۹۸۵ م). طارق نافع الحمدانی و الدکتورة صباح إبراهیم الشیخلی: المدینة و الحیاة المدنیة، دارالحریة للطباعة، بغداد سنة (۱۹۸۸ م). عبدالجبار ناجی: دراسات فی تاریخ المدن العربیة الإسلامیة، مطبعة جامعة البصرة، العراق، (۱۹۸۶ م). عبدالجواد الکلیدار: تاریخ کربلاء و حائر الحسین، للطبعة الثانیة، المطبعة الحیدریة، النجف، العراق ۱۳۸۶ ه. ق (۱۹۶۷ م). عفیف بهنسی: الفن الإسلامی، طبعة اولی، دار أطلاس للدراسات و الترجمة و النشر، دمشق، (۱۹۸۶ م). عماد عبدالسلام رؤوف: حضارة العراق، دارالحریة للطباعة، بغداد (۱۹۸۵ م). عیسی سلمان و هناء عبدالخالق و نجاة یونس: العمارات العربیة الإسلامیة فی‌العراق، دارالحریة للطباعة، بغداد، (۱۹۸۲ م). فاضل الحسینی المیلانی: دراسات حول کربلاء و دورها الحضاری، ط ۱، (۱۹۹۶ م). قحطان رشید صالح: الکشاف الأثری، المؤسسة العامة للآثار و التراث فی العراق، (۱۹۸۷ م). مجید خدوری: العراق جمهوری، طبعة أولی، الدار المتحدة للنشر، بیروت، (۱۹۷۴ م). محمّد مکیة: الدور البغدادیة و التراث السکنی، قامت بنشرة نقابة المهندسین العراقیین، (۱۹۶۹ م). مصطفی جواد: دلیل خارطة بغداد المفصل، أحمد سوسة، مطبعة المجمع العلمی العراقی، سنة (۱۹۲۹ م). مصطفی جواد: موسوعة العتبات المقدسة لجعفر الخلیلی، من قسم کربلاء، الطبعة الأولی، دارالتعارف، بغداد، ۱۳۸۶ ه. ق (۱۹۶۶ م). مظفر عبداللّه أمین، و جهاد صالح العمر: العراق فی التاریخ، المجمع العلمی العراقی، بغداد، (۱۹۸۳ م). هاشم خضیر الجنابی: المدینة الإسلامیة و خصائصها، مجلة التربیة و التعلیم (جامعة

الموصل)، العدد ۲، سنة (۱۹۸۰ م). ولید الحلی: العراق و آفاق المستقبل، دارالفرات، بیروت، ۱۴۱۳ ه. ق (۱۹۹۲ م). ومیض جمال عمر نظمی: ثورة ۱۹۲۰، المکتبة العالمیة، بغداد، (۱۹۸۵ م). زینب صادق علی السمکری: سومر، المؤسسة العامة للآثار و التراث، سنة ۱۹۸۵ – ۱۹۸۶ م، وزارة الثقافة و الإعلام، العراق. ستیفن لونگریک و فرانک ستوکس: شعوب العالم الحدیث، العراق، طبعة اولی، أرنست بن‌لیمتد، لندن، (۱۹۵۸ م). سعید الأفغانی: أسواق العرب فی الجاهلیة و الإسلام، دمشق، (۱۹۶۰ م). سلمان هادی طعمة: الحمامات الشعبیة فی کربلاء، مجلة التراث الشعبی البغدادیة، العدد: ۱۲، ۱۳۹۲ ه. ق (۱۹۷۲ م). سلمان هادی طعمة: تراث کربلاء، الطبعة الثانیة، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۴۰۳ ه. ق (۱۹۸۳ م). سلمان هادی طعمة: کربلاء فی الذاکرة، مطبعة العانی، بغداد، (۱۹۸۸ م). سلیمة عبدالرسول: المبانی التراثیة فی بغداد، وزارة الثقافة و الإعلام، المؤسسة العامة للآثار و التراث، بغداد، (۱۹۸۷ م). شمس‌الدین المقدسی: أحسن التقاسیم فی ذکر الأقالیم، سنة، (۱۹۰۶ م). شمس‌الدین محمّد الذهبی: دول الإسلام، تحقیق فهیم محمّد شلتوت و محمّد مصطفی إبراهیم، القاهرة، (۱۹۷۴ م). صفی‌الدین بن عبدالحق: مراصد الإطلاع علی أسماء الأمکنة و البقاع، الناشر، أنتر برس. عباس العزاوی: تاریخ العراق بین احتلالین، الطبعة الأولی، مطبعة التفیض الأهلیة، بغداد، ۱۳۵۴ ه. ق (۱۹۳۶ م). عبدالحسین الکلیدار آل طعمة: بغیة النبلاء فی تاریخ کربلاء، مطبعة الإرشاد، بغداد. عبدالحمید الخیاط: تاریخ الروضة الحسینیة، دارالکشاف للنشر و الطباعة و التوزیع، ۱۳۷۶ ه. ق (۱۹۵۷ م). عبدالرزاق آل وهاب: کربلاء فی التاریخ، مطبعة الشعب، بغداد ۱۳۵۳ ه. ق (۱۹۳۵ م). عبدالرزاق الحسنی: العراق قدیماً و حدیثاً، ط ۲، مطبعة العرفان، صیدا، ۱۳۷۵ ه. ق (۱۹۵۶ م). عبدالرزاق الحسنی: تاریخ العراق السیاسی، ط ۶، مطبعة دارالکتب، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق (۱۹۸۳ م). عبدالرزاق الحسنی: تاریخ الوزارات العراقیة، مطبعة العرفان، صیدا، ۱۳۵۲ ه. ق (۱۹۹۳ م). عبدالرزاق الحسنی: موجز تاریخ البلدان العراقیة، ط ۲، مطبعة العرفان، صیدا، ۱۳۵۱ ه. ق (۱۹۳۳ م). عبدالرزاق المقرم: العباس، دار الفردوس، بیروت، لبنان، ۱۴۰۸ ه. ق (۱۹۸۸ م). عبدالرزاق المقرم: قمر بنی‌هاشم، منشورات المطبعة الحیدریة فی‌النجف، ۱۳۶۹ ه. ق (۱۹۴۹ م). عبدالواحد المظفر: بطل العلقمی، قم، ایران. علی‌اکبر دهخدا: لغة نامه، طبعة جامعة طهران، (۱۹۵۹ م). عمانوئیل فتح‌اللّه عمانوئیل: مجلة لغة العرب، ۱۳۲۹ ه. ق (۱۹۱۱ م). غسان العطیة: العراق نشأة الدولة ۱۹۲۰ – ۱۹۰۸. فریال مصطفی: البیت العربی فی‌العراق فی‌العصر الإسلامی، وزارة الثقافة و الإعلام فی العراق، دارالحریة للطباعة، بغداد (۱۹۸۲ م). گیفن یونک: العراق بلاد ما بین‌النهرین، کولینز، لندن، (۱۹۸۰ م). لوط بن یحیی الأزدی: مقتل الحسین‌علیه السلام، ۱۳۴۲ ه. ق (۱۹۲۴ م). محمّد التونجی: المعجم الذهبی فارسی عربی، دارالعلم للملایین، بیروت (۱۹۶۸ م). محمّد باقر الحسینی: الأخیضر، مجلة سومر، سنة (۱۹۶۶ م). محمّد باقر مدرس: شهر حسین، (باللغة الفارسیة)، انتشارات کلینی، الطبعة الثانیة، ۱۴۱۴ ه. ق (۱۹۹۴ م). محمّد حرزالدین: مراقد المعارف، مطبعة الآداب فی النجف، ۱۳۹۱ ه. ق (۱۹۷۱ م). محمّد حسن مصطفی آل کلیدار: مدینة الحسین، الطبعة الأولی، مطبعة النجاح، بغداد، ۱۳۶۷ ه. ق (۱۹۴۷ م). محمود الدرة: الحرب العراقیة البریطانیة ۱۹۴۱، دارالطلیعة، بیروت لبنان، (۱۹۶۱ م). مرتضی نظمی‌زاده: گلشن خلفا، ترجمة موسی کاظم نورس، مطبعة الآداب، النجف (۱۹۷۱ م). مستر ستیفن لونگریک: أربعة قرون من تاریخ العراق الحدیث، جامعة اکسفورد، (۱۹۲۵ م). مصطفی عباس الموسوی: العوامل التاریخیة لنشأة و تطور المدن العربیة والإسلامیة، منشورات وزارة الثقافة و الأعلام، بغداد، (۱۹۸۲ م). مظفر الشیخ قادر: مسکوکات من الأخیضر، مجلة المسکوکات، العدد ۱، بغداد (۱۹۶۹ م). معاذ الآلوسی: الممیزات البارزة فی البیت العراقی، مجلة العاملین فی النفط، العدد ۳۶، بغداد (۱۹۶۵ م). نعمت إسماعیل علام: فنون الشرق الأوسط فی العصور الإسلامیة، دارالمعارف بمصر، لقاهرة (۱۹۷۴ م). نورالدین الشاهرودی: تاریخ الحرکة العلمیة فی کربلاء، ط ۱، دارالعلوم، بیروت، لبنان، ۱۴۱۰ ه. ق (۱۹۹۰ م). هبة الدین الشهرستانی: نهضة الحسین، منشورات الرضی، ۱۳۶۳ ه. ق (۱۹۴۴ م) مطبعة أمیر، قم، ایران. یاقوت الحموی: معجم البلدان، ط ۱، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۲۴ ه. ق (۱۹۰۶ م). أصالة المدن العربیة، آفاق عربیة، السنة الثالثة، العدد الأول، أیلول (۱۹۷۷ م). العراق بین الماضی و الحاضر و المستقبل، عن مؤسسة الدراسات الأسلامیة، طباعة مؤسسة الفکر الإسلامی، بیروت، لبنان. جریدة الحیاة، العدد ۱۲۴۳۰، لندن (۱۹۹۷

م). دائرة المعارف البريطانيـة، الطبعة ۱۵، جامعة شـيكاغو، طبعة امريكا (۱۹۸۵ م). دليل العتبات المقدسـة فى لواء كربلاء، طباعـة دار الجمهورية، بغداد (۱۹۶۷ م). مجلة الحبل المتين، العدد ۴، السنة ۱۸، شهر رجب ۱۳۲۸ ه. ق (۱۹۱۰ م). مجلة الطريق الأسلامى، العدد ۵۶، طبعة بيروت. مجلة الموسم، العدد ۱۱، سنة (۱۹۹۰ م)، دار الموسم للإعلام، بيروت. مجلة حوزة، العدد ۶، سنة ۱۴۱۶ ه. ق (۱۹۹۶ م) عن مكتب التبليغ الأسـلامى، قم، ايران. مجلة لغة العرب للبغدادية، العدد ۴، نيسان (۱۹۳۱ م). مجلة الدور، العدد ۳۹، لندن، اكتوبر (۱۹۹۳ م). محافظة كربلاء بين التراث و المعاصـرة، إصدار محافظة كربلاء، الإدارة المحلية، سـنة (۱۹۷۴ م). مخطط الروضة الحسينية، عن وزارة التخطيط، دائرة التخطيط و الهندسـة، قسم تخطيط المدن، لسـنة (۱۹۸۰ م)، بغداد، العراق. REFERENCES Sinclair، W.F.The Travels of Pedro Teixira. Iraq and the Persian Gulf، Naval Intelligence Division. in Existics No.۵۹۱.Hassan Riaz: "Islamic and Urbanization in the Middle East" ۸۷۹۱.Jacques Berque: De I'Euphrate a I Atlas، Paris، Sindbad، Yourk،John L.Esposito: Modem Islamic World، Volume ۲، New Oxford، Oxford University Press _ ۵۹۹۱. Baghdad.John warren: Ur Magazine، The Traditional Houses of Published by the Iraqi Cultural centre، ndon ۳۸۹۱. Mr. Frankfort H.: Art and Architecture، London ۲۵۹۱. Architecture of Iraq، The House ofJovan Krunic: Art Architectural Traditions and new modern concept، Summer، ۲۶۹۱.Baghdad its old & Honor of George C.Miles.E.J.Keal: Art)Some thoughts on the Eywan(، Studies in Niebuhr، Carsten: Voyage en Arabic et. and Susiana.William Kennet Loftus: Travels and Researches in Chaldaca Persepolis.John Ussher، F.R.G.S.: A Journey from London to Euphrates ۰۸۸۱ _ ۰۹۸۱.John Punnett Peters: Nippur or Explorations and Adventures on the Second Campaign، ۷۹۸۱. September ۴۴۹۱.Geographical Handbook Series، Iraq and the Persian Gulf، K.A.C. Creswell: Early Muslim Architecture، Oxford، ۲۳۹۱. G.L.Bell: Palace and Mosque at Ukhaidhir، Oxford، ۴۱۹۱.)Paris ۷۸۸۱(.Madame J.Dieulafoy-La Porse: La Chaldee، et la Susiane and Co.Ltd. _ Londo ۴۲۹۱.Bell Gertrude: Amurath to Amurath، second edition، Macmillan University، pr London،Sir Arnold T.Wilson MP: Loyalties Mesopotamia ۴۱۹۱-۷۱۹۱، Oxford Humphrey Milford. Mrs.E.S.Stevens: By Tigris and Euphrates، London ۳۲۹۱. Economic His OxfordStephen Hemsley Longrigg: Iraq ۰۰۹۱ to ۰۵۹۱، Apolitical، Social، and London New York Toronto، ۳۵۹۱.University press - printed in Britain by DotesiosM.M.Al-Basser: History of the Iraqi Question، Second edition، printers Ltd، ۰۹۹۱. List of Contents Subjects Introduction Definition of terms Islamic Cities _ perspective background architectural artsCivilization diversity and its impact on the development of the Islamic CHAPTER I: THE ARCHITECTURE OF KARBALA _ HISTORICAL BACKGROUND Introduction Pre-Islamic history of Karbala The event of Al _ Taff Safavid rule in IraqThe History of Karbala from the event of Al-Taff to the periods in IraqThe History of Karbala during the Safavid and Ottoman Iraq in ۱۲۹۱The History of Karbala since the establishment of the state of CHAPTER II: THE ARCHITECTURE OF FABRICSKARBALA-

DEVELOPMENT OF ARCHITECTURAL Introduction The main material building in the heritage buildings to the Safavid rule inThe Architecture of Karbala during the period from the event of Al-Taff Iraq periods in IraqThe Architecture of Karbala during the Safavid and Ottoman state of Iraq in ۱۲۹۱The Architecture of Karbala since the establishment of the _CHAPTER III: THE ARCHITECTURE OF KARBALA RELIGIOUS BUILDINGS Introduction Imam Hussain Shrine)Al-Rawdha al _ Hussainiya(Al-Abbas Shrine)Al _ Rawdha al _ Abbasiya(Smalle shrines، maqams)sanctuaries(and al _ Mukhaiyam Mosques Hussainiyat Religious schools KARBALA_CHAPTER IV: THE ARCHITECTURE OF HISTORICAL AND TRADITIONAL BUILDINGS Introduction Souks and shopping arcades)kaisariyat(Khans Public baths)hammams(Traditional houses Ukhaidhir fortress PRESENTCHAPTER V: ARCHITECTURAL STUDY OF THE SCIENTIFIC ROLESITUATION IN KARBALA CITY AND THE FOR REPLANNING AND DEVELOPMENT Introduction surrounding AreaArchitectural study of the present situation in Karbala City Centre and the Main aspects of the proposed architectural development and re _ planning of the city centre and surrounding area cityScientific role for re-planning and development of Karbala CHAPTER VI: RELIGIOUS TOURISM REFERENCES

پی نوشت ها

۱) ۵ Karab ۴) Karbell ۳) Kar - ballato. ۲) Kor - Bella) عبد الجواد الکلیدار، تاریخ کربلا و حائر الحسین، چاپ دوم، نجف: چاپخانه الحیدریه، ۱۳۸۶ ه. ق (۱۹۶۷ م)، صص ۱۲۳ - ۱۱۲. ۶) ابو فرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ه. ق (۱۹۸۷م)، ص ۱۴۶. ۷) ای.جی.برل، دایرة المعارف الإسلامی، ج ۴، ۱۹۷۸، ص ۶۳۷؛ سیّد محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۷. ۸) ابن جریر طبری، تاریخ طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۵، ص ۴۷۰؛ دایرةالمعارف، مصر، ۱۹۶۳؛ عبد الجواد الکلیدار، پیشین، ص،۱۰۲. ۹) محمّد حسن مصطفی آل کلیدار، مدینة الحسین، چاپ اوّل، بغداد: چاپخانه النجاح، ۱۳۶۷ (۱۹۴۷ م)، ص ۱۹؛ سلمان هادی طعمه، تراث کربلا، ص ۳۳. ۱۰) سیّد حسن صدر، نزهة اهل الحرمین فی عمارت المشهدین، کربلا: چاپخانه اهل بیت، ۱۳۸۴ (۱۹۶۵ م)، ص ۲۱. ۱۱) عبد الجواد آل‌کلیدار، پیشین، صص ۹۹، ۱۹۲ و ۱۹۳. ۱۲) النجاشی، رجال النجاشی، چاپ دوم، قم، ۱۳۹۸ (۱۹۷۸ م)، ص ۲۱۲. ۱۳) ابن حریر طبری، پیشین، ج ۸، صص ۳۵۵ و ۳۵۶. ۱۴) عبد الجواد آل کلیدار، پیشین، ص ۱۹۸؛ سیّد محسن الامین، پیشین، ج ۱، ص ۶۲۷. ۱۵) عبدالرزاق الحسنی، العراق قدیماً و حدیثاً، چاپ دوم، صیدا: چاپخانه عرفان، ۱۳۷۵ (۱۹۵۶ م)، ص ۱۲۹؛ محمّد باقر مدرس، مدینة الحسین، ص ۲۰۳. ۱۶) سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۲۷. ۱۷) ابن جریر طبری، پیشین، ج ۹، ص ۱۸۵. ۱۸) المسعودی، مروج الذهب، ج ۴، بیروت: المکتبه الاسلامیه، ص ۱۲۱؛ سیّد محسن الامین، پیشین، ج ۱، ص ۶۲۸. ۱۹) محمّد باقر مدرس، پیشین، ص ۲۴؛ سیّد حسن صدر، پیشین، صص ۳۶ و ۳۷. ۲۰) سیّد محسن الامین، پیشین، ج ۱، ص ۶۲۸. ۲۱) استیون لونگریک و فرانک ستوکس، شعوب العالم الحدیث عراق، چاپ اوّل، ص ۶۲؛ ارنست‌بن‌لیمتد، لندن، ۱۹۵۸ م؛ سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۷۷. ۲۲) سیّد محسن الامین، پیشین، ج ۱، ص ۶۲۸؛ سیّد حسن صدر، پیشین، ص ۳۲؛ عبد الجواد الکلیدار، پیشین، ص ۱۷۱. ۲۳) علاّمه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۲، چاپ

دوم، بیروت؛ مؤسسه وفا، ۱۴۰۳، (۱۹۸۳ م)، ص ۳۲۰. ۲۴) ابن الاثیر، الکامل فی‌التاریخ، ج ۸، بیروت: دار صادر و دار بیروت، ۱۳۸۶ (۱۹۶۶ م)، ص م۷۱۰؛ ای.جی.برل، پیشین، ج ۴، ص ۶۳۷. ۲۵) ای.جی.برل، پیشین، ج ۴، ص ۶۳۷؛ سیّد محسن الامین، پیشین، ج ۱، ص ۶۲۸ و سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۶۲. ۲۶) ابن الاثیر، پیشین، ج ۹، ص ۲۹۵؛ ای.جی.برل، پیشین، ج ۴، ص ۶۳۷؛ سیّد عبدالحسین الکلیدار، تاریخ کربلا المعلی، ص ۱۴، نجف: چاپخانه العلویه، ۱۳۴۹، (۱۹۳۰ م). ۲۷) ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ (۱۹۹۲ م)، ص ۲۴۷. ۲۸) همان، ج ۱۶، ص ۲۵۹؛ ای.جی.برل، پیشین، ج ۴، ص ۶۳۷. ۲۹) ابن الاثیر، پیشین، ج ۱۰، ص ۲۶۰. ۳۰) ابن الجوزی، پیشین، جلدهای ۱۷ و ۱۸، ص ۱۷۴. ۳۱) علاّمه مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۴۰۱. ۳۲) ابن الجوزی، پیشین، جلدهای ۱۷ و ۱۸، ص ۱۲۵. ۳۳) عبد الجواد الکلیدار، پیشین، ص ۱۸۳. ۳۴) عباس العزاوی، تاریخ العراق بین احتلالین، ص ۳۷۶. ۳۵) محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، ص ۲۴. ۳۶) رحلهٔ ابن بطوطه، شرح طلال حرب، چاپ اوّل، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ه. ق (۱۹۸۷ م)، ص ۲۳۳. ۳۷) ای.جی.برل، پیشین، ج ۴، ص ۶۳۷. ۳۸) عبد الجواد الکلیدار، پیشین، صص ۱۸۸ و ۱۸۹؛ جعفر الخلیلی، موسوعه العتبات المقدّسه، بخش کربلا، ص ۲۶۶. ۳۹) عباس العزاوی، پیشین، ج ۲، چاپ اوّل، بغداد: چاپخانه التقیض الأهلیه، ۱۳۵۴ (۱۹۳۶) صص ۲۰۴ و ۲۰۵؛ طارق جواد الجنابی، حضارهٔ العراق، ج ۱۰، بغداد: دارالحریه للطباعه، ص ۲۴۸. ۴۰) عباس العزاوی، پیشین، ج ۳، ص ۱۴۴. ۴۱) طارق جواد الجنابی، پیشین، ج ۱۰، ص ۲۴۸؛ صالح محمّد العابد، حضارهٔ العراق ج ۱۰، صص ۱۴ و ۱۵؛ استیون لونگریک، اربعهٔ قرون من تاریخ العراق الحدیث، ص ۱۶. ۴۲) عبد الرزاق الحسنی، پیشین، ص ۱۳۰. ۴۳) صالح محمّد العابد، حضارهٔ العراق، ج ۱۰، بغداد: دارالحرّیه للطباعهٔ، ۱۹۸۵ م، ص ۱۶؛ محمّد باقر مدرس، پیشین، ص ۳۰۴. ۴۴) ای.جی.برل، پیشین، ج ۴؛ استیون لونگریک، اربعهٔ قرون من تاریخ العراق الحدیث، دانشگاه آکسفورد، ۱۹۲۵، ص ۲۵. ۴۵) محمّد باقر مدرس، پیشین، ص ۳۰۵. ۴۶) سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۴۴. ۴۷) مرتضی نظمی زاده، گلشن خلفا، ترجمه موسی کاظم نورس، نجف: چاپخانه الآداب، ۱۹۷۱ م، ص ۲۰۸. ۴۸) The Travels of Pedro Telxeeira Second Serie، No.Ix-P.xxii،PP.۱۵،۲۵،۳۵. ۴۹) سلمان هادی طعمه، پیشین، صص ۳۶۵ و ۳۶۶. ۵۰) ای.جی.برل، پیشین، ج ۴، ص ۶۳۷؛ محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، صص ۳۷ و ۳۸. ۵۱) استیون لونگریک، پیشین، ص ۷۴؛ محمّد باقر مدرس، پیشین، ص ۳۱۷. ۵۲) مرتضی نظمی زاده، پیشین، ص ۲۳۳. ۵۳) عبدالحسین الکلیدار آل طعمه، بغیهٔ النبلا فی تاریخ کربلا، بغداد: چاپخانه ارشاد، ص ۷۳ محمّد باقر مدرس، پیشین، ص ۳۱۸. ۵۴) مرتضی نظمی زاده، پیشین، ص ۲۸۲؛ عباس العزاوی، پیشین، ج ۵، شرکهٔ التجارهٔ و الطباعهٔ المحدوده، بغداد، ۱۳۷۲ (۱۹۵۳ م)، ص ۱۱۳. ۵۵) عباس العزاوی، پیشین، ج ۵، صص ۱۶۴ و ۱۹۳؛ مرتضی نظمی زاده، پیشین، ص ۳۱۸. ۵۶) محمّد باقر مدرس، پیشین، صص ۳۸، ۳۲۵ و ۳۲۶. ۵۷) جعفر محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، چاپ دوم، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۶ (۱۹۸۶ م)، ص ۲۲۳؛ سید عبدالحسین الکلیدار آل طعمه، پیشین، ص ۷۳. ۵۸) Niebuhr Carsten Voyageen Arabic et en'daatre Pays Circonvoisins،Amesterdam، ۹۷۷۱(– جعفر الخلیلی، پیشین، بخش کربلا، صص ۲۹۰ – ۲۸۶. ۵۹) ای.جی.برل، پیشین، ج ۴، ص ۶۳۸؛ استیون لونگریک، پیشین، ص ۲۱۷؛ گیفن یونک، العراق بلاد مابین‌النهرین، کولینز، لندن، ۱۹۸۰ م، ص ۱۲۳. ۶۰) سیّد عبدالحسین الکلیدار آل طعمه، پیشین، ص ۴۰؛ عبد الجواد الکلیدار، پیشین، ص ۲۳۸؛ محمّد صادق الکرباسی، دایرهٔ المعارف الحسینیه، تاریخ المراقد، جزء دوم، زیر چاپ. ۶۱) سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۳۷۱؛ سیّد عبدالحسین الکلیدار آل طعمه، پیشین، ص ۱۷۹. ۶۲) سیّد عبدالحسین الکلیدار آل طعمه، پیشین، ص ۴۱؛ سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۳۷۳. ۶۳) استیون لونگریک، پیشین، ص ۲۸۸؛ ای.جی.برل، پیشین، ج ۴، ص ۶۳۸؛ جعفر خلیلی، پیشین، ج ۲، بخش کربلا، صص ۲۷۹ – ۲۷۶. ۶۴) William Kennett Loftus، Travels and Researches in Chaldaea and Susiana F.G.S، London، James Nisbet and Co، PP.۹۵. ۰۶. ۱۶. ۴۶، ۵۶. ۶۵) John Ussher F.R.G.S، A Jorney from london to perseplois Including

Wanerings in Daghestan Georgia، Armenia، Kurdistan، Mesopotamia، and Persia، London، ۶۶ .۰۶۴، ۸۵۴ .۴۵۴ .PP، ۵۶۸۱) جعفر خلیلی، پیشین، بخش کربلا، ص ۱۳۲. ۶۷) عبدالجواد الکلیدار، پیشین، صص ۲۶۵ – ۲۶۴. ۶۸) سیدعبدالحسین الکلیدار آل‌طعمه، پیشین، ص ۷۷. ۶۹) Madame J.Dieulafory _ Laporse: lachaldee، etla Susiane)Paris۷۸۸۱(. . جعفر الخلیلی، پیشین، بخش کربلا، صص ۳۰۱ و ۳۰۵. ۷۰) Jhon Punnett Peters، Nippur or Explorations and Adventures on the Euphrates ۰۸۸۱_۰۹۸۱، Vol.II_ Second Compain، ۷۹۸۱، P.۱۳۳. ۷۱) Bell Gertrude، Amurath to Amurath، second edition، Macmillan and Co. Lta، London ۴۲۹۱_P.۰۱. ۷۲) فتح‌اللّه عمانوئل، مجله لغهٔ العرب، ج ۵، ۱۳۲۹ (۱۹۱۱ م) صص ۱۶۰ – ۱۵۶. ۷۳) عبدالحسین الکلیدار، تاریخ کربلا المعلی، نجف: چاپخانه العلویه، ۱۳۴۹ (۱۹۳۱ م) صص ۲۸ و ۲۹. ۷۴) ومیض جمال عمر نظمی، ثورهٔ ۱۹۲۰، بغداد: المکتبه العالمیهٔ، ۱۹۸۵، ص ۳۴۳. . ،۴۱۹۱_۷۱۹۱ Sir Arnold T.Wilson MP، Loyalties Mesopotamia Vol.I، London: Oxford University Press Humphrey Milford PP.۷۵۲ _ ۸۵۲. ۷۵) ۱۷.mrs. E.S.Stevens By Tigris and Euphrates، London، ۳۲۹۱، PP.۹۳_۲۴. ۷۶) عبدالرزاق آل وهاب، کربلا- فی التاریخ، بغداد: چاپ الشعب، ۱۳۵۳ (۱۹۳۵ م)، ص ۲۴. ۷۷) جعفر خلیلی، موسوعهٔ العتبات المقدسه، ترجمه جعفر الخیاط، ج ۲، قسمت کربلا، صص ۳۳۶ و ۳۳۵؛ هم‌چنین: السیر ارنولد ویلسون، ولاء سکان بلاد ما بین‌النهرین ۱۹۲۰ – ۱۹۱۷، همفری میلفورد، ج ۱۱، لندن: چاپ دانشگاه آکسفورد، ص ۱۰۸. ۷۸) ومیض جمال عمر نظمی، ثوره ۱۹۲۰، بغداد: المکتبه العالمیه، ۱۹۸۵ م، ص ۳۰۸؛ غسان العطیهٔ، العراق نشأهٔ الدوله ۱۹۲۰ – ۱۹۰۸، ص ۳۵۵. ۷۹) خالد عبدالمنعم، موسوعهٔ العراق الحدیث، ج ۱، چاپ اوّل، بغداد: الدار العربیه للموسوعات، ۱۹۷۷ م، ص ۱۸۹. ۸۰) ومیض جمال عمر نظمی، پیشین، ص ۳۹۴. ۸۱) جرالد دی.گوری، ثلاثهٔ ملوک فی بغداد ۱۹۵۸ – ۱۹۲۱، ص ۴۴؛ هم‌چنین: عبدالرزاق الحسنی، تاریخ الوزارات العراقیه، ج ۱، صیدا: چاپ عرفان، ۱۳۵۲ (۱۹۳۳ م) ص ۱۸. ۸۲) عن مؤسسات الدراسات الاسلامیه، العراق بین الماضی و الحاضر و المستقبل، بیروت: چاپ مؤسسه الفکر الاسلامی، ص ۸۷۹. -، Stephe Hemsly LongriggIrag ۰۰۹۱ to ۰۵۹۱، A political،Social، and Economic History، Oxford University Press، London، New York Toront، ۳۵۹۱.P ۰۴۱. -M.M.Al-Basser: History of the Iraqi Question، Second Edition، Printed in Great Britain by Dotesios Printers Ltd، ۰۹۹۱، P.۶۹۱ ۸۳) خالد عبدالمنعم، پیشین، ص ۲۰۶؛ هم‌چنین: جعفر خلیلی، پیشین، صص ۳۵۸ و ۳۵۹. ۸۴) جعفر خلیلی، پیشین، ص ۳۶۰. ۸۵) دکتر مظفر عبداللّه امین و جهاد صالح العمر، العراق فی التاریخ، بغداد: المجمع العلمی العراقی، ۱۹۸۳، ص ۶۸۲. ۸۶) محمود الدرهٔ، الحرب العراقیه البریطانیه ۱۹۴۱، بیروت: دارالطلیعه، ۱۹۶۱، ص ۶۰؛ هم‌چنین: سلمان هادی طعمه، تراث کربلا، صص ۴۰۳ و ۴۰۴. ۸۷) مظفر عبداللّه امین و جهاد صالح العمر، پیشین، ص ۶۸۷. ۸۸) عبدالرزاق الحسنی، تاریخ العراق السیاسی، ج ۳، چاپ ۶، بیروت: مطبعهٔ دارالکتب، ۱۴۰۳ (۱۹۸۳ م)، ص ۲۰۳ و ۲۰۴. ۸۹) مظفر عبداللّه امین و جهاد صالح العمر، پیشین، ص ۶۹۶. ۹۰) سلمان هادی طعمه، پیشین، صص ۴۰۵ – ۴۰۶. ۹۱) مظفر عبداللّه امین و جهاد صالح العمر، پیشین، صص ۷۳۸ و ۷۳۹؛ هم‌چنین: حنا بطاطو، العراق، الکتاب الثالث، چاپ اوّل، بیروت: مؤسسهٔ الابحاث العربیه، ۱۹۹۲ م، ص ۱۱۶. ۹۲) سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۸۵. ۹۳) حنا بطاطو، پیشین، صص ۳۰۰ و ۲۹۶. ۹۴) مجید خدوری، العراق الجمهوری، چاپ اوّل، بیروت: الدار المتحدهٔ للنشر، ۱۹۷۴، ص ۲۸۶. ۹۵) همان، صص ۳۵۰ و ۳۴۹. ۹۶) حنا بطاطو، پیشین، ص ۴۰۵. ۹۷) ولید الحلی، حقوق الانسان فی العراق ۱۹۸۸ – ۱۹۶۸، ص ۱۱. ۹۸) العراق و آفاق المستقبل، بیروت: دارالفرات، ۱۴۱۳ ه. ق (۱۹۹۲ م) صص ۶۱، ۶۲، ۱۱۱، ۱۱۷ و ۱۵۳. ۹۹) العمید الرکن نجیب الصالحی، صحیفهٔ الحیاه، ش ۱۲۸۱۰، ۱۹۹۸ م، ص ۱۸؛ هم‌چنین: الامم المتحده، المجلس الاقتصادی و الاجتماعی، لجنهٔ حقوق الانسان، الدورهٔ ۴۸، ۱۹۹۱ م، صص ۷۰ – ۳۹. ۱۰۰) دایرهٔ المعارف اسلامی، پیشین، ج ۴، ۱۹۷۸، ص ۶۳۷؛ هم‌چنین:

السید محسن الامین، اعیان شیعه، ج۱، ص۶۲۷. ۱۰۱) این گچ از سنگ گچی غیر خالص ساخته می‌شود؛ زیرا در آن مقداری خاکستر نیز وجود دارد. ۱۰۲) که همان سخوتن سنگ جص با درجات حرارتی آرام است. ۱۰۳) سیّد حسن الصدر، نزهة اهل الحرمین فی عمارة المشهدین، صص ۲۱، ۲۳ و ۲۶؛ هم‌چنین: محمّد حسن مصطفی الکلیدار، مدینة الحسین، ص ۲۰ و نیز: عبد الجواد الکلیدار، تاریخ کربلا و حائر الحسین، ص ۸۱. ۱۰۴) عبدالحسین الکلیدار، بغیة النبلا فی تاریخ کربلا، ص ۱۶؛ هم‌چنین: عبد الجواد الکلیدار، همان، صص ۹۹، ۱۹۲ و ۱۹۳. ۱۰۵) تاریخ کربلا المعلی، ص ۱۹؛ هم‌چنین: نورالدین الشاهرودی، تاریخ الحرکة العلمیه فی کربلا، ص ۱۵ و نیز: رؤوف محمّد علی الانصاری، جریدة الحیاة العربیه، شماره ۱۱۷۶۱، لندن، ۱۹۹۵، ص ۲۱. ۱۰۶) السید محسن الامین، پیشین، ج ۱، ص ۶۲۷؛ هم‌چنین: عبد الجواد الکلیدار، پیشین، ص ۱۹۷. ۱۰۷) عبدالرزاق الحسنی، العراق قدیماً و حدیثاً، ص ۱۲۹. ۱۰۸) سومر، ج ۲۲، بغداد العراق، ص ۶۵. ۱۰۹) الکشاف الاثری، ص ۲۵۶. ۱۱۰) پیشین. ۱۱۱) سید حسین صدر، پیشین، ص ۳۱، هم‌چنین: John Li Esposito، Modern Islamic World، Vol.۲،New York، Oxford، Oxford University Press، ۵۹۹۱، P.۹۹۳. ۱۱۲) سیّد عبدالحسین الکلیدار آل طعمه، پیشین، ص ۱۷؛ هم‌چنین: المسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۲۱. ۱۱۳) محمّد صادق الکرباسی، دائرة المعارف الحسینیه، باب مدینة الحسین، زیر چاپ، لندن: المرکز الحسینی للدراسات، ۱۹۹۵. ۱۱۴) نعمت اسماعیل علام، فنون الشرق الاوسط فی‌العصور الاسلامیه، قاهره؛ دار المعارف، ۱۹۷۴ صص ۴۷ و ۵۱. ۱۱۵) سومر، ج ۳۸، بغداد: مدیریة الآثار العامه، ۱۹۸۲، ص ۳۷۶. ۱۱۶) حسن الامین، دائرة المعارف الاسلامیه الشیعیه، ج ۱۱، چاپ دوم، بیروت: دائرة المعارف للمطبوعات، ۱۴۱۳ (۱۹۹۲ م)، ص ۳۵۶. ۱۱۷) ابراهیم الموسوی الزنجانی، حلّة فی الاماکن المقدّسه، بیروت: مؤسسة الاعمی للمطبوعات، ۱۴۰۵ (۱۹۸۵) ص ۸۳؛ هم‌چنین: محمّد حسین مصطفی الکلیدار، پیشین، ص ۲۵ و نیز: جعفر خلیلی، پیشین، ص ۲۶۰. ۱۱۸) محمّد حسین مصطفی الکلیدار، پیشین، صص ۲۹ و ۳۰. ۱۱۹) ابن الجوزی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۶، ص ۲۵۹. ۱۲۰) سلمان هادی طعمه، پیشین، صص ۴۰ و ۴۱. ۱۲۱) رحلة ابن بطوطه، ص ۲۳۳. ۱۲۲) سلمان هادی طعمه، پیشین، صص ۹۸ و ۹۹؛ هم‌چنین مصطفی عباس الموسوی، العوامل التاریخیه لنشأة و تطوّر المدن العربیه و الاسلامیه، بغداد: انتشارات وزارت فرهنگ و اطّلاع‌رسانی، ۱۹۸۲، ص ۱۸۶. ۱۲۳) جعفر خلیلی، پیشین، ص ۲۶۶. ۱۲۴) حسین مؤنس، المساجد، الکویت: عن معالم المعرفة، ۱۴۰۱ (۱۹۸۱ م)، ص ۹۹. ۱۲۵) نعمت اسماعیل علام، پیشین، مصر: دار المعارف، ۱۹۷۴ م، صص ۲۰۶ - ۲۰۴. ۱۲۶) The Travels of Pedro Teixeira Second Series، No IX P.۱۵. ۱۲۷) Johnl Li Esposito: Niebuhr، Carsten، Voyage en Arabic et - جعفر الخلیلی، پیشین، صص ۲۹۰ - ۲۸۶. ۱۲۸) Op.Cit. ۱۲۹) سلمان هادی طعمه، کربلا فی الذاکره، بغداد: چاپخانه العانی، ۱۹۸۸ م، صص ۲۱ و ۲۲. ۱۳۰) جعفر الخلیلی، پیشین، ص ۲۷۶. ۱۳۱) ایلیا نیکولا- پرزین، مجله دراسات الارض و الرحلات، مسکو، ۱۸۵۸ م. ۱۳۲) William Kennet Loftus، Travels and Researches in Chaldaea and Susiana، PP.۵۶_۶۶. ۱۳۳) John Ussher F.R.G.S، A Journey from London to Perspolis، PP. ۸۵۴ _ ۹۵۴. ۱۳۴) سلمان هادی طعمه، تراث کربلا، صص ۹۹ و ۱۰۰. ۱۳۵) John Punnett Peters، Nippur or Explorations and Adventures on the Euphrates ۰۸۸۱ - ۰۹۸۱، Vol.II، Second Campaign، ۷۹۸۱، P.۱۳۳. ۱۳۶) عمانوئل فتح‌اللّه عمانوئل، مجله لغة العرب، ج ۵، صص ۱۵۹ - ۱۵۷، ۱۳۲۹ ه. ق (۱۹۱۱ م). ۱۳۷) Geographical Handbook Series، Iraq and the Persian Culf، September ۴۴۹۱، P.۵۳. ۱۳۸) محمّد صادق الکرباسی، پیشین. ۱۳۹) عبدالرزاق الحسنی، موجز تاریخ البلدان العراقیة، صص ۶۴ - ۶۳ و نیز: سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۹۶ و خالد السلطانی، «دراسة فی عمارة العراق مابین الحربین»، آفاق عربیة، ش ۱۰، ۱۹۸۰، صص ۸۵ - ۶۲. ۱۴۰) عبدالرزاق الحسینی، پیشین، ص ۱۲۶ و نیز: سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۱۰۲. ۱۴۱) عماد عبدالسلام رؤوف، پیشین، ج ۱۰، صص ۱۸۵ - ۱۸۴، و نیز: سلمان هادی طعمه، همان. ۱۴۲) عبد الجواد الکلیدار، پیشین، صص ۱۷۷، ۲۴۰، ۲۴۴ و ۲۴۶ و نیز:

محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، صص ۳۵ – ۳۶. ۱۴۳) رؤوف محمّد علی الانصاری، مجلة النور، ش ۳۹، لندن، اکتبر ۱۹۹۳، ص ۶. ۱۴۴) ۱۴۵ .۸۷۹۱، Jacques Berque: De I'Euphrate a I Atlas، Paris،Sindbad) از آرشیو شهرداری کربلا، ۱۹۵۹. ۱۴۶) همان. ۱۴۷) همان، کربلا فی‌الذاکرة، پیشین، صص ۶۵ – ۶۴. ۱۴۸) د.رؤوف محمّد علی انصاری، پیشین. ۱۴۹) دائرة المعارف البریطانیة، ج ۶، ص ۷۴۱. ۱۵۰) از نشریات استان کربلا أضواء کاشفة علی محافظة کربلا، ۱۹۷۱، ص ۲۵. ۱۵۱) از آرشیو شهرداری کربلا ـ در سال ۱۹۹۵؛ کربلا فی‌الذاکرة، پیشین. ۱۵۲) الامم المتحدة: المجلس الاقتصادی و الاجتماعی، لجنة حقوق‌الانسان، الدورة ۴۹، ۱۹۹۳ م، صص ۵۳ – ۵۲. ۱۵۳) از آرشیو شهرداری کربلا، حسب مخطط مدینة کربلا لعام ۱۹۹۲ م. ۱۵۴) محمّد حسن مصطفی الکلیدار، مدینة الحسین‌علیه السلام، ص ۲۰. – عبد الجواد الکلیدار، تاریخ کربلا و حائر الحسین‌علیه السلام، ص ۸۱. – رؤوف محمّد علی انصاری، مجلة النور، ش ۶۱، لندن، ۱۴۱۷ ه. ق (۱۹۹۶ م)، ص ۳. ۱۵۵) شیخ طه الولی، المساجد فی الاسلام، چاپ ۱، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۹ ه. ق (۱۹۸۸ م)، ص ۲۷۷. ۱۵۶) رؤوف محمّد علی الانصاری، پیشین. ۱۵۷) سید حسن الصدر، نزهة اهل الحرمین فی عمارة المشهدین، ج ۲، کربلا: چاپخانه اهل بیت، ۱۳۸۴ ه. ق (۱۹۶۵ م)، ص ۲۷ و نیز: – سیّد محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۷. ۱۵۸) عبد الجواد الکلیدار، پیشین، ص ۱۶۲ و نیز: سیّد حسن الصدر، پیشین، ص ۳۴. ۱۵۹) ابن جریر الطبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۹، ص ۱۸۵. ۱۶۰) دکتر عبد الجواد الکلیدار، پیشین، صص ۱۶۴ و ۱۶۸ و نیز: عبد الرزاق الحسنی، العراق قدیماً و حدیثاً، ص ۱۹۲. ۱۶۱) محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، ص ۲۵۴؛ دکتر عبد الجواد الکلیدار، پیشین، ص ۱۶۸؛ سیّد حسن الصدر، پیشین، ص ۳۲. ۱۶۲) جعفر الخیاط، موسوعة (دائرةالمعارف) العتبات المقدسة بخش کربلا، ص ۲۶۰ و نیز: دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۴، ص ۶۳۷؛ محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، صص ۲۵، ۲۶ و ۲۸؛ شمس‌الدین محمّد الذهبی، دول الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۴؛ محمّد مصطفی ابراهیم، تحقق، فهیم محمد شلتوت، قاهره، ۱۹۷۴ م. – ۱۶۳. Iraq & Gulf The Persian، Naval Intelligence Division، P.۷۳۵) ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۲۹۵؛ عبدالجواد الکیدار، پیشین، ص ۱۸۰؛ صفا خلوصی، موسوعة(دائرة المعارف) العتبات المقدّسه، بخش کربلا، لجعفر خلیلی، ص ۱۹۹. ۱۶۴) عبدالحسین الکلیدار آل طعمة، بغیة النبلاء فی تاریخ کربلا، صص ۷۱ – ۷۰؛ محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، صص ۳۳ – ۳۲؛ سلمان هادی طعمه، تراث کربلا، ص ۴۳. ۱۶۵) محمّد باقر مدرس، شهر حسین، صص ۲۹۰ – ۲۸۹ و نیز: محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، ص ۳۴. ۱۶۶) عباس العزاوی، تاریخ العراق بین احتلالین،ج ۳، چ ۱، بغداد: چاپخانه التفیض الاهلیة، ۱۳۵۷ ه. ق (۱۹۳۹ م)، ص ۳۱۶. ۱۶۷) گلشن خلفا، ص ۲۰۸. ۱۶۸) محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، ص ۳۸. ۱۶۹) عبدالحمید الخیاط، تاریخ الروضة الحسینیة، مؤسسه نشر، چاپ و توزیع دار الکشاف، ۱۳۷۶ ه. ق (۱۹۵۷ م)، ص ۱۰. ۱۷۰) سید ابراهیم موسوی زنجانی، جولة فی‌الاماکن المقدسة، ص ۸۶؛ نور الدین شاهرودی، تاریخ الحرکة العلمیة فی کربلا، صص ۲۱ – ۲۰؛ محمّد باقر مدرس، پیشین، صص ۲۹۰ و ۳۴۶. ۱۷۱) سلمان هادی طعمة، پییشین، ص ۵۵. ۱۷۲) همان، ص ۵۲. ۱۷۳) عبد الجواد الکلیدار، پیشین، صص ۲۴۶، ۲۶۹ و ۲۷۰. ۱۷۴) محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، صص ۲۳، ۴۳ و ۴۴ و نیز: عبد الجواد الکلیدار، پیشین، صص ۲۶۷ – ۲۶۶. ۱۷۵) عبدالحسین الکلیدار آل طعمه، پیشین، ص ۱۷۳. ۱۷۶) طارق جواد الجنابی، حضارة العراق، ج ۱۰، بغداد: مؤسسه چاپ دار الحریة، ۱۹۸۰ م، ص ۳۲۰. ۱۷۷) رؤوف محمّد علی الانصاری، الحیاة، ش ۱۲۴۱۶، لندن، ۱۹۹۶ م، ص ۲۱. – طرح و برنامه آستان حسینی‌علیه السلام، از سوی وزارت برنامه‌ریزی – واحد نقشه‌کشی و مهندسی – بخش برنامه‌ریزی شهرها، مربوط به سال ۱۹۷۷ م. ۱۷۸) رؤوف محمّد علی الانصاری، الحیاة، پیشین. ۱۷۹) محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، صص ۴۶ و ۵۸؛ کربلا فی الذاکرة، صص ۱۷ – ۱۴؛ طرح و برنامه آستان حسینی‌علیه السلام، پیشین. ۱۸۰) طرح و برنامه آستان حسینی‌علیه السلام، ۱۹۸۰. ۱۸۱) سید هادی صدر، رسالة الشرق، ش ۲، بغداد: چاپخانه النجاح، ۱۳۷۳ ه. ق (۱۹۵۴ م)، صص ۴۱ – ۴۲ و نیز: عبد الحسین الکلیدار آل طعمه، پیشین، ص ۱۶۹ و طرح و برنامه آستان حسینی‌علیه السلام، پیشین، ۱۹۸۰ م. ۱۸۲) عبدالحسین الکلیدار آل طعمه،

پیشین، ص ۱۷۱ و نیز: طرح و برنامه آستان حسینی‌علیه السلام، پیشین، ۱۹۸۰ م. ۱۸۳) رؤوف محمّد علی انصاری، الحیاة، پیشین. ۱۸۴) دکتر عبد الجواد الکلیدار، پیشین، ص ۲۷۶ و نیز: عبدالرزاق الحسینی، پیشین، ص ۱۲۹. ۱۸۵) سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۶۲؛ عمادالدین اصفهانی، عن تاریخ و جغرافیا کربلا ـ معلی، ص ۱۸۲ . ۱۸۶) عبدالرزاق المقرم، العباس، ص ۳۸۷، بیروت دار الفردوس، ۱۴۰۸ ه. ق (۱۹۸۸ م). ۱۸۷) قمر بنی‌هاشم، صص ۱۲۶ – ۱۲۷، نجف: انتشارات المطبعة الحیدریة، ۱۳۶۹ ه. ق (۱۹۴۹ م). ۱۸۸) سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۶۵. ۱۸۹) محمّد باقر مدرس، پیشین، ص ۳۴۲. ۱۹۰) عبدالرزاق المقرم، پیشین، ص ۳۸۸. ۱۹۱) سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۶۴. ۱۹۲) همان، ص ۶۵. ۱۹۳) عبد الواحد المظفر، بطل العلقمی، ص ۳۱۸، جزء ۳، قم، ایران. ۱۹۴) حاج محمّد علی آل کمونه، دیوان ابن کمونه، ص ۱۰۳، نجف: چاپخانه دار النشر و التألیف، ۱۳۶۷ ه. ق (۱۹۴۸ م). ۱۹۵) محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، ص ۶۲. ۱۹۶) سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۶۴. ۱۹۷) محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، ص ۶۲. ۱۹۸) سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۶۴. ۱۹۹) همان. ۲۰۰) همان، ص ۷۰. ۲۰۱) همان، ص ۶۸. ۲۰۲) حسن الامین، دایرة المعارف الشیعیة، ج ۱۱، ص ۳۵۶. ۲۰۳) سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۷۱. ۲۰۴) رؤوف محمّد علی الانصاری، مجلة النور، پیشین، ص ۶. ۲۰۵) نشریه الحیاة، پیشین. ۲۰۶) دکتر حسین علی محفوظ، موسوعة العتبات المقدّسه لجعفر الخلیلی، ص ۱۵۸ و نیز: طارق جواد الجنابی، حضارة العراق، پیشین، ص ۳۲۱. ۲۰۷) رؤوف محمّد علی الانصاری، نشریه الحیاة، پیشین. ۲۰۸) محمّد حسن مصطفی الکلیدار، پیشین، صص ۶۳ – ۶۴ و نیز: دکتر عبد الجواد الکلیدار، پیشین. ۲۰۹) حسن الامین، پیشین. ۲۱۰) رؤوف محمّد علی الانصاری، نشریه الحیاة، پیشین و نیز: طارق جواد الجنابی، حضارة العراق، پیشین، ص ۳۲۲. ۲۱۱) دلیل العتبات المقدّسة فی لواء کربلا، صص ۱۹ – ۲۰، بغداد: دار الجمهوریه، ۱۹۶۷ م؛ محمّد حسن الکلیدار، پیشین، صص ۶۱ – ۶۰؛ طرح و برنامه حرم مطهّر حضرت عباس‌علیه السلام مربوط به سال ۱۹۶۸ م، اداره اوقاف بغداد. ۲۱۲) ابراهیم موسوی زنجانی، جولة فی‌الاماکن المقدّسه، صص ۸۹ – ۸۸؛ حسین علی محفوظ، پیشین، ص ۱۵۶؛ احمد سوسه، الدلیل الجغرافی، بغداد ۱۳۷۹ ه. ق (۱۹۶۰)، ص ۶۰. ۲۱۳) محمّد حرز الدین، مراقد المعارف، ج ۲، چاپخانه الاداب نجف، ۱۳۹۱ ه. ق (۱۹۷۱ م)، صص ۱۴۲ – ۱۴۱. ۲۱۴) سلمان هادی طعمة، کربلا فی الذاکره، ص ۱۶۶. ۲۱۵) سید محمّد عبدالرزاق، تراثنا، عدد ۱۶، ش ۱۳، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ه. ق (۱۹۸۹ م)، صص ۱۴۶ – ۱۴۸. ۲۱۶) محمّد حرز الدین، پیشین، ص ۷۶، جزء اوّل. ۲۱۷) سلمان هادی طعمة، کربلا فی‌الذاکرة، ص ۳۹۲؛ محمّد حرز الدین، پیشین، صص ۷۸ – ۷۷. ۲۱۸) پیشین، ص ۱۱۷؛ محمّد حرز الدین، پیشین، صص ۸۶ – ۸۵. ۲۱۹) محمّد حرز الدین، پیشین، صص ۸۶ – ۸۵. ۲۲۰) رؤوف محمّد علی الانصاری، نشریه الحیاة، شماره ۱۲۰۰۸، ص ۲۱، لندن ۱۹۹۶ م. ۲۲۱) محمّد حرز الدین، پیشین، ص ۱۳۱. ۲۲۲) سید حسین بن احمد البراقی، تاریخ الکوفه، نجف: چاپخانه الحیدریة، ۱۳۵۶ ه. ق (۱۹۳۷ م)، ص ۲۱۵؛ محمّد حرز الدین، پیشین، جزء دوم، صص ۳۵۳ – ۳۵۰. ۲۲۳) محمّد حرز الدین، پیشین، جزء اوّل، صص ۵۵ – ۵۶. ۲۲۴) سلمان هادی طعمة، کربلا فی الذاکرة، ص ۱۶۷. ۲۲۵) المنجد فی اللغة و الاعلام، صص ۶۶۴ – ۶۶۳، چاپ ۳۴، بیروت: دار المشرق. ۲۲۶) سوره مبارکه آل عمران، آیه ۹۷. ۲۲۷) شیخ طه الولی، المساجد فی الاسلام، ص ۱۰۸. ۲۲۸) شیخ فرج العمران القطیفی، الازهار الارجیة فی‌الاثار الفرجیة، ج ۷، ۱۳۸۳ ه. ق (۱۹۶۴ م)، ص ۶۷ – ۶۴. ۲۲۹) سلمان هادی طعمة، کربلا فی الذاکرة، ص ۱۶۰. ۲۳۰) پیشین، ص ۱۶۲. ۲۳۱) Iraq and the Persian Gulf، Naval Intelligence Division، P. ۷۳۵. ۲۳۲) محمّد باقر مدرس، پیشین، ص ۳۳۳. ۲۳۳) میرزا ابوطالب خان بن محمّد اصفهانی، مسیر طالبی، چاپ هند، ۱۲۲۷ ه. ق (۱۸۱۲)، ص ۲۸۳. ۲۳۴) سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۱۱۲. ۲۳۵) عبد الجواد الکلیدار، پیشین، ص ۲۷۰. ۲۳۶) شیخ مفید، الارشاد، چاپ سوم بیروت، لبنان: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۹ ه. ق (۱۹۷۹ م)، ص ۲۴۳. ۲۳۷) مجله حوزة، شماره ۱۷۲، ص ۱۷۲ و نیز: سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۲۱۶. ۲۳۸) عبد الجواد الکلیدار، پیشین. ۲۳۹) بحار الانوار، علاّمه مجلسی، ج ۴، ص ۳۲۰. ۲۴۰) د. عبد الجواد الکلیدار، پیشین و نیز: سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۲۱۸. ۲۴۱) نورالدین شاهرودی، پیشین، ص ۲۹۳ و

نیز: سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۲۱۷. ۲۴۲) سلمان هادی طعمه، پیشین، صص ۲۳۳ – ۲۱۷ و نیز: نورالدین شاهرودی، پیشین، صص ۲۹۷ – ۲۹۳. ۲۴۳) شیخ محمّد صادق کرباسی، دائرة المعارف الحسینیة، مقدمة معجم المشاریع الحسینیة، زیر چاپ. ۲۴۴) هبة الدین شهرستانی، نهضة الحسین، قم، ایران: منشورات الرضی، چاپخانه امیر ۱۳۶۳ ه. ق (۱۹۴۴ م)، ص ۱۷۵. ۲۴۵) سیّد محسن امین، پیشین، ط ۱، الدار العالمیة للمطبوعات، بیروت/لبنان: ۱۴۰۳ ه. ق (۱۹۸۴ م)، ص ۱۸۱. ۲۴۶) نور الدین شاهرودی، پیشین، ص ۲۹۱ و نیز: سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۲۲۴. ۲۴۷) شیخ محمّد صادق کرباسی، پیشین، قسم مدینة الحسین، زیر چاپ. ۲۴۸) مجلة لغة العرب البغدادیة، ش ۴، آوریل ۱۹۳۱، ص ۳۰۰. ۲۴۹) مجلة الموسم، ش ۱۱، بیروت: دار الموسم للاعلام، ۱۹۹۰، ص ۹۱۱. ۲۵۰) مجلة الطریق الاسلامی، ش ۵۶، ص ۳۹، چاپ بیروت. ۲۵۱) محمّد باقر مدرس، پیشین، صص ۳۲۴ – ۳۲۳. ۲۵۲) نورالدین شاهرودی، پیشین، صص ۲۹۸ – ۲۹۷ و نیز: سلمان هادی طعمه، پیشین، صص ۲۲۵ – ۲۲۴. ۲۵۳) محافظه کربلا بین التراث و المعاصرة، اصدار محافظه کربلاء الادارة المحلیة، ۱۹۷۴، ص ۱۰۱ و نیز: نورالدین شاهرودی، پیشین، ص ۲۷۷. ۲۵۴) شیخ محمّد صادق کرباسی، پیشین، فصل الحرکة العلمیة فی کربلا، نسخه خطی زیر چاپ. – مجلة حوزة، صص ۱۷۲ – ۱۷۱، ش ۶، قم/ایران: کتابخانه تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۶ ه. ق (۱۹۹۶ م) و نیز: د. عبد الجواد الکلیدار، پیشین، ص ۱۷۷. ۲۵۵) د. عبد الجواد ناجی، دراسات فی تاریخ المدن العربیة الاسلامیة، عراق: مطبعة جامعة البصرة، ۱۹۸۶؛ ص ۳۰۵؛ شیخ طه ولی، المساجد، ص ۸۴؛ عفیف بهنسی، الفن الاسلامی، چاپ اوّل، دمشق، دارطلاس للدراسات و الترجمه و النشر، ۱۹۸۶، ص ۱۲۳. ۲۵۶) رحلة ابن بطوطة، ص ۲۳۳ و نیز: نور الدین شاهرودی، پیشین، صص ۴۳ – ۴۲ و نیز: سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۲۸۸. ۲۵۷) نور الدین شاهرودی: تاریخ الحرکة العلمیة فی کربلا، صص ۲۷۸ و ۲۷۷. ۲۵۸) محافظة کربلا بین التراث و المعاصرة، اصدار محافظة کربلا، ص ۱۰۱. ۲۵۹) فاضل حسینی میلانی، دراسات حول کربلا و دورها الحضاری، چاپ اوّل، ۱۹۹۶، ص ۶۲۵ . ۲۶۰) Madam j.Dieulafoy_Laporse: Lachaldee،et.La Susiane)Paris۷۸۸۱(. ۲۶۱) رؤوف محمّد علی انصاری، جریدة الحیاة، ۱۹۹۵. ۲۶۲) عبد الجواد الکلیدار، پیشین، صص ۱۷۷ و ۲۷۰. – مجله حبل المتین، ش ۴، ش ۱۸، ۱۳۲۸ ه. ق (۱۹۱۰)، ص ۲۱. – سلمان هادی طعمه، پیشین، صص ۲۰۳ – ۲۰۲. ۲۶۳) د. عبد الجواد الکلیدار، پیشین، ص ۱۷۷ و نیز: سلمان هادی طعمه، پیشین، ص ۲۰۳. ۲۶۴) همان، صص ۱۷۷ و ۲۷۰. ۲۶۵) السیّد حسن الصدر، نزهة اهل الحرمین فی عمارة المشهدین، صص ۳۱ – ۲۹. محمّد حسن مصطفی آل کلیدار، مدینة الحسین، ج ۲، چاپ اوّل، ۱۳۶۸ ه. ق (۱۹۴۹ م) ص ۹۹. ۲۶۶) محمّد حسن مصطفی آل کلیدار، همان، ص ۱۰۶. ۲۶۷) عماد عبدالسلام رؤوف، حضارة العراق، ج ۱، صص ۱۸۵ – ۱۸۴. شمس‌الدین المقدّسی، احسن التقاسیم فی ذکر الاقالیم، ۱۹۰۶ م، ص ۱۱۷. ۲۶۸) Sinclair، W.F.: The Travels of Pedro Teixira، P.۱۵.Iraq and the Iraq and the Persian Gulf، Naval Intelligence Division، P.۷۳۵. ۲۷۰) Mrs.E.S.Stevens: By Tigris and Euphrates، PP.۹۳-۲۴. ۲۷۱) مصطفی عباس الموسوی، العوامل التاریخیة للنشأة و تطور المدن العربیة الاسلامیة، دار الرشید للنشر، ص ۳۳۹، ۱۹۸۲ م. و نیز: رؤوف محمّد علی الانصاری، جریدة الحیاة، ش ۱۲۴۳۰ لندن ۱۹۹۷، ص ۲۱. ۲۷۲) رؤوف محمّد علی الانصاری، همان. ۲۷۳) سعید الافغانی، اسواق العرب فی الجاهلیة والاسلام، دمشق، ۱۹۶۰ م، ص ۱۹۳. – Hassan Riaz، "Islamic and Urbanization in the Middle East".in Existics No.۵۹۱، P.۰۹۱، Feb.۲۷۹۱. ۲۷۴) اصالة المدن العربیة»، آفاق عربیة، س ۳، ش ۱، سپتامبر ۱۹۷۷، ص ۳۵. – د. رؤوف محمّد علی الانصاری: پیشین. ۲۷۵) د. هاشم خضیر الجنابی، «المدینة الاسلامیة و خصائصها»، مجلة التربیة و التعلیم (جامعة الموصل)، ش ۲، ۱۹۸۰، ص ۳۳۰. ۲۷۶) د. رؤوف محمّد علی الانصاری، پیشین. ۲۷۷) الشیخ محمّد صادق الکرباسی، دائرة المعارف الحسینیة، قسم مدینة کربلا، زیر چاپ. ۲۷۸) سلمان هادی طعمة، کربلا فی الذاکرة، صص ۳۲۱ – ۳۱۲. ۲۷۹) حسن ابراهیم حسن، تاریخ الإسلام، بیروت لبنان، دار احیاء التراث العربی، ص ۴۱۳. مصطفی عباس الموسوی، العوامل التاریخیة لنشأة و تطور المدن العربیة و الإسلامیة، ص ۲۶۶. ۲۸۰)

الشیخ محمّد صادق الکرباسی، دائرة المعارف الحسینیة، قسم مدینة کربلا، زیر چاپ. ۲۸۱) رؤوف محمّد علی الانصاری، پیشین. ۲۸۲) همان. ۲۸۳) سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۱۷۲. ۲۸۴) طارق جواد الجنابی، حضارة العراق، ج ۱۰، صص ۳۵۱ – ۳۵۰. ۲۸۵) ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، بیروت، طباعة دارالفکر، ص ۱۴۶. علی‌اکبر دهخدا: لغةنامه، ماده کاروان، چاپ جامعة طهران، ۱۹۵۹ م، ص ۱۴۸. ۲۸۶) اعتماد یوسف القصیری، سومر، ج ۳۸، ص ۲۴۷ جلدهای ۱ و ۲، ۱۹۸۲ م، عن المؤسسة العامة للآثار و التراث، عراق، وزراة الثقافة و الإعلام. ۲۸۷) د. مصطفی جواد، دلیل خارطة بغداد المفصل، احمد سوسه، ص ۲۰۶، مطبعة المجمع العلمی العراقی، ۱۹۲۹ م. ۲۸۸) اعتماد یوسف القصیر، پیشین. ۲۸۹) طارق جواد الجنابی، پیشین. ۲۹۰) طارق نافع الحمدانی و الدکتورة صباح ابراهیم الشیخلی، المدینة و الحیاة المدنیة، ج ۲، بغداد: دار الحریة الطباعة، ۱۹۸۸. ۲۹۱) طارق جواد الجنابی، پیشین، ۳۵۰، و نیز: طارق نافع حمدانی، المدینة والحیاة المدنیة، ج ۲، ص ۳۴۲. ۲۹۲) طارق نافع الحمدانی، صباح الشیخلی، پیشین، ص ۳۴۴. ۲۹۳) سلمان هادی طعمه، پیشین، صص ۱۷۲ – ۱۷۱. ۲۹۴) طارق نافع الحمدانی و صباح الشیخلی، پیشین، ص ۳۴۳. ۲۹۵) همان، صص ۳۴۴ – ۳۴۳ و نیز: طارق جواد الجنابی، پیشین، ص ۳۵۳. ۲۹۶) عیسی سلمان و هناء عبدالخالق و نجاة یونس، العمارات العربیة الاسلامیة فی العراق، ج ۱، بغداد: دار الحریة للطباعة ۱۹۸۲، ص ۳. طارق جواد الجنابی، پیشین، ۳۵۱ و نیز: طارق نافع الحمدانی و صباح الشیخلی، پیشین، ص ۳۴۴. ۲۹۷) اعتماد یوسف القصیری، پیشین. ۲۹۸) پیشین. ۲۹۹) طارق جواد الجنابی، پیشین، صص ۳۵۳ – ۳۵۲. ۳۰۰) العمارات العربیة الأسلامیة فی العراق، ص ۴۲ و نیز: اعتماد یوسف البقیری، پیشین، ۲۵۰. ۳۰۱) سلمان هادی، پیشین، ص ۱۲۶. ۳۰۲) رؤوف محمّد علی الانصاری، «الحمّامات الإسلامیة فی‌العراق»، روزنامه الحیاة، ش ۱۲۴۸۹، ۱۹۹۷ م، ص ۲۱. ۳۰۳) زینب صادق علی السمکری، سومر، المؤسسة العامة للآثار و التراث، مجلد ۴۴، جزءهای ۱ و ۲، ۱۹۸۶ – ۱۹۸۵، عراق: وزارة الثقافة و الإعلام، صص ۱۴۲ – ۱۴۱. ۳۰۴) رؤوف محمّد علی الانصاری، پیشین. ۳۰۵) الکشاف الأثری فی‌العراق، وزارة الثقافة و الإعلام، ص ۲۱۷. ۳۰۶) عبدالجبار ناجی، دراسات فی تاریخ المدن العربیة الإسلامیة، ص ۳۰۶. ۳۰۷) ابن بطوطة، رحلة ابن بطوطة، ج ۱، مصر، مطبعة الجزیرة، ۱۹۰۵، صص ۱۳۲ – ۱۶۶. ۳۰۸) احمد بن یحیی البلاذری، فتوح البلدان، القاهرة؛ نشر صلاح‌الدین المنجد، ۱۹۵۷ م، ص ۳۵۵. ۳۰۹) سلمان هادی طعمة، «الحمامات الشعبیة فی کربلاء»، مجلة التراث الشعبی البغدادیة، ش ۱۲، ۱۳۹۲ ه. ق (۱۹۷۲ م) ص ۶۱. ۳۱۰) مجلة لغة العرب البغدادیة، ص ۱۵۸، ش ۵، ۱۳۲۹ ه. ق (۱۹۷۲ م). ۳۱۱) سلمان هادی طعمة، پیشین. ۳۱۲) رؤوف محمّد علی الأنصاری، پیشین. ۳۱۳) محمّد حسن مصطفی آل کلیدار، پیشین. ۳۱۴) همان، سلمان هادی طعمة، کربلاء فی‌الذاکرة، ص ۳۸۰. ۳۱۵) محمّد حسن مصطفی آل کلیدار، پیشین، ص ۲۶. السید ابراهیم شمس‌الدین القزوینی، البیوتات العلویة فی کربلاء، ج ۱ صص ۲۱ – ۱۷. سلمان هادی طعمه، الحمامات الشعبیة فی کربلاء، پیشین، الثانی ۱۳۹۲ ه. ق (۱۹۷۲ م). ۳۱۶) رؤوف محمّد علی الانصاری، ش ۱۱۲۹۹، لندن، ۱۹۹۴، ص ۱۸. – سلمان هادی طعمة کربلا فی الذاکرة، ص ۴۰۶. ۳۱۷) John warren: Ur Magazine، The Traditional Houses of Baghdad. P.۷، Published by the Iraq Cultural centre، london ۳۸۹۱. ۳۱۸) فریال مصطفی، البیت العربی فی‌العراق فی العصر الاسلامی، وزارة الثقافة والإعلام فی العراق، بغداد: الحریة للطباعة، ۱۹۸۲، ص ۱۱۰. ۳۱۹) سلیمه عبد الرسول، المبانی التراثیة فی بغداد، وزارة الثقافة و الإعلام، بغداد: المؤسسة العامة للآثار و التراث، ۱۹۸۷، ص ۲۴. – Mr.Frankfort H.: Art and Architecture، London ۲۵۹۱، P.۵۵. ۳۲۰) علیف بهنسی، الفن الإسلامی، چاپ اوّل، دمشق: دار اطلاس للدراسات و الترجمة و النشر، ۱۹۸۶، ص ۱۱۶. ۳۲۱) رؤوف محمّد علی الانصاری، پیشین، ش ۱۲۴۵۸، لندن، آوریل ۱۹۹۷ م. ۳۲۲) همان، ش ۱۱۲۹۹، لندن، کانون الثانی ۱۹۹۴. ۳۲۳) محمّد مکیه، الدور البغدادیه و التراث السکنی، قامت بنشره نقابة المهندسین العراقیین، ۱۹۶۹، ص ۲۸. ۳۲۴) سلیمه عبدالرسول، المبانی التراثیة فی بغداد، ص ۳۰. ۳۲۵) معاذ الآلوسی، «الممیزات البارزة فی‌البیت العراقی»، مجلة العاملین فی النفط، ش ۳۶، بغداد، ۱۹۶۵، ص ۴. – Jovan Krunic: Art Architeetural Traditions and new Architecture of Iraq، The House

of Baghdad its old & modern concept، Sumer، Vol. ۸۱، ۲۶۹۱، Op.۴. ۳۲۶) فریال مصطفی، البیت العربی فی العراق فی العصر الإسلامی، صص ۱۱۵ - ۱۱۴. E.J.Keal: Art)Some thoughts on the Eywan(، Studies in Honor of George C.Miles، PP.۱۸۹۱، ۹۹. ۳۲۷) محمّد التونجی، المعجم الذهبی فارسی عربی، بیروت: دارالعلم لملایین، ۱۹۶۸، ص ۳۴۳. ۳۲۸) محمّد باقر الحسینی، «الأخیضر»، مجله سومر، ج ۲۲، ۱۹۶۶، صص ۸۱ - ۸۵. - G.Bell: Palace and Mosque at Ukhaidhir، ۱۱، Oxford ۴۱۹۱. ۳۲۹) فریال مصطفی، البیت العربی فی العراق فی العصر الإسلامی، صص ۱۱۹ - ۱۱۸. جلال الحنفی، معجم اللغة العامیة البغدادیه، ج ۲، بغداد: مطبعة اسعد ۱۹۶۶، ص ۲۰. ۳۳۰) رؤوف محمّد علی الانصاری، پیشین، ش ۱۱۲۹۹، ژانویه ص ۱۸. ۳۳۱) همان، ص ۲۰، ش ۱۲۸۶۱، ۱۹۹۸م. ۳۳۲) پیشین. - سلیمة عبدالرسول، المبانی التراثیة فی بغداد، ص ۶۲. ۳۳۳) د. مصطفی جواد، پیشین، ۲۴۴. ۳۳۴) الإمام محمّد عبده، شرح نهج البلاغة للإمام علی بن ابی طالب‌علیه السلام، ج ۲، ص ۹. ۳۳۵) رؤوف محمّد علی الانصاری، پیشین، ش ۱۲۹۴۳، آگوست ۱۹۹۸، ص ۱۸. ۳۳۶) سلمان هادی طعمة، کربلاء فی الذاکرة، ص ۴۱۳. ۳۳۷) رؤوف محمّد علی الانصاری، صحیفة الحیاة، ش ۱۲۴۵۸، آوریل ۱۹۹۸، ص ۲۱. ۳۳۸) سلمان هادی طعمة، پیشین، ص ۴۰۶ . ۳۳۹) الکشاف الأثری، ص ۲۱۵ . ۳۴۰) K.A.C. Creswell، "Early Muslim Architecture،" Vol.II،Oxford، ۲۳۹۱. P.۰۵. _ G. L. Bell، Palace and Mosque at Ukhaidhir، Oxford، ۴۱۹۱.P.۴. ۳۴۱) K.A.C. Creswell: Early Muslim Architecture، Vol.II،Oxford،۲۳۹۱. P.۰۵. ۳۴۲) عبدالعزیز حمید، سومر، ج ۳۷، ۱۹۸۱ م، ص ۱۷۲ و نیز: الکشاف الأثری، ص ۲۱۵. ۳۴۳) الکشاف الأثری، صص ۲۱۶ - ۲۱۵. ۳۴۴) مظفر الشیخ قادر، «مسکوکات من الأخیضر»، مجلة المسکوکات، ش ۱، بغداد، ۱۹۶۹، ص ۲۰. عبدالعزیز حمید، سومر، ج ۳۷، ص ۱۷۱. ۳۴۵) سلمان هادی طعمة، تراث کربلاء، ص ۱۲۲. جلیل العطیة، جریدة الشرق الأوسط، ش ۶۳۴۳، لندن، ۱۹۹۶، ص ۱۵. ۳۴۶) G.L.Bell: Amurath to Amurath، PP.۷۴۱-۵۵۱. - K.A.C.Creswell: Earty Muslim Architecture، Vol. II، PP.۲۵ _ ۰۷. ۳۴۷) Pedestrain - scaled environment. ۳۴۸) Monumental. ۳۴۹) on street parking. ۳۵۰) off street parking. ۳۵۱) اضواء کاشفه علی محافظه کربلا، ۱۹۷۱ ص ۳؛ دائرة المعارف البریطانیه، ج ۶، ص ۷۴۱ . ۳۵۲) فاضل الانصاری، سکان العراق، چاپ اوّل، دمشق، ۱۹۷۰، صص ۵۹ و ۱۱۹ . ۳۵۳) Geographic Information System. ۳۵۴) DIM: Dijital Terrain Model. ۳۵۵) زمانی که از زمین به آسمان نگاه می‌کنیم، آسمان را دایره بسیار بزرگی فرض می‌کنیم که ستارگان در این کره جای گرفته‌اند و زمین در مرکز این کره واقع است. هنگامی که فرد به آسمان نگاه می‌کند، مکانی که دقیقاً بالای سر او قرار دارد، «سمت الرأس» نامیده می‌شود و پایین‌ترین نقطه‌ای که فرد می‌تواند در زیر پای خود ببیند، «سمت القدم» نامیده می‌شود.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ

وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه

کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

معمار گلد

@memargold

مرکز تحقیقات رایانه‌ای

قائمیه اصفهان

برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹